اطلاعات

چهارشنبه ۱۲ تیر ۱۳۹۲ ـ ۲۴ شعبان ۱۴۳۴ـ ۳ جولای ۲۰۱۳ ـ شماره ۲۵۶۳۰ ـ ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه ـ ۲۰۰ تومان

یزد، اصفهان و بندرعباس در خطر جیره‌بندی آب

* معاون شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور: بسیاری از شهرهای کشور دچار تنش آبی هستند
* در حال حاضر فقط ۳ شهر کوچک به طور جدی دارای برنامه نوبت‌بندی آب هستند

صفحه ۴

تلاش اعراب برای توقف پیشروی ارتش سوریه از طریق شورای امنیت

* ارتش سوریه پس از حمص در حال پیشروی به سوی حلب است
* تروریست‌های سوری یک کشیش را سر بریدند
* هیأتی از منافقین با برخی مخالفان سوری در اردن دیدار کرد

صفحه ۱۶

در گفتگو با راشاتودی

احمدی‌نژاد: روحانی منتخب مردم است و همه به او کمک خواهند کرد

* شاخص‌های درآمدی و توزیع ثروت در کشور بهبود یافته است
* صادرات غیرنفتی کشور ۷ برابر افزایش یافته است که این نشانه نشاط و توسعه اقتصادی است
* اقتصاد ایران تا ۳ سال آینده به رتبه پانزدهم جهان خواهد رسید
* گفتگو ابزاری برای تحمیل نیست و باید در شرایط عادلانه باشد
* گفتگو بهترین راه برای حل اختلافات و تفاهم و تقویت دوستی‌ها است
* حق همه ملت‌هاست که از آزادی و رفاه برخوردار باشند

رئیس جمهوری با اشاره به این که امروز بسیاری از مرزها برداشته شده است و اندیشه ها از حوزه انسانی با هم در ارتباط هستند، تصریح کرد: امروز انسان ها به عدالت و آرزوهای تاریخی فکر کرده اند و سرعت تحول به سمت عدالت بسیار بالاست و هر حاکمی اگر در این جهت حرکت نکند، مطمئنا از مردم عقب خواهد افتاد.

دکتر محمود احمدی‌نژاد در گفتگوی زنده تلویزیونی با شبکه راشاتودی روسیه، در پاسخ به سئوالی مبنی بر این که بسیاری معتقدند ایران بعد از دولت های نهم و دهم دچار مشکلات متعدد اقتصادی شده و از لحاظ ژئوپلتیک در انزوا به سر می برد، ارزیابی شما از این هشت سال چیست؟ گفت: مشکلات و مسائل اقتصادی موضوعی است که امروز در جامعه بین المللی و در همه کشورها وجود دارد، چرا که یک رُکود جهانی در اقتصاد دنیا به وجود آمده و بحران فعلی یک بحران عمومی است.

بقیه در صفحه ۲

احمدی‌نژاد و پوتین در چارچوب روابط و همکاری‌های دوجانبه گفتگو کردند

ضرب‌الاجل ارتش مصر برای مصالحه گروههای سیاسی

* حوادث اخیر مصر تاکنون ۱۶ کشته و ۹۰۰ زخمی برجا گذاشته است
* پس از پایان ضرب‌الاجل ارتش مصر، در کشور حالت فوق‌العاده اعلام خواهد شد
* وزارت کشور، یگان ویژه «صاعقه» و چتربازان ارتش مصر حمایت کامل خود را از تظاهرکنندگان اعلام کردند

صفحه ۱۶

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی:

سیاست معقول و پرهیز از شتابزدگی، کشور را نجات می‌دهد

* با استناد مدارک قرآنی و روایی ثابت کردم که زنان می‌توانند در همه زمینه‌های جامعه حضور داشته باشند و رجل سیاسی مختص مردان نیست

صفحه ۲

انتقال پروازهای حج تمتع به فرودگاه امام

صفحه ۴

فرمانده ناجا: بازجوهای خشن کنار گذاشته می‌شوند

* استفاده از مانیتورینگ در بازداشتگاه و نظارت مداوم ناجا، موجب پیشرفت‌های فراوانی شده است

صفحه ۱۳

یادداشت

صداقت، رمز همدلی و حمایت

فتح ا... آملی

با ابلاغ بودجه سال ۹۲ توسط دولت به دستگاه‌ها، آنچه که از مضمون ردیف‌های بودجه و از خود این بودجه برمی آید، این است که امسال چیزی به نام ارز مرجع نداریم.

تا پیش از این اعلام می‌شد که ارز مرجع به کالاهای اساسی تعلق می گیرد و از این بابت نگرانی وجود ندارد، اما وقتی به سخنان رحیم ممبینی معاون بودجه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور دقت می کنیم در می‌یابیم که مبنای محاسبه نرخ ارز، همان قیمتی خواهد بود که در مرکز مبادلات اعمال می‌شود. ایشان اعلام کرده‌اند که از زمان ابلاغ بودجه امسال، ارز ۱۲۲۶ تومانی مبنای محاسبات نخواهد بود. این سخن به قدر کافی شفاف و گویا هست و نیازی به توضیح ندارد. یعنی وداع با ارز مرجع...

اما از طرف دیگر پورکاوه، مدیر کل تأمین و توزیع کالای وزارت صنعت، معدن و تجارت می گوید که در سه ماهه اخیر، ارز مرجع برای واردات ده قلم کالای اساسی و نهاده‌های دامی، هم به بخش خصوصی و هم به بخش دولتی تعلق گرفته است و ممبینی هم در تکمیل صحبت قبلی خود اعلام می کند که حتی اگر قیمت ارز ۲۴۵۰ تومان محاسبه شود مابه‌التفاوت قیمتی آن در بودجه دیده شده و فشاری برای مردم نخواهد بود...

اما در حالی که مسئولان با تناقض درباره وجود یا حذف ارز مرجع کالاهای اساسی سخن می گویند، نشانه‌های حذف ارز مرجع هم اینک نیز دیده می‌شود. چندی پیش وقتی خبر تغییر محاسبه ارز روغن منتشر شد، در فاصله کوتاهی این کالا کمیاب و افزایش قیمت قابل توجهی پیدا کرد. بعد بلافاصله با تکذیب خبر، بازار تا حدودی آرام شد، اما مصرف کننده شاهد بازگشت قیمت‌ها به قبل نبود. نگاهی به تفاوت قیمت روغن نسبت به سال گذشته مؤید این مسأله است.

این روزها هم فشاری که مردم بابت تهیه دارو و نیز افزایش قیمت آن احساس می کنند، گویای اتفاقاتی است که اگرچه رسماً اعلام نمی‌شوند، ولی لمس و درک می‌شوند. ظاهراً قرار است اندک اندک اصل ماجرا با مردم در میان گذاشته شود تا بازتاب خفیف‌تری داشته باشد، اما این نحوه اطلاع‌رسانی و این شکل تأیید و تکذیب در بازار ملتهب فعلی بخصوص در مورد کالاهای اساسی مردم و نیز اقلام سبد خوراکی نمی‌تواند رافع مشکل باشد.

به هرحال وقتی هم ردیف‌های درآمدی بودجه و هم ردیف‌های هزینه‌ای آن مشخص است گمان نمی‌رود که راز سر به مهری را بتوان در آن یافت و یا معجزه‌ای را انتظار داشت.

اگر معاونت بودجه معتقدند که در بودجه مابه‌التفاوت نرخ ارز برای کالاهای اساسی دیده شده است باید مشخص کنند که این مابه‌التفاوت از کدام محل درآمدی پیش‌بینی شده است؟

و اگر تنها برای آرامش بازار و مردم چنین سخنانی مطرح می گردد باید دانست که با گذشت زمان و روبرو شدن مردم با واقعیت، این اعتماد جامعه است که به حکومت و دولت آسیب می‌زند.

حذف ارز مرجع از کالاهای اساسی به این معناست که اگر تا به‌حال گندم بر مبنای محاسبه ۱۲۲۶ تومان وارد و تحویل کارخانه‌های آرد و نانوائی‌ها می‌شد از این پس با نرخ دو برابر گذشته خریداری می‌شود و مشخص است که این اضافه را باید از مردم گرفت و یا دولت آنرا به عنوان یارانه بدهد.

در مورد سایر اقلام فهرست کالاهای اساسی نیز همین رابطه حاکم است.

به بیان دیگر اگر فرض کنیم که دولت برای واردات کالاهای اساسی نیاز به ده میلیارد دلار ارز دارد یا باید معادل ریالی آنرا از مردم بگیرد و یا از محل درآمدهای تعریف شده خود معادل حدود سیزده هزار میلیارد تومان را برای پرداخت این مابه‌التفاوت به این امر اختصاص دهد. (فاصله ۱۲۲۶ تا ۲۴۵۰)

گمان نمی کنم فردی یا کارشناسی موافق باشد که ارز و نظام قیمت گذاری ارزی چند قیمتی باشد. چون همه می‌دانیم که چند نرخی شدن و یا چند نرخی بودن قیمت ارز (چه بخواهیم و چه نخواهیم) رانت آفرین و «فسادزا»ست پس بحث بر سر این نیست که همچنان نظام چند نرخی ادامه و استمرار داشته باشد. درباره قیمت ارز نیز حال دیگر، هیچکس تردیدی ندارد که نمی‌شود قیمت ارز را ۱۲۲۶ تومان تعیین کرد (که هیچ نسبتی با شرایط و اقتضائات اقتصادی کشور به‌ویژه با وضع فعلی تولید ملی و درآمدهای ارزی کشور ندارد) اما همه حرف و سخن این است که افزایش قیمت کالاهای اساسی در شرایط فعلی (به‌ویژه اگر قرار باشد قیمت اقلام عمده کالاهای اساسی دو برابر شود) فشار مضاعفی بر اقشار فرودست جامعه وارد می‌آورد. نکته دیگر اما این است که دولت می‌تواند مبنای قیمتی ارز را همان ۲۵۰۰ تومان در نظر بگیرد و اتفاقاً با ارز مرجع هم خداحافظی کند اما مابه‌التفاوت آن‌را به عنوان یارانه بپردازد به این ترتیب هم برای کشاورزان و تولیدکنندگان کالاهای اساسی مزیت نسبی تولید ایجاد می‌شود و هم رفته‌رفته از وابستگی کشور به واردات می‌کاهد که البته برای این کار هم نیازمند منابع درآمدی است. در این صورت باید این میزان یارانه را با کاستن از یارانه سایر کالاها از جمله حامل‌های انرژی که در دستور قانون هدفمندی نیز هست جبران کند و این اقدام بسیار بهتر از این است که کالاهای اساسی سبد خانوار را (حداقل فعلا) با افزایش قیمت غیر معمول روبرو کند و از آن بدتر آنکه برخی از مسئولان با سخنان ضد و نقیض و با عدم شفافیت یک روز از حذف ارز مرجع و دیگر روز با تکذیب آن به سنجش واکنش‌های افکار عمومی و بازار و نوعی آزمایش رفتاری و عکس‌العملی دست بزنند که اگر صدای زیادی در نیامد مسأله را جا بیندازند و اگر صداها فریاد شد به عقب نشینی روی آورند!

چرا نمی‌خواهیم باور کنیم که اقدامات شتابزده، احساسی، موقتی و زودگذر و به کار بردن شیوه آزمون و خطا و عادت کردن به نقیض گویی، بی‌برنامگی و انفعال به قدر کافی به نظام مدیریتی و برنامه‌ریزی و فضای کسب و کار و اوضاع اقتصاد کشور و آرامش مردم آسیب‌زده است و دیگر نمی‌توان به آن روی آورد؟ و چرا نمی‌خواهیم بپذیریم که صداقت و بیان واقعیت‌ها با شفافیت و صداقت و اعتماد کردن به مردم و صفا و همراهی مردم و همدل شدن با آنان و بی‌پرده سخن گفتن با آنان و یاری خواستن از آنها و عقل و خرد جمعی آنان و نخبگان و دلسوزان، بهترین، خداپسندانه‌ترین و مفیدترین کار ممکن است؟!

اخبار کوتاه

پاسخ رئیس جمهوری منتخب به پیام های تبریک سران کشورها

دکترحسن روحانی رئیس جمهوری منتخب ملت ایران در پاسخ به پیام تبریک یوآخیم گاووک رئیس جمهوری فدرال آلمان از گسترش و تحکیم مناسبات دو کشور استقبال کرد.

رئیس جمهوری منتخب با تشکر از پیام تبریک رئیس جمهوری آلمان، اظهارامیدواری کرد که روابط دو کشور براساس احترام متقابل و منافع مشترک و در جهت افزایش همکاری های دوجانبه، منطقه‌ای و بین المللی تداوم و هرچه بیشتر توسعه یابد.

روحانی در پاسخ به پیام تبریک اسلام کریم اف، رئیس جمهوری ازبکستان اعلام کرد که اراده دولت یازدهم ایران بر تحکیم و توسعه روابط با کشورهای منطقه و همسایه که متضمن صلح و ثبات است، استوار خواهد بود و یقینا ازبکستان جایگاه ویژه ای در آن خواهد داشت.

رئیس جمهوری منتخب ملت ایران در پاسخ به پیام تبریک چرونگ تن سانگ رئییس جمهوری ویتنام هم ابراز امیدواری کرد که دو کشور شاهد افزایش هرچه بیشتر مناسبات فی ما بین باشند.

کاهش ساعت کاری ادارات تهران در ماه رمضان

معاون عمرانی استاندار تهران گفت: طبق روال هر ساله در ماه رمضان یک ساعت از ساعت کاری ادارات کاسته می‌شود که پس از مصوبه هیات دولت اعلام خواهد شد.

مهندس محمدرضا محمودی در گفتگو با ایسنا، درباره تغییر ساعات کاری ادارات در ایام ماه مبارک رمضان افزود: کاهش ساعت کاری ادارات منوط به مصوبه هیات دولت است و چنانچه امسال هم هیات دولت آن را تصویب کند ساعت اداری دستگاه‌های دولتی از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۳:۳۰ خواهد بود. وی با بیان این که این تغییر ساعت شامل همه دستگاه‌های دولتی در سراسر کشور از جمله تهران خواهد بود، گفت: پس از تصویب هیات دولت تغییر ساعت اداری در ماه رمضان اعلام می‌شود.

معاون عمرانی استاندار تهران درباره تغییر ساعات محدوده طرح ترافیک گفت: ساعت اعمال محدودیت طرح ترافیک در پایتخت یک ساعت در ماه رمضان کاهش خواهد داشت.

انتقاد از تراکم فروشی بی‌رویه در مناطق ۱ و ۲ تهران

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: «وضع مناطق ۱ و ۲ تهران از لحاظ فروش تراکم بی‌رویه بسیار بد است که این موضوع به مشکلات اجتماعی منجر می‌شود.»

به گزارش خبرنگار اطلاعات، این مطلب را دکتر معصومه ابتکار رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر دیروز در جلسه علنی اعلام کرد و توضیح داد: بلند مرتبه‌سازی‌های بدون رعایت ضوابط و برخلاف طرح تفصیلی هم در جای جای این مناطق دیده می‌شود، در حالی که مسئولان شهرداری تأکید کرده بودند که فقط در لکه‌های مشخص از طرح تفصیلی، می‌توان بلند مرتبه‌سازی کرد. او با مثال زدن چند ساختمان در محدوده‌های اقدسیه و اندرزگو، ادامه داد: در منطقه ۲ هم آن قدر تراکم فروشی شده است که برای یک میلیون نفر جمعیت دیگر، خانه ساخته می‌شود و این جمعیت پذیری باید مورد بررسی قرار گیرد.

مهندس مهدی چمران رئیس شورا هم در این باره اظهار داشت: متأسفانه آنچه در سطح شهر اجرا می‌شود گاهی خلاف مصوبات شورای شهر است که در زمینه تخلفات تراکم‌فروشی و بلند مرتبه‌سازی باید موارد در کمیسیون ماده ۵ بررسی شود.

در گفتگو با راشاتودی

احمدی‌نژاد: روحانی منتخب مردم است و همه به او کمک خواهند کرد

بقیه از صفحه اول

وی افزود: علاوه بر این، مشکلات ایران متاثر از تحریم های یکسویه زیاده‌خواهان است که این وضع را برای کشورمان دشوارتر خواهد کرد.

رئیس‌جمهوری با بیان این که علیرغم فشارها و تحریم های دشمنان و وضع اقتصادی اکنون جهان، پیشرفت های اقتصادی ایران بسیار خوب و مطلوب بوده و شاخص های درآمدی و توزیع ثروت بهبود یافته و پیشرفت های صنعتی در کشور از رشد خوبی برخوردار است، تصریح کرد: امروز ایران تبدیل به صادر کننده سیمان، فولاد و نفت شده و صادرات غیر نفتی کشورمان هفت برابر افزایش یافته که این نشانه نشاط و توسعه اقتصادی است.

احمدی‌نژاد با اشاره به این که ایران از نظر علمی ارتقا یافته و سرعت رشد علمی در ایران ۱۱ برابر متوسط رشد جهانی است ، اظهار داشت: ایران در طول این هشت سال، تبدیل به کشوری فضایی و هسته ای شده و پیشرفت های گوناگونی در زمینه نانوتکنولوژی و بیوتکنولوژی و بسیاری از رشته های علمی دیگر داشته است، به گونه‌ای که امروز در زمره ۱۰ کشور پیشرفته جهان قرار دارد و سطح رفاه اجتماعی در آن بسیار بالا ست.

ردانزوای ایران

وی در پاسخ به این گفته مجری شبکه راشاتودی مبنی بر منزوی بودن ایران در جامعه جهانی، تصریح کرد: چگونه ایران منزوی شده است در حالی که امروز ما بیشترین ارتباط را با کشورهای دنیا داریم ؟

رئیس‌جمهوری با بیان این که دولت های غربی از ابتدای پیروزی ملت ایران با این مردم مخالف بوده و هیچ گاه به سمت همکاری نرفته اند، تصریح کرد: امروز هم آنها به خاطر از دست دادن منافع خود در ایران دائماً به مخالفت با کشورمان می پردازند.

احمدی‌نژاد گفت: امروز اقتصاد ایران در رتبه هفدهم جهان قرار دارد و با برنامه ریزی انجام شده تا سه سال آینده به رتبه پانزدهم خواهد رسید.

رئیس‌جمهوری با بیان این که ایران امروز با بسیاری از کشورها رابطه و تبادلات اقتصادی و تجاری دارد و حجم مبادلات تجاری غیررسمی کشورمان بیش از هفت برابر شده است، ادامه داد: اگر کشوری ضعیف و منزوی باشد، هیچ دلیلی ندارد که نظام سرمایه داری علیه آن برنامه ها و توطئه های گوناگون طراحی و اعمال کند.

رئیس‌جمهوری با اشاره به این که سالانه ۱۲ میلیون ایرانی به خارج از کشور سفر می کنند و با بیش از ۱۰۰ کشور جهان ارتباطات علمی پایدار داریم، تصریح کرد: متاسفانه چند کشور اقلیت خود را جامعه جهانی می دانند و اگر کسی با آنها مخالف باشد در این جامعه جهانی جایگاهی نخواهد داشت که البته این ادبیات آنها هیچ تاثیری در مناسبات ما با کشورهای جهان نخواهد داشت.

همکاری بارئیس جمهوری منتخب

احمدی‌نژاد در پاسخ به سئوالی در باره نظر وی پیرامون رئیس جمهوری منتخب ایران، تصریح کرد: رئیس جمهوری منتخب برای همه ملت محترم بوده و همگان به وی در اداره کشور کمک خواهند کرد تا کشور به اعتلاء و پیشرفت برسد.

رئیس‌جمهوری در پاسخ به این سئوال که اگر نامزد مورد حمایت شما در انتخابات حضور پیدا می کرد، آیا این حضور در نتیجه انتخابات تاثیر داشت، گفت: حتما این گونه بود.

وی در ادامه این سئوال که چرا نسبت به حضورنیافتن نامزد مورد حمایت خودتان اعتراضی نکردید، گفت: در جمهوری اسلامی ایران قانون بر همه روابط حاکم و ارجحیت داشته و ما فقط از قانون تبعیت کردیم.

احمدی‌نژاد در پاسخ به این سئوال که وقتی به قدرت رسیدید، کاندیدای مستقل بودید و خود را جدا از طیف های سیاسی کنونی ایران و روحانیت می دانستید، جناب عالی وضع روحانیت در ایران را چگونه ارزیابی می کنید، اظهار داشت: این موضوعات به یک سری مسائل پیچیده و گسترده باز می گردد؛ ملت ایران یک ملت فرهنگی است و همه مسئولان و گروه ها در خدمت مردم و کشور هستند و ما هم تا آخرین لحظه در خدمت مردم هستیم. رئیس جمهوری افزود: روحانیت در ایران یک قشر و طبقه جدا از مردم نیستند که بخواهند یک طبقه و حزب باشند؛ بلکه آنها مانند اقشار مردم در جامعه حضور داشته و محترمند.

احمدی‌نژاد در پاسخ به این سئوال که آیا در هشت سال گذشته، هر اقدامی را که خواستید ، توانستید انجام دهید، گفت: در مسئولیتی که داریم نمی توان هر اقدامی را انجام داد چرا که در چارچوب قانون، نظام اجتماعی و فرهنگ عمومی کار می کنیم؛ البته نمی توان همه آرزوهای خوب و متعالی را در مدت هشت سال محقق کرد؛ اما در دولت نهم و دهم به نسبت آنچه آرزو داشتیم موفقیت قابل توجهی کسب کردیم.

گفتگوبا آمریکا

رئیس جمهوری در پاسخ به این سئوال که چرا ایران هرگز با آمریکا گفتگوی مستقیم و رو در رو نداشته، تصریح کرد: معتقدیم گفتگو بهترین راه برای حل اختلافات است، اما این کار نیازمند شرایطی است و اگر کسی بخواهد با زور وارد گفتگو شده و طرف مقابل را به میز مذاکره بکشاند، قابل قبول نیست؛ چرا که گفتگو در حقیقت برای تفاهم و تقویت دوستی ها بوده و ابزاری برای تحمیل نیست، بلکه باید در شرایط عادلانه باشد.

احمدی‌نژاد در پاسخ به این سئوال که فردی اخیراً اقدام به انتشار مدارک سری آمریکا می کند و مدعی است ایران تحت کنترل شدیدترین فناوری های جاسوسی و الکترونیکی آمریکا قرار دارد، آیا مسئولان ایران از این موضوع با خبر بوده اند، گفت: این یک موضوع طبیعی است و بالاخره وقتی که کشوری در مسیر پیشرفت حرکت کرده و پا به دنیای ارتباطات و الکترونیک می گذارد، مسلماً توسط دشمنان مورد هجمه و کنترل قرار خواهد گرفت؛ اما در مورد ایران وسعت این اقدامات به حدی نیست که اعلام شده است.

رئیس جمهوری در پاسخ به این سئوال که آیا با این اقدامات مقابله ای از سوی ایران صورت می گیرد، تصریح کرد: مطمئناً این یک جنگ نرم افزاری است و همانگونه که در گذشته حملاتی به شبکه های بانکی، اقتصادی، آب و برق کشور شده بود و متخصصان کشور با آن مقابله کردند، در آینده هم اینچنین خواهد بود.

احمدی‌نژاد در پاسخ به این سئوال که تحولات صورت گرفته در کشورهای عربی غیرقابل پیش‌بینی بود و هیچ کارشناس مسائل سیاسی فکر نمی کرد که نظام های موجود در این کشورها به این سرعت تغییر کند، آیا به نظر شما نظام ایران در این چارچوب از امنیت برخوردار است، گفت: این موضوع باید در دو فصل مورد بررسی قرار گیرد یکی از جنبه اتفاقاتی است که در کشورهای منطقه رخ داده و مردم این کشورها به سرعت به دنبال عدالت، آزادی، رفاه و تغییر شرایط هستند و جنبه دوم این که همه این اتفاقات پشت سر هم و در فاصله زمانی کوتاه رخ داده، این نمی تواند به طور کامل مردمی باشد، بلکه مطمئناً مدیریتی پشت این وقایع وجود دارد. رئیس جمهوری تصریح کرد: نه تنها در ایران، بلکه در سراسر کشورهای جهان، هیچ حاکمی نباید نسبت به جایگاه خود احساس امنیت و آرامش داشته باشد، چرا که امروز جامعه بشری به سمت پیشرفت، تعالی و رسیدن به سطحی برتر می رود و هنوز به جایگاه شایسته و واقعی خود نرسیده است.

مسائل مصروسوریه

احمدی‌نژاد در پاسخ به این سئوال که آیا اخوان المسلمین در مصر در قدرت باقی خواهند ماند، گفت: اخوان المسلمین یک جریان تاریخی و اندیشه ای است و تا زمانی که اندیشه ای برتر نسبت به آن ارائه نشود، باقی خواهد ماند؛ اما این که رئیس جمهوری مصر بخواهد همواره از این طیف سیاسی باشد، محتمل نیست؛ چرا که جامعه بشری امروز از این که بخواهد با یک حزب اداره شود، عبور کرده است؛ باید وجه مشترک و فرآیند اندیشه های ملت ها در صحنه ها باشد و مطمئنا در آینده ای نزدیک همه کشورهایی که با این اندیشه محدود اداره می شوند از جمله آمریکا دچار تغییر خواهند شد.

رئیس جمهوری در پاسخ به سئوالی در باره تحولات سوریه و این که غرب با فشار به سوریه به دنبال منزوی کردن ایران است، گفت: هنگامی که بحث سوریه مطرح است، پای رژیم صهیونیستی هم به میان می آید.

احمدی‌نژاد ادامه داد: معتقدیم این حق همه ملت هاست که از آزادی و رفاه برخوردار بوده و حاکم خود را خودشان تعیین کنند که در این چارچوب امروز دو راه و روش در سوریه مطرح است؛ اول این که عده ای بخواهند با جنگ به قدرت برسند که کار از پایه اشتباه است و این به معنای ادامه جنگ خواهد بود.

رئیس‌جمهوری اظهار داشت: روش دیگری که در سوریه برای حل مشکلات مطرح است، تفاهم ملی با برگزاری انتخاباتی آزاد است؛ چون معتقدیم این روش نه تنها برای سوریه، بلکه در سایر کشورها هم درست و مناسب است.

احمدی‌نژاد گفت: غربی ها نمی خواهند ناآرامی های سوریه تمام شود؛ چرا که ادامه این وضع یک فرصت تاریخی برای صهیونیست ها فراهم کرده تا بتوانند اقدامات خود را به راحتی در منطقه انجام دهند و از سوی دیگر خود غربی ها به بهانه سوریه مشکلات خود را به سایر کشورها منتقل کنند.

رئیس‌جمهوری اظهار داشت: آنها به دنبال ایجاد خاورمیانه ای جدید بوده و می خواهند از دل بحران در منطقه سودی به دست بیاورند.

تهدیدات رژیم صهیونیستی

احمدی‌نژاد در پاسخ به سئوالی در باره تهدیدات رژیم صهیونیستی درباره حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران اظهار داشت: معتقدیم سلاح هسته ای به هیچ وجه قابل استفاده نیست؛ چرا که امروز بسیاری از کشورها از جمله آمریکا که بیشترین سلاح هسته ای را در اختیار دارند، نمی توانند از آن استفاده کنند. جامعه جهانی از دورانی که می شد از سلاح هسته ای در آن استفاده کرد ، عبور کرده است، ضمن این که این سلاح وحشیانه‌ترین نوع سلاح در جهان است. رئیس جمهوری با تاکید بر این که ایران در طول تاریخ بدون استفاده از این قبیل سلاح ها از موجودیت خود دفاع کرده است ، گفت: دفاع ملت ایران یک دفاع سیاسی و فرهنگی است ، ضمن این که ایران چندین هزار سال در تاریخ و نقشه جغرافیایی حضور داشته و ریشه در خاک دارد، اما کسانی که جعلی بوده و سرزمینی را به زور ایجاد کرده اند، نیاز به استفاده از سلاح دارند.

احمدی‌نژاد خاطر نشان کرد: در دفاع از خود، در برابر صهیونیست ها نیاز به سلاح هسته ای نداریم؛ ضمن این که معتقدم آنقدر انسان عاقل در امریکا وجود دارند که اجازه این اقدام را به صهیونیست ها ندهند، اما به هر حال جمهوری اسلامی ایران در هر شرایطی آمادگی دفاع از خود را دارد.

گفتگو با خبرنگاران

رئیس جمهوری درگفتگو با خبرنگاران هم با بیان این که خوشبختانه هماهنگی خوبی میان همه اعضای مجمع صادرکنندگان گاز وجود دارد، تصریح کرد: حضور ایران و روسیه در کنار هم در مجمع صادرکنندگان گاز جهان موجب تقویت این مجمع و سرعت بخشی به کارها می شود.

دکتر محمود احمدی نژاد ظهر دیروز به وقت محلی در حاشیه حضور در دومین نشست سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز، در پاسخ به سئوالی درباره نقش ایران در مجمع صادرکنندگان گاز، اظهارداشت: ایران در تقویت این مجمع و پیشبرد مدیریت بازار گاز دنیا نقش بسیار مهمی دارد.

رئیس جمهوری با تاکید مجدد بر نقش ممتاز ایران در این مجمع جهانی یادآور شد که بخش بزرگی از ذخایر گاز جهان در اختیار ایران و روسیه است.

وی برگزاری اجلاس سران کشورهای صادر کننده گاز دنیا در مسکو را خوب توصیف کرد و اظهار داشت: در این دو روز گام های خوبی برای تقویت و انسجام صادرکنندگان گاز و نزدیک شدن دیدگاه های اعضا به سمت یک سازمان موثر بین المللی برداشته شد.

رئیس جمهوری همچنین در پاسخ به سئوالی درباره روابط ایران و روسیه گفت: چشم انداز روابط ایران و روسیه بسیار خوب است، این دو کشور همسایه های طبیعی هستند بدان معنی که به لحاظ جغرافیایی کنار هم قرار دارند و نمی توان جغرافیا را تغییر داد.

احمدی نژاد با بیان این که ایران و روسیه به لحاظ بلوک بندی هم در یک بلوک هستند، اظهارداشت: دو ملت ایران و روسیه در یک جبهه، به دنبال عدالت، استقلال و سرافرازی هستند و با دست اندازی، توسعه طلبی و یکجانبه گرایی بین المللی مخالف هستند.

دیدار باایرانیان مقیم مسکو

رئیس‌جمهوری با تاکید بر این که ماموریت ملت ایران در این برهه زمانی بسیار با ارزش است، گفت: باید فرهنگ انتظار و حکومت جهانی عدل را به بشر امروز معرفی کنیم چرا که همه تلاش شیاطین برای جدا کردن انسان ها از این فرهنگ و اندیشه هاست.

دکتر محمود احمدی‌نژاد شامگاه دوشنبه به وقت محلی در ادامه سفر به کشور روسیه در دیدار با خانواده های ایرانیان مقیم مسکو با بیان این که انسان موضوع مشترک همه بشریت بوده و خدای متعال همه عالم را برای انسان خلق کرده تا انسان ها در مسیر رسیدن به کمال و سعادت از آنها استفاده کنند، گفت: خداوند انسان حقیر، ضعیف، بی معرفت و بی حکمت را هرگز نخواسته بلکه می خواهد تا همه انسان ها بزرگ و باعظمت باشند که در این چارچوب زندگی دنیایی انسان ها بستر و فرصتی است تا از آن بهره مند شده و به کمال و سعادت دست یابند.

احمدی‌نژاد با تاکید بر این که در مسیر معرفی اندیشه و فرهنگ انتظار، هر ایرانی در جهان یک سفیر به شمار می رود که محبت، اخلاق، پاکی، عدالت و دلسوزی را منتقل خواهد کرد، گفت: ایمان دارم به هر مقدار که به این ماموریت جهانی توجه کنیم در سایر بخش های زندگی هم موفق خواهیم بود.

رئیس‌جمهوری با تاکید بر لزوم ساختن ایران در همه زمینه ها و تبدیل آن به یک الگوی جهانی این کار را یک وظیفه همگانی برشمرد و تصریح کرد: البته در این مسیر هیاهو بسیار زیاد است و عده قلیلی وجود دارند که می خواهند همواره به خاطر اهداف خود مشکلاتشان را به جامعه بشری منتقل کنند.

رئیس جمهوری همچنین روز گذشته با جمعی از نخبگان و اندیشمندان روسی دیدار و گفتگو کرد.

احمدی‌نژاد :نیروگاه بوشهر نماد همکاری‌های سازنده بین ایران و روسیه است

رئیس جمهوری کشورمان تصریح کرد: نیروگاه بوشهر به الگو و نمادی برای همکاری‌های سازنده بین ایران و روسیه تبدیل شده است.

به گزارش ایسنا ، محمود احمدی‌نژاد در دیدار با ولادیمیر پوتین در کاخ کرملین با بیان این مطلب،افزود: می‌توانیم این الگو را توسعه دهیم و نیروگاه‌های جدیدی بسازیم؛ گفتگوهای اولیه در این زمینه انجام شده است و دستور جنابعالی را می‌خواهد برای این‌که کار آغاز شود.

وی با بیان این‌که در زمینه نفت و گازهم میان ایران و روسیه تفاهم‌های خوبی وجود دارد، اظهارداشت: باید به سرعت این تفاهم‌ها را عملیاتی کنیم.

احمدی‌نژاد با قدردانی از روسیه، به خاطر به اتمام رساندن نیروگاه‌اتمی بوشهر خطاب به پوتین گفت: با قولی که شما در استانبول دادید، نیروگاه بوشهر تمام شد و در مدار قرار دارد.

وی افزود: همان گونه که شما اشاره کردید، عمده صادرکنندگان گاز در جهان ایران و روسیه هستند و همکاری و هماهنگی بین دو کشور به نفع ایران و روسیه و بازار انرژی در جهان است.

احمدی‌نژاد از مدیریت پوتین در برگزاری اجلاس سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز تشکر و قدردانی کرد و گفت: برای ایران و روسیه دستورکار گسترده‌ای برای توسعه همکاری‌ها وجود دارد.

احمدی‌نژاد همچنین اظهارداشت: ما هیچ محدودیتی برای توسعه روابط از همکاری‌های فناوری و نفت و گاز گرفته تا همکاری‌های علمی و تجاری نداریم.

در ادامه این دیدار، ولادیمیر پوتین از حضور احمدی‌نژاد در اجلاس سران مجمع کشورهای صادرکننده گاز تشکر کرد و این اجلاس را اجلاسی خوب و موفق دانست.

رئیس جمهوری روسیه با بیان این‌که ایران و روسیه دارای بیشترین منابع گاز هستند، آن را مبنایی برای منافع مشترک دانست و گفت: امروز این امکان وجود دارد که برای روابط دوجانبه و شرایط موجود منطقه گفتگو کنیم.

پوتین با تاکید بر ضرورت افزایش حجم مبادلات تجاری گفت: ما از طریق دریای خزر با هم همسایه‌ایم و در این چارچوب دارای منافع مشترکی هستیم و دستور کار بزرگی در پیش رو داریم.

رئیس جمهوری کشورمان پس از انجام این دیدار عازم تهران شد.

سامانه موشکی "اس ۲۰۰" پیشرفته تر شد

سرویس سیاسی –اجتماعی: فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص) با اشاره به تغییرات انجام گرفته در سامانه موشکی "اس ۲۰۰"، گفت: با انجام این تغییرات، زمان کشف، رهگیری و شلیک در این موشک به حداقل ممکن رسیده است.

امیر فرزاد اسماعیلی افزود: سامانه اس ۲۰۰ دیگر فقط علیه اهداف استراتژیک و تجمعی استفاده نمی‌شود، بلکه نقطه‌زنی هم می‌کند و قابل هدایت به سمت یک نقطه خاص هم هست. این یکی از برتری‌هایی است که در سیستم قبلی نبوده است.

فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء(ص) تاکید کرد: ارتباط بین کشف، شلیک و رهگیری در این سامانه به حداقل زمان ممکن رسیده است، این سامانه امروز برای پدافند هوایی به صورت آن لاین و در لحظه کار می‌کند و اکنون دیگر فقط اسم این سامانه اس ۲۰۰ است.

وی با بیان این که یکی از نکات مهم برای پدافند هوایی جلوگیری از غافلگیری در مواجهه با دشمن است، اظهار داشت: برای جلوگیری از غافلگیری نیازمند سیستم‌ها و سامانه‌هایی هستیم که هم پایدار باشند و هم بتوانند در یک فضای پر ابهام پاسخگویی خوبی داشته و بعد از پایدار بودن و پاسخگویی بتواند حداقل یک سیستم و سامانه جایگزین در سیستم و سامانه داخل میدان داشته باشد.

فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص) با اشاره به توانمندی کشور در حوزه های راداری گفت: در گذشته سامانه‌های ما فقط تجهیزات راداری از بعد استاتیک (استقراری) و در یک طیف فرکانس بود اما امروز این دو مساله را در پدافند هوایی منعطف و رادارهایمان را تاکتیکی و متحرک کردیم.

اسماعیلی در ادامه با اشاره به برخی دستاورد های حوزه درگیری و انهدام ،تاکید کرد: عملکرد جدید بین هواپیماهای طرح پدافندی نهاجا و سامانه‌های راداری قرارگاه پدافند هوایی یکی از این دستاوردهاست.

فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص) با بیان این که پیام سامانه‌های دفاعی ما صلح، دوستی و دفاع سرزمینی است، یادآور شد: مهمترین کاری که باید یک سیستم و سامانه دفاعی انجام دهد تهدیدشناسی است، اگر سامانه‌هایمان از رده خارج باشد خود آن تهدید است. پس نباید فکر کنیم که تهدید فقط بیرون از مرزهای ما است. عقب ماندن از تکنولوژی روز دنیا خود نوعی تهدید است.

وی در بخش دیگری از گفتگو با فارس، از رصد جنگندهای "اف ۲۲"آمریکایی که در امارات مستقر شده‌اند خبر داد و گفت: اگر ساعت و برنامه پروازی آنها به صورت ۱۰۰ درصد تحت رصد پدافند هوایی نباشد، محکوم به شکست و غافلگیری هستیم.

اسماعیلی در خصوص ویژگی‌های سامانه موشک پدافند هوایی قادر تاکید کرد: این سامانه از نظر تاکتیک به قدری منعطف است که می‌تواند برای اهداف متعددی به کار رود.

وی همچنین در خصوص ویژگی‌های سامانه موشکی مرصاد ۲ اظهار داشت: برد رادار جستجو و کشف این سامانه نسبت به گذشته افزایش یافته است یعنی در فاصله دورتری می‌تواند اهداف متخاصم را کشف کند و این به معنی دست بلند برای این سیستم است و همچنین این سامانه از چندین نوع سامانه تکی و ترکیبی برای مقابله با جنگ الکترونیک دشمن استفاده می‌کند.

سلطانیه:مقررات حفاظت فیزیکی برای تاسیسات چرخه سوخت ایران ایجاد شده است

نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: مقررات حفاظت فیزیکی برای نیروگاه اتمی بوشهر براساس سند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر اساس سند ۲۲۵ اصلاح و ارتقاء یافت.

به گزارش خبرگزاری فارس، علی اصغر سلطانیه در کنفرانس بین‌المللی امنیت هسته‌ای در وین با اشاره به این که ایران اقدامات سختگیرانه‌ای را در عرصه حفاظت فیزیکی از تاسیسات هسته‌ای به مورد اجرا گذشته است تصریح کرد: از زمان آغاز مراحل اولیه ساخت نیروگاه اتمی بوشهر، اجرای الزامات حفاظت فیزیکی، در راستای توصیه‌های آژانس، در فرآیند صدور مجوز برای این نیروگاه ملحوظ شد. پیش از عملیاتی شدن این نیروگاه، یک نظام حفاظت فیزیکی برای حمل مجموعه‌های سوخت به ایران و برای ساختمان‌های ذخیره سوخت برقرار و به طور کامل اجرا گشته است. در سال ۲۰۰۴، برای افزایش بیشتر توانمندی خود، جمهوری اسلامی ایران سرویس مشاوره‌ای حفاظت فیزیکی بین المللی (IPPAS) را به منظور اصلاح و ارتقاء نظام حفاظت فیزیکی بر مبنای پیشنهادات و مهارت‌های این سرویس، دعوت کرد.

وی گفت: مقررات حفاظت فیزیکی برای نیروگاه اتمی بوشهر بر اساس سند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با عنوان «حفاظت فیزیکی از مواد و تاسیسات هسته‌ای» یا همان سند ۲۲۵ اصلاح گشت و ارتقاء یافت.

سلطانیه تاکید کرد که مقررات حفاظت فیزیکی برای کل تاسیسات چرخه سوخت نیز ایجاد شده‌اند.

وی همچنین در بخش دیگر از سخنرانی خود بیان کرد: بی تردید بهترین ضمانت برای امنیت هسته‌ای، جهان عاری از سلاح های هسته ای است تا به این ترتیب فرآیند خلع سلاح هسته‌ای بتواند امنیت هسته ای را تقویت سازد.

سلطانیه ضمن تصریح در مورد اینکه مسئولیت امنیت هسته ای در چارچوب یک کشور، به طور کامل بر عهده آن کشور است گفت: باید توجه شود که آژانس می تواند با ایجاد نظام‌های امنیت هسته ای موثر از طریق کمک به کشورها، بر اساس درخواست شان، از جمله توسط ظرفیت سازی در کشورها، اجرای اصول راهنما، تشریک دانش، بهبود همکاری و هماهنگی تلاش های بین المللی در این زمینه، مساعدت کنید.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: سیاست معقول و پرهیز از شتابزدگی، کشور را نجات می‌دهد

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان این که با استناد مدارک قرآنی و روایی ثابت کردم که زنان می‌توانند در همه زمینه‌های جامعه حضور داشته باشند در پاسخ به تقاضای تفسیر واقعی از کلمه «رجل» در مباحث سیاسی کشور، گفت: آیت‌الله شهید دکتر بهشتی که رئیس مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی بود، بعدها اعلام کرد که منظور از کلمه «رجال سیاسی» اعم از زن و مرد است.

به گزارش مهر، آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی در دیدار جمعی از بانوان نخبه و فعالان سیاسی و اجتماعی زنان، با اشاره به فضای امیدوارکننده‌ای که پس از انتخابات ۲۴ خرداد در کشور ایجاد شده است، گفت: تجربه رویگردانی مردم از تندروی‌ها و استقبال از عقلانیت سیاسی ایجاب می‌کند که گروه‌ها و افراد در زمان قدرت و اقتدار نباید انحصارگرایی داشته باشند.

وی در ادامه به بیان منطق صبر در سیاست پرداخت و گفت: صبوری و برنامه‌ریزی برای عبور از تنگناها از ضرورت‌های سیاسی است و بردباری مردم و مسئولان در مواجهه با تنگ‌نظری‌های سیاسی در مقدمات قبل از انتخابات باعث شد که امروز سیاست کشور در داخل و خارج به سوی اعتدال و تعامل پیش برود.

وی با ظالمانه خواندن تحریم‌های تحمیلی علیه مردم ایران، گفت: تعامل واقعی و پرهیز از انفعال و کله‌شقّی، چاره کار در سیاست خارجی است و اکنون که شرایط از لحاظ افکار عمومی مهیا شده است، باید گام‌های عملی در راه رسیدن به حقوق مردم برداشته شود.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه سخنان خود با برشمردن موانع و مشکلات پیش روی دولت دکتر روحانی گفت: سیاست معقول و پرهیز از شتابزدگی به دولت کمک خواهد کرد تا علی‌رغم کمبودها، هزینه‌های فراوان، انبارهای خالی، بدهی‌های انباشته شده و تحریم‌ها، با همکاری همه قوا، کشور را از این گردنه عبور دهد.

وی همچنین در ادامه با اشاره به نگاه کریمانه اسلام و گفتار و کردار شرافتمندانه پیامبر گرامی نسبت به زنان گفت: تکریم از زنانی چون حضرت مریم، آسیه و ملکه سبا و تأکید بر روحیه منطقی و مشورت‌پذیری آنان، درسی برای مردان و زنان است که نباید جنسیت، امتیازی برای انسان‌ها باشد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، بحث‌های عدالت اجتماعی و حقوق زنان در خطبه‌های نماز جمعه دهه اول انقلاب را گفتاری براساس مطالعات اسلامی خواند و گفت:با مدارک قرآنی و روایی ثابت کردم که زنان [illegible]

تأثیرگذار داشته باشند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان نمونه‌های تاریخی از حضور دختران رسول اکرم و امام علی(ع) در جامعه گفت: وقتی حضرت زهرا(س) و حضرت زینب(س) در مسجد مدینه و بعدها در ماجرای عاشورا آن سخنرانی‌های اعتقادی، مبارزاتی و سیاسی را دارند، تحجر و دگم‌اندیشی است که زنان ایرانی را از فعالیت‌های سیاسی البته در چارچوب‌های دینی و ارزشی نهی کنیم.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خاتمه افزود: اگرچه مکتب اهل بیت(ع) موانع منزوی‌کننده برای زنان ندارد، اما در جامعه ما گروه‌ها و افراد متعصبی هستند که معمولاً به حقوق زنان نگاه سلیقه‌ای دارند و این هیچ تناسبی با نظام اسلامی ندارد.

درابتدای این دیدار، سرکار خانم دکتر زهرا شجاعی، به نمایندگی از مجمع زنان اصلاح‌طلب، خانم دکتر فاطمه راکعی، به نمایندگی از زنان دانشگاهی، خانم سهیلا جلودارزاده، به نمایندگی از زنان کارگر، خانم اخوان‌نسب، به نمایندگی از کانون زنان بازرگان، خانم طاهریان، به نمایندگی از زنان ورزشکار و خانم ولی‌مراد به نمایندگی از ائتلاف اسلامی زنان به بیان دغدغه‌ها، نگرانی‌ها، دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خویش پرداختند که محور سخنان آنان عبارت بود از:

– باور توانایی‌های مدیریتی زنان در مسئولیت‌های مختلف

– ارائه چهره‌ای سنتی از زنان در کتاب‌های درسی و نگاه سرمایه‌ای به آنان در فیلم‌ها و سریال‌ها

– ستاره‌دار شدن دختران دانشجو و بازنشستگی اجباری استادان زن

– برخوردهای تحقیرآمیز با زنان به بهانه دفاع از دیدگاه‌های اسلامی

– نادیده گرفتن استعدادهای بالقوه زنان در زمینه‌های مختلف و جلوگیری از به فعلیت رسیدن آن ها

– نگاه تحقیرآمیز به زنان به عنوان وسیله‌ای برای تولیدمثل

– برگشت جایگاه ورزشی زنان به دوران باشکوه حضور در میادین بین‌المللی و برگزاری مسابقات ورزشی بانوان کشورهای اسلامی

– نادیده گرفتن حقوق زنان کارگر در قوانین و مصوبات تقنینی و اجرایی

– برقراری حقوق اسلامی برای زنان در ارث و دیه و مسائل مختلف

– حضور زنان در مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری

– ترویج نگرش انسانی به زنان و پرهیز از [illegible]

– توجه به تشکل‌های بخش خصوصی زنان در ابعاد کشاورزی، اقتصادی و خدماتی

– توجه به ظرفیت‌های علمی و مالی زنان در جهت ارتقای بهره‌وری و توسعه پایدار

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی:

خون شهید شحاته گریبان تکفیری ها را می گیرد

رئیس دفتر رهبر معظم انقلاب گفت: خون پاک شهید مظلوم و روحانی برجسته شیعی، علامه مجاهد شیخ «حسن شحاته» گریبان تکفیری ها را می گیرد.

به گزارش ایرنا،وی دیروزدر حاشیه مراسم بزرگداشت شیخ حسن شحاته از علمای برجسته مصر در جمع خبرنگاران اظهار داشت: شهید شحاته یکی از اساتید برجسته دانشگاه الازهر مصر بود و به ایران هم سفر کرده بود.

وی ادامه داد: این شهید بزرگوار نقش مهم و اساسی در ترویج اسلام و مذهب تشیع داشت و مظلومانه به شهادت رسید.

رئیس دفتررهبرمعظم انقلاب تصریح کرد: خلق و خوی و رفتار تکفیری ها روی جنایتکاران گذشته را سفید کرده است.

محمدی گلپایگانی با بیان این که این روحانی شیعه بسیار مظلومانه به شهادت رسید، ادامه داد: امروز مراسم بزرگداشتی برای تکریم از آن مجاهد شهید و یارانش برگزار شد و امیدوارم به زودی شاهد رخدادی باشیم که مورد رضای اهل بیت عصمت و طهارت و امام زمان(عج) باشد.

مراسم بزرگداشت شهیدحسن شحاته که چندی پیش توسط سلفی ها و تکفیری ها به شهادت رسید، دیروز به همت مجمع جهانی اهل بیت(ع) و مجمع تقریب مذاهب اسلامی در مسجد ارگ تهران برگزار شد.

براساس این گزارش ، مجلس بزرگداشت شهید حسن شحاته از علمای شیعی مصر و یارانش دیروزبه همت مجمع جهانی اهل بیت(ع) و مجمع تقریب مذاهب اسلامی در مسجد ارگ تهران برگزار شد.

دراین مراسم،نمایندگان مراجع عظام،شخصیت های کشوری و لشکری، نخبگان و فرهیختگان، سفرای برخی از کشورهای اسلامی و اقشار مختلف مردم خاطره شهدای نیمه شعبان را گرامی داشتند.

معاون مرکز زنان ریاست جمهوری :اجرای قانون افزایش مرخصی زایمان زنان شاغل الزامی است

معاون امور خانواده مرکز زنان ریاست جمهوری گفت: همه دستگاه ها موظف به اجرای قانون افزایش مرخصی زایمان از ۶ به ۹ ماه و مرخصی دو هفته ای پدران هستند.

زهرا سجادی در گفتگو با مهر افزود: با توجه به این که افزایش مرخصی زایمان زنان از ۶ به ۹ ماه و مرخصی دو هفته ای پدران در شورای نگهبان تصویب و به دولت ابلاغ شده است ،لذا همه دستگاه ها موظف به اجرای این قانون هستند.

وی ا دامه داد: پیش از این شورای نگهبان نسبت به تأمین نشدن منابع مالی ناشی از افزایش مرخصی زایمان زنان به ۹ ماه ایراد گرفته بود که پس از آن با برطرف شدن ایراد ،شورای نگهبان این لایحه را به تصویب رساند.

معاون امور خانواده مرکز زنان ریاست جمهوری همچنین از آغاز طرح آموزش ضمن خدمت شاغلان دستگاه‌ها خبر داد و گفت: آموزش ضمن خدمت شاغلان دستگاه ها در سال جاری از ۶ تیر به صورت سراسری آغاز شده است. این طرح در قالب دوره های آموزشی برای تمامی کارکنان متأهل دولت که بیش از پنج سال از زندگی مشترک آنها گذشته باشد، اجرا می شود.

سجادی افزود: در این چارچوب کارگاه آموزشی و توجیهی در قالب طرح آموزش جامع زنان برگزار می شود که بر اساس آن آموزش مقدماتی این طرح به سه هزار استاد در سراسر کشور آغاز شده است و همه کارکنان شاغل ۳۲ ساعت آموزش ضمن خدمت می بینند و تمامی کارکنان دولت می‌توانند از این آموزش های ضمن خدمت به طور رایگان استفاده کنند.

وی تصریح کرد: این دوره آموزشی در کل کشور اجرا می شود و در واقع یک دوره کارگاهی توجیهی است که برای کارکنان شاغل دستگاه های اجرایی انجام می شود.

سجادی با بیان این که این طرح آموزش جامع کارکنان دولت است و اجرای آن توسط معاونت نیروی انسانی ابلاغ شده است، گفت: این طرح در موضوعاتی از جمله سبک زندگی، آسیب شناسی خانواده و در نهایت مباحث حقوقی خانواده اجرایی می شود.

برگزاری چهارمین همایش شعر زنان

فاطمه راکعی از برگزاری چهارمین همایش شعر زنان فارسی‌سرا در پاییز خبر داد.

راکعی به خبرنگار ادبیات خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، گفت: چهارمین همایش شعر زنان فارسی‌سرا در ادامه دیگر همایش‌های برگزارشده، مهرماه سال جاری در انجمن شاعران برگزار خواهد شد.

او افزود: ما در سه دوره پیش همایش شعر زنان فارسی‌سرا به چهره‌های شاخص پیشکسوت و جوان‌های شعر زنان پرداختیم و در این دوره هم ادامه آن نگاه را داریم. البته در این دوره به شعر زنان در منطقه خاورمیانه و زن‌های شاعر افغانستان و تاجیکستان بیش‌تر می‌پردازیم.

کوتاه آموزشی

المپیاد علمی دانشجویی کشور ۱۳ و ۱۴ تیر برگزار می شود

مشاور ارشد رئیس سازمان سنجش آموزش کشور از برگزاری آزمون مرحله نهایی هجدهمین المپیاد علمی دانشجویی کشور در روزهای پنجشنبه و جمعه خبر داد.

حسین توکلی در گفت‌وگو با فارس، گفت: آزمون مرحله نهایی هجدهمین المپیاد علمی دانشجویی کشور در روزهای پنجشنبه و جمعه ۱۳ و ۱۴ تیر ماه برگزار می‌شود. وی افزود: تعداد ۲۳۴ نفر از شرکت‌کنندگان المپیاد متمرکز که از طریق آزمون کارشناسی ارشد انتخاب شده‌اند و تعداد ۵۵۷ نفر از شرکت‌کنندگان قطب‌های هشتگانه دانشگاهی، در روزهای ۱۳ و ۱۴ تیر ماه در دانشگاه تربیت مدرس به رقابت می‌پردازند. توکلی تاکید کرد: المپیاد در رشته‌های زبان و ادبیات فارسی، الهیات و معارف اسلامی، علوم اقتصادی، علوم تربیتی، حقوق، شیمی، فیزیک، ریاضی، زیست‌شناسی، آمار، مهندسی برق، مهندسی شیمی، مهندسی عمران، مهندسی مکانیک، مهندسی کامپیوتر، مهندسی کشاورزی (زراعت و اصلاح نباتات) و طراحی صنعتی برگزار می شود.

ارائه تسهیلات به دانشجویان فارغ التحصیل از دانشگاه‌های ممتاز جهان

معاون پشتیبانی و مدیریت منابع و سرپرست امور دانش آموختگان سازمان امور دانشجویان گفت: تسهیلات جدید به دانشجویانی که از دانشگاه‌های گروه A و B جهان فارغ التحصیل می‌شوند، ارائه می‌شود.

به گزارش فارس، مجلس آرا گفت: در آیین نامه جدید ارزشیابی دانشگاه‌های جهان دانشجویان بعد از فارغ التحصیلی از گروه A و B فقط بررسی شکلی می‌شوند، یعنی بررسی فناوری به آن معنا در خصوص دانشجویان فارغ التحصیل A و B صورت نمی گیرد.

وی افزود: ضمنا این دسته بندی به ما ایده می‌دهد که اگر دانشجویان بخواهند بورس شوند فقط در گروه دانشگاه‌های A و B بورس شوند.

بررسی نهایی ورود تبلت به مدارس

رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزش و پرورش گفت: در صورتی که اجرای آزمایشی ورود تبلت به مدارس دارای نتایج آموزشی خوبی باشد، برای دانش‌آموزان مناطق محروم و دانش‌آموزان با نیازهای ویژه اجرا خواهد شد. به گزارش فارس، یوسف نوری با اشاره به این که طرح آزمایشی در سه کلاس درس تهران در مقاطع ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم اجرا می‌شود، افزود: در صورت کسب نتایج موفقیت‌آمیز، این طرح به عنوان ابزار در چرخه آموزشی قرار می گیرد.

معرفی ستادهای اسکان تابستان فرهنگیان در شهر تهران

آدرس ۲۲ ستاد اسکان تابستان فرهنگیان در شهر تهران توسط اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران اعلام شد.

به گزارش فارس، ۱۴ مرکز آموزشی رفاهی و اسکان دائم و ۸ ستاد اسکان موقت در شهر تهران در تابستان امسال جهت پذیرایی و خدمت رسانی به فرهنگیان اعلام شدند. ستاد مرکزی اسکان فرهنگیان شهر تهران نیز به شماره ۸۸۹۶۶۸۱۲ آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات است.

امکان ادامه خدمت فرهنگیان بالای ۳۰ سال سابقه

دوازدهمین جلسه شورای معاونین آموزش و پرورش شهر تهران با هدف بررسی ساماندهی نیروی انسانی در مقاطع ابتدایی و متوسطه و نقل و انتقال فرهنگیان و روند ثبت نام در مدارس شهر تهران برگزار شد.

به گزارش ایسنا، یزدی‌خواه مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران در این جلسه اظهار کرد: فرهنگیان خواهر و برادر شاغل در دوره ابتدایی بالای ۳۰ سال خدمت و برادران شاغل در تمامی دوره های تحصیلی در صورت تمایل و با نظر منطقه می توانند به خدمت خود ادامه دهند.

وزیر ارشاد: مهم ترین نمایشگاه قرآنی جهان اسلام متعلق به ایران است

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نمایشگاه بین المللی قرآن کریم را مهمترین نمایشگاه قرآنی جهان اسلام توصیف کرد.

دکتر سید محمد حسینی اظهار داشت: نمایشگاه قرآن ۱۴ تیرماه مصادف با ۲۶ شعبان آغاز به کار کرده و به مدت یک ماه تا ۲۶ رمضان ادامه خواهد داشت.

به گزارش مرکز روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وی دیروز سه شنبه در نشست خبری بیست و یکمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن که در دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی برگزار شد، گفت: مراسم افتتاحیه نمایشگاه با حضور رییس جمهور دولت دهم و اختتامیه آن با حضور رییس جمهور دولت یازدهم برگزار خواهد شد.

وزیر ارشاد گفت: نمایشگاه مختص حافظان و فعالان قرآنی نیست بلکه همگان می توانند در این فضای معنوی ایجاد شده حضور یابند و از آن بهره لازم را ببرند.

حسینی به تنوع آثار قرآنی و ترجمه‌های مختلف قرآن در این نمایشگاه اشاره کرد و آن را مهمترین نمایشگاه قرآنی در جهان اسلام برشمرد.

وی رویکرد امسال نمایشگاه را پاسخ به سوالات مطرح شده رهبر معظم انقلاب در خراسان شمالی درباره سبک زندگی عنوان کرد و اظهار داشت: سعی شده سوالات با تکیه بر آموزه ها و معارف قرآنی پاسخ داده شود.

به گفته وزیر ارشاد اگر می خواهیم به سوی تمدن اسلامی گام برداریم باید سبک و سلوک زندگی مان نیز قرآنی باشد تا بتوانیم جامعه قرآنی را پایه ریزی کنیم.

حسینی یادآور شد: اگر می خواهیم سبک زندگی مناسب و خوبی داشته باشیم لازم است انسان هایی که الگو و نمونه بوده اند را به جامعه و نسل امروز معرفی کنیم. از این رو در نمایشگاه امسال چند عالم وارسته از جمله آیات عظام آقا تهرانی، خوشوقت و مجتهدی معرفی خواهند شد.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی به بخش های مختلف نمایشگاه بین المللی قرآن و تنوع آن اشاره کرد و گفت: در این نمایشگاه علاوه بر ارایه کتب قرآنی، هنرمندان نیز در رشته های مختلف از جمله خوشنویسی، فرش، منبت کاری، شعر و شاعری نیز حضور فعالی خواهند داشت.

وی ادامه داد: موضوع دیگری که در این نمایشگاه به آن پرداخته می شود و دغدغه چند ساله همگان است بحث فرقه ها و نحله ها است که در زمینه مسایل مختلف عرفانی به وجود آمده‌اند و در صدد القای افکار و عقاید خود هستند از این رو در نمایشگاه امسال بخشی به نام کوثر رحمانی و سراب شیطانی برای این امر در نظر گرفته شده است. حسینی با اشاره به اینکه در آستانه فعالیت دولت یازدهم هستیم، یادآور شد: در نمایشگاه امسال بخشی را به نام دولت قرآنی در نظر گرفته ایم که در آن نگاه قرآن به حاکمان و دولتمردان و همچنین دیدگاه و نام بزرگان دین اسلام به دولتمردان مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

وزیر ارشاد با بیان اینکه افتخار دولت دهم این است که به بخش های قرآنی اهتمام و توجه ویژه ای داشته باشد، اظهار داشت: در این دوره کارها و فعالیت های چشمگیر و جدیدی انجام شد که از جمله آنها می توان به افزایش اعتبارات قرآنی، راه اندازی موسسات قرآنی و ایجاد معاونت قرآن و عترت اشاره کرد.

همچنین حجت الاسلام والمسلمین حمید محمدی رییس نمایشگاه بین المللی قرآن کریم در این نشست گفت: نمایشگاه امسال دارای سه کارکرد است که از جمله آنها می توان به نهادسازی قرآنی که در آن تمام ظرفیت های قرآنی در یک نمایشگاه ارایه می شود، اشاره کرد.

وی یادآور شد: تمام فعالیت های ملی و بین المللی قرآن در طول سال رصد و برونداد آن در این نمایشگاه ارایه می شود. وی با بیان اینکه نهاد سازی قرآنی یک پروسه بیست ساله بود که امروز نتیجه آن به ثمر نشسته است، با اشاره به دومین کارکرد نمایشگاه قرآن توضیح داد: در قالب این کارکرد تلاش شده فضایی جذاب و هنری ایجاد شود تا همه هنرمندان صاحب اثر، آثار و خلاقیت خود را بروز و ظهور دهند.

معاون قرآن و عترت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یادآور شد: این امر علاوه بر ایجاد یک محیط معنوی باعث خواهد شد در طول سال به عنوان پشتیبانی مالی برای هنرمندان در نظر گرفته شود.

محمدی، فرهنگسازی را سومین رویکرد نمایشگاه بیست و یکم عنوان کرد و بیان داشت: دهه سوم نمایشگاه قرآن در حقیقت فرهنگسازی قرآنی، انسانی و معنوی است.

وی خاطرنشان کرد: بر این باوریم که برای انس و توجه همگان به قرآن باید ابتدا فرهنگسازی کرده و زمینه های آن ایجاد شود.

رییس بیست و یکمین دوره نمایشگاه بین المللی قرآن به بخش های مختلف نمایشگاه امسال نیز اشاره کرد و گفت: در نمایشگاه امسال اتفاق جدیدی صورت گرفته و آن خارج شدن ارایه آثار و فعالیت های قرآنی از غرفه به فضای باز است.

محمدی به بخش بین الملل نمایشگاه نیز اشاره کرد و اظهار داشت: در نمایشگاه امسال نیز به مانند سال‌های گذشته شاهد حضور کشورهای مختلف از جهان خواهیم بود.

رونمایی از پوستر نمایشگاه

پوستر بیست و یکمین دوره نمایشگاه بین‌المللی قرآن با حضور "سیدمحمدحسینی" وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و حجت‌الاسلام محمدی معاون قرآن و عترت این وزارتخانه و اصحاب رسانه رونمایی شد.

این پوستر مزین به آیه‌ای از قرآن کریم بوده و متناسب با شعار بیست و یکمین دوره نمایشگاه بین‌المللی قرآن مبنی بر سبک زندگی قرآنی انتخاب شده است. همچنین استفاده از رنگ‌آمیزی‌های هنری و مبتنی بر مهندسی روانشناسی‌شده خاصی همچون رنگ سبز، طلایی، آبی و قرمز طراحی شده است.

گفتگوی هنری با پرویز کلانتری در شهر کتاب

نشست «گفتگوی هنری با پرویز کلانتری» دوشنبه گذشته در فروشگاه مرکزی شهرکتاب برگزار شد.

پرویز کلانتری نقاش باسابقه کشورمان در آغاز سخنانش در جمع دوستداران هنرهای تجسمی گفت: یکی از ویژگی‌های فضای فرهنگ و هنر ایران این است که فعالیت‌های گوناگون هنری با هم ارتباطی ندارند و هنرمندان موسیقی، هنرمندان نقاش، نویسندگان و غیره، هرکدام قبیله مجزای خودشان را دارند. فرضا در گذشته می‌دیدم که رضا براهنی استاد ادبیات مدرن انگلیسی است ولی هیچ اطلاعاتی از معماری ندارد. این قطع ارتباط همچنان ادامه دارد؛ درحالی که در سایر نقاط دنیا اغلب شاعران و نقاشان وغیره با هم هستند. بطور مثال سوررئالیست‌ها چه در حیطه نقاشی و چه در ساحت ادبیات همیشه با هم درحال گفتگو بودند و آن مکتب را پیش می‌بردند. کاش می‌شد با چنین نشست‌هایی قبایل گوناگون نقاش‌ها، نویسندگان، شعرا و غیره را به هم نزدیک کرد.

نقاش برجسته کشورمان با بیان اینکه «یک پرویز کلانتری به نوشتن علاقه دارد و یک پرویز کلانتری هم نقاشی می‌کند» ادامه داد: در نقاشی «شهر من گم شده است» این دو گرایش را یکجا آورده‌ام تا ساختاری مدرن ارائه دهم. در این هرج و مرج، نشانه‌هایی را آورده‌ام که رازآمیز هستند و جذابیت اثر نیز به رازآلودگی آن است. او درباره آثار تازه‌اش نیز توضیح داد: بعد از بیست و چند سال فیل من یاد هندوستان کرد. نشر چکه پیشنهاد نوشتن قصه‌ای را به من داد که نوشتم و در اختیارشان گذاشتم. این قصه ساده و کودکانه درباره قشقایی‌ها و آثار دستی آنهاست.

این هنرمند نقاش اضافه کرد: من از نسلی هستم که می‌توانم خاطراتم را برای بچه‌ها بازگو کنم و از زیبایی‌های اقوام و سنت‌های ایرانی برایشان بگویم. وقتی قرار است داستانی را برای بچه‌ها بنویسیم و نقاشی کنیم، خوب است که به میراث‌مان هم نگاه کنیم. من به شدت به عناصر بومی وفادارم. یک بار که به فرانسه رفته بودم، جلوی منظره‌ای ایستادم ولی چیزی نکشیدم چون اگرچه آن را مثل یک کارت پستال زیبا می‌دیدم ولی من نقاش سرزمین خاک‌آلود خودم هستم.

او درباره میزان ارتباط مردم با هنرهای تجسمی هم گفت: چارلی چاپلین یک هنرمند محبوب بود که مخاطبانش را هم فقرا تشکیل می‌دادند و هم روشنفکران. او در برخی فیلم‌هایش نکته‌های ریز روشنفکرانه و سیاسی را هم مطرح می‌کرد ولی بدون آنکه قرار باشد اصل را بر آن مفاهیم قرار دهیم، همه اقشار با فیلم‌هایش ارتباط برقرار می‌کردند. من خودم آنقدر وحشی و گوناگون کار می‌کنم که گاهی اوقات آثارم فراتر از فهم عوام می‌رود. همسرم به بعضی از کارهایم می‌گوید «حیف رنگ و حیف بوم». ولی اغلب اوقات مخاطبان با تابلوهایم همراه می‌شوند. کلانتری سپس به یکی از دوستان قدیمی خانوادگی‌اش به عنوان بهترین بیننده آثار او اشاره کرد و گفت: این فرد از زمان پدربزرگم در خانه ما بوده است. پدربزرگم آدم ثروتمندی بود و یکی از کارگرانش به نام سیدعلی بعد از مرگ او نیز در کنار ما ماند. مادرم هم فوت کرد و سیدعلی به من رسید. او سر و سامان دادن به باغچه و کارهایی از این دست را انجام می‌داد. یک روز او را دیدم که در سالن ایستاده و به یکی از تابلوهایم زل زده و گویی طلسم شده است. این تابلویی بود که خیلی از اهل هنر و روشنفکران به راحتی در نمایشگاه‌ها از کنارش عبور می‌کردند و توقفی در برابر آن نداشتند. سوال این بود که سیدعلی در آن تابلو چه دیده؟ جواب ساده است. او سرووضع خودش یا عناصری از روستایش را در آن می‌دید و با تابلو ارتباط برقرار می‌کرد. می‌خواهم بگویم که این سیدعلی بهترین بیننده آثار من بوده است. تصویرگر سال‌های دور کتاب‌های درسی گفت: من اکنون هشتاد و دو ساله‌ام و همه دغدغه‌ام این است که تکرار جوانی من، یعنی نسل امروز، چطور فکر می‌کند، سلیقه‌اش چیست و به جهان چگونه می‌نگرد. من به این نسل خیلی امیدوارم.

ادغام برنامه روز قلم «خانه کتاب» و «انجمن قلم» در باغ زیبا

مدیر عامل خانه کتاب از ادغام برنامه مؤسسه خانه کتاب و انجمن قلم در ۱۵ تیر همزمان با روز قلم خبر داد.

علی شجاعی صائین مدیر عامل خانه کتاب در گفت‌وگو با فارس درباره برنامه‌های تجمیعی روز قلم از سوی خانه کتاب و انجمن قلم ایران، اظهار داشت: چهاردهم تیرماه به پیشنهاد انجمن قلم ایران، روز قلم نامگذاری شده است و موسسه خانه کتاب نیز همه‌ساله آیین نکوداشتی را با این هدف برگزار می کند.

وی درباره اینکه دلیل تجمیع برنامه‌های انجمن قلم و خانه کتاب چه بوده، بیان کرد: به دلیل همزمانی این دو برنامه تصمیم بر آن شد تا طی یک ادغام، یک مراسم به همت انجمن قلم و موسسه خانه کتاب در باغ زیبا برپا شود.

مدیر عامل خانه کتاب ابراز داشت: در این آیین علی اسماعیلی، سرپرست معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مولفان، مترجمان و برگزیدگان جوایز مختلف در حوزه کتاب نیز حضور دارند. همچنین قرار است سید محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون فرهنگی این وزارتخانه و جمعی از اهالی قلم به سخنرانی پرداخته و در ادامه از تلاش‌های پیشکسوتان حوزه فرهنگ و هنر قدردانی خواهد شد.

گفتنی است، انجمن قلم نیز در این آیین برنامه‌های متعددی اجرا خواهد کرد و به برندگان مسابقه قلم زرین اهدا خواهد شد. همچنین در پایان این مراسم، ضیافت شامی برای مهمانان حاضر در جلسه تدارک دیده شده است.

مراسم نکوداشت روز قلم از ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه تا ۲۱ در محل باغ زیبا برگزار خواهد شد.

سومین جشنواره و نمایشگاه بازی های رایانه ای ،مرداد برگزار می شود

مدیرعامل بنیاد بازی‌های ملی رایانه‌ای معتقد است تقویت محتوا در بازی‌های رایانه‌ای نیاز به در اختیار داشتن متون قدرتمند دارد و در این راستا بارها با اهالی سینما به ویژه فیلمنامه‌نویسان وارد مذاکره شده‌اند.

به گزارش مهر، بهروز مینایی دبیر سومین جشنواره و نمایشگاه بازی های رایانه ای با بیان این مطلب در نشستی خبری که به مناسبت برگزاری این جشنواره سه‌شنبه ۱۱ تیر با حضور علی بی طرف مدیر نمایشگاه و جمعی از خبرنگاران در مرکز بنیاد ملی بازی‌های رایانه ای برگزار شد، گفت: یکی از محورهای تدریس در انستیتو بازی‌های رایانه ای بازی‌نامه‌نویسی است و تمام فارغ‌التحصیلان این مرکز به خصوص طراحان بازی های رایانه ای واحدهای بازی‌نامه نویسی را می گذرانند.

وی در ادامه افزود: اما آنچه مسلم است بازی‌نامه‌نویسی یک فعالیت هنری و پیوندی بین سینما و بازی رایانه‌ای است. از همین رو برای تقویت محتوا در بازی‌های رایانه ای نیاز به در اختیار داشتن متون قدرتمند است. در این راستا بارها با اهالی سینما به خصوص فیلمنامه نویسان وارد مذاکره شده ایم اما تمایلی برای نوشتن فیلمنامه در این زمینه ندارند.

دبیر این دوره از جشنواره و نمایشگاه بازی های رایانه ای با اشاره به آغاز این جشنواره گفت: در پی استقبال مردم از دومین جشنواره و نمایشگاه بازی های رایانه ای با وجود کمبود بودجه ای که امسال داشتیم در نهایت تصمیم گرفتیم با حمایت وزارت ارشاد و سایر نهادهای دولتی این جشنواره را از تاریخ ۲۲ تا ۲۶ مرداد در مصلی تهران برگزار کنیم.

در ادامه با اشاره به مجموع فعالیت های این بنیاد گفت: بنیاد ملی بازی های رایانه ای در سال ۸۵ تشکیل شد و از ابتدا سه وظیفه اصلی به عهده داشت. وظیفه نخست نظارت بر بازار بازی های موجود بر بازار و اطلاع رسانی آن به ستاد حمایت و صیانت از آثار فرهنگی و هنری است. وظیفه دوم حمایت از تولیداتی است که زیرساخت های سخت افزاری و نرم افزاری را به عهده دارند و نکته آخر تربیت نیروی انسانی در این حوزه است.

وی در ادامه با اشاره به موضوعاتی که دستمایه ساخت بازی های رایانه ای شده است، گفت: تاریخ مبارزات لبنان، داستان های قرآنی، محورهای پیشرفت ایران و بازی‌هایی برای گروه سنی کودک و نوجوان از جمله موضوعاتی است که در مجموع آثار دیده می‌شود.

درادامه این نشست محمدبی طرف مدیر نمایشگاه این دوره از جشنواره بازی های رایانه‌ای با اشاره به اهداف برگزاری این نمایشگاه گفت: نمایشگاه سوم با دو هدف عمده ترویج فرهنگ استفاده از بازی‌های رایانه‌ای و نمایش توانمندی های مراکز تولید در داخل کشور برگزار می شود.

بی طرف در ادامه متذکر شد: همچنین ساماندهی انجمن های صنفی بازی های رایانه ای و همچنین حمایت از بازی‌سازان مستقل از ویژگی های این دوره از جشنواره است. همچنین در این نمایشگاه بخش ویژه سرگرمی نیز داریم و در نظر داریم به منظور جذب خانواده ها در این جشنواره فضای تفریح و سرگرمی را نیز ایجاد کنیم. بخش دیگر این جشنواره "بازی پنهان" نام دارد که به بررسی آثار مخرب بازی های رایانه ای و نگاه جدی به جنگ نرم توجه دارد.

اجرای «جنگ جهانی سوم» در خانه هنرمندان ایران

«جنگ جهانی سوم» عنوان پرفورمنسی است که در آن حمید ترکاشوند به روایتی از جنگ جهانی سوم با دستمال کاغذی می‌پردازد.

به گزارش مهر، نمایشگاه پرفورمنس «جنگ جهانی سوم» اثر حمید ترکاشوند از ۱۴ خرداد در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

در این پرفورمنس، صدو هشت رول دستمال کاغذی استفاده خواهد شد که در نوع خود کاری جدید به شمار می‌رود. این پرفورمنس فقط در روز افتتاحیه اجرا می‌شود و پنج روز بعد از آن به صورت نمایشگاه و برای بازدید برگزار خواهد شد.

در اصل، روند این پرفورمنس به شکلی است که همه فضای گالری از دستمال کاغذی پر می‌شود، تماشاگر نیز در آن نقشی ندارد و تنها خود هنرمند است که آن را اجرا می‌کند. نمایشگاه پرفورمنس «جنگ جهانی سوم» از ۱۴ تا ۱۹ تیر در گالری پاییز خانه هنرمندان برگزار خواهد شد.

ترکاشوند در مورد مفهوم عنوان جنگ جهانی سوم توضیح می‌دهد: بیشتر بر جنبه بین‌المللی و وسعت ایده، سرعت رو به افزایش تولید، مصرف و بازیافت و نیز تزریق ایده‌های هنری به صنعت و تجارت در جهان امروز تاکید دارد.

وی در مورد ویژگی خاص این پرفورمنس می‌گوید: دو ویژگی منحصر به فرد این نمایشگاه، عدم امکان ورود به نمایشگاه و نبود فضای منفی است.

حمید ترکاشوند، فارغ التحصیل رشته گرافیک از دانشگاه تبریز است و در کارنامه خود شرکت در نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی را دارد.

«گزارش رصد پویای فکری فرهنگی جهان اسلام» منتشر شد

دفتر رصد و ترجمه جبهه فکری انقلاب اسلامی (ترجمان)، «گزارش رصد پویای فکری فرهنگی جهان اسلام» (پیش شماره دوم) را منتشر کرد.

در بخشی از پیشگفتار این کتاب آمده است: «... طرح رصد پویای فکری و فرهنگی جهان اسلام، در صدد گردآوری اطلاعات، به روز رسانی آن‌ها، طبقه‌بندی اهمیتی و تحلیل فشرده این داده‌ها، به منزلهٔ اطلاعات پایه برای استفاده برنامه‌ریزان عرصه بیداری است. این کتاب در ۷۰ صفحه و با بهای ۴۰۰۰ تومان منتشر شده است.

کوتاه علمی

پایان طراحی مهندسی بال‌های هواپیمای ۱۵۰ نفره ایرانی تا پایان سال

رئیس پارک علم و فناوری فارس از پایان یافتن مرحله طراحی مهندسی بال‌های پروژه ملی هواپیمای ۱۵۰ نفره تا پایان امسال خبر داد.

دکتر سیداحمد فاضل‌زاده در گفت‌وگو با ایسنا، گفت: پروژه هواپیمای مسافربری ۱۵۰ نفره، یکی از طرح‌های کلان ملی است. این طرح با همکاری دانشگاه‌های صنعتی شریف، صنعتی امیرکبیر، علم و صنعت، صنعتی اصفهان و پارک علم و فناوری فارس در حال انجام است.

وی ادامه داد: هدف از اجرای این پروژه دستیابی به دانش طراحی، ساخت، تعمیرات و در مجموع بومی‌سازی صنعت این نوع هواپیما در کشور است. به گفته فاضل‌زاده، به دلیل تخصص متخصصان در شیراز در زمینه بال هواپیما، طراحی و ساخت بال های این هواپیما به پارک علم و فناوری فارس محول شده است. تیم طراحی بال متشکل از ۳۰ نفر از متخصصان زبده پارک علم و فناوری فارس است.

رییس پارک علم و فناوری فارس خاطرنشان کرد: این طرح از سال گذشته آغاز و مرحله طراحی مفهومی بال‌ها تا پایان امسال تکمیل می‌شود.

انتقال پروازهای حج تمتع به فرودگاه امام

تمامی پروازهای حج تمتع از ۱۹شهریورامسال از فرودگاه مهرآباد به فرودگاه بین المللی امام خمینی منتقل می‌شود.

به گزارش فارس، خلبان حمیدرضا پهلوانی رئیس سازمان هواپیمایی کشوری اظهار داشت: عملیات اعزام زائران به حج تمتع امسال از ۲۳ شهریور برابر با هشتم ذی القعده آغاز می‌شود و براساس برنامه‌ریزی‌ها و هماهنگی‌های به عمل آمده مقرر شد جابه‌جایی تمامی زائران بیت الله الحرام از فرودگاه حضرت امام خمینی انجام شود.معاون وزیر راه و شهرسازی افزود: با توجه به اینکه ظرفیت اسمی فرودگاه حضرت امام خمینی بیش از ۶ میلیون نفر است، جابه‌جایی ۲۵ هزار زائر ایرانی بیت الله الحرام از این فرودگاه با مشکلی مواجه نخواهد شد.وی ادامه داد: از این پس فقط پروازهای داخلی، VIPو پروازهای خاص خارجی (مجوز سازمان هواپیمایی کشوری) از فرودگاه بین‌المللی مهرآباد انجام می‌شود. وی با بیان اینکه اولین گروه پروازی عملیات حج در تاریخ ۱۹ شهریور اعزام خواهد شد، تصریح کرد: به همین منظور انتقال پروازهای حج از فرودگاه مهرآباد به فرودگاه امام خمینی در تاریخ ۱۹ شهریور انجام خواهد شد.

پهلوانی اضافه کرد: از آنجا که تجمیع پروازهای زیارتی و سیاحتی در فرودگاه امام خمینی موجب صرفه جویی در زمان و قدرت مانور شرکت‌ها در بهره‌برداری از هواپیما می‌شود، انتقال پروازهای حج تمتع مورد استقبال جدی شرکت‌های هواپیمایی قرار گرفت.رئیس سازمان هواپیمایی کشوری از شرکت‌های هواپیمایی که در امر جابه جایی حجاج فعالیت دارند خواست نسبت به جایگزینی هواپیمای پشتیبانی تمهیدات لازم را اتخاذ کنند و ضمن هماهنگی لازم با سایر ارگان‌های ذیربط به ویژه فرودگاه امام خمینی، برنامه ریزی دقیق و منسجمی برای انجام پروازها به نحو شایسته و با کمترین تاخیر و ایستایی مسافر اقدامات لازم را به عمل آورند. وی همچنین از ورود ۱۷ فروند انواع هواپیماهای جدید به ناوگان هوایی کشور خبر دادو اظهار داشت: این هواپیماهای جدید عمدتاً از نوع ایرباس و مدل‌های مختلف آن است.

وی با بیان اینکه این تعداد هواپیما طی ماه‌های اخیر وارد ناوگان هوایی کشور شده است، تصریح کرد: اغلب این هواپیماها که توسط ایرلاین‌های داخلی خریداری شده، ملکی است.

معاون وزیر راه و شهرسازی با اشاره به ارائه تسهیلات نوسازی ناوگان هوایی از محل صندوق توسعه ملی و برنامه‌ریزی برای تسهیل سازوکارارائه تسهیلات این صندوق، اظهار داشت: سازمان هواپیمایی کشوری همکاری مناسبی با شرکت‌های هواپیمایی برای خرید و ورود هواپیمای مسافری به داخل کشور دارد.رئیس سازمان هواپیمایی کشوری اضافه کرد: پس از ورود این هواپیماهای جدید، ظرفیت صندلی پروازی ناوگان هوایی کشور افزایش بسزایی یافته است.

یزد، اصفهان و بندرعباس در خطر جیره‌بندی آب

با اینکه در بسیاری از شهرها تنش آبی وجود دارد، اما اصفهان، بندرعباس و یزد در صورت فقدان رعایت الگوی مصرف با کمبودآب مواجه خواهند شد.

دکتر حمیدرضا تشیعی معاون نظارت بر بهره برداری شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور در گفتگو با پاون ضمن تشریح اقدامات صورت گرفته برای تامین آب شرب در تابستان امسال گفت: مردم باید با مدیریت و رعایت الگوی مصرف ،بالانس تولیدو مصرف را دستخوش تغییر نکنند و اگر اتفاقی این چنینی رخ دهد، ممکن است در برخی مناطق با کمبود یا افت فشار روبرو شویم که امیدواریم این اتفاق رخ ندهد.

وی با اشاره به آغاز تابستان، آخرین وضع تامین آب شهرها و آب شرب را تشریح کرد و افزود: در زمان کنونی فقط سه شهر کوچک به طور جدی دارای برنامه نوبت بندی هستند که عمدتا روستا شهر بودند که به شهر تبدیل شده‌اند و این نشان می دهد که باوجود محدودیت اعتبار داخلی و تملک دارایی شرکت ها، با تلاش همکاران آبفا در سطح کشور، وضع تحت کنترل است.

تشیعی با اشاره به روند افزایشی دمای هوا از نیمه خرداد، گفت: تاکنون شرایط عادی است و پیش بینی ما این است که بتوانیم با همین وضع تابستان را طی کنیم.

وی با اشاره به اینکه هم‌اکنون در بسیاری از شهرها تنش آبی وجود دارد و در شرایط سر به سر قرار داریم،گفت: شهرهایی مانند اصفهان و یزد که وابستگی به حوضه زاینده‌رود دارند، عمدتا شهرهایی هستند که با مشکل و محدودیت منابع آب در منابع سطحی روبرو هستند.

نامبرده افزود: همچنین شهرهایی مانند بندرعباس با افت سطح آب زیر زمینی مواجه هستند که ممکن است در شرایط سر به سر با افت فشار روبرو شوند و البته امیدواریم که این اتفاق رخ ندهد.

وی تصریح کرد: در زمان کنونی شهر جیرنده در استان گیلان، شهرهای روئیدر و سیریک در استان هرمزگان و شهر جوزم در استان کرمان دارای نوبت بندی آب هستند.

سرپرست معاونت امور آب و آبفای وزارت نیرو هم اظهار کرد: در ۵ درصد از مصارف آب خانگی اعمال محدودیت می‌شود که شامل مناطقی است که منابع آبی سالم در اطراف آنجا وجود ندارد یا به دلیل خشکسالی منابع آبی از جمله چاه‌ها و ... خشک شده‌اند.

علیرضا دائمی با اشاره به این‌که در بعضی از مناطق با تانکر آبرسانی می‌شود، به ایسنا گفت: بیشترین چالش تامین آب در جنوب بلوچستان، بخشی از بوشهر و هرمزگان وجود دارد که مجبوریم در این مناطق اعمال محدودیت کنیم.وی با تاکید بر این‌که اعتبارات مربوط به تامین آب روستایی سه سال است که به صورت کامل قطع شده و در اختیار استان‌ها قرار گرفته است، گفت: این موضوع باعث کاهش خدمات رسانی شده است.

گزارش دیگری از میزان بارش در کشور حاکی است،گیلان پربارش‌ترین استان کشور از ابتدای سال آبی جاری تاکنون بوده است. در مقابل طی این مدت استان های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و سمنان استان های کم بارش کشور گزارش شده اند . استان سیستان و بلوچستان با ۹۸ میلیمتر بارش از ابتدای سال آبی جاری تاکنون، عنوان کم بارش ترین استان کشور را به خود اختصاص داده است. میزان بارش این استان در مقایسه با مدت مشابه سال آبی گذشته، ۸۱ درصد و در قیاس با دوره درازمدت یک درصد افزایش یافته است.

براساس این گزارش، از ابتدای سال آبی جاری تاکنون در استان خراسان جنوبی ۱۱۸ میلیمتر بارش رخ داده است.میزان بارش استان خراسان جنوبی در مقایسه با مدت مشابه سال آبی گذشته، دو درصد افزایش و در قیاس با دوره درازمدت ۹ درصد کاهش نشان می دهد.

همچنین از ابتدای مهر سال ۹۱ تاکنون، در استان سمنان ۱۳۰ میلیمتر بارندگی صورت گرفته است که این میزان بارش در مقایسه با سال آبی گذشته ۳۰ درصد کاهش یافته است و در قیاس با دوره درازمدت ۴۲ ساله شش درصد کاهش نشان می‌دهد.همچنین گیلان پربارش‌ترین استان کشور از ابتدای سال آبی جاری تاکنون گزارش شده است.

حجم بارش های استان گیلان از ابتدای سال آبی جاری تاکنون، ۷۱۵ میلیمتر ثبت شده است.

میزان بارش استان گیلان در مقایسه با مدت مشابه سال آبی گذشته، ۲۶ درصد و در قیاس با دوره درازمدت ۴۲ ساله ۱۰ درصد کاهش نشان می دهد.

پس از این استان، چهارمحال و بختیاری با ۶۲۹ میلیمتر و کهگیلویه و بویراحمد با ۶۲۵ میلیمتر بارندگی از ابتدای سال آبی جاری تاکنون، دیگر استان های پربارش کشور گزارش شده اند.میزان بارش استان چهارمحال و بختیاری در مقایسه با مدت مشابه سال آبی گذشته ۱۷ درصد افزایش و در قیاس با دوره درازمدت ۴۲ ساله شش درصد کاهش نشان می دهد.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۹۸/۳۳ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۳/۲۹ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۱۰۰/۷۸ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۲۵۴/۳۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳گرم)	۱۱۱۰۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳گرم)	۱۱۴۸۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۵۹۸۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۳۹۷۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۲۶۵۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۰۶۵۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۲۲۵۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ مبادله ای)	۲۴۷۸/۷ تومان
دلار آمریکا(نرخ غیر رسمی)	۳۳۸۵ تومان
یورو(نرخ مبادله ای)	۳۲۳۷/۶ تومان
یورو(نرخ غیر رسمی)	۴۴۰۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ مبادله ای)	۳۷۷۰/۵ تومان
پوند انگلستان(نرخ غیر رسمی)	۵۱۳۵ تومان
درهم امارات (نرخ مبادله ای)	۶۷۴/۸ تومان
درهم امارات (نرخ غیر رسمی)	۹۲۰ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

کالاهای اساسی ارز مرجع و دارو ارز مبادله‌ای می‌گیرند

واردات دارو از دریافت ارز مرجع حذف شد.

حمید صافدل رئیس کل سازمان توسعه تجارت با تأکید بر اینکه هیچ بخشنامه یا دستورالعملی در خصوص حذف ارز مرجع کالاهای اساسی به دست ما نرسیده است، گفت: همچنان کالاهای اساسی ارز مرجع و دارو ارز مبادله‌ای می‌گیرد و هیچ تغییری صورت نگرفته است.

وی افزود: از چند ماه پیش تاکنون ثبت سفارش دارو با ارز مبادله‌ای صورت می‌گیرد و به بخشنامه اخیر ارتباطی ندارد.

توافق ایران برای اکتشاف نفت و گاز در بولیوی

وزیران نفت ایران و بولیوی برای همکاری ایران در حوزه اکتشاف نفت و گاز بولیوی در حاشیه برگزاری نشست کشورهای صادرکننده گاز در مسکو توافق کردند.

به گزارش فارس، براین اساس ایران از این پس قرار است به دلیل سابقه طولانی و توانایی در امر اکتشاف نفت و گاز در بلوک‌های اکتشافی بولیوی مشارکت داشته باشد و از طرفی کار توسعه برخی از این بلوک‌ها را با مشارکت شرکت‌های نفت و گازی بولیوی انجام دهد.

احتمال تولید مجدد پیکان در ایران

کیفیت خودروهای تولید داخل با شروع تحریم ها علیه صنایع خودروسازی ایران ، بیش از قبل کاهش می یابد.

آرمان خالقی عضو کارگروه حمایت از تولید در گفتگو با فارس گفت: اگر قرار است در شرایط تحریم قرار بگیریم، باید خودرویی تولید کنیم که سطح تکنولوژی پایینی داشته باشد، به همین دلیل ممکن است در نوع موتور و قطعات مورد استفاده در صنعت خودرو تجدید نظر شود و در نهایت، تکنولوژی تولید خودرو مورد بازنگری قرار گیرد.

نامبرده افزود: ممکن است ناچار به تولید خودرویی مانند پیکان باشیم که دارای بدنه خودروهای جدید باشد، ولی موتور آن، همان موتور پیکان باشد.

آغاز توزیع عمده برنج ارزان در سطح کشور

توزیع برج ارزان در سراسر کشور آغاز شد.

عباس قبادی معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت با هشدار به بنکداران گرانفروش در خصوص عرضه برنج گفت: مقادیر قابل توجهی برنج در نمایشگاه های عرضه مستقیم توزیع خواهد شد.

قبادی در گفتگو با مهر از برداشت برنج ظرف یکماه آتی خبر داد و خاطرنشان کرد: قرار است از امروز در نمایشگاه های عرضه مستقیم کالا به مناسبت ماه مبارک رمضان برنج سفید آپاچی ۲۴۰۰ تومان، تایلندی ۱۹۰۰ تومان و هندی دانه کوتاه ۱۷۰۰ تومان عرضه شود.

مطالعات بخش خصوصی درمورد مشکلات اقتصادی در اختیار رئیس جمهوری منتخب قرار می گیرد

فعالان اقتصادی بخش خصوصی مطالعات کارشناسی شده خود را در زمینه مشکلات اقتصادی کشور تقدیم رئیس جمهوری منتخب می کنند.

دکتر یحیی آل اسحاق رئیس اتاق بازرگانی تهران با بیان این مطلب اظهار داشت: به شرط ایجاد فضا و تدبیر لازم علیرغم همه محدودیت‌ها، کشور برای یک جهش و پرواز آماده است.

وی در سی و یکمین نشست هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران با تقدیر و تشکر از حضور حماسی مردم در انتخابات ۲۴ خرداد اظهار داشت: شرایط بسیار خوبی پس از انتخابات بوجود آمده و پیروزی گفتمان اعتدال، تدبیر، عقلانیت و اخلاق نشان داد که این گفتمان مورد درخواست همه کشور است و از هر کوچه و گذر بر همه اقشار شاهد احساس رضایت عمومی هستیم.

وی با ابراز امیدواری نسبت به اینکه انتخاب دولت یازدهم باعث بروز برکات داخلی و خارجی شود، اظهار داشت: برای آنکه این گفتمان در همه ابعاد ظهور کند، لازم است تا اعتدال در همه ارکان مدیریتی و رفتاری دیده شود و در عمل شاهد تدبیر، تجربه و عقل در انجام امور باشیم.

وی افزود: امیدواریم فضای تعادلی جای روابط تخاصمی را بگیرد و حقوق فردی و اجتماعی در همه صحنه‌ها و ارکان وارد شود.

رئیس اتاق بازرگانی تهران گفت: برای شکل‌گیری گفتمان عدالت باید همه دست به دست هم بدهیم، با همدلی و انگیزه فضای بوجود آمده را حفظ و عملیاتی کنیم و از فضای برنده – بازنده خارج شویم. چرا که برنده، گفتمانی است که همه مردم خواستار آن بوده‌اند.

وی افزود: بطور کتبی هم اعلام کردیم که تمام اتاق‌های بازرگانی کشور و اتاق تهران این آمادگی را دارد با تمام وجود در خدمت دولت باشد، لذا مطالعاتی در قالب پروژه‌های پژوهشی و آنچه که صراحتا گفته شده ، در کمیسیون تخصصی و نشست‌های هیات نمایندگان مطرح شده است و اتاق بازرگانی تهران این آمادگی را دارد تا مطالعات صورت گرفته را برای مشاوره و کمک به دولت یازدهم در اختیار آن‌ها قرار دهد.

طرح مسکن مهر باید با اولویت بافت‌های فرسوده اجرا شود

سرویس اقتصادی: بودجه عمرانی امسال به ۵۶ هزار میلیارد تومان افزایش یافت.

سیدمهدی هاشمی رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور و رئیس کمیسیون عمران مجلس دیروز در گفتگو با خبرنگاران اظهار داشت: در سال گذشته ۳۹ هزار میلیارد تومان بودجه عمرانی یا تملک دارایی برای کشور پیش‌بینی شده بود که فقط ۱۵ هزار میلیارد تومان این بودجه محقق شد.

وی ادامه داد: به همین دلیل نیازهای جامعه در زمینه اجرای پروژه‌های عمرانی در کشور انجام نشد و به ویژه جامعه مهندسی و بخش ساختمان نتوانست به دلیل محدودیت منابع وظیفه خود را انجام دهد.وی با اشاره به این که در بودجه امسال اعتبار اختصاص‌یافته برای پروژه‌های عمرانی حدود ۵۰ درصد رشد نسبت به لایحه داشت، گفت: با این که امسال بودجه با تاخیر تصویب شد و بودجه پیشنهادی هم کمتر از بودجه سال گذشته و معادل ۳۷ هزار میلیارد تومان بود، اما مجلس مبلغ ۵۶ هزار میلیارد تومان بودجه عمرانی را برای سال ۹۲ مصوب کرد.

رئیس کمیسیون عمران مجلس ادامه داد: افزایش بودجه عمرانی از محل فروش سهام، اوراق مشارکت و مازاد فروش نفت پیش‌بینی شده و اعتقاد ما این است که رشد بودجه عمرانی می‌تواند ارتباط مستقیم با رفاه، ایمنی و ایجاد اشتغال که اولویت اول فعالیت‌های اقتصادی است، داشته باشد.

وی با اشاره به شروع فعالیت دولت جدید در آینده نزدیک گفت: باید بخش خصوصی را بیش از گذشته در صنعت ساختمان فعال کنیم. هاشمی در بخش دیگری از سخنانش در مورد تفکیک وزارت راه و شهرسازی اظهار داشت: بنده از ابتدا مخالف ادغام وزارت مسکن و شهرسازی و راه و ترابری بودم، اما با هزینه زیادی این ادغام صورت گرفت و این که اکنون به یکباره طرح تفکیک مطرح شود، هم کار دقیق و کارشناسی‌شده‌ای نیست.

وی با تاکید بر این که هنوز پیشنهاد رسمی مبنی بر تفکیک این وزارتخانه به کمیسیون عمران واصل نشده است، افزود: با این که از ابتدا مخالف این ادغام بودم، ولی اکنون تفکیک آن را در این شرایط مصلحت نمی‌دانم.

زیرا با تغییر دولت که در پیش است اگر این کار انجام شود، روش مدیریت عمده پروژه‌های عمرانی هم تغییر می‌کند و بحرانی در اجرای طرحهای عمرانی ایجاد می‌شود.رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور در مورد کیفیت مسکن مهر اظهار داشت: تا دو سال پیش اشکالات این پروژه حدود ۱۵ درصد بود و بیش از ۸۵ درصد ساختمانها از استاندارد لازم برخوردار بود. از دو سال پیش به این طرف کمتر از ۲ درصد ساختمانهای مسکن مهر دچار مشکل فنی و مهندسی هستند و بخش قابل توجهی از اشکالات برطرف شده، هرچند که یک مورد هم زیاد است.

وی ادامه داد: به اعتقاد من در دولت جدید طرح مسکن مهر باید با اولویت بافت فرسوده اجرا شود.

پیش‌بینی تولید ۱۲ میلیون تنی گندم در امسال

با توجه به اینکه نرخ خرید تضمینی گندم کمتر از قیمت تمام شده آن است و دولت گندم خارجی را سال گذشته ۲۱۴ درصد و امسال ۱۷۱ درصد گرانتر از محصول داخل خریداری کرده است، از این رو ضروری است سیاست‌های خرید داخلی ساماندهی شود ودر این خصوص از دولت تقاضا داریم به گونه‌ای خرید تضمینی گندم را مدیریت کند تا این محصول به جای استفاده نامناسب در دامداری‌ها و مرغداری ها به مصرف انسانی برسد.

دلاور حیدرپور مدیر کل دفتر غلات، وزارت جهاد کشاورزی با اعلام این مطلب به فارس گفت: پیش‌بینی وزارت جهاد کشاورزی تولید ۱۲ میلیون تن گندم در سال ۹۲ است برخی استان‌های گرمسیری هنوز گندم‌های خود را به مراکز خرید تحویل نداده اند و بسیاری از استان‌های سردسیر کشور هم برداشت خود را آغاز نکرده‌اند.حیدرپوربا اشاره به تولید گندم در استان‌های سردسیر گفت: پیش‌بینی می‌شود در آذربایجان شرقی ۷۵۰ هزار تن، آذربایجان غربی ۶۰۰ هزار تن، اردبیل ۶۰۰ هزار تن، خراسان رضوی ۸۰۰ هزار تن، خراسان شمالی ۳۰۰ هزار تن، خوزستان ۱,۵ میلیون تن، فارس ۱,۶ میلیون تن، کرمانشاه ۶۰۰ هزار تن، کرمان ۲۲۰ هزار تن، کردستان ۵۵۰ هزار تن، گلستان یک میلیون و ۱۰۰ هزار تن گندم تولید شود.

وی مناسب نبودن قیمت خرید گندم را عامل کاهش خرید دولتی عنوان کرد و گفت: در حالی که قیمت تمام شده گندم ۸۲۰ تا ۸۵۰ تومان است، نرخ خرید تضمینی گندم ۷۲۰ تومان تعیین شده است و این انگیزه کشاورزان برای تحویل گندم به دولت را کمرنگ کرده است.

لازمه نیل به رشد اقتصادی بالا و بیکاری پایین، مهار تورم است

یکی از راهبردهای اصلی تیم اقتصادی دولت آینده باید هماهنگی سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری باشد.

پیمان قربانی مدیر اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی در گفتگو با فارس اظهارداشت: تصمیمات متخذه درباره سیاست مالی، آثاری در زمینه سیاست‌های ارزی دارد و اتخاذ تصمیمات ارزی دارای تبعات در سیاست‌های پولی، نرخ ارز و سیاست‌های تجاری است.

وی افزود: نحوه تامین مالی طرح‌های توسعه‌ای در کشور به جای اتکا به منابع بانک مرکزی، باید مبتنی بر سایر ابزارهای تامین مالی باشد و از منابع بانک مرکزی تا حد امکان استفاده نشود و بانک مرکزی باید نقش آخرین وام دهنده در اقتصاد را داشته باشد تا بتوان با مهار رشد نقدینگی گامی در جهت کنترل تورم برداشته شود.

به گفته قربانی، در صورتی که رشد نقدینگی بالا و تورم شتابان باشد، انتظار تحقق بازار ارز با ثبات دشوار می‌شود.وی با اشاره به اینکه انتظارات در سال ۹۱ و سال جاری نقش قابل توجهی در افزایش نرخ ارز و تورم داشته‌اند، اظهارداشت: بنابراین همانطور که انتظارات در جهت افزایش نرخ ارز و تورم موثر بوده، این پیام را دارد که در دولت آینده باید با مدیریت مطلوب انتظارات و کاهش انتظارات منفی بتوانیم التهاب بازارها را رفع کنیم؛ بدین ترتیب هزینه تحقق اهداف اقتصادی همچون مهار تورم، در بخش واقعی اقتصاد کاهش می‌یابد.نامبرده تصریح کرد: یکی از این موارد، رابطه تورم و رشد اقتصادی است. قاعدتا وقتی در جهت کاهش تورم حرکت کنیم، در کوتاه مدت رشد اقتصادی با محدودیت مواجه می‌شود ولی در صورت مدیریت مطلوب انتظارات می‌توان هزینه‌های سیاست‌های ضد تورمی را به حداقل رساند که در اقتصاد به آن «تورم زدایی بدون درد» گفته می‌شود.وی با بیان اینکه سیاست اقتصادی خوب باید در زمان و مکان مناسب و به شیوه درست پیاده شود، افزود: هم‌اکنون چالش هایی مانند نحوه تامین مالی طرح‌های توسعه‌ای و بنگاه‌های اقتصادی، اجرای فاز دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها، سیاست‌های تجاری، مدیریت بازار ارز، مهار بیکاری وجود دارد و ضروری است بسته جامع سیاستی که در این زمینه به کار گرفته می‌شود، هم‌راستا و در یک جهت باشد .به گفته وی لازمه حرکت به سمت رشد اقتصادی بالا و بیکاری پایین، مهار تورم است که روند فزاینده آن موجب نااطمینانی در اقتصاد شده و تولید و سرمایه‌گذاری را با مشکل جدی مواجه می‌کند.

تغییرات جدید در هیات رئیسه کنفدراسیون صادرات ایران

ترکیب جدید اعضای هیات رئیسه کنفدراسیون صادرات ایران در جلسه ای که شب قبل با حضور اعضای این هیات برگزار شد، به تصویب رسید.

در جلسه شب گذشته سید رضا نورائی به سمت رئیس جدید هیات مدیره کنفدراسیون صادرات، محمد لاهوتی و حسن احمدیان به سمت نواب رئیس، محمد رضا طلایی به سمت خزانه دار و مظفر علیخانی به سمت دبیر کل جدید این تشکل انتخاب شدند.علاوه بر این محمد لاهوتی به عنوان نماینده کنفدراسیون صادرات ایران در هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و همچنین به عنوان نماینده این تشکل در کمیسیون صادرات اتاق ایران برگزیده شد.

بی خوابی های شبانه پیامد منفی سبک زندگی جدید

*** عباسعلی ناصحی - مدیرکل سلامت روان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: افراد نباید بدون تجویز پزشک، داروی ریتالین مصرف کنند، چراکه اختلالات در خواب، کاهش اشتها، سردرد تعریق، عصبی شدن، لرزش دست، افزایش ضربان قلب، افزایش دمای بدن و دل درد از جمله عوارض مصرف خودسرانه ریتالین است**

هر سال با فرارسیدن فصل امتحانات، برخی از دانش آموزان و دانشجویان به تکاپو می‌افتند و می‌کوشند دروس سه ماه تحصیلی را یک شبه فرا بگیرند، که امکان پذیر نیست. درس‌های روی هم تلمبار شده، جزوه‌های ناقص و فرصت‌های کوتاه برای درس خواندن، بعضی از دانش آموزان و دانشجویان را به فکر راه‌های میان‌بر می‌اندازد تا بتوانند به هر نحو ممکن، کابوس امتحان‌ها را پشت سر بگذارند.

در چنین شرایطی به گفته کارشناسان، متأسفانه شماری از دانش‌آموزان و دانشجویان برای شب‌زنده‌داری در شب امتحان، قرص «ریتالین» مصرف می‌کنند. و این در حالی است که متخصصان در مورد افزایش مصرف این قرص اعتیادآور هشدار داده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد مصرف داروی ریتالین بر کارکرد تحصیلی افراد تاثیر می‌گذارد و زمینه ابتلای آنان به اعتیاد را فراهم می‌کند.

توهم و هذیان گویی

دکتر عباسعلی ناصحی - مدیرکل سلامت روان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در گفتگو با خبرگزاری فارس اظهار داشته است: توهم و هذیان‌گویی از عوارض روانی شدید مصرف ریتالین است که در صورت مسمومیت، احتمال مرگ نیز وجود دارد.

وی می‌افزاید: برخی از دانش‌آموزان و دانشجویان در فصل امتحانات متأسفانه به مصرف داروی خطرناک ریتالین مبادرت می‌کنند، بدون آن که از عوارض آن باخبر باشند.

ناصحی می‌افزاید: داروی «ریتالین» برای درمان بیماری اختلالات روانی با حملات غیرقابل کنترل خواب در بزرگسالان و اختلالات بیش‌فعالی و کم‌توجهی در کودکان دیده می‌شود که با تحرک بیش از اندازه و کمبود تمرکز در یادگیری همراه است.

وی یادآوری می‌کند: تجویز داروی ریتالین برای مداوای این دسته از اختلالات روانی باید انجام شود، در حالی که متأسفانه در موارد دیگری شاهد سوء مصرف آن هستیم.

مدیرکل سلامت روان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی همچنین یادآوری می‌کند: علت مصرف ریتالین، ایجاد بی‌خوابی در افراد است و عده‌ای به همین دلیل اقدام به مصرف آن می‌کنند، چرا که معتقدند از خواب آنان به هنگام شب‌بیداری در ایام امتحانات، می‌کاهد.

ناصحی با تأکید بر اینکه افراد نباید بدون تجویز پزشک، داروی ریتالین مصرف کنند می‌گوید: اختلال در خواب، کاهش اشتها، سردرد، تعریق، عصبی شدن، لرزش دست، افزایش ضربان قلب، افزایش دمای بدن و دل‌درد از عوارض سوءمصرف ریتالین است.

مدیرکل سلامت روان وزارت بهداشت و درمان تصریح می‌کند: در صورت مصرف دوز بالای ریتالین، عوارض خطرناکی مانند اختلال در هوشیاری، تشنج و سکته قلبی و مغزی مصرف‌کنندگان را تهدید می‌کند.

ناصحی گفت: عوارض شدید روانی مانند توهم و هذیان‌گویی نیز در این افراد بسیار دیده می‌شود و در صورت مسمومیت با داروی ریتالین، احتمال مرگ وجود دارد.

علاوه بر آن، احتمال مصرف دانشجویان پزشکی به دلیل آشنایی با اثرات دارو در ریتالین وجود دارد و ممکن است این افراد هم به مصرف ریتالین اقدام کنند.

عوارض مصرف قرص‌های ریتالین

دکتر رضا جباری - متخصص جراحی مغز و اعصاب در مورد عوارض مصرف غیرضروری داروی ریتالین به گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: «متیل فنیدات» که بیشتر به نام تجاری ریتالین شناخته می‌شود، از مشتقات گروه امفتامین‌ها است که جزو داروهای محرک به حساب می‌آید و برای درمان بیش فعالی، اختلالات یادگیری (ADHD) و برخی از مبتلایان به افسردگی تجویز می‌شود. از این دارو همچنین در درمان خواب آلودگی مزمن (Narcolepsy) در میان افراد میانسال و کهنسال به کار می‌رود.

وی با بیان این مطلب که کاربرد اصلی «ریتالین» در روان‌پزشکی اطفال است، می‌افزاید: معمولاً این دارو برای اطفال بیش فعال، بیماران سایکوز و بیمارانی که اختلالات توجه دارند، کاربرد دارد. زیرا این دارو در دوز معین، میزان توجه و هوشیاری شخص را افزایش می‌دهد.

این متخصص جراحی مغز و اعصاب در مورد سوء استفاده از ریتالین یادآوری می‌کند: برخی از افراد از این دارو برای افزایش تمرکز و هوشیاری به هنگام درس خواندن بخصوص در شب‌های امتحان استفاده می‌کنند و این در حالی است که ریتالین ٤ تا ٦ ساعت تمرکز را افزایش می‌دهد و سپس افزایش غیرطبیعی متابولیسم مغزی را به همراه می‌آورد که به خستگی مفرط ذهنی مصرف کنندگان می‌انجامد و نتایج نامطلوبی باقی می‌گذارد، با این حال متاسفانه عده‌ای باز هم به مصرف آن ادامه می‌دهند.

افزایش مصرف

دکتر جباری با اشاره به این مطلب که به تدریج مقدار (دُز) استفاده از ریتالین در مصرف کنندگان افزایش می‌یابد، می‌گوید: مصرف کنندگان ریتالین ممکن است عوارضی مانند افزایش درجه حرارت بدن، بی‌نظمی در ضربان قلب، سردرد و تهوع، افزایش فشارخون، تعریق، اضطراب و استرس شدید، تشنج و به طور کلی عوارضی مانند عوارض مصرف قرص اکستازی را تجربه کنند.

وی می‌افزاید: اگر دُز مصرف ریتالین زیاد باشد، فرد دچار اختلالات رفتاری و توهمی می‌شود که در درازمدت کاهش حافظه و آسیب‌های نوروفیزیولوژیک به مغز را سبب می‌شود و عوارض جبران ناپذیری را برای مصرف کنندگان بوجود می‌آورد.

دکتر جباری - متخصص جراحی مغز و اعصاب با بیان این مطلب که بیشترین مصرف ریتالین در کودکان بیش فعال است و به کنترل اختلالات رفتاری شان کمک می‌کند، یاد آور می‌شود: به غیر از بیماران یاد شده، مصرف کنندگان ریتالین را بیشتر دانشجویان تشکیل می‌دهند، در حالی که به جای استفاده از ریتالین می‌توان از مواد محرک طبیعی مانند قهوه استفاده کرد که سلامت آن‌ها را به مخاطره نمی‌اندازد.

درمان افسردگی

دکتر علی حسینی - روانشناس نیز درباره موارد مصرف ریتالین به گزارشگر روز نامه اطلاعات می‌گوید: ریتالین در سال ١٩٥٤ میلادی به بازار دارویی جهان عرضه شد و ابتدا دارویی برای درمان افسردگی، خواب آلودگی در طول روز و سندرم خستگی مزمن بود. اما به تدریج و با مطالعات بیشتر از آن، در درمان کودکان بیش فعال استفاده شد. اما در سال ١٩٩٨ میلادی برخی از دانشجویان، دانش‌آموزان دبیرستانی و نوجوانانی که قصد داشتند در شب‌های امتحان بیدار بمانند، به مصرف کنندگان این قرص پیوستند.

وی در مورد عوارض مصرف ریتالین می‌افزاید: مصرف این دارو برای افراد دارای اضطراب زیاد، فشارهای عصبی، عصبانیت همراه با بی‌قراری، حساسیت مفرط نسبت به دارو، فشارخون بالا، گلوکوم، افسردگی‌های قابل درمان با داروهای رایج ضد افسردگی، تیک‌های حرکتی و کودکان زیر ٦ سال منع شده است.

تجویز پزشک

این روانشناس با بیان این مطلب که «ریتالین» از جمله داروهایی است که باید با تجویز پزشک مصرف شود و از اینرو مصرف خودسرانه این قرص عوارضی را برای فرد به وجود می‌آورد، یادآوری می‌کند: مهم‌ترین معضل مصرف ریتالین این است که به هیچ عنوان مشخص نمی‌سازد در چه گروهی وابستگی شدید ایجاد می‌کند و متاسفانه مصرف کنندگان نیز از عوارض آن بی اطلاع هستند.

وی می‌افزاید: ریتالین دارویی است که حتماً باید توسط پزشکان تجویز شود، حال آن که اغلب مصرف کنندگان تصور می‌کنند این قرص‌ها بی‌خطرند و «بدنامی «مواد مخدر را ندارند! در حالی که عوارض مصرف خودسرانه این قرص‌ها می‌تواند در حد مواد مخدری نظیر کوکایین و آمفتامین باشد.

ریتالین و دانشجویان

دکتر علی فرجام - روان شناس اجتماعی به گزارشگر روز نامه اطلاعات می‌گوید: در سال‌های اخیر مصرف خودسرانه این دارو در میان برخی از دانشجویان افزایش یافته و این در حالی است که «ریتالین» دارویی است که در درمان اختلالات مغزی توسط روان‌پزشکان تجویز می‌شود.

این دارو به نوعی ماده محرک مغز است که برای فعالتر شدن کورتکس مغز تجویز می‌شود، اما متاسفانه شاهد استفاده خودسرانه آن توسط برخی از دانشجویان هستیم که عوارض بسیار زیان آوری نیز به دنبال دارد.

وی می‌افزاید: در سال‌های اخیر مصرف خودسرانه «ریتالین» در میان دانشجویان افزایش یافته است و به ویژه در برخی گروه‌های خاص که نیاز به تمرکز و پشتکار بیشتر دارند، مصرف بیشتر این دارو را شاهدیم. اما نکته مهم مشترک در میان همه مصرف کنندگان خودسرانه داروی ریتالین، این است که آنان دانشجویانی هستند که در طول ترم درس نمی‌خوانند و برای یادگیری درسی که حداقل فراگیری آن به ۲ ماه زمان نیاز دارد، می‌خواهند فقط یک یا دو شب زمان بگذارند. به این ترتیب نیاز به شب بیداری، انرژی و تمرکز بیشتر در آن شب دارند که به سمت مصرف این داروی روان گردان و زیان‌آور کشیده می‌شوند.

اغلب این دانشجویان در عادت‌های تحصیلی و انگیزش‌های کلی و خاص، دچار مشکل هستند. آنان مهارت مطالعه ندارند و می‌خواهند همه مشکلات خود را با مصرف یک قرص ریتالین رفع کنند!

عدم برنامه ریزی صحیح

این روانشناس اجتماعی همچنین یادآوری می‌کند: افراد مصرف کننده ریتالین، آن را جانشین عادت‌های تحصیلی خود می‌کنند و به جای آنکه روش تحصیل و زمانی را که باید برای این کار اختصاص دهند، اصلاح کنند و سبک زندگی دانشجویی را برگزینند، به دنبال نتیجه گیری یک شبه و یکباره هستند.

در حالی که اگر آنها حجم درس‌های خود را در طول ترم تقسیم کنند و آن‌ها را درست یاد بگیرند، بیش از ۹۰ درصدشان نیازی به مصرف ریتالین ندارند.

دکتر فرجام همچنین می‌گوید: برخی از دانشجویان گزارش می‌کنند که با مصرف ریتالین، هوشیاری بیشتری پیدا می‌کنند و مغزهایشان به طور خودکار از تنبلی بیرون می‌آید. اما پس از مصرف با عوارض متعدد آن مواجه می‌شوند.

وی می‌افزاید: عوارضی مانند مشکلات سیستم عصبی و نورولوژیک، کاهش عملکرد یادگیری، تنبلی مغز، تمرکز کمتر از زمان پیش از مصرف ریتالین، مشکل یادآوری تا دوره قابل توجه، دلهره، اضطراب و حملات حاد اضطرابی بعد از مصرف ریتالین گزارش شده است که البته اینها مربوط به مصرف خودسرانه و بدون تجویز روانپزشک است. دکتر فرجام می‌افزاید: تعداد افرادی که از سوی روانپزشک نیازمند مصرف ریتالین تشخیص داده می‌شوند، بسیار کم است و ۹۰ درصد دانشجویانی که این دارو را مصرف می‌کنند، نیازی به آن ندارند. جالب اینجاست که این دارو بدون نسخه روانپزشک فروخته نمی‌شود و همه داروخانه‌ها نیز آن را ندارند. اما عده‌ای به صورت قاچاق آن را تهیه می‌کنند یا آنکه یکی از افراد آن را با دیگران تقسیم می‌کند. حتی به این نکته توجه نمی‌کنند که داروهای قاچاق اغلب حاوی مواد خطرناک و اعتیادآور دیگر است.

متاسفانه به تازگی برخی از روانپزشکان، ریتالین را برای دانشجویان تجویز می‌کنند و بعد از گزارش دانشجو در مورد افت عملکرد تحصیلی، برایشان دارو نوشته می‌شود. در صورتی که این دانشجو ممکن است با زمینه‌های روانی مانند تنبلی و مسئولیت گریزی به روانپزشک مراجعه کرده باشد که با مصرف ۲ دوره ریتالین کمی بهتر می‌شود، اما عوارض جدی برای او ایجاد می‌کند.

فصل امتحانات و ریتالین

دکتر سید حاجی میری - داروساز در مصاحبه با خبر گزاری ایسنا با هشدار نسبت به شیوع مصرف خودسرانه ریتالین اظهار داشته است: وابستگی و اعتیاد به ریتالین، به سیستم اعصاب مرکزی آسیب می‌رساند و عوارض قلبی و عروقی و همچنین بیقراری و آشفتگی، از عواقب مصرف غیرمنطقی این دارو به حساب می‌آید. وی همچنین می‌گوید: داروهای محرک آمفتامینی یا شبه آمفتامینی مانند ریتالین، داروهایی است که در عملکرد مغز دخالت می‌کند و بر قسمتی از مغز که به تمرکز، توجه و پشتکار فرد مرتبط می‌شود، تاثیر مستقیم می‌گذارد.

این داروساز با بیان این مطلب که «متیل فنیدیت» از جمله داروهای محرک است که از سال ١٩٥٤ میلادی با نام تجاری «ریتالین» به عنوان یک داروی ضد افسردگی وارد بازار دارویی کشورها شده است، یادآوری می‌کند: کاربرد این دارو در طول زمان گسترش یافت، به طوری که برای درمان علامتی بیماران دچار خواب آلودگی در طی روز نیز استفاده می‌شود.

دکتر حاجی میری می‌افزاید: در ایام امتحانات سوءمصرف ریتالین در میان بعضی از دانشجویان شایع می‌شود. به طوری که عده‌ای از آنها برای بیدار ماندن و به منظور افزایش توجه و تمرکز، به مصرف این دارو روی می‌آورند.

وی با بیان این مطلب که شکی نیست ریتالین قابلیت جلوگیری از خواب آلودگی را دارد، اما مصرف غیرمنطقی آن عوارض زیادی را برای فرد به همراه می‌آورد، یاد آوری می‌کند: آسیب به دستگاه مرکزی اعصاب، بروز سردرد، کم تحملی و بی‌قراری و همچنین عوارض قلبی عروقی مانند ایجاد تغییر در ریتم طبیعی قلب و تعداد ضربان آن و افزایش فشار خون، از جمله عوارضی است که در صورت مصرف سوء ریتالین، می‌تواند جان مصرف کننده را تهدید کند.

این دارو ساز سپس به ایجاد وابستگی در صورت مصرف غیرمنطقی و مکرر ریتالین اشاره می‌کند و می‌افزاید: گاهی شاهد عوارض گوارشی نظیر بی‌اشتهایی و تهوع نیز در افراد استفاده‌کننده از این دارو هستیم. البته باید توجه داشت که میزان پاسخ‌دهی به این دارو در افراد مختلف، کاملا متغیر است.

وی با اشاره به اعمال سیاست‌های نظام‌مند نظارتی برای توزیع این دارو از سوی نهادهای سیاستگذار، می‌گوید: از آنجا که ریتالین در داروخانه‌های خاص و براساس ضوابط ویژه‌ای به بیماران ارائه می‌شود، احتمال وجود بازار سیاه و داروهای تقلبی در این میان قدرت می‌یابد. افراد و به ویژه دانشجویان باید توجه داشته باشند که احتمال تقلبی بودن ریتالین توزیع شده در بسیاری از مراکزی که به صورت غیرقانونی فعالیت می‌کنند، وجود دارد.

مصرف خودسرانه

این مسئول کمیته پرورش داروساز - دانشجو دانشگاه علوم پزشکی تهران سپس با ابراز تاسف از شیوع مصرف خودسرانه ریتالین در میان برخی از دانشجویان و دانش آموزان در ایام امتحانات می‌افزاید: آمار و ارقام نشان می‌دهد که متاسفانه مصرف این ماده و داروهای مشابه به منظور جلوگیری از خواب آلودگی و افزایش قدرت تمرکز و دقت، افراد تحصیلکرده بیشتر است. ریتالین دارویی است که در درمان اختلالات مغزی توسط روان‌پزشکان تجویز می‌شود. این دارو به نوعی ماده محرک مغز است و برای فعالتر شدن کورتکس مغز تجویز می‌شود اما متاسفانه شاهد استفاده خودسرانه آن توسط برخی افراد هستیم که عوارض بسیار زیان‌آوری را به دنبال دارد.

بیتا مهدوی

جدول ۲۲۰۲۲

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:
۱- پایتخت آفریقای جنوبی - روز قیامت
۲- دوره‌ها - طایفه‌ای از ایل بختیاری
۳- نامی زنانه - نویسنده شوخ طبع ایرلندی مولف «ژاندارک» - هادی الکتریکی
٤- قدبلند - نوعی ارّه - گیرنده امواج
٥- کلام هشدار - محصول صابون - اثر شارلوت برونته - شکننده
٦- خیسی اندک - سخن‌های پریشان و باطل - گریز حیوان - رود آرام
٧- خریدن - فیلم کیانوش عیاری
٨- خورشید - شخص - مکان - اسب چاپارخانه
٩- از موبدان پزشک دوره هخامنشی - کاشف ماده «د.د.ت»
١٠- سطح - ضربه سر - کودک و نوجوان - فلز سرخ
١١- سخت‌تر - اتاق درس - انبار کشتی - نقطه بیگانه
١٢- کشوری در مدیترانه با مرکز «والتا» - خلاصه و کوتاه - از پیامبران
١٣- سبزی خوردنی (تره) - پشت سر - پیشکش کردن
١٤- پیشگاه اتاق - آنچه به دوش یا پهلو آویزند
١٥- خطی قدیمی که بعد از خط هیروگلیف اختراع شد - از شاگردان معروف ابن سینا

عمودی:
١- کنایه از فقیر و بی‌چیز - مقبره و مزار
٢- نام سه تن از فرمانروایان اموی اندلس - نام قدیم قوچان
٣- ماده‌ای شیمیایی در چای - صدا - محبوب
٤- بسیار مهربان - کنایه از جاسوس - کرم کدو
٥- اسلوب - جزیره‌ای در یونان - لاستیک اضافی - ماه فوتبالی
٦- شیاد بی سروته! - تلفنی که برای برقراری تماس از هر جای کشور، لازم نیست کد شهر مقصد گرفته شود - تکیه - حرف ندا
٧- وسیله نواختن ویولن - شهری در مراکش - نام دیگر گیاه «اکلیل الملک»، گیاه قیصر
٨- اقسام - ورقه چاپی بزرگ تزئینی یا تبلیغاتی
٩- الهی - بازداشت - مالک
١٠- پسوند شباهت - در دست راننده - فیلمی از فریدون جیرانی - ابر رقیق
١١- سوغات گجرات - مخفف تو را - واحد پول هر دو کره - کامل و تمام
١٢- بندر اوکراین - قوه تخیل و تصور - ایمان قلبی، باور
١٣- مقابل امانت - ایستگاه راه‌آهن - شک و تردید
١٤- کلیسایی در پاریس - رنگی از خانواده سبز
١٥- کشوری در قاره اقیانوسیه - غصب اموال کشورهای ضعیف توسط دول قدرتمند

حل جدول ۲۲۰۲۱

خوشنویسی در ایران

ولی‌الله کاووسی **بخش ششم و پایانی**

علی‌رضا عباسی در نوشتن اقلام ثلث و نسخ و رقاع و نستعلیق مهارتی چشمگیر داشت. کتیبه سردر عالی‌قاپوی قزوین، کتیبه‌های سردر مسجد امام اصفهان، و سردر و زیر گنبد مسجد شیخ‌لطف‌الله اصفهان به قلم ثلث این خوشنویس است. با این حال، او در زمان خود بیشتر به نستعلیق‌نویسی شهرت داشت و قطعه‌های بسیار و چندین نسخه و حتی کتیبه‌هایی به این قلم نوشت که کتیبه‌ای با تاریخ ۱۰۱۱ـ۱۰۱۲ در حرم امام رضا علیه‌السلام در مشهد از آن جمله است.

هماورد علی‌رضا در نستعلیق‌نویسی، **میرعماد** بود. او زیبایی این قلم را به اوج رساند و از همه پیشینیان فراتر رفت. وی ابتدا از پیوستن به دربار دوری می‌کرد؛ اما مدتی در اصفهان به خدمت شاه‌عباس درآمد و ظاهراً به سعایت حاسدان و اشاره شاه‌عباس در ۱۰۲۴ در همین شهر به قتل رسید. گویا علی‌رضا عباسی هم در جریان قتل میرعماد نقش داشت.

توانایی اصلی میرعماد در چلیپانویسی به شیوه میرعلی هروی بود؛ با این حال در خط میرعماد ترکیب حروف بسیار استوارتر، گردش قلم بسیار جسورانه‌تر، جای‌گیری کشیده‌ها در ترکیب کلمات بسیار هوشمندانه‌تر، و تفاوت در به کارگیری پهنا یا نازکی قلم بسیار روشن‌تر است. میرعماد در سیاه‌مشق هم مهارتی چشمگیر داشت. درواقع تا پیش از آن، پر کردن صفحات با تکرار حروف و کلمات به عنوان مشق در بین خوشنویسان رایج بود؛ اما میرعماد پایه این کار را بدانجا رسانید که از آن پس سیاه‌مشق‌نویسی در بین خوشنویسان بسیار رایج شد و علاقه‌مندان بسیاری نیز یافت که سیاه‌مشقهای او و پیروانش را در مرقعات گرد می‌آوردند. گاه نیز خود خوشنویسان این سیاه‌مشقها را به فروش می‌رساندند؛ چرا که به سبب ناپایداری حمایتهای درباری، برای کسب درآمد نیازمند راههایی دیگر بودند.

با اینکه سیاه‌مشق‌نویسی به میان خوشنویسان عثمانی هم راه یافت، خوشنویسان ایران همواره در این زمینه پیشتاز بودند. در این دوره قلم نستعلیق در مکاتبات برون‌مرزی هم کاربرد داشت و نامه‌ای از شاه‌عباس به چارلز اول ـ پادشاه انگلستان ـ به این قلم در دست است.

از رویدادهای مهم خطاطی در اواخر عهد صفویان، احیای سنّت قرآن‌نویسی با حمایت شاه‌سلیمان و شاه‌سلطان حسین بود. در این زمان کاتبان شیوه‌ای از نسخ ایرانی را در کتابت قرآن و سایر کتب دینی به کار گرفتند که به مراتب واضحتر و خواناتر از نسخ پیشینیان بود. همچنین در لابلای سطور نَسخ، ترجمه فارسی آیات را با مرکّب سرخرنگ به خط نستعلیق می‌نوشتند.

چندین خوشنویس در این شیوه جدید هنرنمایی کردند که شاخصترین آنان **احمد نیریزی** ـ کاتب دربار شاه سلطان حسین صفوی ـ بود. این خوشنویس نسخ ایرانی را منقح و پاکیزه کرد. از ویژگیهای نسخ او اندازه نسبتاًبزرگ حروف، گشادگی فاصله بین سطرها، و جای‌گیری دقیق و فواصل مناسب حرکتها پیرامون حروف است. نسخ‌نویسی احمد نیریزی بعدها، به خصوص در دوره قاجار (حکومت: ۱۲۱۰ـ۱۳۴۴)، پیروان بسیاری یافت.

آخرین تحول خوشنویسی در دوره صفوی، پیدایش خط **شکسته نستعلیق** در اواخر سده یازدهم و اوایل سده دوازدهم بود. بنابه گفته‌ها، این قلم براثر تندنویسی نستعلیق پدید آمد که طی آن بسیاری از حروفِ ناپیوسته و گاه حتی چند کلمه پیاپی به صورت پیوسته و بدون برداشتن قلم از روی کاغذ نوشته می‌شد و همین امر خواندن آن را دشوار می‌کرد؛ اما چندی بعد خوشنویسان آن را به عنوان قلمی مستقل به کار بردند. مرتضی‌قلی‌خان شاملو و شفیعای هروی از پیشگامان شکسته‌نویسی بودند؛ اما **درویش عبدالمجید طالقانی** در اصفهانِ نیمه دوم سده دوازدهم آن را به اوج رساند و اغلب شکسته‌نویسان نسلهایِ بعد از او پیروی کردند. درویش عبدالمجید قطعات مختلفی می‌نوشت که از غزلهای حافظ تا نامه‌ها و درخواستها را دربرمی‌گرفت. نوشتن رسالات آموزشی و دیباچه بر مرقعات در دوره صفویان بسیار رایج بود.

سده سیزدهم را باید آخرین دوره شکوفایی خوشنویسی ایران شمرد. به رغم تأثیر فرهنگ غرب در ایران و از بین رفتن بسیاری از مظاهر سنّت، شماری از بزرگترین خوشنویسان تاریخ ایران، به ویژه در نستعلیق، در این قرن ظهور کردند. فتحعلی‌شاه که خود و دخترش، ضیاءالسلطنه، دارای خطی خوش بودند، به احیای سنن سلطنتی پیشین علاقه داشت و از همین رو استنساخ چهار نسخه مصور از مثنوی شهنشاه‌نامه فتحعلی‌خان صبا را سفارش داد و آن را برای سران انگلیس و روسیه و اتریش فرستاد.

در همین ایام با ورود دستگاه چاپ سنگی به ایران، قلم نستعلیق در نوشتن آثار چاپی به کار رفت. این دستگاه امکان تهیه و انتشار آسانتر و ارزانتر کتابها را در اختیار ایرانیان قرار داد. یکی از این کتابها نسخه‌ای عظیم از خمسه نظامی (با تاریخ ۱۲۶۴) بود که **علی‌اصغر تفرشی** آن را به قلم نستعلیق کتابت کرد و علی‌قلی خویی ۳۸ تصویر با مضامین داستانهای خمسه بدان افزود و در صفحه انجامه مراحل مختلف چاپ سنگی را به تصویر کشید.

در شیراز خوشنویسان بسیاری فعالیت می‌کردند که مشهورترین آنها میرزامحمدشفیع**وصال‌شیرازی** و فرزندانش بودند. این خاندان در حمایت محمدشاه قاجار بودند و سالانه مبلغی از مالیات فارس به ایشان اختصاص می‌یافت. میرزاشفیع در قلم نسخ به شیوه احمد نیریزی مهارتی بسزا داشت. فرزندش، محمد **داوری شیرازی**، در فاصله سالهای ۱۲۷۴ تا ۱۲۸۰ نسخه‌ای مصور از شاهنامه را به قلم نستعلیق کتابت کرد.

خوشنویسی در دوره ناصرالدینشاه (حکومت: ۱۲۶۴ـ۱۳۱۳) رونقی روزافزون یافت. حتی رواج صنعت چاپ ـ که مهمترین عرصه تحولات خوشنویسی، یعنی کتابت را از رونق انداخته بود، راه را بر خلاقیت و نوجویی خوشنویسان نبست. حمایت بی‌دریغ ناصرالدینشاه نیز در این رونق مؤثر بود. او که همچون اسلافش مشق خوشنویسی می‌کرد و در اقلام نستعلیق و شکسته توانایی داشت، شرایط لازم را برای فعالیت خوشنویسان فراهم می‌کرد. به گفته دوستعلی‌خان معیرالممالک، شاه در هر نوروز دستخط‌هایی از خود را به دوستعلی‌خان نظام‌الدوله معیرالممالک ـ نیای پدری دوست‌علی‌خان معیرالممالک ـ هدیه می‌کرد.

ناصرالدینشاه از کتابت نُسخ هم حمایت کرد و در عهد او نسخه‌ای از «هزار و یک شب» کتابت و مصور شد. این کار در مجمع‌الصنایع ناصری زیرنظر **صنیع‌الملک** نقاش ظرف هفت سال (۱۲۶۴ـ۱۲۷۱) به انجام رسید که ۴۳ هنرمندَ در شکل‌گیری آن نقش داشتند. کتابت این اثر برعهده **محمدحسین تهرانی** بود که پنج سال طول کشید و سپس برای مصورسازی و تجلید به دیگر هنرمندان سپرده شد. این کتاب را باید آخرین تلاش گروهی هنرمندان در تهیه نسخه‌ای درباری شمرد.

در مجموع خوشنویسان این عهد می‌کوشیدند ضمن پایبندی به سنتهای دیرین خوشنویسی، این هنر را با تحولات زمانه همراه کنند تا پاسخگوی نیازها باشد. سرشناسترین این هنرمندان **میرزاغلامرضا اصفهانی** و کلهر بودند. میرزاغلامرضا که سالها دربار قاجار از وی حمایت می‌کرد، در نوشتن انواع خفی و جلی نستعلیق مهارت داشت و شکسته را نیز بسیار خوب می‌نوشت. همچنین او برخی کتیبه‌های مسجد سپهسالار تهران را هم به قلم نستعلیق کتابت کرد. با این همه، شهرت وی بیشتر در سیاه‌مشق است که بر همه نمونه‌های پیشین برتری دارد.

برخلاف میرزاغلامرضا، **محمدرضا کلهر** چندان به دربار وابسته نبود و تنها در دوره‌هایی کوتاه در تشکیلات حکومت فعالیت کرد. او در نستعلیق پیرو میرعماد بود؛ اما با اعمال تغییراتی چون کوتاه کردن کشیده‌ها و جمع کردن دوایر حروف، به شیوه شخصی خود دست یافت. این شیوه برای نوشتن کتابهای چاپ سنگی بسیار مناسب بود و از همین‌رو کلهر نسخه‌های متعددی برای چاپ کتابت کرد که «مخزن‌الانشا»ی محمدصادق خوانساری و «فیض‌الدموع» محمدابراهیم بن محمدمهدیِ بدایع‌نگار نمونه‌هایی از آن است. او همچنین شماره‌هایی از هفته‌نامهٔ «اردوی همایون» و «روزنامه شرف» را تحریر کرد و به چاپ سنگی سپرد. به گفته آغداشلو کلهر بنیاد خط نستعلیق را دگرگون کرد و بدین لحاظ در کنار هنرمندانی چون میرعلی هروی و میرعماد ایستاد.

او را باید آخرین خوشنویس بزرگ دوره قاجار و پیشوای نسل بعد دانست. شیوه کلهر از طریق شاگردانش به نسل معاصر انتقال یافت. مهمترین آنان **سیدمرتضی برغانی** است که شیوه استاد را به فرزندانش حسن و حسین **میرخانی** آموخت و این دو هنرمند در تربیت خوشنویسان معاصر نقشی به‌سزا داشتند.

عمادالکتّاب قزوینی از دیگر خوشنویسان این دوره بود. وی نخست منشی و معلم خط احمدشاه قاجار بود و سپس به سبب فعالیتهای سیاسی و پیوستن به کمیته مجازات به زندان افتاد و در زمان رضاشاه پهلوی خوشنویس دربار شد. این هنرمند را باید مهمترین حلقه پیوند نسل قدیم و نسل جدید خوشنویسان ایران شمرد.

*دانشنامه جهان اسلام (با حذف مآخذ)

باستان‌شناسی و هنر جیرفت

دکتر حمیده چوبک **بخش دوم و پایانی**

اشیای سنگی یافت شده در جیرفت با چرخ ساخته شده‌اند و طرحهای رویشان به شیوه نقوش کهن روی مهرهای استوانه‌ای است، که به صورت برجسته بر روی زمینه صاف نقش شده‌اند. نقش مایه‌ها و پرکننده‌ها به شکل مثلث، دایره، خطهای گود یا سطحی نقش شده‌اند، و تفاوت اجرا در طرح و تزیینات، از نوع کنده‌کاری کارگاهها و هنرمندان متفاوت قابل تشخیص است. نقش اندازی دایره‌های نقطه‌چین گونه خاص شیوه جیرفت است.

بیشتر این مجموعه ظروف سنگی متأسفانه از غارتهای محوطه‌های جیرفت گورستانی به دست آمده و بسیاری از آنها به خارج از ایران برده شده است. در حال حاضر برخی از آنها به کشور برگردانده شده‌اند. همانند این یافته‌ها پیش از این در تپه یحیی، شهداد و محوطه‌های جازموریان شناخته شده بود؛ همچنین از تارت در خلیج فارس، ام‌النّار در عمان، و ازبکستان و باختر نیز گزارش شده است. بیشتر این آثار از غارتها به مجموعه‌ها راه یافتند و متأسفانه ارزش علمی ندارند. به سبب اندک بودن پژوهشهای دقیق علمی و داده‌ها، گاه‌نگاری آنها مشکل است و نمی‌توان با قاطعیت تمام این مجموعه را به دوره مفرغ نسبت داد، و نیاز به پژوهش بیشتر و بازنگری دارد.

نقوش بسیاری از آنها جدید و تقلبی است. غارتگران و فروشندگان آنها بر روی ظروف سادهٔ سنگی به دست آمده از غارتهای گورها ـ که تعداد آنها از اشیای نقش‌دار بیشتر است ـ به تقلید از ظروف اصیل نقش‌اندازی کرده و در بازارهای عتیقه به فروش رسانده‌اند! در مجموعه‌های گردآوری شده در دادگاه انقلاب جیرفت نمونه‌های نیمه‌تمام و یا نقش‌اندازی شده برای کار دیده شده است.

شکل‌های اصلی این یافته‌ها به دو گروه ظرفها و اشیا تقسیم شده‌اند: در گروه نخست سه گونه جام و نمونه‌های مینیاتوری آنها قرار می‌گیرند، گروه دیگر صفحات نقش برجسته به شکلهای جانوری و انسانی با نقش عقاب یا انسان ـ کژدم با کاربری درفش یا دیوارکوب و اشیایی به شکل وزنهٔ دسته‌دار کیفی شکل است، که در دو طرف نقش مایه‌های درشت دارند و احتمالاً نشان مالکیت و واحد سنجش خرمن، یا وسیله وزنه‌برداری برای ورزش بوده‌اند. این وزنه‌ها بر اساس قالبهای چوبی ساخته شده‌اند.

دو نمونه بسیار جالب از اشیای سنگی، میزهای بازی به شکلهای گوناگون ـ که گاهی پایه دارند ـ با صفحه‌ای مستطیل شکل و نقش دومار به هم پیچیده است. این صفحه‌های بازی دارای نظام ۴×۱۲×۴ خانه‌ای، و ۴×۸×۴ خانه‌ای است، و نمونه‌ای دیگر از آنها به شکل عقاب است. این میزهای بازی قابل مقایسه با صفحه چوبی بازی به دست آمده از شهر سوخته است، با مهره‌های چوبی، که کاربردی مانند تخته نرد یا شطرنج داشته است و احتمالاً منشأ آن هندوستان است. نمونه این نوع اشیا بازی از میانرودان، ایران و پاکستان به دست آمده است. براساس متون میانرودانی، مردگان و خدایان نیز از این وسیله بازی استفاده می‌کردند. اشیای سنگی کیفی شکل و میز بازیهای به دست آمده از گورها نشان از جنبه تشریفاتی، و تأیید دیگری بر جنبه اعتقادی آن است

نقش مایه‌های روی این آثار سنگی با بن‌مایه‌های اساطیری که برگرفته از باورهای دینی مردم آن روزگار است، دارای شیوه میان فرهنگی، آمیزه‌ای از باورها و فرهنگهای آسیای میانه، هند، باختر و میانرودانی است. از

یافته‌های مسین و مفرغی جیرفت، و ظروف سیمین از دوره ساسانی، و تداوم ساختشان در دوره اسلامی، با شناسایی معادن مس، شهرک صنعتی و کارگاههای ذوب مس از دوره سلجوقی و یافته‌های فلزی به دست آمده از محوطه شهر دقیانوس، رونق فلزکاری این منطقه را نشان می‌دهد

آنجا که مجموعه یافته‌های سنگی بیشتر از گورها به دست آمده است، شاید بتوان فرض کرد که دست کم بخشی از نقش مایه‌ها ویژگی آیینی و خاکسپاری دارند؛ برای نمونه، نقش مایه دروازه، یا نمونه‌ای که نقش انسان درون خمره را نشان می‌دهد، می‌تواند نشان‌دهندهٔ نوعی آیین درمانی باشد که در ظروف آبزن به روش خشک و یا تر بیماران را درمان می‌کردند

موضوع نقش مایه‌ها در گروه صحنه‌های چشم‌اندازهای طبیعی، و دنیای جانوران بن مایه‌های تخیلی است که به شیوه روایتی نقش شده‌اند و جنبه واقع‌گرایی و طبیعت‌گرایانه نقوش بیش از جنبه تخیلی آنهاست و بعضی نشانه‌ای و نمادین است. در مجموع نقوش دارای هماهنگی و ارزش زیباشناختی هستند. این نقش مایه‌ها در گروههای جانوری، هندسی، گیاهی و انسانی و نقش‌مایه‌های معماری قابل طبقه‌بندی است. گوناگونی فنی ساخت آثار سنگی نشان‌دهندهٔ شمار زیاد کارگاههای دست ساخته‌های سنگی در منطقه جیرفت است. بیشتر آنها با نقوش کنده‌کاری شده‌ای آراسته‌اند که به صورت برجسته روی سطح صاف و ساده نشان داده شده، و با سنگهای رنگین نیمه‌بها، صدف و سنگهای آهکی نگین نشان شده، که با اصطلاح «سبک جیرفت» شناخته شده‌اند و نمایشگر تأثیر هنر شرق و باخترند.

سبک نقش‌اندازی این آثار سنگی در سه گونه طبقه‌بندی شده است: **الف)** سبک فرا منطقه‌ای (یا صحیح‌تر سبک میان فرهنگی یا درون فرهنگی)؛ **ب)** سبک فرا ایلامی؛ **ج)** سبک ویژه جنوب شرق ایران (سبک جازموریان) که گاه‌نگاری نسبی آن میان سالهای ۲۶۰۰ـ۱۸۰۰ ق‌م است؛ البته برای تاریخ‌گذاری دقیق‌تر به داده‌های به دست آمده از کاوشها و لایه‌نگاریهای علمی دقیق‌تر نیاز است. گونه‌ها و نقش مایه‌های این اشیای سنگی جیرفت، همانندیهای بسیاری با یافته‌های سنگی تاروت در شبه جزیره عربستان و بحرین دارند؛ از این رو، احتمال حضور گروهی از هنرمندان جیرفت در تاروت مطرح شده است.

گروه دیگر اشیای سنگی، ظروف سنگ مرمر یا سنگهای آهکی دیوریتی است که در کاوش محوطه جنوبی کنار صندل جنوبی شمار زیادی از آنها که بعضی نیمه کاره‌اند، به دست آمد که نشان‌دهندهٔ مرکز ساخت بودن این محوطه است. نزدیکی منابع سنگ مرمر در کوههای این منطقه امکان دسترسی به مواد اولیه را فراهم کرده بوده است. برپایه نوشته‌های گودئا (Gudea) نیازهای سنگ مرمر میانرودان از کوههای مکن تأمین می‌شده است. همچنین در اساطیر مربوط به انکی (Enki) و نینهورسگ (Ninhursag) آمده است که مواد اولیه را از مناطق مختلف می‌آورده‌اند، از جمله مس و سنگ مرمر که از مکن تهیه می‌شده است.

ظرفهای سنگی این گونه که در میانرودان، ایران و آسیای میانه به دست آمده است، میان سالهای ۳۰۰۰ تا ۱۸۰۰ق‌م تاریخ‌گذاری شده‌اند.

ظروف و اشیای مرمری شامل مجموعه کاسه‌ها، گلدانهای کروی، ظروف استوانه‌ای و مخروطی و ستونچه با پایه‌های ظریف است و همانند آنها، که از کاوشهای شهداد مرگیانه (مروشاهجان) و تپه حصار به دست آمده است. اشمیت آنها را به ۱۸۰۰ق‌م تاریخ‌گذاری کرده و معتقد است این گونه اشیا با حضور تازه‌واردان به فلات وارد شده است و کاربرد آن مشخص نیست.

شاخص‌ترین گروه سنگهای مرمر، سرتندیسها با کلاه و پیکرکهای انسانی است که دستها و پاهایشان جداگانه ساخته شده، و با میله فلزیٍ به صورت متحرک به بدن پیکره متصل گردیده، و احتمالاً کارکرد عروسکی داشته است؛ همچنین پیکرک جانوران مانند گونه‌ای راسو (جانور بومی منطقه)، لاک‌پشت و چهارپایان به دست آمده است.

ابزارهای سنگی بی‌شماری از کاوشهای تپه‌های کنار صندل به دست آمده که جنس آنها سیلیس سنگ چخماق محلی، به رنگهای قهوه‌ای و سبز، و قلوه‌سنگهای رودخانه‌ای، نیز سه نمونه که از سنگ ابسیدین است (در حال حاضر تنها یک معدن سنگ ابسیدین در حدود ۲۰۰ کیلومتری شرق جیرفت شناسایی شده است). در فناوری این ابزار از روش فشار پرتابی و فشار مماس استفاده شده است. این ابزارها شامل سرپیکانها (که کاربرد شکار و نظامی داشته)، چاقوها، درفشهای سنگی، داسها، سنگهای صیقلی، سنگ سابهای سنگی، هاونها و دسته‌هاونها هستند. مهارت در ساخت این ابزارها و تنوع آنها نشان‌دهندهٔ آن است

که پدید آورندگانشان گروهی متخصص بوده‌اند که خود می‌تواند نشان از تخصصی بودن پیشه‌ها در دوران مفرغ در جیرفت باشد. همچنین سرمته‌هایی یافت شده که برای ساخت مهره‌ها کاربرد داشته است. نمونه منحصر به فرد در میان آنها سرمته‌ای از جنس سنگ سماقی سرخ رنگ است که برای ساخت ظروف سنگی به کار می‌رفته است.

مجموعه‌ای از ساخته‌های سنگ لاجورد مانند پیکرک، مهرهای مسطح و استوانه‌ای، صفحه‌های مشبک، مهره‌های گردن‌بند و سرسنجاق در یافته‌های جیرفت آشکار شده‌است. از آنجا که مرکز این گونه سنگ افغانستان است و این آثار به دست آمده از کاوشهای جیرفت با یافته‌های لاجوردی کاوشهای شهر سوخته همانندیهایی دارند، احتمال داده شده که از شهر سوخته به جیرفت صادر می‌شده است.

یافته‌های فلزی

در بررسیهای باستان‌شناختی بخشهای شمالی حوزه هلیل، و بلندیهای رابر، حوزه ساردو و بلندیهای بحر آسمان در گستره‌ای وسیع آثار معدن کاوی و فلزکاری کهن شناسایی شده است. یافته‌های مسین و مفرغی از محوطه‌های دوره مفرغ منطقه جیرفت، و ظروف سیمین از دوره ساسانی که از بلندیهای دلفارد یافت شده، و تداوم ساخت آنها در دوره اسلامی، با شناسایی معادن مس، شهرک صنعتی و کارگاههای ذوب مس از دوره سلجوقی در کوههای سرگز و یافته‌های فلزی به دست آمده از محوطه شهر دقیانوس، اهمیت و رونق فلزکاری این منطقه را نشان می‌دهد. یافته‌های فلزی به دست آمده از دوره مفرغ جیرفت به شکل گلدان و ظروف با لوله آبریز بلند باز، مشخصه دوره مفرغ و نیز تبرهای مفرغی، سنجاقهای تزیینی مسی و مفرغی و پیکرکهای جانوری از جمله ماهی از شاخصهای این دوره است و پیکرکهای انسانی است.

سفالینه‌ها

در گروه‌بندی گونه‌ها، سفالینه‌های شناخته شده در کاوشهای کنار صندل، به رنگهای خاکستری تیره تا روشن، نخودی، نارنجی تا سرخ، نیز با پوشش گلی هستند که بیشتر چرخ‌ساز، و از نوع ظریف، نیمه ظریف معمولی، نیمه خشن و خشن‌اند، و در دو گونه اصلی منقوش و ساده مشخص شده‌اند که در گروه منقوش نقشها رنگین، نقش کنده و یا نقش افزوده‌اند. نقش مایه‌ها با رنگهای سیاه، قهوه‌ای و نارنجی نقش شده‌اند، و شامل نقش مایه‌های هندسی، گیاهی و جانوری هستند، همانند نقش مایه‌های محوطه‌های دیگر همزمان در جنوب شرق ایران.

ظروف به شکل پیاله‌های کوچک، جامهای پایه‌دار، کاسه‌ها، کاسه‌های کوچک دهانه تنگ با یک دسته شبیه دم عقرب، خمره‌ها، خمچه‌ها، گلدانها، کوزه‌ها، و کوزه‌های لوله‌دار و با آبریز همانند ظروف مفرغی و سفالینه‌ها و ظروف شهداد؛ کوزه‌هایی با ته صاف و باریک (یادآور سفالینه‌های ته دکمه‌ای ایلامی در جنوب غرب ایران)، و جعبه‌های کوچک سفالی، دو بخشی چهارگوش، در پوشها همانند در پوشهای مکشوفه از تپه‌یحیی که نقوش کنده و افزوده بیشتر در بخش بالای سفالینه، روی شانه و زیر لبه نقش شده‌اند. متأسفانه هنوز گاه‌نگاری دقیق سفالینه‌های جیرفت صورت نگرفته است و با مقایسه می‌توان آنها را از

سده‌های پایانی هزاره ۴ق‌م (۳۲۰۰ق‌م) تا سده‌های پایانی هزاره ۲ق‌م (۱۲۵۰ ق‌م) تاریخ گذاری کرد.

داده‌های بقایای جانوری گردآوری شده در کاوشهای محوطه‌های کنار صندل اطلاعات ارزشمندی از گونه‌های جانوری به دست داده است؛ از جمله بقایای بز، گوسفند، گاو، شتر، گراز، الاغ وحشی، غزال، پرندگان، ماهی و نرم‌تنان شناخته شده است. گونه‌های ماهی، استخوان کوسه و صدفهای خلیج‌فارس و دریای عمان در میان یافته‌ها دیده شده که نشان‌دهندهٔ رفت و آمد مردم جیرفت در هزاره ۳ ق‌م به مناطق جنوبی جیرفت است.

درمنطقه قرقونیه ـ محوطه بلوچی که توسط قاچاقچیان تخریب شده، و محوطه‌ایِ مربوط به دوره تاریخی است ـ سکه‌های نقره‌ای، احتمالاً متعلق به دوره سلوکی، به دست آمده است. سایکس در باغ بابو در نزدیکی کمادین (شمال محوطه باستانی شهر دقیانوس) مرهم دان مرمری به دست آورد که منشأ آن را یونانی و متعلق به سده ۴ ق‌م می‌داند.

آثار دوره‌های اشکانی و ساسانی در قلعه سموران (عنبرآباد جیرفت) و جبال بارز شناسایی شده است. همچنین گروه مشترک ایران ـ ایتالیا در ۱۳۸۷ ش/ ۲۰۰۸م آثار دوره تاریخی (هخامنشی ـ پارت) را شناسایی کرده‌اند.

در بررسیهای استاین در ۱۳۱۰ش/ ۱۹۳۱م، و سید سجادی در سالهای ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ش آثاری از دوره آغاز تاریخ دوره ساسانی شناسایی شده است که مهمترین آن با گونه مشخصه نَمْرد تُم خرگ بزرگترین محوطه شناخته شده در رودبار است. این محوطه در کنار دهکده مختارآباد و در کنار ساحل غربی هلیل رود قرار دارد. در گوشه شمال غربی آن تپه بزرگ باقی مانده یک دژ قدیمی با سنگهای لاشه و پوشش اندود سفیدرنگی دیده می‌شود که به «قلعه خواهر» مشهور است.

دیوارهای دژ ۴۰×۵۰ متر است، و آثار ۱۱ برج و نیز باقی ماندهٔ دروازه بزرگ اصلی بر دیوار شرقی دژ دیده می‌شود. استاین در گزارش خود احتمال وجود دروازه دیگری را در بخش غربی دژ می‌دهد.

به سبب کم‌بودن پژوهشهای باستان شناختی در منطقه جیرفت، تنها داده‌های اندک و پراکنده‌ای از دوران تاریخی در دست است و با نگاه به یافته‌های تاریخی در منطقه دورافتاده دهستان رمشک در حوزه فرهنگی جازموریان، باید چشم به راه پژوهشهای علمی و گسترده هدفمند آینده بود.

آثار دوره اسلامی

در بررسیهای باستان شناختی، تپه‌ها و قلعه‌های بسیاری در منطقه جیرفت شناسایی شده که از جمله آنها آثار دوره اسلامی در محوطه دوگاری تُم نَمْرد (تم‌نودی) بر روی تپه تاریخی قلعه خرگ یا تم‌خرگ است. انواع سفالهای ساده و لعاب‌دار سده‌های ۵ ـ ۹ق/۱۱ـ۱۵م اسلامی، آجرهای سوخته و شکسته، و تنبوشه‌های سفالی آب، آثار نهر، جوی و باقی مانده‌های دیواره‌ها در مقاطع تپه و جاهایی که بر اثر باد ویران، خراب و فرسوده شده، به خوبی نمایان است. گونه‌های مختلف سفالهای لعاب‌دار، برجسته استامپی (مهرزده) و ساده دوران اسلامی این محوطه با سفالهای محوطه شهر دقیانوس همانندیهایی دارد. از این دژ در متون اسلامی سده ۸ق/۱۴م با نام «خرق» یاد شده است.

از مهمترین محوطه‌های دوره اسلامی جیرفت، محوطه باستانی شهر دقیانوس در نزدیکی روستای هوکرد است. بافت شهر قدیم جیرفت در دوران اسلامی، تمام ویژگیهای بافت شهری این دوران مانند بارو، شارستان، گورستان و بخشی صنعتی را دارا بوده، و نمونه بسیار مناسبی برای درک بهینه شکل‌گیری و در نظر گرفتن کلیه عناصر شهری، و شناخت روند تحول بافت شهری است. ویژگی فناوری سفالگری این شهر، با تولید انبوه مشخصه

گوناگونی آثار سنگی نشان‌دهندهٔ شمار زیاد کارگاههای باستانی جیرفت است. بیشتر آنها با نقوش کنده‌کاری آراسته‌اند که به صورت برجسته روی سطح صاف کار شده و با سنگهای رنگین و صدف، نگین‌نشان شده که به «سبک جیرفت» شناخته شده‌اند

این منطقه بوده است که از سده ۱ تا ۷ق/۷ تا ۱۳م تداوم داشته است.

در کاوشهای باستان‌شناختی این محوطه، بخشهایی از بافت شهر و ویژگی معماری آن شناسایی شده است: راسته بازار حمام پشت بازار، محله مسکونی و کارگاههای صنعتی، نیز مهمترین یافته معماری این کاوشها مسجد جامع جیرفت با تک مناره، و طرح شبستانی ستون‌دار، محراب با کتیبه و تزئینات گچبری است. در این کاوشها مجموعه‌ای از گونه‌های سفالینه‌های سده‌های نخستین سده ۶ق و آثار فلزی و شیشه‌ای به دست آمده است.

مطالعات انجام یافته برای گاه‌نگاری دقیق و تحولات تمدنی منطقه جیرفت در حال حاضر کافی نیست و نمی‌توان به طور دقیق این تحولات را مشخص و تعیین کرد و پژوهشهای صورت گرفته در برگیرندهٔ کامل گاه‌نگاری و شناخت تسلسل فرهنگی منطقه جیرفت نیست. کمبودها و خلأهای اطلاعاتی بسیاری وجود دارد و نبود انتشارات کافی از کاوشها که محدود به خبرهای رسانه‌های اینترنتی و خبرگزاریهای خارجی و داخلی و چند مقاله محدود است، برای دریافت مستند و علمی رویدادهای فرهنگی و تاریخی منطقه پاسخگو نیست؛ بنابراین باید چشم به پژوهشهای گسترده فراگیر، هدفمند و روشمند علمی آینده و انتشار آنها داشت.

***دایرةالمعارف بزرگ اسلامی** (با حذف مآخذ)

عدل و آبادانی

امام محمد غزالی

توس ـ گنبد هارونیه

سلطان به‌حقیقت آن است که عدل کند در میان بندگان و جور و فساد نکند که سلطان جایر شوم بوَد و بقا نبودش؛ زیرا که پیغامبر صلی‌الله علیه گفت: **«المُلک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم»**.

و اندر تاریخها چنین است که چهار هزار سال این عالم را مغان داشتند، و مملکت اندر خاندان ایشان بود؛ و از بهر آن بماند که میان رعیت عدل کردندی و رعیت را نگاه داشتندی، و اندر کیش خویش جور و ستم روا نداشتندی و جهان به داد و عدل آبادان کردند. و در خبر آمده است که: خدای تعالی به داوود پیغامبر وحی کرد تا داوود قوم خویش را بگوید تا «اهل عجم را دشنام ندهند، که ایشان آن کسانی بودند که جهان آبادان کردند، تا بندگان من در وی زندگانی می‌کنند.»

پس بباید دانستن که آبادانی و ویرانی جهان از پادشاهان است، که اگر عادل بوَد، جهان آبادان بود، و رعیت ایمن بود؛ چنان که به وقت اردشیر و افریدون و بهرام گور و کسری انوشیروان بود. و چون پادشاه ستمکار بوَد، جهان ویران شود؛ چنان که به وقت ضحاک و افراسیاب و یزدگرد بزهکار و مانند ایشان.

و یقین بدان که یادگار مردم سخن است، به هر چه کند، او را بدان کردار یاد کنند؛ اگر نیک باشد، او را به نیکی یاد کنند؛ و اگر بد باشد، به بدش یاد کنند. پس واجب است بر مردم که تخم نیکی کارد و از عیب و زشتی‌ها دور بود، خاصه ملوک را، تا از پسِ ایشان نام نیکو بماند و مردمان او را به بدی یاد نکنند؛ چنان که شاعر گوید:

ای پسر، از بدی گریزان باش — بد مکن گر کنی، پشیمان باش
از تنت دور دار زشتی را — وز بد روزگار ترسان باش
از پس تو سخن بماند و بس — بنگر تا چه خوبتر، آن باش

چنین گویند که یاد کرد آزادمردان از پس ایشان، زندگانی دوم باشد اندر دنیا. و واجب است بر خردمندان که این اخبار ملوک را برخوانند، و به حال این جهان بی‌وفا نگاه کنند و دل در او نبندند که نه نیکوکاران خواهند ماندن و نه بد کرداران. و جهد آن باید کردن تا خصم بسیار نبوَد که کار خصم دشوار است. و ایزد تعالی دادگر است، ناچار به قیامت داد خصمان بدهد. پس از بهر دنیا خصم اندوختن کِرا نکند.

*نصیحه‌الملوک

ایران‌گردی

نقش رستم

نقش رستم نام مجموعه‌ای باستانی در روستای زنگی‌آباد واقع در شمال شهرستان مرودشت استان فارس است که در فاصله ۶ کیلومتری از تخت جمشید قرار دارد. این محوطه یادمانهایی از عیلامیان، هخامنشیان و ساسانیان را در خود جای داده است و از حدود سال ۱۲۰۰ پیش از میلاد تا ۶۲۵ میلادی همواره مورد توجه بوده است؛ زیرا آرامگاه چهار تن از پادشاهان هخامنشی، نقش برجسته‌های متعددی از وقایع مهم دوران ساسانی، بنای کعبه زرتشت و نقش‌برجسته‌ای از دوران عیلامی در این مکان قرار دارند. در دوره ساسانی، محوطه نقش رستم از نظر دینی و ملی نیز اهمیت بسیار داشت.

مردم محلی این منطقه را به نامهای کوه حاجی‌آباد، کوه استخر یا کوه نفشت می‌خوانند و در گذشته نام این مکان سه‌گنبدان یا دوگنبدان بود؛ چه، وقتی بر سکوی تخت جمشید قرار بگیریم، این کوه را می‌بینیم که به صورت سه صخره بزرگ سر بر هوا کشیده‌است. کتزیاس از آن با نام کوه دوگنبدان یاد می‌کند و می‌گوید: «کالبد پادشاهان ایران را به پارس برده، در کوه دوگنبدان به‌درون آرامگاه می‌گذاشتند. داریوش فرمان داد تا در کوه دوگنبدان آرامگاهی درآوردند. این کار چنان که خواست وی بود، انجام شد.»

دیودور سیسیلی (کتاب ۱۷، بند ۷۱) نیز آرامگاههای نقش‌رستم را این گونه یاد کرده است که راهی برای ورود به آرامگاهها نبوده و تابوت را با اسبابی بهِ درون مقبره وارد می‌کردند. احتمالاً سنگ‌نگاره‌های شاهان ساسانی که یادآور و تداعی کننده جنگها و پیروزیهای رستم ـ پهلوان نامدار و محبوب شاهنامه ـ بود، باعث شد تا ایرانیان این سنگ تراشی‌ها را که چیرگی پهلوانان بر دشمنان را نشان می‌داد، «نقش رستم» بنامند.

قدیمی‌ترین نقش موجود در آنجا، مربوط به دوره عیلامی است که نقش دو ایزد و ایزدبانو و شاه و ملکه [illegible]

از آن را پاک کرد و نقش خود و دربارانش را به جای آن تراشید.

کعبه زرتشت بنای سنگی و بُرج‌مانند موجود در این محوطه‌است که به احتمال زیاد در دوره هخامنشی ساخته شد و کاربردش تاکنون مشخص نشده است. بر سه گوشه این بنا دو کتیبه از شاپور اول و کرتیر نوشته شده که از نظر تاریخی ارزش زیادی دارند. چهار آرامگاه دخمه‌ای در سینه کوه رحمت کنده شده‌اند که متعلق به داریوش بزرگ، خشایارشا، اردشیر یکم و داریوش دوم هستند که همه آنها از ویژگیهای یکسانی برخوردارند.

اردشیر بابکان نخستین کسی است که در این محوطه، سنگ‌نگاره‌ای تراشید و صحنه تاجگیری‌اش از دست اهورا مزدا را ثبت کرد. پس از وی نیز شاهان ساسانی صحنه‌های تاجگذاری یا شرح نبردها و افتخاراتشان را بر سینه کوه نقش کردند. اینکه اردشیر و پسرش شاپور دوم نقش‌برجسته‌هایی را در کنار نقش برجسته‌های همتایان هخامنشی خود در نقش رستم [illegible]

داشته است.

از دیگر آثار ساسانی این مجموعه می‌توان به این موارد اشاره کرد: پیروزی شاپور بر امپراتوران روم، بهرام دوم و درباریان، سنگ‌نگاره پیروزی بهرام دوم، آناهیتا و نرسی، نبرد هرمز دوم و نقش نیمه‌تمام آذرنرسه، نبرد شاپور دوم، و صفحه تراشیده بی‌نقش.

اردمان و اشمیت بر این باورند که اهمیت نقش رستم به آن حد بوده است که تصاویر سازه‌های برج‌شکل بر روی نخستین سکه‌های ضرب شده در تاریخ ایران (۳۰۰ تا ۱۵۰ ق.م) اشاره مستقیم به آن مکان داشته‌اند. سازه‌های پاسارگاد و نقش رستم از دیدگاه معماری نیز اهمیت دارند و بعدها خود الگویی برای ساخت سازه‌هایی چون نیایشگاه نورآباد شدند. دیوید استروناخ بر این باور است که چه بسا سازه‌های هخامنشی در پاسارگاد و نقش رستم متأثر از هنر اورارتویی در نیایشگاههای برج‌شکل اورارتو باشند؛ اما هایدماری کخ معتقد است که شکل آرامگاههای هخامنشی در [illegible]

> اندرز
>
> نیکی اندیش باش و گناه اندیش مباش؛ چرا که آدمی تا جاودان زنده نیست و آنچه مینوی است بایسته‌تر است. آنچه گذشته است به فراموشی سپار، و اندوه ناآمده مخور و حسرت آن مبر.
>
> از اندرزهای آذرباد مهر سپندان

ایران دل زمین باشد

حکیم نظامی گنجوی

قفل هستی چو در کلید آمد
عالم از جوهری پدید آمد
اوست آن عالمی که از کف خویش
هر دم آرد هزار جوهر بیش
بحر و بر هر دو زیر فرمانش
برّی و بحری آفرین‌خوانش
سربلندی چنان بلندسریر
کز بلندیش خرد گشت ضمیر
چون در کان جود بگشاید
گنج بخشد، گناه بخشاید
خاک، تیره ز روشنایی او
چشم، روشن به آشنایی او
چون جهان زو گرفت پیروزی
فرخی بادش از جهان روزی
از فروغ دو صبح زیباچهر
باد روشن چو آفتاب سپهر
دو ملک‌زادهٔ بلند سریر
این جهانجوی و آن ولایت‌گیر
این فریدون‌صفت به دانش‌ورای
وان به کیخسروی رکیب‌گشای

جزیره خارک

قدر اهل هنر کسی داند
که هنرنامه‌ها بسی خواند
آن که عیب از هنر نداند باز
زو هنرمند کی پذیرد ساز؟

*

همه عالم تن است و ایران دل
نیست گوینده زین قیاس خجل
چون که ایران دل زمین باشد
دل ز تن بهْ بود، یقین باشد
زان ولایت که مهتران دارند
بهترین جای بهتران دارند

*

پنجمین کشور از تو آبادان
وز تو شش کشور دگر شادان
همه مرزی ز مهربانی تو
به تمنای مرزبانی تو
ای «نظامی» بلندنام از تو
یافته کار او نظام از تو
باد تا بر سپهر تابد هور
دوستت دوستکام و دشمن کور
دشمنانت چنان که با دل تنگ
سنگ بر سر زنند و سر بر سنگ

ایرانیان از نگاه بیگانگان

فرهنگ ایران

تمدن اسلامی احیاشده ایرانی در معماری و هنرهای زیبا، از جمله نقاشی مینیاتور، به درجه عالی رسید. فرهنگ ایرانی، زندگی فکری و عقلانی امپراتوریهای جدید اسلامی را که در دو سوی ایران، در آناتولی و کشورهای بالکان و در هند به وجود می‌آمدند، شکل می‌داد.

ا.ر. گیپ

فرشته‌خو

زنان ایرانی هیچ وجه مشترکی با دیگر زنان مشرق زمین ندارند، مگر حالت نجابت و وقار صورت که تقریباً در همه زنان آسیایی مشاهده می‌شود. به گمانم این حالت باید به دلیل خطوط بسیار منظم صورتشان باشد. زنان ایرانی مانند فرشته‌ای مهربان و دارای خوی متعادل کم‌نظیری هستند.

گاسپار دروویل

گل سرخ

ایرانیان دلبستگی خاصی به پرورش انواع مختلف گل دارند، به خصوص به گل سرخ علاقه بیشتری نشان می‌دهند. گل سرخ، زیبایی چندان درخشانی ندارد؛ اما عطرش بسیار مطبوع و دلاویز است. این گل ذوق شاعری بسیاری از شاعران نازک‌خیال این ملت را به جوش و هیجان درآورده است. سعدی نام یکی از کتابهای خود را گلستان گذاشته است؛ یعنی باغچه گلها و نام اثر دیگرش بوستان است، نشانه‌ای از امتیاز فوق‌العاده‌ای که ایرانیان برای هر چیزی که بویی از گل و زیبایی طبیعت دارد، قائل می‌شوند.

ژی. ام. تانکوانی، مترجم هیات نمایندگی ناپلئون (۱۸۰۸ م)

شیرین زبان

ایرانیان متمدن‌ترین مردم مشرق‌زمین هستند و سنجیده و پرداخته، سخن می‌گویند. نرم‌گو، لطیفه‌پرداز، شیرین بیان و ملایم طبع‌اند. ناشدنی است سخنی برزبان آورند که موجب رنجش کسی شود. اگر ناچار شوند خبر بدی به کسی بگویند، با آوردن کلمات و عبارات شیرین، از تلخی و ناهمواری آن می‌کاهند؛ مثلاً اگر بخواهند خبر مرگ کسی را بدهند، می‌گویند: «عمرش را به شما بخشید»؛ یعنی می‌توانست همچنان زنده بماند، اما از بس شما را دوست داشت، باقی عمرش را به عمر شما افزود! ایرانیها هنگام ورود به محلی یا خروج از آن، برای مقدم بودن به هم تعارف می‌کنند. در موارد دیگر نیز تعارف را از یاد نمی‌برند و در نظرشان عجیب است که ما اروپاییان تعارف نمی‌کنیم.

ژان شاردن، بازرگان فرانسوی (۱۷۱۳ـ۱۶۴۳)

آگهی فراخوان مناقصه عمومی (نوبت دوم)

نیروی دریایی راهبردی

نام سازمان مناقصه‌گزار: منطقه یکم نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران
موضوع مناقصه: خرید خواروبار مصرفی به شرح جدول مندرج در اسناد مناقصه
دستگاه نظارتی: آماد همگانی منطقه یکم نداجا
مهلت دریافت اسناد: از تاریخ چاپ نوبت اول حداکثر تا پایان وقت اداری مورخه ۹۲/۴/۲۴
محل دریافت اسناد: بندرعباس ـ بلوار اسکله شهید باهنر ـ نرسیده به فلکه قائم(عج) ـ فرماندهی پشتیبانی منطقه یکم نداجا
زمان مناقصه و محل قرائت پیشنهادها: زمان بازگشایی پاکت راس ساعت ۰۹:۰۰ روز سه‌شنبه مورخه ۹۲/۴/۲۵ در نشانی مندرج در محل دریافت اسناد می‌باشد.
میزان سپرده شرکت در مناقصه: ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.
برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۷۶۱۵۵۶۴۲۳۳ تماس حاصل فرمایید.
ارائه سوابق کاری مرتبط با موضوع مناقصه الزامی می‌باشد.
ـ سایر اطلاعات در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.

۷۱۹/ م الف
فرماندهی پشتیبانی منطقه یکم نداجا

شرکت مجتمع صنعتی اسفراین (سهامی خاص)
تولید کننده انواع مقاطع و قطعات سنگین آهنگری
سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

«آگهی دعوت به مناقصه عمومی»
شماره ۹۲/۰۵ (نوبت دوم)

شرکت مجتمع صنعتی اسفراین در نظر دارد انجام کلیه امور خدمات مربوط به پخت و سرو غذای پرسنل خود واقع در شهرستان اسفراین را از طریق مناقصه عمومی به اشخاص حقوقی مجرب و متعهد، مطابق مشخصات و شرایط تنظیم شده در اسناد مناقصه واگذار نماید.

از کلیه واجدین شرایط که مایل به شرکت در این مناقصه می‌باشند تقاضا می‌شود با در دست داشتن کارت شناسایی و معرفی‌نامه از تاریخ درج اولین آگهی به مدت ده روز جهت دریافت اسناد مناقصه در ساعات اداری به یکی از دو آدرس زیر مراجعه نمایند:

استان خراسان شمالی، اسفراین، کیلومتر ۱۲ جاده اسفراین ـ بجنورد، مجتمع صنعتی اسفراین، واحد دبیرخانه کمیسیون معاملات
تلفن: ۵ـ۷۲۱۷۲۷۰ـ(۰۵۸۵) داخلی ۲۲۳۵
یا دفتر تهران: خیابان قائم‌مقام فراهانی، کوچه الوند پلاک ۲۰، واحد دبیرخانه تلفن: ۷ـ ۸۸۸۴۱۱۸۲ ـ (۰۲۱) داخلی ۱۱۹

هزینه چاپ آگهی مناقصه به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

روابط عمومی مجتمع صنعتی اسفراین

آگهی دعوت از بستانکاران جهت ختم تصفیه شعبه شرکت خارجی او ام و گاس اندپاور گ ام ب هـ (با مسئولیت محدود) در حال تصفیه به شماره ثبت ۲۸۱۳

نظر به اینکه شعبه شرکت خارجی فوق به موجب سند شماره ۴۷۶۰ مورخ ۹۱/۱۲/۲۸ منحل گردیده است لذا در اجرای ماده ۲۱۵ قانون تجارت بدینوسیله از کلیه کسانی که از شعبه شرکت مذکور بستانکار می‌باشند دعوت می‌شود که با دردست داشتن مستندات خود در ظرف مدت یک‌سال از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدیر تصفیه شعبه شرکت خانم آزاد اسدی به نشانی تهران ـ خیابان دستگردی(ظفر) ـ شماره ۲۷۳ ـ کدپستی ۱۹۶۸۶۳۴۶۱۱ مراجعه نمایند.

مدیر تصفیه شعبه شرکت - آزاده اسدی

آگهی تغییرات شرکت سبک سازه ندای صنعت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۳۹۳۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۲۸۹۱۱

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:۱- اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند.آقای ابوالفضل ابراهیمی به شماره ملی ۰۵۷۹۷۰۰۶۳۱ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای محمدرضا خلیلی به شماره ملی ۱۲۸۴۸۷۷۹۱۴ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و آقای حسینعلی نظری به شماره ملی ۰۵۷۹۳۷۸۱۹۵ به سمت عضو هیئت مدیره و آقای حسینعلی نظری به شماره ملی ۰۵۷۹۳۷۸۱۹۵ به سمت مدیرعامل. ۲ـ کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک سفته بروات با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و قراردادها و عقود اسلامی و سایر اوراق عادی و اداری با امضای مدیرعامل یا رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.در تاریخ ۱۳۹۱/۰۸/۲۸ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری
واحد ثبتی تهران

کد: ۱۷۰۰۴۹۰

آگهی دعوت به مجمع عمومی بطور فوق‌العاده شرکت گسترش صنایع کربن پیام (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۶۴۲۰۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۸۱۵۴۹۲

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت گسترش صنایع کربن پیام(سهامی خاص) دعوت می‌گردد در جلسه مجمع عمومی بطور فوق‌العاده صاحبان سهام شرکت که رأس ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۶ در محل شرکت واقع در تهران - خیابان شریعتی - خیابان وحید دستگردی(ظفر) پلاک ۴۳ طبقه سوم تشکیل می‌شود حضور به هم رسانند. **دستور جلسه:** ۱- تصمیم گیری در خصوص انحلال یا بقای شرکت ۲- سایر مواردیکه در صلاحیت مجمع عمومی بطور فوق‌العاده باشد

هیئت مدیره

آگهی دعوت به مجمع عمومی بطور فوق‌العاده شرکت پایدار ساختمان پیام (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۰۵۱۲۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۱۸۳۲۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت پایدار ساختمان پیام(سهامی‌خاص) دعوت می‌گردد در جلسه مجمع عمومی بطور فوق‌العاده صاحبان سهام شرکت که رأس ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۶ در محل شرکت واقع در تهران - خیابان شریعتی - خیابان وحید دستگردی(ظفر) پلاک ۴۳ طبقه سوم تشکیل می‌شود حضور به هم رسانند. **دستور جلسه:** ۱- تصمیم‌گیری در خصوص انحلال یا بقای شرکت ۲- سایر مواردیکه در صلاحیت مجمع عمومی بطور فوق‌العاده باشد

هیئت مدیره

شرکت بیمه البرز (سهامی عام)

پرداخت سود سهام شرکت بیمه البرز (سهامی عام)
مربوط به عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم شرکت بیمه‌البرز (سهامی عام) می‌رساند براساس مصوبه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۰۵، سود نقدی عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰ به ازای هر سهم ۳۲۰ ریال تصویب گردید. لذا از سهامداران محترم خواهشمند است با مراجعه به سایت شرکت به آدرس www.alborzinsurance.ir نسبت به تکمیل فرم مشخصات سهامداری خود اقدام فرمایند. سود سهامداران اشخاص حقیقی از تاریخ ۱۳۹۲/۰۶/۰۱، صندوق‌های سرمایه‌گذاری از تاریخ ۱۳۹۲/۰۶/۱۵ و سهامداران حقوقی از تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۳۰ به شماره حسابهای اعلام شده واریز خواهد شد و در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره‌های زیر تماس حاصل فرمایند.

شماره تلفن امور سهام: ۱۲-۲۹۴۶۱۳۱۱ شماره نمابر: ۲۶۴۱۰۸۴۲



شرکت خدمات مدیریت صبا تامین (سهامی خاص)



آگهی عرضه عمومی سهام شرکت کاشی پارس (سهامی عام)
از طریق شرکت بورس ایران (سهامی عام)

شرکت خدمات مدیریت صبا تأمین (سهامی خاص) به استناد ابلاغیه بند ۱۶ از مصوبات یکصدوسی وششمین جلسه هیات مدیره محترم شستا در نظر دارد سهام شرکت کاشی پارس (سهامی عام) متعلق به شرکت سرمایه گذاری صدر تامین (سهامی عام) را وکالتاً با شرایط زیر از طریق شرکت بورس ایران واگذار نماید.

نام شرکت	تعداد سهام قابل عرضه: سهام قابل واگذاری	تعداد سهام قابل عرضه: درصد کل	سرمایه (میلیون ریال)	قیمت پایه هر سهم (ریال)	قیمت پایه کل سهام قابل واگذاری (میلیون ریال)	سپرده نقدی شرکت در معامله (میلیون ریال)	شروع عرضه سهام از تاریخ	شرایط فروش: حداقل درصد پیش پرداخت (نقدی)	شرایط فروش: مدت اقساط	شرایط فروش: حداکثر مهلت پرداخت ثمن نقدی	ترکیب و درصد مالکیت سهامداران	موضوع فعالیت شرکت	انواع وثایق قابل قبول جهت تضمین بازپرداخت اقساط ثمن معامله عبارت است از:
شرکت کاشی پارس	۴۶,۹۸۳,۰۰۰	۵۳/۵۴	۸۷,۷۵۰	۹,۰۱۵	۴۲۳,۵۵۱/۸	۱۲,۷۰۶/۵۶	۱۳۹۲/۰۴/۲۴	چهل درصد	۳ ساله در ۶ قسط مساوی ۶ ماهه	۹ روز کاری	سرمایه گذاری صدر تأمین ۵۳/۵۴٪ سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی کشوری ۷/۴۹٪ سرمایه گذاری صنعت و معدن ۳۰/۹۷٪ سایر سهامداران ۸٪	تولید کاشی‌های دیوار و کف و گرانیتی	۱- ضمانتنامه بانکی بی قید و شرط ۲- اوراق مشارکت ۳- اوراق صکوک اجاره ۴- سهام ۵۰ شرکت برتر بورس به تشخیص گروه تأمین ۵- چک+سفته+(بمیزان ۲۰۰٪ مجموعه اقساط) + اوراق سهام مورد معامله با ظهر نویسی ضامن معتبر

۱- شرایط معامله

۱-۱- قیمت مندرج در جدول فوق قیمت پایه سهام شرکت می باشد، بدیهی است قیمت فروش بر اساس قیمت رقابتی روز عرضه در سامانه معاملاتی بورس ایران تعیین و مبنای ثمن معامله خواهد بود.

۱-۲- عرضه سهام شرکت فوق مطابق با ستون تاریخ شروع عرضه سهام در جدول فوق خواهد بود.

۱-۳- کارگزاران خریدار می بایست سپرده حضور در رقابت (معادل ۳ درصد از ارزش پایه سهام) را به صورت نقد به حساب شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه واریز نمایند.

۱-۴- نقل و انتقال سهام در چارچوب قرارداد فی مابین انجام خواهد گرفت و نمونه قرارداد، در شرکت خدمات مدیریت صبا تأمین موجود می باشد، خریداران موظف به رعایت مفاد آن بوده و از نظر فروشنده اقدام به حضور در معامله به معنی اطلاع و رعایت کامل و قبول شرایط مندرج در آن توسط خریدار بوده و خریدار حق هرگونه ادعایی را در این رابطه از خود سلب و ساقط می نماید.

۱-۵- متقاضیان خرید سهام می توانند حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ درج آگهی برای دریافت اطلاعات مالی شرکت مذکور و نمونه قرارداد فروش به شرکت خدمات مدیریت صبا تأمین (سهامی خاص) واقع در بلوار اسفندیار نرسیده به چهارراه آفریقا پلاک ۱ و یا به سایت های اینترنتی نامبرده در زیر مراجعه نمایند.

www.msabat.ir www.kmsabat

۱-۶- برنده معامله می بایست حداکثر ظرف مدت نه روز کاری نسبت به پرداخت ثمن نقدی معامله و ارائه تضامین معتبر قابل قبول فروشنده (مندرج در متن قرارداد فروش) معادل مبلغ اقساط به علاوه سود فروش اقساطی (معادل ۱۷ درصد در سال بصورت روزشمار) در وجه فروشنده اقدام نماید. در غیر این صورت نتیجه معامله باطل و خسارت وارده برابر ضوابط و مقررات از خریدار قابل دریافت بوده و برنده معامله هیچگونه ادعایی نسبت به مبلغ سپرده نیز نداشته و سپرده وی پس از کسر کسورات قانونی به نفع شرکت خدمات مدیریت صبا تأمین ضبط خواهد شد.

۱-۶-۱ نظر به اینکه شرکت سرمایه گذاری صدر تأمین تا پیش از مجمع عمومی عادی سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰ (برگزار شده در تاریخ ۱۳۹۲/۰۳/۱۸) مبلغ ۴۰,۵۴۸,۵۲۳,۰۲۹ ریال از شرکت مذکور مطالبات سنواتی دارد لذا مطابق جدول فوق مبلغ مذکور به قیمت پایه کل سهام قابل واگذاری اضافه و محاسبه شده است.

۱-۷- شرایط فروش اقساطی سهام، از جهت میزان پرداخت بخش نقدی و دوره بازپرداخت اقساط به شرح اعلام شده در جدول می باشد. ضمناً خریدار می تواند نسبت به پرداخت یکجای کل اقساط باقی مانده قبل از موعد مقرر اقدام نماید که در این صورت سود اقساطی کسر و تضامین نیز منوط به انجام سایر تعهدات غیر مالی آزاد خواهد شد. ضمناً در صورت پرداخت هر یک از اقساط در رأس موعد و یا قبل از آن سهام معادل آن قسط با موافقت فروشنده از وثیقه خارج و به خریدار منتقل می گردد لیکن تضامین تا پایان انجام تعهدات به قوت خود باقی خواهند ماند.

۱-۸- کسب اطلاعات کافی و وافی از وضعیت مالی، اقتصادی، فنی و حقوقی شرکت مورد واگذاری قبل از تاریخ انجام معامله بر عهده خریدار است . خریدار بعد از انجام معامله حق طرح هر گونه ادعا نسبت به نداشتن اطلاعات راجع به آخرین وضعیت مالی، اقتصادی، فنی و حقوقی شرکت و سایر اطلاعات در ارتباط با معامله را از خود ساقط و سلب نموده و فروشنده هیچگونه مسئولیتی در خصوص ادعای خریدار مبنی بر کسری /اضافی ارقام، تعهدات، مطالبات شرکت طبق صورت های مالی حسابرسی شده شرکت را دارا نمی باشد.

۱-۹- متقاضیان برای اخذ اطلاعات بیشتر و دریافت معرفی نامه برای بازدید از شرکت مذکور می توانند طی ساعات اداری روزهای هفته، به شرکت خدمات مدیریت صبا تأمین واقع در نشانی قید شده در بند ۵-۱ مراجعه و یا با تلفن های ۹-۲۶۲۱۶۰۰۸ مدیریت بازاریابی و فروش سهام تماس حاصل نمایند.

قابل توجه سهامداران محترم بانک کارآفرین (شرکت سهامی عام)

بانک کارآفرین

آگهی پرداخت سود سهام بانک کارآفرین

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران می رساند با توجه به برگزاری مجمع عمومی عادی سالانه در تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۵، سود سهام کلیه سهامداران حقیقی و حقوقی که در تاریخ مذکور سهامدار بانک بوده اند از تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۷ به حساب های اعلام شده از طرف آنان واریز می گردد. لذا از سهامداران محترمی که تاکنون اطلاعات مربوط به شماره حساب خود را به بانک اعلام ننموده اند درخواست می شود فرم ذیل را تکمیل و از طریق شماره فکس ۲۶۲۱۵۰۷۷ به بانک اعلام نمایند. لطفاً اصل فرم تکمیل شده را به آدرس پستی زیر تحویل یا ارسال فرمایید.چنانچه نیاز به توضیحات بیشتری باشد با شماره تلفن ۲۶۲۱۵۰۷۶ امور سهام تماس حاصل فرمایید.
خواهشمند است سهامداران محترم، به منظور تسریع در وصول سود سهام خود ترجیحاً نسبت به اعلام شماره حساب نزد بانک کارآفرین اقدام فرمایند.

اینجانب صاحب مشخصات بانکی ذیل، درخواست می نمایم که سود سهام متعلق به اینجانب/این شرکت تا اطلاع بعدی به حساب بانکی اعلام شده واریز گردد.

اطلاعات سهامدار
نام خانوادگی: نام: نام پدر:
شماره شناسنامه/ثبت: محل صدور/ ثبت :
تاریخ تولد/ثبت: محل تولد:
کد ملی: کد سهامداری بورس:
نشانی: استان شهرستان
خیابان کوچه
پلاک(جدید) طبقه : واحد :
کد پستی ده رقمی:
شماره تلفن تماس:
شماره تلفن همراه:

مشخصات حساب بانکی سهامدار
آدرس پست الکترونیک :
نام بانک:
شماره حساب : شماره شبا:
نوع حساب: جاری ☐ پس انداز قرض الحسنه ☐ سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت ☐
نام شعبه: کد شعبه: تاریخ و امضاء
شهر محل شعبه:

خواهشمند است فرم فوق را تکمیل ، امضاء و در مورد اشخاص حقوقی ممهور به مهر شرکت نیز نموده و به آدرس زیر ارسال نمایید .

آدرس ساختمان مرکزی بانک کارآفرین - اداره سهام : تهران، خیابان ولیعصر، روبه روی پارک ملت، خیابان ناهید غربی، پلاک ۹۷ کد پستی : ۱۹۶۶۹۱۶۴۶۱

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالانه
بانک کارآفرین (شرکت سهامی عام)

بانک کارآفرین (شرکت سهامی عام)

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم بانک کارآفرین دعوت به عمل می آید در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه بانک که در سالن خلیج فارس پژوهشگاه نیرو برگزار می گردد حضور به هم رسانند.

زمان : ساعت ۱۰ روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۵

مکان : شهرک قدس(شهرک غرب)، انتهای خیابان شهید دادمان(بعد از بزرگراه یادگارامام)، پژوهشگاه نیرو، سالن خلیج فارس

سهامداران و یا وکلای قانونی آنان جهت دریافت برگه ورود به جلسه می توانند درساعات اداری روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۴ به نشانی دفتر مرکزی بانک واقع در: تهران، خیابان ولی عصر، روبروی پارک ملت، خیابان ناهید غربی، پلاک ۹۷ واحد امور سهام مراجعه نمایند.

دستور جلسه:
- استماع گزارش هیات مدیره و بازرس قانونی در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰
- اتخاذ تصمیم درباره تصویب صورت های مالی و تصمیم گیری در خصوص تقسیم سود سال مالی فوق الذکر
- انتخاب بازرس قانونی و علی البدل برای سال مالی۱۳۹۲ و تصویب حق الزحمه بازرس برای سال مالی ۱۳۹۱
- تعیین پاداش اعضاء هیات مدیره برای عملکرد سال مالی ۱۳۹۱
- تعیین حق حضور اعضاء غیر موظف هیات مدیره برای سال مالی ۱۳۹۲
- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی های شرکت
- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد

هیات مدیره

www.karafarinbank.ir

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده بانک کارآفرین (شرکت سهامی عام)

بانک کارآفرین (شرکت سهامی عام)

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم بانک کارآفرین دعوت به عمل می آید در جلسه مجمع عمومی فوق العاده بانک که در سالن خلیج فارس پژوهشگاه نیرو برگزار می گردد حضور به هم رسانند.

زمان : ساعت ۱۱ روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۵

مکان : شهرک قدس(شهرک غرب)، انتهای خیابان شهید دادمان(بعد از بزرگراه یادگارامام)، پژوهشگاه نیرو، سالن خلیج فارس

سهامداران و یا وکلای قانونی آنان جهت دریافت برگه ورود به جلسه می توانند درساعات اداری روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۴ به نشانی دفتر مرکزی بانک واقع در: تهران، خیابان ولی عصر، روبروی پارک ملت، خیابان ناهید غربی، پلاک ۹۷ واحد امور سهام مراجعه نمایند.

دستور جلسه: تغییرات اساس نامه

هیات مدیره

بانک سینا ۲۷۵ ریال سود به سهامداران داد

مجمع عمومی عادی سالانه بانک سینا با حضور بیش از ۹۴ درصد از سهامداران برگزار و براساس محاسبات حسابرسی از سود کسب شده در سال ۱۳۹۱ مبلغ ۲۷۵ ریال سود به سهامداران تعلق گرفت.

در ابتدای مجمع صاحبان سهام بانک سینا، هیات رئیسه مجمع مرکب از عبدالناصر همتی، سیدمرتضی ساداتیان نماینده سهامدار عمده، بهزاد گلکار نماینده شرکت مادر تخصصی مالی و سرمایه گذاری سینا، حسین فرزان اصل منشی جلسه و نمایندگان سازمان بورس اوراق بهادار، و سازمان حسابرسی تشکیل شد و مدیرعامل بانک با اشاره به اهم اقدامات انجام شده و برنامه های در دست اجرای بانک، سال ۱۳۹۱ را سال حضور فعال بانک سینا در عرصه بانکداری دانست.

وی افزایش سرمایه از مبلغ ۴۰۰۰ میلیارد ریال به مبلغ ۶۰۰۰ میلیارد ریال، بهینه سازی استقرار شعب جدید و افتتاح هفت شعبه در مناطق پر بازده اقتصادی، جایگزینی و تعدیل و بهبود ساختارسازمانی و ترکیب نیروی انسانی به سمت نیروی ماهر جوان و آشنا به بانکداری نوین، توسعه فعالیتهای بانکداری الکترونیک، تدوین گزارش شناخت و برنامه استراتژیک توسعه منابع انسانی و تعیین استراتژیها جهت ارتقای سطح دانش و مهارتهای تخصصی کارکنان، راه اندازی سیستم جامع وصول مطالبات در بانک، اخذ مجوز و راه اندازی صرافی بانک را به عنوان اهم اقدامات انجام شده بانک سینا در چهارمین سال فعالیت بانکی تشریح کرد. مدیر عامل بانک سینا اظهار داشت: بانک سینا در سال ۹۱ عملکرد مناسبی در جذب سپرده های مردمی، اعطای تسهیلات متنوع در بخش های مختلف اقتصادی و ارائه انواع خدمات نوین بانکی از خود نشان داده است، بطوریکه در سال ۱۳۹۱ حجم سپرده های بانک بیش از ۴۴ درصد رشد داشت.همتی تاکید کرد: در سال گذشته تعداد ۱۴۶ میلیون سهم بانک به ارزش ۲۹۳،۳۹۴ میلیون ریال در ۲۳۰ روز مورد معامله قرار گرفت و بر پایه معیارهای قدرت نقد شوندگی، میزان تأثیر گذاری بانک بر بازار و برتری نسبت های مالی، نماد بانک سینا در رتبه بیستم در میان شرکت های فعالتر بورس اوراق بهادار قرار گرفته است.وی همچنین با اشاره به سرمایه گذاری های انجام شده در سال ۱۳۹۱ اظهار کرد که این سرمایه گذاری ها در سال جاری و سال های آتی به بهره برداری خواهد رسید که مطمئناً حاصل این سرمایه گذاری ها در سودآوری آتی بانک سینا محسوس خواهد بود. در این جلسه پس از قرائت گزارش فعالیت هیئت مدیره، گزارش عملکرد مالی و سود و زیان بانک سینا مطرح و به تصویب مجمع رسید. از جمله مهمترین موارد تصویب شده تصویب و ابلاغ برنامه و بودجه سال ۱۳۹۱ و تقسیم سود بانک بین صاحبان سهام بود که ۲۷۵ ریال تعیین شد.

صدور مجوز پذیره‌نویسی صندوق سرمایه‌گذاری

سازمان بورس و اوراق بهادار مجوز پذیره نویسی صندوق سرمایه گذاری مشترک اندیشه فردا را صادر کرد.

صندوق سرمایه گذاری مشترک اندیشه فردا در اندازه بزرگ در اوراق بهادار با درآمد ثابت و پیش بینی سود ۲۰ درصد است.

مدیر ثبت و ضامن نقدشوندگی این صندوق بانک پاسارگاد، مدیر صندوق مشاور سرمایه گذاری ارزش پرداز آریان(سهامی خاص)، متولی، موسسه حسابرسی ایران مشهود، حسابرس، موسسه حسابرسی آزموده کاران و موسسین این صندوق، شرکت مشاور سرمایه گذاری ارزش پرداز آریان، بانک پاسارگاد، شرکت سرمایه گذاری پارس آریان(سهامی عام)، شرکت ارزش آفرینان بانک پاسارگاد خواهند بود.

این در حالی است که، اداره امور نهادهای مالی، ثبت صندوق یاد شده نزد سازمان و اعطای مجوز تأسیس و فعالیت صندوق، را منوط به موفقیت در پذیره نویسی اولیه، ارسال مدارک مثبت و نیز ثبت نزد مرجع ثبت شرکت ها ظرف مدت حداکثر سه ماه از تاریخ ابلاغ نامه به شرکت مشاور سرمایه‌گذاری ارزش پرداز آریان خواند.

آخرین تغییرات در سررسیدهای آتی سکه بورس کالا



مدیر قراردادهای مشتق کالایی بورس کالا با اعلام این خبر که تعداد سررسیدهای آتی از ۱۵ تیر جاری به عدد چهار می‌رسد، گفت: سررسید مهر به عنوان چهارمین سررسید قراردادهای آتی بورس کالا شنبه آینده راه‌اندازی خواهد شد.

پدرام زادنو عزیزی در گفتگو با فارس، اظهار داشت: سررسید مهر به عنوان چهارمین سررسید از ۱۵ تیر جاری راه‌اندازی و قابل معامله خواهد بود.

وی ادامه داد: گشایش نمادهای معاملاتی قراردادهای آتی در چارچوب مشخصات قرارداد از اختیارات بورس کالا است که مشخصات قراردادهای آتی سکه طلا پیش از این به تصویب هیات پذیرش سازمان بورس اوراق بهادار رسیده است؛ لذا قرارداد آتی سکه طلا سررسید مهر از شنبه هفته آینده بازگشایی و قابل معامله خواهد بود.

مدیر قراردادهای مشتق کالایی بورس کالا با اشاره به اینکه هر نماد معاملاتی دارای یک تاریخ سررسید است، گفت: پس از آنکه سررسید چهارم در یک دوره‌ای منقضی شد دیگر نماد چهارم برای معاملات بازگشایی نشد.

وی گفت: پس از آن قراردادها با سه سررسید دنبال شد و اکنون با توجه به تصمیم اخیر بورس مقرر شده تا نماد چهارم برای مهر راه‌اندازی شود.

عزیزی درباره دلایل بازگشایی چهارمین سررسید قراردادهای آتی گفت: یکی از دلایل مهم افزایش نماد یک آرامش حاکم بر بازار و ثبات به وجود آمده است.

بر اساس این گزارش، سررسید چهارم تقریبا یک سال بازگشایی نشد و معاملات آتی فقط با سه سررسید دنبال می‌شد.همچنین پیش از این، تحلیل‌گران بازار معتقد بودند با توجه به شرایط آرام بازار ضرورت بازگشت به شرایط عادی گذشته احساس می‌شود.

کارگزاران سکه معتقدند، دیر راه افتادن بازار آتی نسبت به بازار نقدی، صدماتی را به آینده این بازار می‌رساند؛ به نحوی که ترجیح می‌دهند در بازار دیگری به غیر از آتی سکه به معاملات خود بپردازند.

مساله‌ای که اینک فعالان بازار و معامله‌گران بیش از همیشه به آن فکر می‌کنند ساعات معاملات است که بورس کالا باید برای آن فکری کند؛ بازار آتی سکه حداقل باید همزمان با بازار نقدی گشایش پیدا کند؛ معامله گران همچنین به رونق بیشتر بازار آتی سکه با کاهش وجه تضمین و افزایش تعداد سررسیدها اعتقاد دارند.

در پایان معاملات سکه طلای آتی تمام قراردادها در آخرین قیمت با افزایش جزئی به تأثیر از افزایش قیمت سکه در بازار نقدی معامله شدند؛ معامله‌گران معتقدند معاملات آتی به خواب فرو رفته و خبری هم از هیجان‌های گذشته نیست.

قراردادهای آتی سکه طلا در تمام سررسیدها با افزایش جزئی همراه بود اما حجم قراردادهای معامله شده کاهش داشته است.

بر همین اساس، قرارداد آتی سکه طلا تحویل تیر در آخرین قیمت با ۰،۷۱ درصد افزایش یک میلیون و ۱۱۹ هزار و ۵۰۰ تومان و با حجمی بالغ بر ۲۴۱ قرارداد داد و ستد شد.

همچنین قرارداد آتی سکه طلا تحویل مرداد با افزایش ۰،۸۴ درصد در آخرین قیمت و با حجمی نزدیک به ۱ ۵۰۰ قرارداد، یک میلیون و ۱۵۱ هزار تومان قیمت‌گذاری شد.

در این میان، قرارداد آتی سکه طلا تحویل شهریور در آخرین قیمت با ۰،۹۳ درصد افزایش یک میلیون و ۱۸۲ هزار و ۵۰۰ تومان و با حجمی نزدیک به ۴ هزار قرارداد مورد معامله قرار گرفت.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۵۱۸۴۶/۳	۵۲۳۱۷/۴	۵۱۸۴۶/۳	(۳۹۷/۸)	(۰/۷۶)
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۲۶۰۸/۵	۲۶۴۰/۲	۲۶۰۸/۴	(۲۷/۹)	(۱/۰ ۶)
شاخص آزادشناور	۶۱۳۰۲/۸	۶۱۸۰۷	۶۱۳۰۰/۱	(۳۷۵/۴)	(۰/۶۱)
شاخص بازاراول	۴۰۵۳۰/۲	۴۰۹۲۶/۲	۴۰۵۲۶/۶	(۳۴۵/۶)	(۰/۸۵)
شاخص بازاردوم	۸۹۶۸۶/۷	۹۰۳۵۳/۹	۸۹۶۸۶/۶	(۴۴۳)	(۰/۴۹)
شاخص صنعت	۴۴۰۹۴/۶	۴۴۴۷۰/۶	۴۴۰۹۶/۶	(۳۵۰)	(۰/۷۹)

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۲/۴/۱۱)

مجموع حجم معاملات	۱/۰۱۵/۰۷۶/۲۸۸ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۳/۱۹۵/۴۳۲ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۸۱۷۳۵ معامله
ارزش بازار	۲/۴۶۲/۱۹۱ میلیارد ریال

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
مخابرات ایران	۲،۱۴۴	۸۲
بیمه البرز	۵،۶۵۲	۲۱۷
کابل البرز	۲،۶۹۹	۸۶
ایران ترانسفو	۳،۲۴۰	۳۹۵
پارس‌سویچ	۳،۰۵۷	۱۱۷
موتوژن	۶،۶۰۷	(۲۷۵)
نیروترانس	۶،۵۰۰	۲۵۰
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۴،۱۲۰	۱۵۶
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۳،۶۵۵	۱۴۰
گسترش نفت و گاز پارسیان	۸،۵۹۰	(۲۵۲)
بیمه پارسیان	۲،۰۶۲	(۷۷)
ایران‌یاساتایرورابر	۱۸،۴۷۱	۷۱۰
ایران تایر	۶،۳۶۸	۲۴۴
درخشان تهران	۴،۶۹۷	۱۸۰
صنایع لاستیکی سهند	۱۰،۴۸۹	(۴۳۷)
پلاسکوکار	۱،۴۸۲	۵۷
گروه صنعتی بارز	۷،۰۸۲	۳۲
ح . گروه صنعتی بارز	۶،۰۶۰	(۱۵۳)
پمپ سازی ایران	۲،۸۶۹	۲۳
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱،۱۷۴	۴۵
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۳،۸۸۴	۱۴۹
کمباین سازی ایران	۹۳۱	۳۵
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱،۵۳۶	(۶۴)
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۲،۱۱۰	(۵۴)
سخت آژند	۱،۷۵۷	(۷۳)
سامان گستراصفهان	۱،۴۷۴	(۲۵)
سرمایه گذاری شاهد	۱،۷۴۰	(۶۲)
عمران‌وتوسعه‌فارس	۱،۳۴۵	۲۳
سرمایه‌گذاری مسکن	۱،۴۶۸	(۳۶)
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۴،۳۴۳	۱۶۷
افست	۴،۸۹۳	۱۸۸
فیبر ایران	۴،۶۱۷	۱۷۷
کارتن ایران	۳،۸۲۴	۱۴۷
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۱،۶۸۷	۶۴
تایدواترخاورمیانه	۴،۸۶۰	(۵۰)
حمل‌ونقل‌توکا	۵،۰۹۲	۱۹۵
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۱،۱۷۲	(۲۸)
حفاری شمال	۴،۷۰۰	۵۵۳
ساپاآذین	۷۴۲	۲۸
ایران خودرودیزل	۸۰۰	۳۰
گروه‌بهمن	۱،۶۵۹	۶۹
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۹۳۲	۳۵
رادیاتور ایران	۱،۱۰۳	۴۲
چرخشگر	۱،۰۳۱	۳۹
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱،۱۰۲	۴۲
رینگ‌سازی‌مشهد	۹۷۱	۳۷
زامیاد	۸۷۳	(۳۶)
فنرسازی‌زر	۷۱۶	(۲۹)
سایپا	۱،۱۶۰	(۳۹)
الکتریک خودرو شرق	۷۳۵	(۳۰)
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱،۲۲۷	۴۷
فنرسازی‌خاور	۷۹۲	۳۰
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۱،۸۳۱	(۷۶)
لنت ترمزایران	۱،۶۷۷	۶۴
ح . لنت ترمزایران	۱،۱۳۸	۸۴
تولیدمحورخودرو	۱،۲۹۰	(۲۷)
مهرکام‌پارس	۶۰۴	۲۳
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۱،۰۴۱	۳۹
مهندسی‌نصیرماشین	۱،۴۴۴	۵۵
ایران خودرو	۱،۳۳۲	(۵۵)
محورسازان‌ایران‌خودرو	۶۸۰	(۲۳)
ایرکا پارت صنعت	۲،۰۴۰	۱۶
سایپا دیزل	۷۷۹	(۲)
کمک‌فنرایندامین	۱،۰۸۹	۴۰
داروسازی ابوریحان	۱۲،۲۵۳	۴۷۱
کارخانجات‌داروپخش	۹،۲۰۸	۳۵۴
داروسازی اسوه	۱۷،۹۱۰	۶۸۸
البرزدارو	۹،۷۶۱	۳۷۵
داروسازی امین	۳،۵۳۲	۱۳۵
بیمه دانا	۸،۱۶۰	(۱۴۲)
پارس دارو	۲۲،۰۵۸	۸۴۸
تولیدموادولیه‌داروپخش	۱۸،۶۰۸	۷۱۵
داروسازی جابرابن‌حیان	۴،۱۰۴	۱۵۷
داملران	۱۵،۸۲۰	۳۳۷
دارویی رازک	۲۰،۷۴۳	۷۹۷
داروسازی‌زهراوی	۱۲،۶۱۴	۴۸۵
گروه دارویی سبحان	۴،۷۶۵	۱۸۳
داروسازی سینا	۱۱،۸۰۷	۴۵۴
ح . داروسازی سینا	۹،۸۲۰	۷۲۷
شیمی داروئی داروپخش	۵،۷۷۴	۲۲۲
داروسازی فارابی	۱۳،۵۲۶	۵۲۰

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
داروسازی اکسیر	۱۰،۸۰۹	۴۱۵
دارویی لقمان	۳،۲۲۱	۱۲۳
ایران‌دارو	۶،۶۳۸	۲۵۵
داروسازی کوثر	۲،۸۷۱	۱۱۰
خدمات‌انفورماتیک	۱۴،۶۲۰	۵۶۲
تجارت الکترونیک پارسیان	۷،۷۰۰	۱۷۸
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۴،۲۲۰	۸۵
مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۴،۰۳۵	۱۰۳
کارت اعتباری ایران کیش	۸،۲۱۹	(۱۲۸)
کشاورزی ودامپروری مگسال	۲۱،۶۴۰	۸۳۲
سیمان آرتا اردبیل	۱۷،۵۰۰	(۳۳۳)
سیمان بجنورد	۵،۴۶۹	۲۱۰
سیمان بهبهان	۴۵،۴۸۰	۱،۵۱۵
سیمان‌سپاهان	۲،۴۳۴	۹۳
سیمان تهران	۵،۹۵۲	۲۲۸
سیمان‌خاش	۸،۵۰۶	۳۲۷
سیمان دورود	۱۴،۳۱۱	۵۵۰
سیمان شرق	۲،۶۷۸	۱۰۳
سیمان شمال	۳،۳۶۵	۱۲۹
سیمان فارس نو	۵،۳۵۰	۲۰۵
سیمان قائن	۲۴،۹۸۶	۹۶۱
سیمان‌مازندران	۱۶،۴۸۵	۶۳۴
سیمان سفیدنی‌ریز	۱۶،۷۷۵	۶۴۵
سیمان‌هرمزگان	۱۶،۱۷۲	۶۲۲
سیمان‌هگمتان	۶،۰۸۱	۲۳۳
سیمان ایلام	۵،۵۷۹	۲۱۴
سیمان کارون	۷،۰۷۸	۲۷۲
سیمان کردستان	۱۷،۱۵۴	۶۵۹
سیمان کرمان	۹،۶۱۰	۳۶۹
پتروشیمی شازند	۱۴،۹۱۴	۲۴۴
معدنی املاح ایران	۱۸،۵۵۸	۷۱۳
پالایش نفت تبریز	۲۴،۴۹۰	۳۵
نفت بهران	۲۶،۹۰۰	۳۱۹
پتروشیمی پردیس	۱۶،۹۸۰	(۵۴۸)
پلی‌اکریل	۱،۰۰۸	۳۸
پارس پامچال	۱۲،۶۲۶	۴۸۵
پالایش نفت اصفهان	۲۸،۴۹۱	(۶۶۱)
تهران شیمی	۶،۳۷۷	۲۴۵
پتروشیمی خارک	۲۳،۳۱۱	(۵۷۹)
دوده صنعتی پارس	۱۲،۱۷۱	(۵۰۷)
صنعتی رنگین	۱،۶۶۶	۶۴
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۴،۸۰۱	(۲۰۰)
پتروشیمی‌فارابی	۱۵،۷۲۰	۶۰۴
صنایع شیمیایی فارس	۷،۲۰۰	(۲۶۴)
پتروشیمی فناوران	۲۶،۰۰۰	(۷۹)
گلتاش	۲۰،۷۶۰	(۱۵۰)
لعابیران	۶،۹۱۰	۲۶۵
نفت پارس	۱۶،۱۷۶	۶۲۲
پتروشیمی‌شیراز	۷،۷۲۰	(۳۰۷)
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۳۱،۱۷۹	(۶۴۰)
کربن ایران	۵،۴۵۵	۲۰۹
نیروکلر	۹،۸۲۸	(۴۰۹)
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴،۱۹۱	۱۶۱
بهنوش ایران	۷،۲۳۱	۲۷۸
لبنیات پاک	۵،۰۴۴	۱۹۴
پارس مینو	۵،۳۳۱	۲۰۵
کشت و صنعت چین چین	۱۲،۳۹۸	۲۶۱
سالمین	۸،۱۱۲	۳۱۲
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱،۶۴۹	۶۳
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۶،۰۵۹	۲۳۳
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۷،۵۴۶	۲۹۰
شهد ایران	۳،۶۳۶	۱۳۹
بیسکویت گرجی	۵،۳۱۰	۲۰۴
تولیدی‌مهرام	۸،۷۷۶	۳۳۷
صنایع آذرآب	۶،۱۲۵	(۲۵۵)
ماشین سازی اراک	۳،۲۶۵	۱۲۵
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۹،۷۹۷	(۳۰۶)
کالسیمین	۶،۲۱۶	(۲۵۹)
صنعتی آما	۸،۱۷۷	۳۱۴
مس شهیدباهنر	۳،۵۷۶	(۱۴۸)
سپنتا	۴،۶۵۶	۱۷۹
فولاد خراسان	۷،۵۰۰	(۱۹۶)
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۶،۶۹۹	(۱۰۷)
گروه‌صنعتی‌سپاهان	۵،۷۶۴	۲۲۱
ملی سرب‌وروی ایران	۲،۹۴۰	۷۶
لامیران	۳،۹۵۸	۱۵۲
ملی صنایع مس ایران	۳،۱۰۰	(۹۶)
نورد آلومینیوم	۵،۸۸۳	۱۷۹
فولاد مبارکه اصفهان	۵،۱۳۰	(۲۰۷)
فولاد آلیاژی ایران	۵،۷۶۴	(۲۳۹)
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۱۶،۴۱۶	۶۳۱

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
کارخانجات قند قزوین	۱۰،۰۳۷	۳۸۶
قند شیرین خراسان	۶،۱۹۰	۲۳۸
شهد	۲۱،۱۵۹	۸۱۳
شکرشاهرود	۹،۴۶۹	۳۶۴
قنداصفهان	۳۸،۷۶۲	۱،۴۹۰
قند لرستان	۳۸،۶۹۶	۱،۴۸۸
قندنقش‌جهان	۱۰،۳۷۹	۳۹۹
قند نیشابور	۶،۵۱۶	۲۵۰
ح . قند نیشابور	۵،۵۳۰	۴۰۹
قندهکمتان	۲۹،۱۸۷	۱،۱۲۲
سرما آفرین	۲،۳۸۶	۹۱
داده‌پردازی‌ایران	۳،۹۰۰	۲۴
ایران‌ارقام	۲،۹۱۴	۱۱۲
بیمه ملت	۱،۲۹۹	(۴)
ایران مرینوس	۸،۴۶۸	(۳۵۲)
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱،۱۹۰	۳
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۶،۱۱۰	۱۲۱
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۳،۹۰۵	۱۵۰
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۶،۲۸۰	(۱۲۵)
بانک انصار	۲،۹۲۰	(۸۶)
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۵،۴۵۰	(۱۱۶)
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۳،۵۰۰	۲۹
بانک صادرات ایران	۱،۵۲۱	(۳۸)
بانک ملت	۱،۷۹۹	۱۱۷
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱،۳۷۲	۲
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱،۳۵۹	(۵۶)
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱،۵۰۱	۱
بانک‌پارسیان	۲،۶۵۳	(۹۸)
بانک پاسارگاد	۲،۰۹۹	۱۵
سرمایه گذاری صنایع پتروشیمی	۲،۱۱۸	۸۱
داروپخش (هلدینگ	۱۱،۵۳۵	۴۴۳
پست بانک ایران	۵،۷۹۰	(۶۱)
بانک تجارت	۱،۸۸۰	(۱۹)
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۳،۲۵۰	(۴۸)
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱،۹۰۶	۷۳
سرمایه گذاری پارس توشه	۲،۱۶۰	۲۸
توسعه‌صنعتی‌ایران	۱،۸۴۵	(۷۳)
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۳،۰۵۷	۲۹
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۸۹۳	(۳۷)
سرمایه‌گذاری سایپا	۱،۱۰۳	(۴۵)
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۳،۸۰۲	(۱۵)
سرمایه‌گذاری سپه	۱،۹۴۵	۲۱
بانک سینا	۱،۷۰۰	(۲۴)
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲،۴۰۸	۹۲
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۴،۷۱۸	(۱۷۰)
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱،۹۸۸	۷۶
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۴،۰۷۶	(۱۳۲)
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۲،۳۷۷	۹۱
لیزینگ‌خودروغدیر	۱،۰۷۱	۴۱
لیزینگ‌ایران	۲،۱۴۱	(۳۷)
توسعه‌معادن‌وفلزات	۶،۳۸۰	۲۹۸
سرمایه‌گذاری‌ملت	۶۸۱	۲۶
بانک‌اقتصادنوین	۳،۴۷۴	(۳۳)
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱،۶۳۳	۶۲
سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۲،۴۲۰	۹۳
بانک کارآفرین	۲،۷۱۰	۷
کاشی اصفهان	۱،۶۲۸	۶۲
باما	۹،۱۲۶	۳۵۱
معادن بافق	۲۰،۷۰۰	(۳۰۸)
کاشی پارس	۳،۵۱۳	۱،۰۰۹
پشم‌شیشه‌ایران	۵،۱۳۰	(۱۶۹)
تولیدی کاشی تکسرام	۱،۶۵۹	۶۳
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۱۲،۷۰۰	۳۸
چینی ایران	۴،۶۳۱	۱۷۸
کاشی وسرامیک حافظ	۲،۲۳۷	۸۶
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۱۴،۹۶۰	۵۷۵
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۲،۰۲۰	۷۷
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۷،۹۶۵	(۳۳۱)
توسعه معادن روی ایران	۲،۷۲۰	۳۷
صنایع کاشی و سرامیک سینا	۷،۷۷۰	۲۹۵
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۲۸،۳۰۰	(۶۰۵)
پارس سرام	۳،۰۵۶	۱۱۷
ذغال‌سنگ نگین طبس	۴،۷۳۳	۱۸۲
فرآورده‌های نسوز پارس	۱،۹۵۱	۷۵
شیشه و گاز	۴،۶۵۸	۱۷۹
معدنی و صنعتی گل گهر	۱۰،۸۰۰	(۲۶۴)
کاشی الوند	۲،۱۱۲	۸۱
معادن‌منگنزایران	۸،۷۱۲	۳۳۵
کاشی نیلو	۱،۷۷۶	۶۸
شیشه همدان	۴،۰۷۵	۱۵۵

کوتاه از چهار گوشه کشور

مرمت قرآن‌های پوستی منسوب به دستخط مبارک ائمه‌اطهار (ع)

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: معاون اداره حفاظت و مرمت سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی از مرمت ۱۹ برگ پوستی قرآن مربوط به قرن نخست هجری ـ قمری خبر داد.

سیدعلی طباطبایی افزود: این قرآن‌ها منسوب به دستخط مبارک ائمه معصومین (علیه‌السلام) بوده است، که پارسال مرمت شده‌اند.

وی اضافه کرد: در کنار مرمت این قرآن‌ها ۶۲۱ سند قدیمی که پنج مورد آن مربوط به اسناد طوماری بسیار نفیس بود، نیز مرمت شد.

وی همچنین از آسیب‌شناسی ۷۴۵۵ مورد در اداره حفاظت و مرمت در سال ۹۱ خبر داد و گفت: این آسیب‌شناسی‌ها شامل ۷۳۱۶ مورد آسیب‌شناسی نسخ خطی، ۵۴ مورد شئی موزه‌ای، ۴۰ مورد نسخه چاپ سنگی و ۴۵ مورد سند بوده است.

او افزود: پارسال اداره حفاظت و مرمت ۱۰۵ مورد آزمایش شامل ۱۰۰ مورد الیاف‌شناسی و پنج مورد فلزشناسی آثار موزه‌ای را انجام داده است.

پارک وحدت بناب به بهره‌برداری رسید

بناب ـ خبرنگار اطلاعات: پارک وحدت بناب مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

برای ساخت و آماده‌سازی این پارک و شهربازی در فضایی به وسعت ۲۷هزار مترمربع ۶ میلیارد ریال توسط شهرداری بناب هزینه شده است.

شهردار بناب هدف از ساخت این مجموعه را تلاش برای توسعه کمی و کیفی سرانه فضای سبز شهر، ایجاد فضاهای مناسب رفاهی و تفریحی برای شهروندان و استفاده از ظرفیت‌های ملکی و مردمی برای تأمین محیط با نشاط اعلام کرد. باقر بابازاده گفت: فاز دوم این پارک شامل فرهنگسرا، میادین چند منظوره ورزشی و سرویس‌های بهداشتی است.

دستگیری سارق داده‌های رایانه‌ای در مازندران

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات مازندران از شناسایی و دستگیری سارق داده‌های رایانه‌ای از یک واحد صنفی عکاسی و تصویر برداری خبر داد.

احمدرضا رستمی در این باره گفت: در پی مراجعه فردی به این پلیس مبنی بر سرقت داده‌های رایانه‌ای تصاویر شخصی و فیلم‌های جشن برخی مشتریان از سوی فردی به نام «الف ـ الف» موضوع به طور ویژه در دستور کار پلیس قرار گرفت. وی گفت: ماموران با انجام اقدام‌های اطلاعاتی و تحقیقات پلیسی از مالباخته دریافتند مظنون به سرقت از کارکنان سابق این واحد صنفی است که پس از گذشت ۳ماه همکاری با شاکی، ارتباط خود را قطع کرده و متواری شده است. وی یادآور شد. متهم به سرقت پس از مدتی در تماس تلفنی با شاکی وی را تهدید به انتشار تصاویر شخصی و خصوصی افراد از جمله عکس‌های عروسی و اسپرت مشتریان در سایت‌های اجتماعی و اینترنتی کرده بود.

کشف ۸ میلیارد ریال کالای قاچاق در اراک

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: خردادماه امسال بیش از ۸ میلیارد و ۳۸۳ میلیون ریال کالای قاچاق در استان مرکزی کشف شد.

سرهنگ ایرج کاکاوند جانشین فرمانده انتظامی استان مرکزی با اعلام این خبر افزود: در همین رابطه ۵۱ نفر دستگیر و به مراجع قضایی معرفی شدند.

وی با اشاره به ضرورت دستیابی به راهبردهای مقابله با پدیده قاچاق، اضافه کرد: برای تحقق حماسه اقتصادی، مشارکت دستگاه‌های فرهنگی و به ویژه شهروندان نیاز است.

تابلو موزه کرمان به سرقت رفت

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: تابلو مسی ورودی باغ موزهٔ هرندی کرمان به سرقت رفت.

محمد جهانشاهی فعال گردشگری و متصدی طرح نصب تابلوهای معرفی بناهای گردشگری در کرمان در این باره گفت: طرح نصب تابلوهای نفیس دو زبانه در کنار بناهای تاریخی از سال ۸۴ مطرح و اجرا شد.

وی افزود: در این طرح بیشتر بناهای تاریخی شاخص کرمان به تابلوهای مسی مجهز شدند که متأسفانه در برخی موارد شاهد سرقت این تابلوها به دلیل ارزش ریالی آنها هستیم. به گفته جهانشاهی چندی پیش نیز تابلو گنبد جبلیه به سرقت رفت که تابلو جدید در ارتفاع بالاتری نصب شد.

وی ارزش ریالی این تابلو را ۵۰۰ هزار تومان اعلام کرد و گفت: در حالی که دزدان با خیال آسوده مشغول سرقت این تابلو بوده‌اند، دوربین‌های بانک مجاور موزه تصاویر آنها را ضبط کرده است. تابلو ورودی موزهٔ هرندی در حالی دزدیده شده که این موزه مملو از آثار منحصر به فرد فرهنگی و تاریخی است و مهمترین موزه استان کرمان از نظر اشیای موجود به شمار می‌آید

تکمیل طرح‌های کشاورزی ایلام

ایلام ـ خبرنگار اطلاعات: بانک کشاورزی سرمایه‌در گردش طرح‌های کشاورزی ایلام را تامین کند.

معاون برنامه‌ریزی استانداری ایلام گفت: طرح‌های نیمه تمام بخش کشاورزی با تخصیص اعتبارات سرمایه‌در گردش تکمیل می‌شود.

حشمت‌الله عسگری در نشست توسعه بخش کشاورزی استان ایلام، افزود: تخصیص سرمایه در گردش یکی از نیازهای اساسی واحدهای تولیدی برای شروع فعالیت است.

وی تاکید کرد: بانک‌های عامل استان ایلام باید تلاش کنند تا از محل ۲۵۰ میلیارد ریال مصوب نقدینگی، سرمایه‌در گردش طرح‌های کشاورزی استان را تامین کنند.

معاون برنامه‌ریزی استانداری ایلام یادآور شد: در این راستا همه مسئولان امر باید تلاش بیشتری داشته باشند تا شاهد شکوفایی بخش کشاورزی و زیر مجموعه‌های آن باشیم.

او از بانک‌های عامل ایلام خواست برای توسعه بخش کشاورزی استان همکاری ویژه‌ای داشته باشند.

به گفته وی بدون همکاری بانک‌های عامل توسعه بخش کشاورزی میسر نیست و باید در این راستا اهتمام ویژه‌ای انجام گیرد.

عبدالرضا بازدار رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان ایلام نیز در این نشست گفت: از ابتدای اجرای طرح توسعه کشاورزی تاکنون ۱۰۰۰ میلیارد ریال طرح برای دریافت تسهیلات به صندوق توسعه ملی معرفی شده است.

وی افزود: سازمان جهادکشاورزی ایلام با بسیج امکانات در این راستا گام‌های بلندی برداشته است.

وی با اشاره به این‌که دستگاه‌هایی مانند استانداری و بانک کشاورزی با سازمان جهاد کشاورزی ایلام همکاری صمیمانه‌ای داشته‌اند، افزود: توسعه بخش کشاورزی به عنوان یک اولویت در دستور کار قرار گرفته است.

بازدار گفت: سازمان جهادکشاورزی استان ایلام پارسال در اجرای طرح‌های توسعه بخش کشاورزی رتبه نخست جذب تسهیلات را بین دیگر استان‌های کشور کسب کرد.

وی با تاکیدبر این‌که طرح‌های کشاورزی باید بر اساس اولویت و با توجه به تاثیرآنها در رونق اقتصادی کارشناسی شود، افزود: این طرح‌ها پس از مراحل کارشناسی باید به صندوق توسعه ملی معرفی شود.

برگزاری همایش بزرگ پیروان ولایت در بابلسر

بابلسر ـ خبرنگار اطلاعات: مراسم سالانه گردهمایی بزرگ فرماندهان، رزمندگان و پاسداران بازنشسته و شاغل بابلسر باعنوان «پیروان ولایت» به همت سپاه ناحیه بابلسر برگزار شد.

سرهنگ نادر اسدالله نتاج فرمانده سپاه بابلسر در این مراسم به بیان اهداف برگزاری این همایش پرداخت و افزود: مردانی مثل شماها که در سخت‌ترین میدان‌های آزمایشی و صحنه‌های نبرد در کنار هم مهم‌ترین سال‌های دوران زندگی که همان ایام بهار جوانی است را سپری کردید و هم‌اکنون گرد سفیدی گذر ایام بر چهره شما نشسته و زخم‌هایی گرانبها از دوران دفاع مقدس در جسم‌های شما برجا گذاشته است اکنون دور هم هستید و این از مقاومت و سلحشوری شماها در صحنه‌های مختلف دفاع از انقلاب و اسلام است.

وی دیگر اهداف برگزاری این گردهمایی را دیدار و جویا شدن حال یکدیگر برشمرد و افزود: پاسداران کارنامه‌ای درخشان در پایداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی دارند و سپاه نیز تا امروز با تکیه بر تجربه‌های ارزشمند تاریخی و فهم دقیق و عمیق از شرایط جامعه در همه عرصه‌های خطر، پیروز و سربلند بوده و از دستاوردهای انقلاب حفاظت کرده است.

وی در پایان گفت: مأموریت سپاه تنها صیانت از انقلاب در ابعاد دفاعی نیست بلکه صیانت از ارزش‌ها، آرمان‌ها و فرهنگ انقلاب در عرصه‌های گوناگون است.

در این گردهمایی همه فرماندهان سپاه بابلسر از تاریخ تشکیل این نهاد تاکنون حضور داشتند.

جذب ۲۰ قاضی در دادگستری سیستان و بلوچستان

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: کاهش پرونده‌های ورودی به دادگاه‌ها اولویت دستگاه قضایی است.

رئیس کل دادگستری سیستان و بلوچستان افزود: از ۲۰ خرداد پارسال تا ۲۰ خرداد امسال ۱۳۴ هزار و ۸۵۰ پرونده به دادگاه‌ها و دادسراهای سراسر استان وارد شده که ۱۲۹ هزار و ۱۲۲ پرونده مختومه شده است.

حمیدی اعلام کرد: در این مدت ۹۶درصد از پرونده‌های ورودی به دادگستری مختومه شده است.

وی با اشاره به این‌که امسال در مقایسه با پارسال، تعداد پرونده‌های ورودی به دادگاه‌ها و دادسراهای استان یک درصد افزایش داشته است، افزود: میانگین افزایش پرونده‌ها در کشور ۱۱ درصد است که نشان می‌دهد سیستان و بلوچستان جزو استان‌های شاخص کشور است و رتبه خوبی را در کشور کسب کرده است.

وی استفاده از ظرفیت شوراهای حل اختلاف را عامل مؤثری در کاهش پرونده‌های ورودی به دادگاه‌ها دانست و گفت: افزیش تعداد قضات نیز تأثیرگذار بوده است.

رئیس کل دادگستری سیستان و بلوچستان از اضافه شدن ۲۰ قاضی به مجموعه قضات استان خبر داد و یادآور شد: در نیمه نخست امسال نیز ۲۰ قاضی دیگر به جمع قضات اضافه خواهند شد.

وی با اشاره به کمبود نیروی انسانی در مجموعه دستگاه قضایی سیستان و بلوچستان گفت: امسال سهمیه استخدام ۱۶۷ نفر به دادگستری اختصاص یافته است و آزمون استخدامی در نیمه نخست امسال برگزار می‌شود.

حمیدی اعلام کرد: هم‌اکنون از ۱۵۰ قاضی فعال در سیستان و بلوچستان ۸۰ درصد غیربومی هستند. وی با تأکید بر این‌که جذب قضات بومی اولویت دستگاه قضایی سیستان و بلوچستان است، گفت: با توجه به ماندگار نبودن قضات غیربومی تلاش دستگاه قضایی بر جذب قضات بومی است.

بهره‌برداری از نخستین استخر معیشتی در ورزقان

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: یک استخر معیشتی باظرفیت ۲۷۰۰ مترمکعب و لوله‌گذاری به طول ۱۵۰۰ متر در پایاب آن، در شهرستان ورزقان مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

مدیر جهاد کشاورزی ورزقان گفت: با ایجاد این استخر و تجهیز پایاب آن به آبیاری تحت فشار، میزان ذخایر و راندمان آبیاری بالا خواهد رفت.

علی علیمحمدی با اشاره به این که از محل تسهیلات کارگروه توسعه بخش کشاورزی ساخت هشت استخر معیشتی در ورزقان مصوب شده است، از گرفتن مجوز استخر معیشتی در کنار رودخانه‌های دایمی و مجوز حفر چاه برای پرورش ماهی در این شهرستان خبر داد.

وی اصلاح الگوی مصرف در بخش‌های مختلف کشاورزی را مناسب‌ترین و منطقی‌ترین راه حل برای گذر از بحران‌های کم‌آبی دانست و افزود: صرفه‌جویی در مصرف آب با استفاده از روش‌های نوین برای آبیاری قطره‌ای، بارانی، کوزه‌ای، تراوا زیرزمینی و تانکر می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد.

به گفته مدیر جهاد کشاورزی ورزقان آبیاری قطره‌ای روشی مناسب برای کاهش و هدر رفت آب در بخش کشاورزی و استفاده از استخرهای معیشتی بسترسازی مناسبی برای استفاده بهینه از آب و ارتقای درآمد حاصل از تولید برای بهره‌برداران است.

سیستان و بلوچستان
۲۰۰ طرح صنعتی نیمه تمام دارد

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت سیستان و بلوچستان از وجود ۲۰۰ طرح صنعتی نیمه تمام در این استان خبر داد.

میرشکار در نشستی خبری با اشاره به نقش صنعت و معدن در تولید وظرفیت بالای سیستان و بلوچستان در این بخش گفت: امید است زمینه توسعه و اشتغال پایدار برای جوانان در استان فراهم شود.

وی افزود: سیستان و بلوچستان به عنوان یک استان معدنی و تجاری با موقعیت ویژه و همسایگی باافغانستان و پاکستان و دسترسی به آب‌های آزاد در بحث معادلات تجاری و ترانزیت تولیدات صنعتی و معدنی از موقعیت خوبی برخوردار است.

میرشکار اعلام کرد: در سه ماهه نخست پارسال ۶۸ جواز تاسیس با اشتغال ۱۰۹۹ نفر و در سه ماهه نخست امسال ۹۲ جواز تاسیس با اشتغال ۹۲۱ نفر صادر شده است.

وی تاکید کرد: تعداد زیادی طرح نیمه تمام در استان وجود دارد که باید با برنامه‌ریزی به اتمام برسد.

او افزود: برای به روز رسانی طرح‌ها سامانه بهین‌یاب راه‌اندازی شده است که طی اطلاعیه‌ای تمام جوازهای تاسیس با پیشرفت فیزیکی ۲۰درصد در این سامانه فراخوان شدند.

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت سیستان و بلوچستان گفت: یکی از مهمترین اثرات این فراخوان ابطال جوازهای تاسیس راکد است که در سال‌های گذشته صادر شده‌اند.

به گفته وی با تکمیل ۲۰۰ طرح نیمه تمام در استان در ۲ سال آینده زمینه اشتغال مستقیم برای حدود ۴۵۰۰ نفر فراهم می‌شود.

او افزود: امسال بهره‌برداری از طرح‌های صنعتی مهمی مانند شرکت ملی صنایع مس ایران، شرکت هامون سازه زاهدان، شرکت سیمان تیس چابهار و سنگ‌بری گرانیت شه‌بخش در دست اجرا است.

وی اعلام کرد: پارسال ۵۱ فقره پروانه بهره‌برداری برای اشتغال ۹۵۱ نفر صادر شد که ۲۳ فقره در صنعت کانی غیرفلزی، ۱۱ فقره در صنعت منسوجات و ۱۰ فقره در صنعت محصولات شیمیایی و چوبی بوده است.

او با اشاره به رسیدگی به مشکلات ۳۲۸ واحد تولیدی، گفت: ۲۴ واحد تولیدی جهاد کشاورزی استان نیز از محل سهمیه بخش صنعت تغذیه می‌شود.

میرشکار افزود: مجموعه ذخایر قطعی کشف شده استان معادل ۷۵۰ میلیون تن است که شامل ۲۶نوع ماده معدنی و ۴۰ درصد از انواع معدنی شناخته شده کشور است.

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت سیستان و بلوچستان گفت: به طور تقریبی سهم استان از ذخایر کشف شده کشور ۲درصد و در سایر شاخص‌ها معادل ۳ درصد است.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

هدیه‌های روز زن و مرد!

مسئولان محترم دانشگاه پیام‌نور هر سال مبلغی از پولی را که به عنوان کمک‌های غیرنقدی به کارکنان و استادان این دانشگاه پرداخت می‌شود، از حساب آنان کسر می‌کنند و همان مبلغ را به طور جداگانه به عنوان هدایای روز زن و روز پدر به کارکنان این دانشگاه می‌پردازند. از مسئولان این دانشگاه تقاضای رسیدگی داریم.

از کارکنان دانشگاه پیام‌نور

ماه رمضان و فرصتی برای تلاش بیشتر

به مسئولان دولت پیشنهاد می‌شود با توجه به این که در سال حماسه اقتصادی قرار داریم و نیازمند کار و تلاش بیشتری هستیم، در ماه مبارک رمضان ساعت کار ادارات را کاهش ندهند تا این ماه فرصتی برای ارائه خدمات بیشتر به مردم و انجام کارهای عقب افتاده باشد. زیرا همان گونه که خواب روزه‌دار عبادت است، کار و خدمت او به مردم نیز عبادت بالاتری محسوب می‌شود.

ایمیل به خط ارتباطی

احداث یک پایانه مسافری در انتهای بزرگراه کرج

علت اصلی ترافیک هر روز بزرگراه تهران ـ کرج، خروجی باریکی است که در انتهای این بزرگراه به طرف جاده چالوس قرار دارد و در آنجا تعدادی خودرو برای سوار کردن مسافر در اطراف تابلوی دانشگاه خوارزمی توقف می‌کنندو باعث ترافیک سنگین به ویژه در تعطیلات می‌شوند. از مسئولان وزارت راه و شهرسازی و شهرداری کرج تقاضا می‌شود با احداث پایانه مسافری در قطعه زمین بایری که در این مکان قرار دارد، علاوه بر جلوگیری از اتلاف وقت مردم، از به هدر رفتن هزاران لیتر بنزین نیز جلوگیری کنند.

مسافر جاده چالوس ـ ایمیل به خط ارتباطی

ارسال پیامک‌های رانندگی ایمن

به مسئولان راهنمایی و رانندگی پیشنهاد می‌شود به افرادی که تصادف داشته‌اند و دچار سوانح رانندگی شده‌اند، به مدت یک سال پیامک‌هایی با موضوع رانندگی ایمن ارسال کنند تا در کاهش این حوادث مؤثر واقع شود.

ایمیل به خط ارتباطی

آموزش و پرورش رایگان برای فرزندان ملت

طبق یکی از اصول قانون اساسی که برگرفته از خون شهدایی مانند مدرس، مطهری و بهشتی و برآمده از متن مردم طی سال‌ها مبارزه با استبداد رژیم‌های سلطنتی است، حق تحصیل برای تمامی فرزندان ملت ایران رایگان است. اگر چنانچه غیراز این باشد چه کسی و چه وقت حق فرزندان ما را ادا می‌کند؟ برای ثبت نام فرزندم در یک مدرسه دولتی مبلغ ۶۰۰هزار تومان مطالبه کرده‌اند و من نمی‌دانم این مبلغ را از کجا بیاورم؟

گرگان (استان گلستان) ـ پدر یک دانش‌آموز

مشکلات شهرک‌های اطراف خورموج

شهرک‌های اطراف شهر خورموج از توابع استان بوشهر با وجود توسعه زیاد از امکاناتی مانند دایر بودن خطوط تاکسی برای رفت و آمد به داخل شهر و روشنایی کافی برخوردار نیستند. از مسئولان امر تقاضا می‌شود نسبت به رفع این مشکلات اقدام کنند.

خورموج، شهرک بسیجیان (غدیر) ـ سعیدی

ضرورت نوسازی خط‌آهن دورود ـ اندیمشک

راه‌آهن دورود ـ اندیمشک با وجود حجم زیادی از مسافران که از این خط آهن برای سفر به تهران و سایر شهرها استفاده می‌کنند، یک خطه است و گاهی اوقات خارج شدن یک قطار باری از این خط باعث ساعت‌ها معطلی مسافران و سایر قطارهای تهران ـ جنوب می‌شود. جا دارد مسئولان راه‌آهن کشور همزمان با زیرزمینی کردن قطار تهران ـ تبریز، به دو خطه کردن راه‌آهن دورود ـ اندیمشک نیز می‌اندیشیدند.

دزفول ـ مسافر قطار

تشکر از زحمات کارکنان بانک

از کارکنان بانک ملت شعبه پیچ‌شمیران به دلیل روابط عمومی خوب و راه‌اندازی سریع امور مشتریان بانک، تشکر می‌کنم.

حمید روزبهانی

اخبار کوتاه شهرستان

پایان ساخت تونل‌های انحرافی سد نرماب گلستان

گرگان ـ خبرنگار اطلاعات: ساخت دو تونل انحرافی سد نرماب استان گلستان پایان یافت.

مهندس ایرج حیدریان مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای استان گلستان با اعلام این مطلب افزود: با توجه به این که یکی از بخش‌های اصلی سد تونل‌های انحرافی است، ساخت این دو تونل ۲ ماه زودتر از برنامه زمان‌بندی شده به پایان رسید.

وی با بیان این که این دو تونل انحرافی وظیفه انتقال آب رودخانه نرماب را بر عهده دارند، یادآور شد: طول هر یک از این تونل‌ها ۲۷۵ متر و قطر آن ٤ متر است. وی حجم بتون‌ریزی انجام شده در دو تونل انحرافی این سد را ۸۲۰۰ مترمکعب و حجم حفاری را ۱۵هزار و ۱۰۰ مترمکعب اعلام کرد و افزود: ساخت سد نرماب از فروردین سال ۱۳۹۰ آغاز شد و طبق پیش‌بینی‌ها سال ۱۳۹۷ آماده بهره‌برداری می‌شود.

سد نرماب جزو پروژه‌های ملی است و در ۵ کیلومتری جنوب مینودشت در شرق استان گلستان ساخته می‌شود

افتتاح ۱۹ پروژه کشاورزی و دامی در کاشمر

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس کار گروه توسعه بخش کشاورزی کاشمر از افتتاح ۱۹ پروژه کشاورزی و دامی طی هفته اخیر در این شهرستان خبر داد.

مهدی فروزان با اشاره به ظرفیت‌های کاشمر در حوزه کشاورزی و دام و طیور افزود: این پروژه‌ها شامل ٦ استخر ذخیرهٔ آب، احیا و مرمت قنوات به طول حدود ۲/۵ کیلومتر و سه مورد آبیاری تحت فشار است.

فرماندار کاشمر گفت: همچنین با استفاده از اعتبارات توسعه بخش کشاورزی ۵ گاوداری شیری با ظرفیت ۹۵ رأس و یک واحد پرورش پرواری با ظرفیت ۱۵۰ رأس دام مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

وی اعتبار این پروژه‌ها را ۸ میلیارد ریال ذکر کرد و افزود: با اجرای این پروژه‌ها زمینه اشتغال ۸۷ نفر در این شهرستان فراهم شده است.

ساخت پروژه میانگذر شمالی ساری

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: مراسم کلنگ‌زنی پروژه بزرگ میانگذر شمالی ساری، با هزینه ۳۵ میلیارد تومان برگزار شد.

میانگذر شمالی ۲/۵ کیلومتر طول و ۳۰ متر عرض دارد و شرق و غرب ساری را به هم متصل می‌کند و بار سنگینی از ترافیک کمربندی و شهر ساری کاسته می‌شود.

برپایی نمایشگاه‌های طرح ضیافت در مازندران

* نمایشگاه طرح ضیافت ماه مبارک رمضان از ۱۲ تیر به مدت ۱۰ روز در شهرستان‌های مازندران دایر می‌شود.

معاون نظارت و بازرسی صنعت، معدن و تجارت مازندران ضمن اعلام این خبر افزود: در این نمایشگاه کالاهای پر تقاضایی که در ایام ماه مبارک رمضان مورد نیاز مردم است بر اساس قیمت مصوب تعیین شده عرضه می‌شود.

حسین اصغرزاده گفت: گوشت مرغ با قیمت ۵۲۰۰ تومان، گوشت قرمز ۱۷ هزار و ۲۰۰ تومان و شکر با قیمت ۱۵۵۰ تومان در این نمایشگاه‌ها عرضه می‌شود.

افزایش صدور کالاهای غیرنفتی از مازندران

* صادرات مازندران در سه ماهه نخست امسال نسبت به مدت مشابه پارسال از لحاظ وزنی ٤۹ درصد و از لحاظ ارزشی ۳۸ درصد رشد داشته است.

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت مازندران با اعلام این خبر افزود: پیش‌بینی صادرات استان در سه ماهه نخست امسال ۷۱ میلیون دلار بود که با توجه به صادرات ۱۳٤ میلیون دلاری به میزان ۱۸۸ درصد اهداف این بخش در سه ماهه نخست امسال محقق شد.

مرتضی هاشم‌پور گفت: کشورهای عراق، روسیه، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، ارمنستان، افغانستان، ویتنام، هنگ‌کنگ، مالزی، امارات، لبنان، ترکیه، چین و ژاپن مقصدهای صادراتی استان مازندران هستند.

برپایی نمایشگاه نخ و نقش در کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: نمایشگاه «نخ و نقش» شامل آثار متعلق به مجموعه شخصی «بهنام مهاجری» در کرمان برپا شد.

در این نمایشگاه ٦۰ پته اصیل و نفیس با ابعاد ۲۰×۲۰ در سه گالری موزه هنرهای معاصر صنعتی شهر کرمان به نمایش گذاشته شده است.

پته‌های این نمایشگاه که بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ سال قدمت دارند، پرشال‌های منحصر به فرد رنگی بافته شده است.

برگزاری نمایشگاه گل و گیاه و فضای سبز در زنجان

زنجان ـ خبرنگار اطلاعات: چهارمین نمایشگاه گل و گیاه، فضای سبز، ابزار و ادوات باغبانی و خدمات وابسته به‌مدت ٤ روز در نمایشگاه بین‌المللی کاسپین زنجان برگزار شد.

مهندس یگانه، شهردار زنجان با بیان مطلب بالا ارتقای سطح کمی و کیفی فضای سبز شهری، جلب مشارکت شهروندان در توسعه میزان فضای سبز شهری، بالا بردن روحیه نشاط و شادابی بین شهروندان، آشنایی مردم با گل و گیاه و طبیعت را از اهداف برگزاری این نمایشگاه اعلام کرد و افزود: کارآفرینی برای فارغ التحصیلان رشته‌های مختلف کشاورزی، دعوت از سرمایه‌گذاران گل و گیاه برای ایجاد زمینه‌های لازم ارتقای فضای سبز شهری و معرفی توانمندی استان و جذب توریست و گردشگر از دیگر اهداف برگزاری این نمایشگاه است.

به گفته شهردار زنجان این نمایشگاه به‌صورت کشوری با بیش از ۷۵ غرفه از استان‌های تهران، البرز، فارس، سمنان، گیلان، مازندران، زنجان و برخی شهرستان‌ها برگزار شد.

وی از برگزاری نخستین جشنواره عکاسی از فضای سبز شهر زنجان همزمان با برگزاری نمایشگاه خبر داد و گفت: از اول خرداد تا آغاز شروع به‌کار نمایشگاه ۱۲٤۵ اثر هنری و عکس از ۱۱۳ عکاس به دبیرخانه جشنواره ارسال شد و بر اساس رأی کمیته داوران ۳۱ عکس به‌عنوان آثار برگزیده انتخاب شدند و برای اعلام نظر شهروندان و بازدیدکنندگان با ابعاد ٤۰×٦۰ سانتی‌متر در نمایشگاه در معرض دید عموم قرار گرفت.

یگانه آموزش باغبانی به کودکان، برگزاری مسابقه برای بزرگسالان و کودکان، تزیین ماشین عروس و سفره عقد، برگزاری جنگ شادی و آتش‌بازی روز نیمه شعبان با حضور ۵۰۰۰ نفر از شهروندان، اجرای زنده موسیقی عاشیقلر هر روز در نمایشگاه و بازدید شهرداران و مدیران عامل سازمان‌های پارک‌ها و فضای سبز استان‌های کشور را از برنامه‌های جنبی این نمایشگاه اعلام کرد و گفت: در این نمایشگاه انواع گل‌های آپارتمانی، انواع گل‌های شاخه‌ای، باغ شیشه‌ای گیاهان آبزی، انواع کاکتوس، انواع نشاء فصلی و نهال‌های مثمر و غیر مثمر، ابزار و ادوات باغبانی، انواع سم و کود، گیاهان دارویی و گلدان‌های چینی و سفالی در غرفه‌ها عرضه شد.

رسیدگی به ۱۳ میلیون و ۷۰۰ هزار پرونده در قوه قضائیه

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: قوه قضائیه پارسال به ۱۳ میلیون و ۷۰۰ هزار پرونده رسیدگی کرده است.

معاون راهبردی قوه قضائیه در شورای مشترک اداری و قضایی استان کرمان با اعلام این خبر، گفت: این آمار به غیر از خدمات انجام شده در دیگر مجموعه‌های وابسته به قوه قضائیه است.

محمدباقر ذوالقدر با اشاره به این که در قانون اساسی ماموریت‌های بسیار حساسی بر عهده قوه قضائیه است، افزود: رسیدگی به تظلمات و دادخواهی‌ها و حل و فصل اختلافات، کشف جرم و تعقیب مجرمان، اجرای حدود الهی به‌ویژه برای مجرمان، رفع خصومت‌ها و درگیری‌ها، نظارت بر حسن اجرای قوانین، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع از آن جمله است.

وی سیر بی‌امان ورودی‌ها به قوه قضائیه را از چالش‌های اساسی این قوه دانست و گفت: یکی از محورهای اساسی قوه قضائیه پیشگیری از وقوع جرم است که در این زمینه نیاز به همکاری بیشتر دیگر نهادها دارد.

به گفته وی پارسال سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و سازمان پزشکی قانونی به ترتیب ۳٦ میلیون و ۲ میلیون و ٤۰۰ هزار خدمت ارائه کرده‌اند.

افتتاح ۵ پروژه ملی بهزیستی در فارس

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: ۵ پروژه ملی سازمان بهزیستی با اعتبار ۳۰ میلیارد ریال در شیراز افتتاح شد. عبدالحمید کشاورز مدیرکل سازمان بهزیستی فارس در مراسم افتتاح پروژه‌های این سازمان گفت: ٤ پروژه‌ای که در شیراز افتتاح شد با اعتبارات ملی و یک پروژه نیز با کمک خیرین ساخته شده است.

او افزود: برای اولین بار در کشور مرکز آینده پژوهی سازمان بهزیستی در شیراز افتتاح شد که به راحتی می‌تواند بسیاری از مشکلات اجتماعی را بررسی و نسبت به رفع آن برنامه‌ریزی کند. او همچنین با اشاره به راه‌اندازی بنیاد ژنتیک جنوب کشور گفت: بنیاد ژنتیک جنوب کشور از دیگر مراکزی است که در شیراز افتتاح شد و با راه‌اندازی این مرکز پیشگیری از بیماری‌های مادرزادی، ناشنوایی و نابینایی مدنظر قرار داده می‌شود. وی تاکید بر این مطلب که ۵۰ درصد از بیماری‌های ژنتیکی قابل پیشگیری است افزود: ۸٦ هزار معلول در بانک اطلاعاتی سازمان بهزیستی فارس ثبت نام کرده‌اند و از خدمات این مجموعه استفاده می‌کنند.

او موضوع اشتغال زنان معتاد بهبود یافته را از دیگر مباحثی برشمرد که سازمان بهزیستی فارس آن را پیگیری کرده است و گفت: در این زمینه مرکز اشتغال زنان راه‌اندازی شده است.

او در خاتمه در رابطه با راه‌اندازی مرکز نگهداری از سالمندان نیز گفت: مرکز نگهداری از سالمندان بی‌سرپرست با اعتبار ۷/۵ میلیارد ریال توسط خیرین ساخته شده است.

پایان عملیات حفاری ۳ حلقه چاه در فاز ۱۴ پارس جنوبی

بندر بوشهر ـ خبرنگار اطلاعات: معاون شرکت ملی حفاری ایران گفت: ۲۵ هزار و ۸۸۱ متر حفاری در فاز ۱٤ پارس جنوبی انجام شده و حفاری ۳ حلقه چاه ارزیابی ـ توصیفی در این فاز به پایان رسیده است.

محمدرضا تاکایدی گفت: حفاری ۲۲ حلقه چاه در فاز ۱٤ پارس جنوبی در تعهد شرکت ملی حفاری است. وی افزود: عملیات حفاری در این فاز روی دو پلت فرم که هرکدام شامل ۱۱ حلقه چاه است، انجام می‌شود.

او اضافه کرد: حفاری دو حفره ۳۲ اینچ و ۳۲/۵ اینچ روی یکی از پلت فرم‌ها انجام شده است که در مجموع در حفاری این دو حفره ۲۰ روز جلوتر از برنامه هستیم.

وی گفت: حفاری چاه‌های فاز ۱٤ به صورت دسته‌ای و عملیات حفاری روی پلت فرم دوم نیز بزودی آغاز می‌شود.

تاکایدی اظهار داشت: در انجام عملیات حفاری با استفاده از ناوگان شرکت ملی حفاری ایران در فاز ۱٤ پارس جنوبی، از نظر اجرایی هیچ گونه عقب‌افتادگی وجود ندارد.

برگزاری نمایشگاه گیاهان زینتی در پارک ملت بهشهر

بهشهر ـ خبرنگار اطلاعات: اولین نمایشگاه گل و گیاهان زینتی توسط ۱۲ نفر از تولیدکنندگان گیاهان زینتی در محوطه پارک تاریخی ملت بهشهر برگزار شد.

فاطمه ذبیح‌پور مسئول روابط عمومی شهرداری بهشهر با اعلام این مطلب افزود: در این نمایشگاه انواع گل و گیاه، گیاهان آپارتمانی، انواع گل‌های شاخه‌بریده، گیاهان فضای‌باز، محصولات ارگانیک و تجهیزات کمپوست عرضه شده است.

وی درباره ادامه روند این نمایشگاه که مورد استقبال شهروندان قرار گرفت یادآور شد: از تمام شرکت‌ها و نهادهای وابسته به گل و گیاه و فضای سبز دعوت می‌کنیم که در دومین نمایشگاه گل و گیاه که در پایان سال در دستور کار شهرداری قرار دارد حضور یابند و به ارائه آخرین دستاوردهای خود بپردازند.

او افزود: این نمایشگاه با ۲۰ غرفه تا پایان این هفته برای بازدید علاقه‌مندان آماده است.

انتقال پساب تصفیه‌خانه قدیم‌آباد به باغستان سنتی قزوین

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: پساب تصفیه‌خانه منطقه قدیم‌آباد با تأمین زیرساخت‌های لازم، به باغستان سنتی شهر قزوین انتقال می‌یابد.

مدیرعامل سازمان باغستان سنتی شهرداری قزوین افزود: تأمین آب مورد نیاز باغستان سنتی و رفع دغدغه باغداران از اهداف اجرای این طرح است.

وی گفت: موضوع انتقال پساب تصفیه‌خانه قدیم‌آباد به باغستان در کارگروه تخصصی امور اقتصادی شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان در دستور کار قرار گرفته است.

حمید رحمانی با اشاره به کاهش نزولات جوی و ممنوعیت حفر چاه در دشت قزوین به دلیل افت سطح آب‌های زیرزمینی یادآور شد: مشکل کم‌آبی، باغستان سنتی را به طور جدی مورد تهدید قرار داده است و از همین رو با انتقال پساب از ایستگاه قدیم‌آباد به این مکان می‌توان منبع آب مستمر و پایداری را برای آن تعریف کرد. وی با تأکید بر ضرورت تأمین زیرساخت‌های لازم برای اجرای این پروژه اعلام کرد: طرح خط انتقال پساب، ایجاد تصفیه‌خانه، جذب منابع اعتباری لازم، انجام مطالعات جانبی، جلب مشارکت باغداران و جمع‌آوری پیشنهادهای آن‌ها در مورد این طرح از مواردی است که باید در بازه زمانی تعریف شده محقق شود. مدیرعامل سازمان باغستان سنتی شهرداری قزوین افق استفاده از ظرفیت انتقال آب از این محدوده را تا سال ۱٤۱۵ اعلام کرد و گفت: این طرح با تأمین شدن شرایط لازم اجرایی می‌شود و تا افق ۱٤۱۵ ظرفیت‌های موجود برای افزایش میزان پساب انتقالی به باغستان سنتی بررسی و پیش‌بینی شده است.

رحمانی با اشاره به حجم پساب انتقالی پیش‌بینی شده در اجرای این طرح افزود: بر اساس برنامه زمانی پیش‌بینی شده برای انجام و ارتقای این طرح و با افزایش حجم پساب تولیدی، تلاش خواهد شد تا ۸ میلیون مترمکعب پساب شهری به باغستان سنتی انتقال یابد.

وی لایروبی رودخانه‌ها، نصب سردهنه، خرید آب طالقان و نظارت بر آبیاری همگون باغستان را از اقدام‌های کوتاه‌مدت برای تأمین آب باغستان اعلام کرد و گفت: استفاده بهینه از منابع آب موجود، به صورت مدون در دستور کار قرار دارد.

دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد کُره در شیراز برگزار شد

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد کره همزمان با تهران و اصفهان در شیراز برگزار شد.

خانم «اینسیل لی» رئیس انجمن مطالعات اقتصاد کره جنوبی در این کنفرانس با اشاره به این مطلب که این گروه اقتصادی در ایران برای اولین بار با بیشترین اعضا از کره جنوبی و کشورهای دیگری همچون هنگ‌کنگ، تایوان و روسیه حضور داشته‌اند افزود: حدود نیم قرن از همکاری ایران و کره جنوبی در زمینه اقتصادی می‌گذرد و با ورود به نیم قرن جدید امید است با شناخت از یکدیگر و برگزاری این سمینار زمینه‌ای بیشتر برای تجارت، سرمایه‌گذاری و سایر فعالیت‌های اقتصادی با توجه به تحریم‌ها ایجاد شود.

او گفت: با توجه به اتفاق‌های مشترک امسال برای ایران و کره جنوبی، یکی راهیابی تیم فوتبال هر دو کشور، به جام جهانی و دوم انتخابات رئیس جمهوری جدید در ایران و کره جنوبی این امید وجود دارد تا رئیس جمهوری جدید ایران قدم‌های مفیدی در زمینه اقتصاد بردارد.

همچنین فریدون فرقانی رئیس اتاق بازرگانی شیراز با اشاره به این مطلب که فارس با موقعیت سرمایه‌گذاری ویژه در بخش نفت، گاز، کشاورزی، معادن و گردشگری می‌تواند فرصت خوبی برای سرمایه‌گذاران کره جنوبی باشد، افزود: فارس یکی از بزرگترین استان‌های ایران است و به دلیل نزدیکی به پالایشگاه‌های پارس جنوبی از موقعیت خوب گاز و نفت بهره‌مند است.

وی گفت: همچنین فارس سالانه با تولید ۱۰ میلیون تن محصولات کشاورزی و معادن غنی می‌تواند موقعیت خوبی برای گروه اقتصادی کره جنوبی باشد.

وی افزود: اتاق بازرگانی شیراز ۲۰۰۰ عضو دارد که اکثر آنها با کره جنوبی مبادلات اقتصادی دارند و این امکان وجود دارد که فارس به دلیل موقعیت ویژه در گردشگری برای همه مطرح شود.

او یادآور شد: سابقه همکاری اقتصادی با کره جنوبی نشانگر نقطه مشترکات بین دو کشور است و لازمه همکاری بیشتر شناخت گسترده‌تر انجمن مطالعات اقتصاد کره جنوبی از ایران است.

رونمایی از تندیس جهان پهلوان خِدر در نوکنده

نوکنده ـ خبرنگار اطلاعات: با همت و تلاش شورای اسلامی شهر و شهرداری نوکنده تندیس جهان پهلوان شادروان رمضان خدر قهرمان اسبق کشتی ایران و جهان با حضور مسئولان ورزشی و اداری بندرگز و بخش نوکنده، قهرمانان، ورزشکاران و قشرهای مختلف مردم رونمایی شد.

شادروان خدر متولد ۱۳۲۳ اهل نوکنده و دارنده نائب قهرمانی جوانان کشتی اسبق جهان و قهرمان جام‌های بین‌المللی تفلیس، مدوید شوروی سابق، یاشار داغو و بالاوادزاده کشور ترکیه ـ دانکلوف کشور بلغارستان و چند عنوان قهرمانی و نائب قهرمانی کشوری و آسیایی و یکی از پرافتخارترین کشتی گیران کشور و در ردیف نامداران، مدال‌آوران و اسطوره‌های کشتی ایران و جهان به شمار می‌رفت.

رمضان خدر در سن ٥٤ سالگی از ورزش کشتی جدا نشد و موفق شد عنوان قهرمان پیشکسوتان کشتی جهان در کشور بلغارستان را به کلکسیون افتخاراتش اضافه کند. قهرمان کشتی اسبق جهان در حالی که از بیماری کلیوی رنج می‌برد ولی با روحیه‌ای مثال زدنی برای کسب افتخاری دیگر برای ایران عزیزمان به مسابقات قهرمانی پیشکسوتان جهان در کشور سوئیس اعزام شد.

وی در این مسابقات دو پیروزی را به نام خود ثبت کرد و در دور سوم در حالی که از حریف با نتیجه ۹ بر ۲ پیشی داشت بیماری امانش نداد و پزشکان معالج اجازه ادامه کشتی را به وی ندادند و پس از مدت‌ها تحمل درد و رنج در بستر بیماری سرانجام در سن ٥٦ سالگی با دنیای کشتی خداحافظی کرد.

افتتاح مرکز رادیوتراپی در ساری

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: شیوع سرطان گوارش در مازندران از آمار کشوری بالاتر است.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی مازندران در مراسم افتتاح مرکز رادیوتراپی در بیمارستان امام خمینی (ره) ساری با اعلام این خبر افزود: به علت آمار بالای سرطان گوارش در مازندران راه‌اندازی مرکز جامع سرطان به عنوان مرکز آموزشی، پژوهشی، درمانی و پیشگیری در دستور کار مسئولان دانشگاه علوم پزشکی مازندران قرار گرفت. محمد مهدی ناصحی با بیان این که نبود مرکز پیشرفته رادیوتراپی مشکلات فراوانی را برای مردم استان فراهم کرده بود افزود: با راه‌اندازی این مرکز بیماران از مراجعه به تهران، مشهد و بابلسر بی‌نیاز شدند.

خاطره حضور رهبری انقلاب در حلبچه

عکس فوق مربوط می‌شود به حضور آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در منطقه عمومی حلبچه همزمان با عملیات والفجر ۱۰ که در روزهای پایانی اسفند ۱۳۶۶ صورت گرفت. منطقه تصویر، ارتفاعات شندروین عراق است که حدود ۳۶ ساعت پیش از آن به تصرف نیروهای سپاه درآمده بود.

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای با توجه به مسئولیتشان در جنگ و در اداره کشور، برای دریافت آخرین اطلاعات و مشاهدات عینی، شخصاً در منطقه حضور پیدا کرده بودند.

منطقه شندروین در غرب رودخانه سیروان که مرز ایران و عراق است و در عمق حدود پنج شش کیلومتری خاک عراق قرار دارد. قرار بود نیروهای سپاه برای حفظ منطقه، قرارگاهی در این ارتفاع تأسیس کنند. کارها به‌سرعت آغاز شده بود. من در آن زمان مسئول عملیات لشکر ۱۱ امیرالمؤمنین علیه‌السّلام بودم.

ما سوار بر خودرو از پایین به سمت

*** منطقه حلبچه ، ارتفاعات شندروین و بالامبو به‌شدت زیر آتش توپخانه و هواپیماهای دشمن قرار داشت و کل منطقه را با بمب‌های معمولی و شیمیایی هدف قرار می‌دادند**

ارتفاعات حرکت کرده بودیم. عراقی‌ها اگرچه منطقه را در زمین از دست داده بودند، اما آسمان در اختیار آن‌ها بود. منطقه هنوز پاکسازی نشده بود و به هیچ وجه امنیت در آن وجود نداشت. هواپیماهای عراقی مدام بر فراز آسمان پرواز می‌کردند و بمب می‌ریختند. توپخانه‌دشمن هم بیکار نبود و روی منطقه آتش می‌ریخت.

به ارتفاعات رسیدیم، همین‌که از ماشین پایین آمدیم، یک فروند هلی‌کوپتر "بل "۲۰۶ که می‌خواست در آن منطقه به زمین بنشیند توجهمان را جلب کرد. با خودمان گفتیم در این شرایط ناامن آسمان، چه کسی با هلی‌کوپتر به این‌جا آمده؟ منتظر بودیم تا سرنشینان آن بیرون بیایند تا به‌سرعت آن‌ها را منتقل کنیم. مبادا هلی‌کوپتر توسط هواپیماها هدف قرار نگیرد. دیدیم یک برادر جانباز با دو عصا در زیر بغل و یک پای قطع‌شده از هلی‌کوپتر پیاده شد و پس از او یک نفر با لباس سپاه آمد که متوجه شدیم آیت‌الله العظمی خامنه‌ای است که آن زمان رئیس‌جمهوری و رئیس شورای عالی دفاع هم بودند. فکر می‌کنم ایشان برای استفاده بیشتر از وقت با هلی‌کوپتر به این جا آمده بودند. همگی سریع سوار ماشین شدیم و به سمت محل تأسیس قرارگاه که «قرارگاه نجف» نام گرفته بود، حرکت کردیم.

به غیر از مسیر حرکت ما، منطقه حلبچه و ارتفاعات شندروین و بالامبو هم به‌شدت زیر آتش توپخانه و هواپیماهای دشمن قرار داشت. کل منطقه را با بمب‌های معمولی و شیمیایی هدف قرار می‌دادند.

به محل ساخت قرارگاه رسیدیم. قرار بود سوله‌ای در محل یک شیاری که از امنیت بیشتری برخوردار بود، ساخته شود. فکر می‌کردیم این کار انجام گرفته است، اما وقتی به آن محل رسیدیم، متوجه شدیم هنوز این اتفاق نیفتاده است و فقط توانسته بودند چند چادر برپا کنند.

حضرت آقا از ماشین پیاده شدند. نیروهای سپاه مشغول حفر سنگر برای نصب سوله بودند. از زیر یکی از چادرها، پتویی آوردند و روی یکی از سنگرهای نیمه‌کاره انداختند تا آیت‌الله العظمی خامنه‌ای روی آن بنشینند. همین که ایشان مستقر شدند ، هواپیماها مدام بمباران می‌کردند. نگران بودیم که نکند یکی از این بمب‌ها به این جا بخورد.

همه‌جای منطقه عمومی حلبچه بمباران می‌شد. حتی مشخص بود که خود شهر حلبچه هم بمباران شیمیایی می‌شود. حضرت آقا از مشاهده این وضع ناراحت بودند، چون علاوه بر نیروهای ما، مردم بی‌گناه حلبچه هم قربانی

*** رهبر معظم انقلاب که از بمباران شیمیایی منطقه عمومی و شهر حلبچه ناراحت بودند، دستور اکید صادر کردند که سپاه پاسداران هرچه سریع‌تر مردم حلبچه را تخلیه کند و آن‌ها را به سرعت برای مداوا به اردوگاه‌ها، درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های پشت جبهه منتقل کند، در واقع ایشان در آن موقعیت، اولویت کار سپاه را بر انتقال مردم مجروح و مصدوم حلبچه قرار دادند**

می‌شدند. به همین خاطر دستور اکید صادر کردند که سپاه هرچه سریع‌تر مردم حلبچه را تخلیه کند و آن‌ها را به سرعت برای مداوا به اردوگاه‌ها، درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های پشت جبهه منتقل کند. در واقع ایشان در آن موقعیت، اولویت کار سپاه را بر انتقال مردم مجروح و مصدوم حلبچه قرار دادند.

عکس فوق زمانی گرفته شد که حضرت آقا و همراهانشان از ماشین پیاده شده بودند و از ارتفاع به سمت محل قرارگاه نجف در یک سرازیری حرکت می‌کردند.

من در این تصویر، نخستین نفر در جانب راست آیت‌الله العظمی خامنه‌ای قرار دارم. در این تصویر دو نفری که لباس کردی به تن دارند، از نیروهای مهندسی-رزمی هستند و سه نفر از برادران که از همراهان ایشان بودند نیز در تصویر حضور دارند. ایشان حدود هشت یا نُه ساعت در آن ارتفاعات حضور داشتند و بعد سوار هلی‌کوپتر شدند و رفتند.

عکس‌نوشت :سردار کوروش آسیابانی، جانشین فرمانده قرارگاه منطقه‌ای غرب سپاه –به مناسبت ۸ تیر، روز مبارزه با سلاح‌های شیمیایی و میکروبی

حمله به هواپیمای مسافربری
آخرین سیاست دولت آمریکا در برابر ایران

• محمد سعید نجفی مقدم ـ(پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس)

فاجعه حمله و شلیک موشک توسط ناو آمریکایی به هواپیمای مسافربری ایران از مهمترین موارد نقض حقوق بشر، حقوق بین‌الملل و حقوق هواپیمای کشوری در تاریخ محسوب می شود که پرصداترین محافل سیاسی غرب یا در مقابل آن سکوت اختیار کردند و یا در چارچوب اخبار کذب پنتاگون این موضوع را ارزیابی و تحلیل کردند.

یک سال پس از تجاوز رژیم عراق در سال ۱۳۶۰، حمله به کشتی های تجاری در خلیج فارس شروع شد و با اعلام مین گذاری سواحل بندر امام خمینی(ره) و حمله به دو کشتی تجاری در ۲۱ دی ۱۳۶۰ امنیت خلیج فارس توسط عراق مختل شد.

به دنبال تحویل هواپیماهای سوپراتاندارد و موشک های اگزوسه توسط فرانسه به عراق ابعاد این حملات افزایش یافت. در برابر این حملات که عراق به صراحت مسئولیت آن را بر عهده می گرفت، شورای امنیت واکنش مناسبی نشان نداد، ولی در قبال انتساب چند حمله به ایران و شکایت شورای همکاری خلیج فارس، شورای امنیت در ۱۱ خرداد ۱۳۶۳ مطابق با اول ژوئن ۱۹۸۴، مبادرت به صدور قطعنامه ۵۵۲ کرد و در آن خواستار توقف این حملات شد.

از آغاز جنگ تا ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۴، ۱۱۲ کشتی در خلیج فارس مورد حمله موشکی قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران در ژانویه ۱۹۸۵، به دبیر کل وقت سازمان ملل اعلام کرد که از هر گونه اقدامی برای تأمین آزادی و امنیت کشتیرانی که در خلیج فارس صورت گیرد حمایت و استقبال خواهد کرد، اما حملات به کشتی ها ادامه یافت.

تا تیر ۱۳۶۶، حدود ۸/۵ میلیون تن کالا از محموله های کشتی ها در خلیج فارس به زیر آب رفت. ۴۱ کشتی کاملاً نابود و به ۳۴ تن محموله کالا آسیب وارد شد و بیش از ۲۰۰ تن از ملوانان کشورهای مختلف به قتل رسیدند و به همین تعداد نیز مجروح شدند.

یکی از نتایج شوم این همه تشنج آفرینی رژیم عراق و دامن زدن ایالات متحده به ناامنی در خلیج فارس، حمله به هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران بود که برفراز آب های سرزمینی ایران و در حوالی جزیره هنگام توسط دو فروند موشک شلیک شده از ناو آمریکایی «وینسنس»که خود به آبهای ایران تجاوز کرده و در آن مستقر بود، منفجر و تمامی مسافران وخدمه هواپیما به وضع اسفناکی به شهادت رسیدند .روز یکشنبه ۱۲ تیر ۱۳۶۷ مطابق با ۳ ژوئیه ۱۹۸۸ هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی ایران با ۲۷۵ مسافر و ۱۶ خدمه فرودگاه بندرعباس را به مقصد دبی ترک کرد.

این هواپیما ساعت ۱۰ و ۱۵ دقیقه محلی و ۶ و ۴۵ دقیقه گرینویچ شروع به اوجگیری کرد و در ساعت ۱۰ و۲۴ دقیقه به وقت محلی، سطح پروازی ۱۲۰۰۰ پا را گزارش کرد و از آن لحظه به بعد دیگر تماسی از طرف خلبان گرفته نشد.

در واقع از این لحظه به بعد هواپیما مورد اصابت ۲ فروند موشک سطح به هوای ناو وینسنس آمریکا قرار گرفت و در نزدیکی جزیره ایرانی«هنگام» سقوط کرده بود. در این فاجعه تمامی سرنشینان هواپیما به شهادت رسیدند که ۶۶ کودک زیر ۱۲ سال، ۵۲ زن و ۴۶ نفر تبعه کشورهای یوگسلاوی، کویت، افغانستان، هندوستان، پاکستان، ایتالیا ، شارجه و دوبی از جمله وابسته نظامی پاکستان در ایران و خانواده اش در میان کشته شدگان بودند.

متعاقب این تجاوز آشکار، جمهوری اسلامی ایران ۱۴ تیر ۱۳۶۷، طی نامه ای به رئیس شورای امنیت سازمان ملل خواستار تشکیل جلسه فوری شورا برای رسیدگی به موضوع شد.

پس از وقوع این حادثه سازمان های بین‌المللی از جمله شورای امنیت و سازمان بین‌المللی هواپیمای کشوری (ایکائو) از حقوق ایران دفاع نکردند.

۲۵ تیر ۱۳۶۷، مطابق با ۱۶ ژوئیه ۱۹۸۸، شورا تشکیل جلسه داد که از سوی جمهوری اسلامی ایران، علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه وقت و از جانب آمریکا بوش معاون وقت رئیس جمهوری در جلسه حضور داشتند.

شورای امنیت پس از استماع سخنان ولایتی و جرج بوش در جلسه شماره ۲۸۲۱ خود در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۸ (۲۹ تیر۱۳۶۷) طرح قطعنامه پیشنهادی را تصویب کرد.

شورای امنیت در آن زمان فقط با ابراز تأسف عمیق از این که یک هواپیمای غیر نظامی ایران ایر در پرواز برنامه ریزی شده بین المللی ۶۵۵، در پرواز بر فراز تنگه هرمز به وسیله موشک شلیک شده از ناو جنگی ایالات متحده آمریکا (وینسنس) منهدم شده است، فقط تسلیت عمیق خود را به خاطر از دست رفتن غم انگیز جان انسان های بی گناه ابراز داشت و با خانواده های قربانیان این سانحه غم انگیز و دولت ها و کشورهای آنان همدردی کرد.

جمهوری اسلامی ایران علاوه بر شورای امنیت و شورای ایکائو شکایت خود را در دیوان بین المللی دادگستری لاهه نیز مطرح کرد که این عنصر تخصصی سازمان ملل متحد نیز از مسائل سیاسی به دور نماند و به جای بررسی فنی و ارائه راه حل به شورای امنیت به ابراز تأسف و تسلیت به بازماندگان سانحه پرداخت و در تاریخ ۲۳ تیر۱۳۶۷ (۱۴ ژوئیه ۱۹۸۸) با صدور بیانه ای ضمن ابراز همدردی با تأکید بر اصل کاربرد زور علیه هواپیماهای غیر نظامی کاربرد سلاح علیه یک هواپیمای مسافری (بدون ذکر جزئیات) را تقبیح کرد.

رهبر معظم انقلاب درباره ایکائو فرمودند: آمریکایی‌ها خودشان گزارش دادند. گفتند گزارش ایکائو، با همکاری ارتش آمریکا تهیه شد. خوب، ایکائو مثلاً یک سازمان بی‌طرف بین‌المللی است. اگر آن روز ما می گفتیم ایکائو این گزارش را مغرضانه نوشته است، یک عده می گفتند شما خیلی بدبین هستید. ایکائو یک سازمان بی‌طرف است، به آمریکا و شما چه‌کار دارد. (بعدها) خود آمریکایی‌ها اعتراف کردند و گفتند که گزارش سازمان ایکائو را آمریکا تنظیم کرده است و خلاصه این که، آمریکا در انداختن ایرباس ایرانی مقصر نیست؛ مجامع جهانی این گونه‌اند .

انهدام هواپیمای مسافربری ایران بر اثر شلیک موشک ازناو وینسنس، عملی اتفاقی یا صرفاً ناشی از ضعف فناوری و خطای بشری نبود، بلکه آخرین سیاست دولت آمریکا در برابر ایران به شمار می‌آمد.

البته از مدت‌ها پیش اخطارهای غیرقانونی مرکز اطلاعات پرواز سازمان هوایپمایی آمریکا، موجب ناامنی فراگیر و تهدیدهایی بر ضد هواپیماهای غیرنظامی منطقه خلیج فارس شده بود. در نهایت، دولت آمریکا نیت اصلی خود را آشکار کرد و یک فروند هواپیمای مسافربری ایران را بی‌دلیل ساقط کرد و جان ۲۹۰ انسان بی‌گناه را گرفت.

هدف آمریکا، نه فقط ساقط کردن هواپیمای ایرباس ایران، بلکه وادار کردن جمهوری اسلامی به پذیرش صلح و پایان جنگ تحمیلی بود. چنان‌که دونالد ریگان، رئیس جمهوری وقت آمریکا در این زمینه اظهار داشت: این فاجعه (سقوط هواپیمای مسافربری ایران از سوی آمریکا) ضرورت دست‌یابی به برقراری صلح را با حداکثر شتاب، دو چندان کرده است .

پس از سرنگونی هواپیمای ایرباس ایران، سران کاخ سفید با رفتار دوگانه خود، به تمسخر افکار جهانی پرداختند. از سویی ریگان در اعلامیه ای، با اظهار تأسف از این رویداد تلخ، به سرنگون شدن هواپیمای مسافربری ایران اعتراف کرد، ولی اقدام ناو آمریکایی را عمل دفاعی به جا دانست و مدعی شد هواپیمای ایرباس ایرانی در حال کاهش ارتفاع و شیرجه رفتن به سوی ناو آمریکایی بوده است.

فرمانده ناو وینسنس که موجب سقوط هواپیمای مسافربری ایران شده بود، نشان افتخار دریافت کرد و بر جنایت او مهر تائید زده شد.

این تناقض آشکار، عوام فریبی ریاکارانه دولت آمریکا و نیات شوم سردمداران این کشور را به رخ جهان کشید. عوام فریبی و جنایتکاری که همچنان ادامه دارد و در ذات حاکمیت آمریکا نهادینه شده است.

* به مناسبت سالگرد شهادت ۲۹۰ نفر مسافر هواپیمای ایر باس ایران ، مراسم ویژه ای هر سال در خلیج فارس برگزار می شود

*** فاجعه حمله و شلیک موشک توسط ناو آمریکایی به هواپیمای مسافربری ایران از مهمترین موارد نقض حقوق بشر، حقوق بین‌الملل و حقوق هواپیمای کشوری در تاریخ محسوب می شود که پرصداترین محافل سیاسی غرب یا در مقابل آن سکوت اختیار کردند و یا در چارچوب اخبار کذب پنتاگون این موضوع را ارزیابی و تحلیل کردند**



■ نوشته: دان راویو - یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری | ۲۵۱

رئیس سابق پایگاه موساد در واشنگتن با اشاره به ماجرای «پولارد» می گوید: برای ما ایام سختی بود. در طول مدت یک دهه برای جرمی مجازات شدیم که مرتکب نشده بودیم. او می گفت که این ماجرا یادآور آن حکایت انجیل است که فرزندان به خاطر گناه پدرانشان مجازات می‌شوند. بازدیدکنندگان موساد احساس می کردند که آمریکایی‌ها نباید آنها را برای کاری که اسرائیلی‌های دیگر انجام داده‌اند، مجازات کنند. در واقع «سیا» نیز قبول داشت که پای موساد در میان نبوده بلکه واحد دیگری اداره امور مربوط به «پولارد» را به عهده داشته است. با این حال ماجرای «پولارد» حاکی از آن بود که اسرائیل به ایالات متحده خیانت کرده است.

از آن عملیات مخفی در ۲۱ ماه نوامبر سال ۱۹۸۵ وقتی که «پولارد» با حالتی عصبی در ماشین «فورد موستانگ»[3] اش در جلوی درب ورودی سفارت اسرائیل نشسته بود، پرده برداشته شد. همسر «پولارد»، «آن هندرسن پولارد»[4]، شناسنامه‌هایشان، عکس‌های خانوادگی‌شان، گربه‌شان و اوراق مربوط به واکسیناسیون گربه همراه «پولارد» بودند. خانوادهٔ «پولارد» امیدوار بودند که در همان لحظه و در همان جا، در صورت امکان در دنیای مصونیت دیپلماتیک ناپدید شوند.

وقتی که درهای سنگین فولادی سفارت برای چند لحظه باز شد «پولارد» فوراً موتور اتومبیل را روشن کرد و وارد محوطه سفارت شد. با آنکه راننده اتومبیل به نگهبانان اسرائیلی گفت که نیازمند کمک است و برای فرار از تعقیب مأمورین «اف.بی.آی» به سفارت پناه آورده است، آنها که متحیر شده بودند هفت تیرهایشان را بیرون کشیدند.

در واقع چند اتومبیل که مامورین «اف.بی.آی» در آنها نشسته بودند پشت درب بزرگ ورودی سفارت کمین کرده بودند. آنها با استفاده از پیام‌گیری که مخصوص استفادهٔ مراجعین به سفارت بود، به نگهبانان گفتند افرادی که چند لحظه قبل وارد سفارت شده‌اند، باید برای بازجویی به «اف.بی.آی» برده شوند.

مدیر داخلی سفارت و فرماندهٔ نگهبانان از قبول خانواده «پولارد» امتناع کردند. آنها را مجبور کردند که سفارت را ترک کنند و «اف.بی.آی» در خارج از محوطه سفارت دستگیرشان کرد.

«پولارد» یک غیرنظامی بود که شش سال برای نیروی دریایی آمریکا کار کرده بود. بخش اعظم دوران خدمتش را در واحدهای امنیتی و ضد تروریستی گذرانده بود. برای آنکه اینطور بنظر نرسد که او اهل ماجرا بوده است، شایان ذکر است که او فقط یک کارمند دفتری بود، اما او فردی بود که روی میزش کامپیوتری داشت که تقریباً به تمامی اطلاعات محرمانه که توسط شبکه عظیم امنیتی امریکا جمع‌آوری و نگهداری می‌شد، دسترسی داشت. در حالیکه «پولارد» خودش را یک آمریکایی میهن‌گرا تلقی می‌کرد، از حامیان پرشور اسرائیل نیز بود. او در سال ۱۹۵۴ در تگزاس در یک خانواده یهودی متولد شده بود که بعدها به «ساوت بند»[5] در «ایندیانا»[6] نقل مکان کرده بودند.

«پولارد» به دانشگاه «استانفورد» که یکی از بهترین دانشگاه‌های امریکا است رفت که در آنجا اساتید روابط بین‌المللی متوجه شدند که او دارای قدرت تخیلی بسیار فعال است.

او ادعا می‌کرد که سرهنگ ارتش اسرائیل است و حتی به آشنایانش می‌گفت که موساد او را آماده می‌کند که برای آنها در آمریکا جاسوسی کند.

ادامه دارد

3-FORD MUSTANG
4-ANNE HENDERSON - POLLARD
5-SOUTH BEND
6-INDIANA

انتقال آرام قدرت در قطر؛ دلایل و پیامدها

زلزله سیاسی در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس

* اشاره

سرویس خارجی: تردیدی وجود ندارد که جابه‌جایی آرام قدرت در قطر، لرزه‌ای بر پیکر رژیم‌های کهنسال عرب حوزه خلیج فارس انداخته است. امیری جوان، بدون خشونت و با رضایت پدر، جای وی را گرفته و این یک سنت‌شکنی بی‌سابقه در میان حکام کهنسالی است که حتی جانشینانشان در دهه‌های ۷۰ یا ۸۰ عمر خود به سر می‌برند. حتی اگر بپذیریم که سیاست‌های آتی شیخ «تمیم» تفاوت چندانی با سیاست‌های شیخ «حمد» در قطر نخواهد داشت، حداقل پیامد این جابه‌جایی برای کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، تیز کردن اشتهای شاهزادگان جوان برای کسب قدرت از امیرانی خواهد بود که معتقدند تا لحظه مرگ، نباید مسند حکومت را واگذار کرد. این بخش از مقاله به بررسی تبعات منطقه‌ای دست به دست شدن قدرت در قطر می‌پردازد.

***

* عمان

در کشور پادشاهی عمان اوضاع به گونه دیگری است و مسئله جانشینی و ولیعهدی، قضیه‌ای بی‌نظیر و بی‌مانند است و نمی‌توان مشابه آن را در دیگر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مشاهده کرد، چون «سلطان قابوس بن سعید» ۷۲ ساله دارای فرزند نیست و روند جانشینی و ولیعهدی در این کشور با ابهاماتی مواجه است.

روال جاری و معمول در این کشور این است که پادشاه در نامه‌ای محرمانه، ولیعهد خود را انتخاب کرده و این نامه پس از مرگ وی در میان اعضای خانواده حاکم باز و خوانده می‌شود.

پادشاه عمان ۴۳ سال است که قدرت را در این کشور در دست دارد و با ترتیبات سریعی که اتخاذ کرد، موفق شد به اعتراض‌های مردمی این کشور طی انقلاب‌های بهار عربی پایان دهد.

اصلاحات پادشاه عمان موجب شد موسسات و دستگاه‌های حکومتی این کشور از آزادی بیشتری برخوردار باشند و با این آزادی، این موسسات خواهند توانست نقش ناظر و مراقب را در مرحله انتقالی بازی کنند، اما تحلیلگران بر این باور هستند که عملیات و روند انتخاب پادشاه در کشور عمان، همچنان مبهم و غیر واضح است.

* بحرین

در بحرین «شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه»، پادشاه ۶۳ ساله بحرین، «شیخ سلمان بن حمد» فرزند بزرگ خود را در سال ۱۹۹۹ میلادی به ولیعهدی انتخاب کرد. به شیخ سلمان، ولیعهد بحرین به عنوان فردی اصلاح طلب نگریسته می‌شود و در این ارتباط تلاش کرده با اکثریت معارض این کشور که اعتراض‌های خود را به صورتی گسترده از ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ آغاز کردند مذاکراتی داشته باشد. اما در این بین، دعوت از نظامیان سعودی برای ورود به این کشور جهت سرکوب معارضان بحرینی در قالب نیروهای سپر جزیره، ضربه بزرگی به وجهه خاندان آل خلیفه در بحرین، عرصه منطقه‌ای و بین المللی زده است.

* نگرانی شاهان فرتوت

یکی از مهمترین پیامدهای انتقال قدرت در قطر را باید باز شدن اشتهای شاهزادگان جوان خاندان‌های حاکم بر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس برای دستیابی به قدرت دانست که برای رسیدن به قدرت ممکن است دهه‌ها در صف طولانی انتظار ایستاده باشند.

«شیخ حمد بن خلیفهٔ آل ثانی» در حالی به شکل مسالمت آمیز و داوطلبانه قدرت را به ولیعهدش «شیخ تمیم» واگذار کرد که به نظر نمی‌رسد، مشابه چنین رویدادی را در دیگر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بتوان ملاحظه کرد.

پس از انتقال قدرت در قطر، صرف نظر از دلایل و عواملی که در پس این اقدام شیخ حمد قرار داشت، قطری‌ها در کاخ امیر قطر در دوحه حضور یافتند تا بیعت خود با امیر جدید این کشور را اعلام کنند.

شیخ حمد در سخنانی ۷ دقیقه‌ای که تلویزیون قطر آن را به صورت زنده پخش کرد، گفت که هدف وی از این اقدام، سپردن زمام امور مملکت به نسل جوان است. در این میان، اگرچه حکام و شیوخ سالمند و یا به سن گذاشته منطقه، پیام‌های تبریکی برای امیر جوان قطر ارسال کردند، اما هیچ یک از آنها از اقدام شیخ حمد نه تنها استقبال نکردند، بلکه به آن روی خوش هم نشان ندادند، چون بر این باورند

باورند که امکان پیاده کردن آنچه در قطر روی داد، در کشوری همچون عربستان سعودی وجود ندارد و شاید یکی از مهمترین و اصلی‌ترین دلایل این امر، سیاست‌های داخلی و پیچیده حاکم بر خاندان سعودی باشد که در حال حاضر حدود ۷۰۰۰ شاهزاده را در برمی‌گیرد و هر روز بر شمار آنها افزوده و این امر موجب می‌شود تا انتقال قدرت به نسل جوان در خاندان سعودی، همچون خاندان آل ثانی قطر امکان‌پذیر نباشد. با این حال باید گفت که اقدام شیخ حمد در انتقال مسالمت آمیز قدرت به شیخ تمیم،

بی‌سابقه در میان خاندان‌های حاکم بر کشورهای عربی منطقه خلیج فارس است. همواره میان آنها رایج و متداول بوده که مناصب وزارتی و حکومتی را بین افراد خاندان تقسیم کنند.

این در حالی است که هنوز موضوع انتخاب ولیعهد در قطر در پرده ابهام قرار دارد، چرا که فرزند ذکور شیخ تمیم، امیر جدید قطر، بیش از ۵ سال ندارد و یک منبع نزدیک به «شیخ حمد بن جاسم بن جبر آل ثانی» نخست وزیر و وزیر خارجه سابق قطر افشا کرده وی که قصد دارد پس از برکناری از سمت



■ بخش دوم و پایانی

که حاکمیت آنها در طول حیاتشان باید ادامه داشته باشد.

در واقع رسیدن «شیخ تمیم» ۳۳ ساله به قدرت در قطر آن هم با وجود در قید حیات بودن امیر سابق این کشور به شکل مسالمت آمیز و بدون کودتا، تناقضی آشکار و بزرگ با وضعیت حاکم بر دیگر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دارد که حکام و شیوخی بر آنها حکومت می‌کنند که تمامی آنها از لحاظ سنی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ عمر خود و جانشینان آنها هم تقریبا در همین گروه سنی قرار دارند.

از سوی دیگر، این اقدام امیر قطر در انتقال قدرت به پسر ۳۳ ساله‌اش، مورد توجه بسیاری از شاهزادگان جوان خاندان‌های حاکم در کشورهای عربی منطقه خلیج فارس قرار گرفت که صبرشان برای تصدی مناصب ارشد و بالای حکومتی و قرار گرفتن در صف طویل انتقال قدرت به پایان رسیده است. کارشناسان بر این باورند که با به قدرت رسیدن شیخ تمیم جوان در قطر، انتظار می‌رود وی سیاست‌های جوان پسندتری را در جامعه قطر اتخاذ کند. این در حالی است که آمار و ارقام نشان می‌دهد حدود یک سوم جمعیت کشورهای عربی منطقه خلیج فارس در گروه سنی ۱۵ سال قرار دارند. از سوی دیگر تحلیلگران و کارشناسان کشورهای عربی منطقه خلیج فارس از جمله تحلیلگران عربستانی بر این

می‌تواند به الگویی برای مردم کشورهای عربی تبدیل شود که با چالش‌ها و اعتراض‌های اجتماعی، از جمله نارضایتی جوانان و بیم و هراس آنها برای تضمین و تامین آینده خویش مواجه هستند.

«جین کینین مونت» پژوهشگر اندیشکده «چتم هاوس» لندن در این باره می‌گوید: «دیدگاهی که هم اکنون بر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس حاکم است، حاکمیت مطلق پادشاه یا امیر بر کشور در طول حیات خویش و عدم انتقال قدرت، حداقل به صورت مسالمت آمیز است و این دیدگاه بالطبع تنها مختص به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیست، بلکه به شکلی گسترده‌تر آن را در میان تمام کشورهای پادشاهی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا می‌توان ملاحظه کرد، بنابراین انتقال مسالمت آمیز و بدون کودتا امری غیر قابل پذیرش است.

به همین دلیل در این کشورها همواره شاهد صف طویل شاهزادگان برای رسیدن به قدرت هستیم که ممکن است، برای رسیدن به قدرت، دهه‌ها در این صف انتظار باقی بمانند که بازتاب‌هایی منفی برای این کشورها به همراه دارد.»

از سوی دیگر، نگاهی به ساختار دولتی که شیخ تمیم تشکیل داده، نشان می‌دهد که وی سمت وزارت خارجه را به «خالد بن محمد العطیه» و ۱۶ پست وزارتی از ۱۹ وزارتخانه این کشور را به افرادی خارج از خاندان آل ثانی محول کرده که امری

نخست وزیری و وزیری امور خارجه این کشور در آمریکا اقامت کند، به شدت به قضیه کناره‌گیری شیخ حمد از قدرت و انتقال قدرت به شیخ تمیم معترض است و در صدد جمع‌آوری دلایلی قانونی و حقوقی است که ثابت می‌کند اقدام شیخ حمد در کناره‌گیری از قدرت، اقدامی غیر قانونی بوده و فردی چون شیخ تمیم، شایستگی اداره امور کشور قطر را ندارد و او برای تصدی این سمت، ذی حق‌تر از شیخ تمیم است.

* تنگناهای جدید

در این میان «نادر عبدالامام» فعال سیاسی بحرینی، کناره‌گیری شیخ حمد، امیر قطر از قدرت و انتقال آن به شیخ «تمیم» را اقدامی سئوال برانگیز برشمرد و گفت بدون تردید این اقدام، دیگر حکام منطقه از جمله سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را در تنگنا و فشار قرار خواهد داد.

عبدالامام درباره تغییر و تحولات جاری در قطر گفت که اقدام امیر قطر و انتقال قدرت به پسرش را نمی‌توان اقدامی دموکراتیک خواند، بلکه این امر موجب تحت فشار و تنگنا قرار دادن دیگر حکام منطقه عربی منطقه خلیج فارس خواهد شد.

وی درباره اجرای این طرح قطری در دیگر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به ویژه کشوری همچون بحرین گفت: به نظر من چنین اقدامی در دیگر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، مثلا در بحرین

که هم اکنون بیش از دو سال است گردباد تغییر و اصلاحات در آن وزیدن گرفته و با وجودی که مردم مشتاق تغییر و تحولات هستند، حکومت در برابر آنها ایستادگی و مقاومت می‌کند، تکرار نخواهد شد و این تجربه قطر تنها محدود به این کشور باقی خواهد ماند و نمی‌توان آن را در کشوری همچون بحرین به اجرا گذاشت. عبدالامام درباره سیاست‌هایی که شیخ تمیم با رسیدن به قدرت در قطر اتخاذ خواهد کرد، گفت: به نظر نمی‌رسد که فردی چون شیخ تمیم در نقشی فراتر از نقشی که برای قطر در عرصه منطقه‌ای و بین المللی در نظر گرفته شده، ظاهر شود، به ویژه آنکه قطر شریک و تابع محض سیاست‌های آمریکاست و از این حیث باید پسر را رهرو پدر خواند.

* امیدی نیست

یک نماینده پارلمان عراق نیز با اشاره به اینکه سیاست‌های حکام قطر همواره بر ریختن خون مردم بی‌گناه عراق و سوریه استوار بوده و ادامه حمایت از گروه‌های مسلح در سوریه دلیل این مدعاست، تاکید کرد: نمی‌توان امیدی به امیر جدید قطر داشت.

«عالیه نصیف» نماینده پارلمان عراق از «جناح ملی آزاد» در گفت‌وگو با خبرنگاران در بغداد گفت: شیخ تمیم بن حمد، امیر جدید قطر تفاوت چندانی با پدر خود در مواضع سیاسی به ویژه در عرصه سیاست خارجی و کشورهای همجوار و منطقه ندارد و بهترین دلیل این مدعا سخنان شیخ تمیم یک روز پس از به دست گرفتن قدرت در قطر است.

نصیف افزود: سخنان شیخ تمیم را باید ارسال پیام دشمنی و خصومت به کشورهای عربی و اسلامی به شمار آورد، چون امیر جدید در سخنان خود بر ادامه حمایت نظامی از گروه‌های افراطی و تندرو مسلح در سوریه به بهانه حمایت از معارضان نظام حاکم بر سوریه اشاره کرده بود. قطر با این رفتارهای خود به ستیزه‌جویی و به چالش کشیدن خواست و اراده جامعه بین المللی که در این اواخر به سمت حل مسالمت آمیز بحران سوریه سوق پیدا کرده است، می‌پردازد. نصیف با توصیف قطر به عنوان «ریز دولت» تاکید کرد که این ریز دولت تلاش دارد در منطقه نقشی فراتر از حجم و اندازه واقعی خود بازی کند و در این راه بر حمایت‌های غرب متکی است.

وی تاکید کرد که حکام قطر به خوبی می‌دانند که میان گروه‌های تروریستی فعال در سوریه و عراق روابط سازمانی و ارگانیک برقرار است و دوحه با حمایت از این گروه‌های تندرو، در واقع تلاش بر ریختن بیش از پیش خون مردم بی‌گناه عراق و سوریه دارد. نصیف افزود: عراق از سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه عرب خواسته است تا موضعی قاطع در برابر سیاست‌های قطر که موجب جاری شدن جوی‌های خون در کشورهای منطقه شده است، اتخاذ کند. این نماینده پارلمان عراق گفت: به نظر من اقدام شیخ حمد در کناره‌گیری از قدرت پس از ۱۸ سال حاکمیت بر قطر، به معنای تثبیت بیش از پیش قدرت موروثی در این کشور است و شیخ حمد به این طریق تلاش داشته تا در زمان حیاتش قدرت را در خانواده خود تثبیت و تحکیم و فرصت‌های لازم برای حمایت از امیر جدید کشور و تثبیت جایگاه وی در این موقعیت را فراهم کند تا با تحکیم حکومت خود و قبضه امور، تمامی رقبای خود را از صحنه خارج کند، افزون بر اینکه در این راه نمی‌توان تمایلات و خواسته‌های «شیخه موزه» همسر با نفوذ امیر قطر و مادر امیر جدید در سپردن قدرت به پسرش در قطر را نادیده گرفت، به ویژه آنکه شیخه موزه از مهمترین و اصلی‌ترین بازیگران عرصه سیاسی قطر به شمار می‌آید. این نماینده پارلمان عراق از حکومت جدید قطر خواست تا کمتر به ستیزه‌جویی و دشمنی با کشورهای منطقه برخیزد و بیش از این به ابزاری در دست کشورهای غربی برای تحقق اهداف آنها در میان کشورهای عربی و اسلامی تبدیل نشود و در این راه به نظر می‌رسد که بهتر است دوحه، روابط حسنه و دوستانه با جهان عربی و اسلامی برقرار کند.

رویارویی و پنهانکاری

CONFRONT AND CONCEAL — OBAMA'S SECRET WARS AND SURPRISING USE OF AMERICAN POWER — DAVID E. SANGER

نوشته: ■ دیوید سَنگر

مترجم: ■ منوچهر بیگدلی خمسه

۷۱

همان‌طور که هالبروک غالباً یادآور می‌شد، کاربرد نوعی فشار شدید نظامی که به یافتن راه حل سیاسی بین دشمنان خونی منجر شود، از میان چندین انتخاب بد، بهترین آنهاست.

فراگرد طاقت‌فرسا و بی‌رحمانه‌ای بود. امّا حتی پس از آنکه هالبروک طرح خود را برای یک استراتژی تلفیق شدهٔ نظامی و سیاسی برای افغانستان تکمیل کرد، در آخرین مکالمه‌ای که با او داشتم با دیدهٔ تردید می‌نگریست که دولت اوباما اراده یا همت ایجاد مقتضیات معامله‌ای به شیوهٔ دیتون در افغانستان را داشته باشد ـ یا بتواند آمریکایی‌ها، افغان‌ها، و طالبان را در یک اتاق جمع کند.

هالبروک ۱۰ روز پیش از فوت، هنگامی که تصادفاً بعد از صرف صبحانه در هتلی در جرج تاون Georyetown به یکدیگر برخورد کردیم، به من گفت: «این خیلی، خیلی از بالکان مشکل‌تر خواهد بود، و هرکس فکر کند که این‌طور نیست، دقت ندارد.»

او یک فنجان دیگر قهوه سفارش داد و یک منظر دو سه ساله را مطرح کرد که چگونه امیدوار بود هر یک از حریفان را به سر میز مذاکره بکشاند ـ ارضای خودخواهی بعضی‌ها، ناراحت کردن عده‌ای دیگر، چرب‌زبانی و تهدید چند نفر از آنها.

این هالبروک خالص بود: یک جزء متفرعن، یک قسمت عزم جزم، یک بخش شطرنج مکارانهٔ سه بُعدی. امّا اذعان داشت که در این استراتژی حفره‌های بزرگی وجود دارد.

او گفت: «در بالکان دست‌کم می‌دانستم با کدام اوباش باید صحبت کنم.» در افغانستان فهرست بازیگران بسیار طولانی بود: «به کرزی احتیاج داریم، امّا او تحمل کردنی نیست؛ به ملاعمر احتیاج داریم»، رهبر طالبان که هالبروک او را خطرناک‌تر ـ و هدفی فوری‌تر ـ از اسامه بن‌لادن تلقی می‌کرد.

«به طالبان، به حقانی، به اتحاد شمال، و به پاکستان احتیاج داریم»، او حدس می‌زد که پاکستانی‌ها سعی خواهند کرد مذاکرات را به هم بزنند. او می‌دانست که مجال از میان برداشتن دهه‌ها نفرت و رقابت رو به زوال است.

او می‌گفت که نقطه ضعف دوم این استراتژی خود اوباماست. او نمی‌دانست که رئیس جمهوری واقعاً به یک معاملهٔ صلح معتقد است یا می‌خواهد هرچه زودتر از افغانستان خارج شود.

در آخر این ملاقات، پیش از برخاستن و رفتن گفت: «اصلاً نمی‌دانم»، و طبق معمول در حالی که تلفن همراهش را به گوشش چسبانده بود و ناپدید می‌شد، پرسش‌های فراوان برجای گذاشت.

بیش از یک سال پس از مرگ او، تنها امر قطعی این است که آمریکا ـ بجز نیرویی کوچک در پشت دیوارها ـ از افغانستان بیرون خواهد رفت. القاعده عمدتاً فلج شده، امّا تجربهٔ بزرگ بازسازی افغانستان به میزان زیادی ناموفق است.

خیال‌پردازی آمریکا که افغانستان ـ بعد از یک دهه اشغال، قانون اساسی جدید، ارتشی تعلیم به شیوهٔ غرب، و اقتصادی از نو ساخته ـ جایی متفاوت خواهد شد، در عهد اوباما نقش بر آب شده است.

یکی از مقامات که تا زمان مرگ هالبروک با او همکاری داشت، می‌گفت که در دو سال اول اوباما «ما در افغانستان پیاده می‌شدیم و راجع به ساختن افغانستان نوین حرف می‌زدیم و در ۱۲ ماه آخر به آنجا می‌رویم و یکی به ما می‌گوید [بریتانیایی‌ها سعی کردند و رفتند، شوروی‌ها تلاش کردند و رفتند، و حالا شما دارید امتحان می‌کنید، فقط نرفته‌اید]» امّا دشوارترین پرسش برآمده از راه میانبر اوباما برای خروج از افغانستان ـ راه «جنگ ضروری» به «افغانستان بس» ـ را تا بعد از بیرون رفتن اکثر نیروهای آمریکایی نمی‌توان پاسخ داد.

ادامه دارد

حرکت نمادین کاروان امام رضا(ع) در کوچه باغ‌های نیشابور

سرویس شهرستانها: کاروان نمادین ورود امام رضا(ع) به نیشابور در سالروز ورود پرخیر و برکت ثامن الحجج(ع) دوباره در کوچه باغ‌های این شهر طنین انداز شد.

این کاروان از مقابل بقعه متبرکه بانو پسنده و بی بی شطیطه از مریدان پرهیزکار و مورد عنایت خاصه ثامن‌الحجج(ع) به سمت مسجد جامع نیشابور به حرکت درآمد.

مردم نیشابور هم باشکوه فراوان به استقبال کاروان امام مهربانی‌ها آمدند تا پس از ۱۲۳۴ سال بار دیگر میزبانی بی نظیر و عشق و ارادت بی حد و حصر خویش را به هشتمین خورشید ولایت و امامت جلوه گر کنند. برپایی نمایشگاه کتاب و ارائه محصولات فرهنگی در امامزاده محمد محروق(ع)، مسابقات نقاشی ویژه کودکان و نوجوانان، اجرای مراسم سخنرانی، شبی با قرآن و شب شعر از دیگر برنامه‌های سالروز ورود امام هشتم (ع) به نیشابور بود.

دهم تیر سال ۲۰۰ هجری قمری سالروز ورود امام رضا(ع) به نیشابور است که روز ملی خراسان نامگذاری شده است.

بانو پسنده از زنان پرهیزگار و با تقوایی بود که وقتی امام رضا (ع) به نیشابور وارد شدند در منزل وی جلوس کردند و وی را به علت تقوا و پرهیزگاریش پسنده نامیدند. مقبره وی اکنون در قسمت شمالی قبر بی بی شطیطه و زیارتگاه شیعیان و ارادتمند به خاندان وحی است.

بی بی شطیطه نیز از بانوان پرهیزگار قرن دوم هجری است که در نیشابور می زیست.

ارائه مستندات غیرقانونی بودن ساخت تالارهای کیش به دادسرای تهران

سرویس خبر: سازمان بازرسی کل کشور از ارائه مستندات قانونی و پرونده کامل تخلف در ساخت تالارهای بین‌المللی کیش به دادسرای تهران خبر داد.

در اطلاعیه سازمان بازرسی کل کشور آمده است:

روابط عمومی نهاد ریاست جمهوری جمعه ۷ تیر جاری اطلاعیه‌ای علیه سازمان بازرسی کل کشور منتشر کرد.

جدا از متن سخیف و اهانت آمیز اطلاعیه که متناسب با شخصیت تهیه کنندگان و سفارش دهندگان این مطلب بود اعلام می دارد: سازمان بازرسی کل کشور پیوسته بصورت مستند و طبق مقررات اقدام کرده و گزارش های دقیق، استوار و قانونی تهیه و ارائه می کند که پرونده‌های مربوط به تخلفات کیش هم بخشی از این گزارش ها است. در خصوص پرونده ساخت تالارهای بین‌المللی کیش و صدور دستور مبنی بر ارائه تسهیلات ۴۵۰ میلیون یورویی، گزارش کامل سازمان در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۵ به دادسرای تهران شعبه پانزدهم بازپرسی ارسال شده است و مدعیان اگر توضیحی و دفاعی دارند به محضر قاضی ارائه دهند.

در خصوص انتشار اسناد نیز چون همین درخواست در ابتدای امسال توسط معاون اجرایی رئیس جمهوری صورت گرفته بود در روابط عمومی سازمان بازرسی کل کشور بخشی از اسناد مربوط راطی اطلاعیه‌ای در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۷ منتشر کرد.

لازم به ذکر است سازمان بازرسی طبق وظایف ذاتی به انجام تکالیف قانونی خود متعهدانه و با جدیت پرداخته و ادامه خواهد داد و این نارواییها و رفتار خلاف اخلاق و قانون مانع انجام مسئولیت‌ها نخواهد شد و بی تردید فعالیت خود را در ایام انتقال و جابه‌جایی قدرت و مدیریت‌ها تشدید کرده تا از هرگونه تصمیم و اقدام خلاف قانون و غیرمتعارف و دردسرآفرین جلوگیری کند و این پرخاشگری‌ها و فرافکنی‌ها خللی در جلوگیری از قانونگریزی و ایجاد فساد نخواهد کرد.

اعتیاد تزریقی رو به افزایش است

اعتیاد ناشی از مصرف تزریقی در کشور در حال بازگشت است، در حالی که سیستم کاهش آسیب اعتیاد وضع خوبی ندارد.

این مطلب را فرید براتی سده مدیرکل دفتر پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی در میزگرد «کاهش آسیب‌های ناشی از اعتیاد و چالش های پیش رو» در محل خبرگزاری ایسنا اعلام کرد و افزود: عمده استراتژی کاهش آسیب، در مباحث مرتبط با HIV ایدز است، زیرا کاهش آسیب در این حوزه با کاهش آسیب ناشی از مصرف مواد محرک مانند شیشه، تفاوت دارد.

او با انتقاد از مبالغ پرداخت شده به مراکز کاهش آسیب سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت ادامه داد: میزان این مبالغ یکسان نیست، به مراکز کاهش آسیب اعتیاد بهزیستی مبالغ کمتری پرداخت می شود در حالی که مراجعان این مراکز معمولا از اقشار محروم‌تر جامعه هستند.

براتی سده به وضع معتادان بهبود یافته اشاره کرد و افزود: معتاد بهبود یافته پس از ترخیص از کمپ ترک اعتیاد و گذراندن مراحل اولیه سم‌زدایی، باید تحت مراقبت و درمان قرار گیرد. بنابراین ایجاد خانه‌های میان راهی می تواند معتاد بهبود یافته را از سایر معتادان جدا کند تا با حضور در یک سرپناه قابل اعتماد، چرخه درمانش کامل شود.

فرمانده ناجا: بازجوهای خشن کنار گذاشته می‌شوند

سرویس خبر: تأکید بر ایجاد بانک ملی DNA در کشور، کنارگذاشتن بازجوهای خشن پلیس آگاهی، وقوع ۶۰ درصد جرائم در ۱۰ شهر، اجرای طرح‌های امنیت اخلاقی و اجتماعی و اعلام ادامه مسئولیت در دولت جدید از محورهای اظهارات فرمانده ناجا در همایش روسای پلیس آگاهی سراسر کشور بود.

سردار احمدی مقدم در حاشیه این همایش در پاسخ به سوال خبرنگار ما درباره ادامه مسئولیتش در دولت جدید گفت: براساس حکمی که برای من صادر شده است، تا ۱۸ تیر ۹۳ در سمت فرماندهی ناجا هستم البته بار مسئولیت در نیروی انتظامی، مردافکن و سنگین است و محلی برای استراحت و تنفس ندارد.

وی گفت: میانگین مرخصی سالانه بنده به بیش از ۲ روز نمی‌رسد و این در حالی است که حتی در دوره مرخصی نیز باید آماده باشم.

فرمانده ناجا با بیان این که انتصاب فرمانده ناجا از مسئولیت‌های فرمانده کل قوا است، افزود: سال گذشته حکم فرماندهی بنده به مدت ۲ سال تمدید شد که البته این دلیلی برای ادامه داشتن فرماندهی تا روز آخر نیست و تعیین تاریخ برای شروع و اتمام فرماندهی فقط برای تعیین مسیر مدیریت است.

فرمانده ناجا به برخی از اقدامات صورت گرفته در مسیر استفاده نکردن از خشونت به کنترل و نظارت کامل اتاق‌های بازجویی و بازداشتگاه‌ها اشاره کرد و گفت: استفاده از مانیتورینگ دربازداشتگاه و نظارت مداوم ناجا و این سازمان موجب کسب پیشرفت‌های فراوانی شده است.

وی افزود: تخلف‌هایی که سبب اخراج از ناجا می‌شود شامل رشوه، تبانی با مجرمان و سوء نیت‌های اخلاقی است که این جرائم در پلیس آگاهی کم است و جرائمی که در پلیس آگاهی اتفاق می‌افتد مانند تصادف، سهل‌انگاری در پست یا تخریب اموال مانند شکستن سلاح است که این جرائم تأثیری در اعتماد مردم به پلیس ندارد و در پلیس متناسب با جرم با فرد متخلف برخورد می‌شود.

***برخورد با موادفروشان**

فرمانده ناجا درباره برخورد با موادفروشان در پارک‌ها، گفت: طرح امنیت اجتماعی با محوریت برخورد با موادفروش، معتادان، مجرمان سابقه‌دار، مزاحمان و اراذل و اوباش در اردیبهشت اجرایی شد که شاهد کاهش چشمگیر این جرائم در تیر و خرداد بوده‌ایم. البته ما در نگهداری معتادان دچار مشکل هستیم که جابجایی دولت می‌تواند در این مهم تاثیرگذار باشد. وی اظهار امیدواری کرد: دولت جدید در حل مسائل و مشکلات حوزه موادمخدر با جدیت گام بردارد، چرا که مهم‌ترین نگرانی مردم است. سردار احمدی‌مقدم با بیان این‌که ۶۰ درصد از قتل‌ها در کشور بدون نیت قبلی رخ می‌دهد، افزود: می‌توان با اقدامات فرهنگی، جرائمی همچون قتل را نیز کاهش داد. وی با تاکید بر استفاده از تکنولوژی و ابزار جدید در حوزه فناوری و کشف جرائم، به سامانه ملی بانک DNA اشاره کرد و گفت: علاوه بر فعالیت بانک اطلاعاتی مجرمان، راه اندازی بانک ملی DNA به عنوان ابزار کارآمدی برای شناسایی سریع و دقیق لازم است البته یکپارچه‌سازی بانک‌های اطلاعاتی می‌تواند بسیاری از مشکلات را حل کند.

***بازداشتگاه بدون مجوز نداریم**

به گفته فرمانده ناجا پس از حادثه کهریزک، رعایت حقوق شهروندی در دستور کار ماموران پلیس قرار گرفته است و نمره بازداشتگاه‌های آگاهی از ۸۰ درصد عبور کرد و بازداشتگاهی بدون مجوز سازمان‌های زندان‌ها نداریم و تاکید شده است که متهمان در بازداشتگاه‌های غیرمجاز نگهداری نشوند.

وی افزود: اعترافگیری با استفاده از زور و خشونت در شان ماموران پلیس نیست و این مسأله چیزی نیست که با بخشنامه حل شود و باید از ابزار و بسترهای فرهنگی نیز استفاده شود.

سردار احمدی‌مقدم با بیان این‌که لگد، مشت و تحت فشار قرار دادن متهمان درست نیست، اضافه کرد: اگر گزارشی در این مورد به دست برسد، قطعا نه فقط با مامور بلکه با مسئول مربوطه نیز برخورد شدیدی خواهد شد.

رئیس پلیس کشور اضافه کرد: در جشن‌های اخیر نیز پلیس به زیبایی در کنار مردم وارد شده و حتی در مواردی که برخی شعار سیاسی هنجارشکن دادند، بقیه مردم این افراد را به تغییر رفتار دعوت کردند و با آرامش این مسئله حل شد، چرا که من معتقدم مرز بین آرامش و بحران در اجتماعات، یک شیشه شکستن است اما با خویشتنداری و افزایش سهم مردم این مسأله حل شده است.

اختصاص ۴۰ میلیارد تومان برای رفع مشکل سوء تغذیه کودکان کمیته امداد

مدیرکل بهداشت، بیمه های اجتماعی و درمان کمیته امداد امام خمینی(ره) با بیان این که حدود ۵۵ هزار کودک زیر شش سال از خدمات رفع سو تغذیه این نهاد بهره مند ند، گفت: امسال ۴۰ میلیارد تومان اعتبار برای اجرای طرح حمایتی رفع سو تغذیه اختصاص یافت.

ناصر ایروانی منش در گفتگو باایرنا، چگونگی ارائه خدمات را به صورت سبدغذایی اعلام کرد و افزود: این بسته‌ها با توجه به نیازهای کودکان و عرف و فرهنگ منطقه و طبق نظر کارشناس تغذیه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی طراحی شده است، اما ارزش ریالی آن ۵۰ هزار تومان در ماه برای هر کودک است.

وی تصریح کرد: این طرح کاری مشترک بین کمیته امداد، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است که شناسایی این افراد از سوی وزارت بهداشت و تایید نیازمندی و حمایت از این افراد توسط کمیته امداد امام (ره) از طریق تشکیل پرونده برای آنان صورت می گیرد. مدیر کل بهداشت، بیمه های اجتماعی و درمان کمیته امداد با بیان این که این نهاد طبق برنامه ریزی انجام شده و در صورت تامین اعتبارات لازم، در مدت پنج سال تمامی کودکان زیر شش سال دچار سوء تغذیه در سایر مناطق محروم کشور را تحت حمایت قرار خواهد داد، اظهار داشت: بر اساس ارزیابی صورت گرفته از سوی وزارت بهداشت، اثر بخشی این طرح تایید شده است.

اجیر کردن شاکی قلابی توسط زورگیران برای پس گرفتن موتورسیکلت

سرویس خبر: رئیس پلیس آگاهی تهران از بازداشت اعضای یک شبکه زورگیری که در یکی از سرقت‌های خود برای پس گرفتن موتورسیکلت برجا مانده در صحنه سرقت شاکی قلابی اجیر کرده بودند، خبر داد.

شاکی این پرونده ۲۳ فروردین به ماموران کلانتری ۱۹۰ شمس آباد اعلام کرد: دو مسافر با تهدید چاقو اقدام به سرقت گوشی تلفن همراه، حلقه ازدواج، عینک آفتابی، گردنبند طلا و ۱۲۰ هزار تومان وجه نقد کرده اند.

باارجاع پرونده از سوی دادیار شعبه پنجم دادسرای امور جنایی تهران به اداره پنجم پلیس آگاهی تهران، این شاکی توانست چهره یکی از سارقان را که درصندلی جلو نشسته بود ترسیم کند و کارآگاهان با بهره گیری از بانک اطلاعات مجرمین سابقه دار موفق به شناسایی سارقی به نام مختار با سه سابقه موادمخدر، شرب خمر و سرقت شدند.

در ادامه تحقیقات معلوم شد که مختار با همدستی برادرش رضا اقدام به سرقت می کند که با بدست آمدن تصویر رضا از سیستم جامع پلیس شاکی هر دو آنها را شناسایی کرد و درادامه این دومتهم چند روز قبل در بلوار ابوذر دستگیر شدند و به دهها فقره سرقت به شیوه‌های مختلف زورگیری تحت پوشش مسافر، زورگیری از رهگذران با همدستی سه نفر از دوستان خود به نام‌های محسن، شهاب و علی اعتراف کردند.

بابررسی سوابق این سه نفر مشخص شد محسن و علی از مجرمان سابقه دار هستند و علی از اراذل و اوباش سطح یک منطقه شادآباد است. با دستگیری محسن و شهاب در منطقه نازی‌آباد، هنگامی که ماموران برای دستگیری علی در منطقه شاد آباد وارد عمل شدند او با ایجاد درگیری و استفاده از اسپری اشک‌آور تلاش داشت تا فرار کند که با اقدام ماموران ناکام ماند.

به گفته سرهنگ محمدیان، متهمان به دهها فقره زورگیری به شیوه‌های مختلف، در مناطق مختلف شهر تهران بویژه درخانی آباد، فلاح، نواب، بزرگراه آهنگ، پیروزی و تهرانپارس در تاریکی شب اعتراف کردند

زمین لرزه ۵ ریشتری حوالی «رویدر» هرمزگان را لرزاند

زمین لرزه‌ای به بزرگی ۵ در مقیاس امواج درونی زمین (ریشتر) بعدازظهر دیروز حوالی رویدر هرمزگان واقع در مرز استان‌های فارس و هرمزگان را لرزاند.

به گزارش شبکه‌های لرزه‌نگاری وابسته به مرکز لرزه‌نگاری کشوری موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران؛ این زمین لرزه در ساعت ۱۵ و ۴۸ دقیقه و ۳۴ ثانیه در عرض شمالی ۲۷/۲۷ درجه و طول شرقی ۵۵/۰۶ درجه به وقوع پیوست. تاکنون از خسارات احتمالی این زمین‌لرزه گزارشی نرسیده است.

جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: چهار تیم ارزیابی و امدادی این جمعیت به این منطقه اعزام شده‌اند.

افتتاح ۱۳۹۰ واحد مسکن مهر در دزفول

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: جمعیت ۶۰۰ میلیون نفری کشورهای همسایه ایران بازاری مطمئن و مناسب برای محصولات پتروشیمی است.

مطلب بالا را محمدرضا رحیمی معاون اول رئیس جمهوری که دیروز به منظور افتتاح چند پروژه عمرانی وارد اهواز مرکز استان خوزستان شده بود، در دومین همایش بین‌المللی معرفی فرصت‌های سرمایه گذاری و توسعه صنایع تکمیلی پتروشیمی اعلام کرد.

او به وضع شرکت‌های پتروشیمی در کشور اشاره کرد و گفت: ۶۹ طرح جدید پتروشیمی با ظرفیت ۶۱ میلیون تن تولید محصولات پتروشیمی و... فرآورده‌های پلیمری بابیش از ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در دستور کار قرار دارد که در این سرمایه گذاری‌ها باید از محل مشارکت و جذب سرمایه گذاران بخش خصوصی استفاده شود. رحیمی اضافه کرد: ایران با در اختیار داشتن ۱۶ درصد ذخایر گاز طبیعی جهان برای دهها سال از امنیت بالای تأمین خوراک پتروشیمی با قیمت رقابتی برخوردار است.

به گفته معاون اول رئیس جمهوری، دسترسی به آب‌های بین‌المللی، وجود نیروی متخصص، زیرساخت‌های اقتصادی در مناطق آزاد و ویژه تجاری و افزایش تقاضا در بازارهای داخلی و خارجی از دیگر مزیت‌های توسعه صنایع تکمیلی پتروشیمی در ایران است.

او ادامه داد: اقدام‌های خوبی توسط دولت در بخش سرمایه‌گذاری صورت گرفته که پیشنهاد می کنیم دولت جدید راه و روش دولت دهم را برای توسعه صنعتی و اقتصادی کشور ادامه دهد. معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به تحریم‌های صورت گرفته توسط استکبار جهانی علیه ملت ایران، گفت: پارسال برای صادرات بیش از ۷۰ میلیون دلار کالاهای غیرنفتی برنامه‌ریزی شده بود اما به دلیل افزایش تحریم‌ها امکان تحقق این میزان صادرات فراهم نشد.

اجرای پروژه‌های زیربنایی

معاون اول رئیس جمهوری با بیان این که یکی از پروژه‌های مهم دولت در خوزستان مسکن مهر است، اضافه کرد: برای ساخت ۸۰۰۰ واحد مسکونی مهر در استان خوزستان ۳۲۴۰ میلیارد ریال هزینه شده است. که در این راستا ۱۳۹۰ واحد مسکن مهر دزفول دیروز به بهره‌برداری رسید. این تعداد واحد مسکن مهر شامل واحدهای مسکونی ساخته شده در کوی آزادگان؛ اندیشه و زیباشهر دزفول است.

افتتاح بیمارستان ۱۰۰ تختخوابی در رامهرمز

رامهرمز ـ خبرنگار اطلاعات: بیمارستان ۱۰۰ تختخوابی رامهرمز در ۸۰ کیلومتری شرق اهواز با حضور معاون اول رئیس جمهوری به طور رسمی افتتاح شد.

این بیمارستان در زمینی به وسعت ۵۶ هزار مترمربع با زیربنای ۹۱۰۰ مترمربع با ۱۴۰ میلیارد ریال اعتبار در دو طبقه توسط سازمان مجری ساختمان‌ها و تاسیسات دولتی و عمومی وزارت راه و شهرسازی ساخته شده است.

کشف ۲۹۸ کیلوگرم تریاک در اصفهان

اصفهان ـ جانشین فرماندهی انتظامی اصفهان از کشف ۲۹۸ کیلوگرم تریاک در این استان خبر داد.

سرهنگ حسین حسین‌زاده افزود: ماموران اداره عملیات ویژه پلیس مبارزه با موادمخدر استان در راستای پیگیری فعالیت شبکه‌های قاچاق و ممنوعیت ورود موادمخدر به کشور و استان طرح ضربتی را به مرحله اجرا گذاشتند.

وی گفت: دریک عملیات که انجام شد ماموران ضمن کنترل محورهای فرعی و عبوری؛ یک دستگاه خودرو وانت مزدا را که قصد داشت محموله‌ای از موادمخدر را به استان منتقل کند، شناسایی و در عملیات تعقیب و گریز متوقف کردند. سرهنگ حسین‌زاده گفت: ماموران در بازرسی از خودرو یاد شده مقدار ۲۹۸ کیلوگرم تریاک کشف و متهم را دستگیر کردند.

۸ کشته درانحراف به چپ خودروسواری

سرویس خبر: رئیس مرکز فرماندهی و کنترل پلیس راهور ناجا از مرگ ۸ نفر در پی برخورد یکدستگاه خودرو تندر ۹۰ با تریلر ماک خبر داد.

سرهنگ رضا سلبی افزود: براساس اعلام پلیس راه کردستان، ساعت ۱۵ دقیقه بامداد دیروز در کیلومتر ۲۸ جاده بانه ـ سقز یک دستگاه تریلر ماک با سواری تندر ۹۰ برخوردکرد که موجب مرگ ۸ نفر شد که ۵ نفر آنان کودکان زیر ۵ سال بودند.

رئیس مرکز فرماندهی و کنترل پلیس راهور ناجا افزود: برابر اعلام پلیس راه استان آذربایجان غربی بر اثر تصادف بین چهار وسیله نقلیه شامل یک دستگاه سواری ریو، تریلر بنز، یک دستگاه تریلر ولوو ویک دستگاه وانت نیسان در کیلومتر ۲۰ جاده میاندواب به مهاباد ۲ نفر کشته و ۲ نفر مجروح شدند. او از تصادف بین یک دستگاه سواری پیکان با تریلر اسکانیا، در کیلومتر ۳۴ جاده منجیل به لوشان خبر داد و گفت: در این حادثه ۲ نفر کشته و ۳ نفر مجروح شدند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:
* موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
* پیام ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن ها خودداری شود.
* خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
* چاپ پیام ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

تشکر از آیت‌الله دکتر محقق داماد

از خواندن مقاله آیت‌الله دکتر محقق داماد تحت عنوان «دغدغه حکیمان نسبت به صلح جهانی» لذت بردم. به راستی این نوشتار حاکی از مطالعات عمیق ایشان از آثار گوناگون حکمای ادیان مختلف جهانی است. از خداوند شرح صدر بیشتری برای ایشان مسئلت دارم.

یک حقوقدان

کلنگ‌زنی در روزهای پایانی دولت!

افتتاح پروژه‌های نیمه‌تمام دولت محترم در روزهای پایانی عمر خود را می توان توجیه کرد؛ اما کلنگ‌زنی برای احداث راه‌آهن در شهرهای مختلف و یا انتقال آب از دریای عمان به کویر مرکزی ایران، آن هم در چنین شرایط اقتصادی را که فقط مشکلات بیشتری برای دولت آینده به همراه می‌آورد، چگونه می توان توجیه کرد؟

تلفن به خط ارتباطی

بوق و کرنای سبد کالا

اخیراً در اخبار آمده است که دولت به کارکنان خود به مناسبت ماه مبارک رمضان، سبد کالا اهدا می کند. به مسئولان محترم دولت اعلام می کنیم ۸ سال است که شاهد بوق و کرنای شما در خصوص اهدای سبد کالا هستیم، اما دریغ از عمل به وعده‌هایتان!

فرهنگی بازنشسته

جاده نیمه کاره را افتتاح کرده‌اند!

پس از گذشت ۲۰ سال از کلنگ‌زنی احداث جاده دررام ـ خلخال، خرداد ماه امسال این جاده بدون زیرسازی و آسفالت و به صورت نیمه‌تمام افتتاح شده و نارضایتی اهالی بخش «شاهرود کلور» از توابع شهرستان خلخال را به همراه آورده است. جاده یاد شده در شرایط مورد بازدید استانداران اردبیل و زنجان و نمایندگان مجلس قرار گرفته که پس از سال‌ها اقدامات لاک‌پشتی ۲ پل ارتباطی مسیر یادشده هنوز ساخته نشده و به عبارت دیگر به صورت نیمه‌تمام افتتاح شده است!

بخش شاهرود کلور ـ غلامحسین اخوان

خرید منصفانه کاغذهای باطله

شهرداری دزفول بابت خرید هر کیلوگرم کاغذ باطله، ۱۰ تومان به صورت غیرنقدی می‌پردازد، در حالی که صافکاران و نقاشان اتومبیل، کاغذهای باطله را کیلویی ۷۰۰ تا ۸۰۰ تومان می‌خرند. جادارد شهرداری قیمت منصفانه‌تری را برای خرید کاغذهای باطله در نظر بگیرد تا حداقل پول بنزین خودرو شهروندان تا محل تحویل کاغذها درآید!

دزفول ـ تلفن به خط ارتباطی

نتوانسته‌ام جهیزیه‌ام را تهیه کنم

بیش از یک سال است که عقد کرده‌ام، اما به دلیل گرانی روزافزون لوازم خانگی نتوانسته‌ام جهیزیه و ضروریات اولیه زندگی‌ام را فراهم کنم و از آنجا که پدرم هم وضع مالی خوبی ندارد، مجبورم فعلاً در خانه پدری باشم تا اینکه پیش خانواده همسرم شرمنده باشم! در حالی که مسئولان محترم در حرف، دم از ازدواج آسان می‌زنند، چرا در عمل فکری به حال جوانان امثال من نمی کنند؟

یک همسر جوان

ضرورت نجات خودروسازان از بحران

بحران در کارخانه‌های خودروسازی موجب شده است که تولیدات آن‌ها کاهش یابد و عده‌ای از جوانانی که در این کارخانه‌ها کار می‌کردند، بیکار شوند و در نتیجه قیمت خودرو نیز افزایش یابد.

در حالی که می‌توانند با استفاده از تجربه کشورهایی که چندین سال قبل دچار چنین بحرانی در صنعت خودروسازی خود شده بودند و با هدف حمایت از تولید داخلی برای خلق حماسه اقتصادی از تعطیلی این کارخانه‌ها و خروج ارز از کشور، جلوگیری کنند.

ضمن آن که اجازه ندهند سهامدارانی که طی این چند سال اخیر سود سهام‌شان به یک سوم کاهش یافته است، بیش از این متضرر شوند.

سهامدار کارخانه خودروسازی

فشار پائین آب در حکیمیه

فشار آب در حکیمیه واقع در شرق تهران در بسیاری از اوقات پایین است و در آپارتمان‌ها آب به طبقات بالا نمی رسد. از مسئولان اداره آب منطقه تقاضا رسیدگی داریم.

از ساکنان حکیمیه تهرانپارس

تسریع در عرضه بنزین یورو ۴

به شکرانه خداوند بالاخره پس از مدت‌ها انتظار عرضه بنزین یورو ۴ در تهران آغاز شده است. جا دارد مسئولان با سرعت بیشتری این بنزین را در تمامی جایگاه‌های سوخت کشور عرضه کنند تا بیش از این شاهد امراض گوناگون ناشی از آلودگی هوا در میان شهروندان تهرانی نباشیم.

شهروند تهرانی

چرا مجرمان با وثیقه‌های جعلی آزاد می‌شوند!

بعد از دستگیری برخی از مجرمان و آدم‌ربایان گاهی در رسانه‌ها خوانده و شنیده می‌شود که آنان قبلاً سابقه‌دار بوده‌اند و با وثیقه‌های جعلی آزاد شده‌اند. سؤال اینجاست که چرا باید برخی از مسئولان امر چنان سهل‌انگاری کنند که یک مجرم خطرناک با وثیقه جعلی از زندان آزاد شود و گاهی اوقات حتی دست به جنایت هم بزنند؟

تلفن به خط ارتباطی

تغییر شیوه برخورد با گران‌فروشان

برخورد مأموران تعزیرات حکومتی با گران‌فروشان و جریمه نقدی آنان در تنبیه کم‌فروشان و گران‌فروشان تأثیر قابل توجهی ندارد، چرا که آنان با شیوه‌ای که خود بلدند، چندین برابر جریمه را دوباره از جیب مردم در می‌آورند. لذا بهتر است مأموران تعزیرات حکومتی به شیوه‌های دیگری بیندیشند.

عبداللهی

جمع‌آوری زباله‌های یک کوچه

مقداری زباله در کوچه فرد اسدی واقع در خیابان پیروزی، خیابان شکوفه تقاطع شهید باباخانی، انباشته شده است. از شهرداری منطقه تقاضا می‌شود نسبت به جمع‌آوری زباله‌ها اقدام کند.

خانم ساکن محل

اقدام اساسی در مورد بیمه دی

تمامی شعب بیمه دی بعد از مدت‌ها معطلی بازنشستگان تأمین اجتماعی، آنان را برای گرفتن حق و حقوق خود به سازمان مرکزی این بیمه واقع در خیابان ایرانشهر ارجاع می‌دهند و آنان نیز بعد از بارها معطلی بازنشستگان، مبلغی را که حق آنان بابت پرداخت هزینه‌های درمانی است، نمی‌پردازند. چرا مسئولان سازمان تأمین اجتماعی علیرغم انتقادات گسترده بازنشستگان از این شرکت بیمه، در این مورد هیچ اقدام اساسی انجام نمی‌دهند؟

بازنشسته تأمین اجتماعی

آزادی سارقان و تکرار سرقت‌ها!

خانه‌ای موروثی در روستایی از توابع نی‌ریز (استان فارس) داریم که به دلیل خالی بودن بارها مورد سرقت قرار گرفته است. تعدادی از این سارقان مدتی قبل توسط نیروی انتظامی دستگیر شدند، اما پس از مدت کوتاهی بار دیگر آزاد شدند و دوباره به منزل مادستبرد زدند. چرا مسئولان امر برخورد قاطع‌تری با سارقان ندارند؟

نی‌ریز (فارس) ـ داوودی

آیا وام به من هم تعلق می گیرد؟

ایثارگری هستم که ۲۰ ماه در جبهه‌های جنگ تحمیلی برای پاسداری از میهنم جنگیده‌ام. سئوالم از مسئولان بنیادشهید و امور ایثارگران این است که آیا وام‌های متعلق به ایثارگران، به من نیز تعلق می گیرد؟

کربلایی

پاسخ مسئولان

پاسخ شهرداری منطقه ۱۱ دربارهٔ ساخت‌وساز در کوچه دارای عقب‌نشینی

با سلام و احترام، در پاسخ به پیام شهروند محترم در روزنامه اطلاعات مورخ ۹۲/۴/۶ درخصوص ساخت‌وساز در کوچه‌ای که عقب‌نشینی دارد، به استحضار می‌رساند:

با توجه به اینکه محل اعلام شده در پیام مربوطه بین مناطق ۶ و ۱۱ شهرداری است، لذا جهت بازدید و ارائه پاسخ نیاز به آدرس با مشخصات دقیق می‌باشد.

مجید شفیعی ـ مدیر روابط عمومی

بقیه در صفحه ۹

المپیکی‌های وزنه برداری و مسابقات جهانی

اگر پنج وزنه بردار المپیکی ایران به اردوی تیم ملی نیایند، رقابتهای جهانی را مانند مسابقات آسیایی، از دست می دهند.

حسین رضازاده، رییس فدراسیون وزنه برداری با تاکید بر مطلب بالا، افزود: یک ماه پیش، این افراد را برای حضور در اردو دعوت کرده‌ایم، ولی آنها تا به امروز در اردو حضور نیافته اند. در جلسه‌ای که با این پنج نفر برگزار شد، خواستار تغییر سرمربی تیم ملی و جایگزینی شاهین نصیری‌نیا به جای کوروش باقری شدند که اینکار عملی نیست. چون باقری، عملکرد موفقی را ارائه کرده است و ما با وی، مقام‌های خوبی را در سطوح مختلف کسب کرده ایم.

وی با تاکید بر اینکه این قهرمانان با همراهی باقری به مدال های جهانی و المپیک دست یافته اند، افزود: رسما از آنها دعوت کردیم و در جلسه‌ای که با حضور وزیر ورزش و جوانان برگزار شد، این مساله را مطرح کردیم، ولی آنان هنوز در اردو حضور نیافته‌اند. سرمربی تیم ملی، نفرات دیگری را به اردو دعوت کرده و در حال تمرین با آنهاست، تیم ملی بزرگسالان با حضور نفرات جدید، اخیرا قهرمان بزرگسالان آسیا شد.

وی، تاکید کرد: اگر این افراد در اردو حاضر نشوند، همانگونه که مسابقات آسیایی را از دست دادند، مسابقات جهانی را نیز از دست خواهند داد.

رئیس فدراسیون وزنه برداری در پاسخ به اینکه آیا اگر این افراد در اردو حاضر نشوند، افراد جدید توانایی کسب مدال های جهانی را خواهند داشت، گفت: وزنه برداری، یک رشته رکوردی است و موفقیت در آن، زمان‌بر است و باید اردوهای تیم ملی به خوبی برگزار شود. ما با تیم جدید، قهرمان آسیا شدیم و تمرینات با حضور جوانان ادامه دارد و سعی داریم، آنها را آماده کنیم تا برای مسابقات جهانی و حتی المپیک آماده شوند و به مدال برسند.



او، در باره رقابت‌های قهرمانی نوجوانان کشور، گفت: ۲۷ تیم در رقابت‌های سال ۹۲ قهرمانی نوجوانان کشور در رده های سنی ۱۵، ۱۶ و ۱۷ در اراک، رقابت می کنند.

۱۲ بازیکن در تیم ملی فوتبال ساحلی

مارکو اوکتاویو، سرمربی تیم ملی فوتبال ساحلی ایران، ۱۲ بازیکن را برای حضور در تورنمنت بلاروس معرفی کرد.

سیدپیمان حسینی، مسلم مسیگر، محمدرضا حاجی پور حاجی، حسن عبداللهی، شهریار مژده، مصطفی کیانی، علی نادری حسین آبادی، امیرحسین اکبری، مهران مرشدی‌زاده، فرید بلوکباشی، محمد احمدزاده و محمدعلی مختاری، بازیکنانی هستند که به سرمربیگری مارکو اوکتاویو و مربیگری عباس هاشم‌پور به تورنمنت بلاروس اعزام می‌شوند.

در گروه یکم این رقابتها، تیم‌های بلاروس، اوکراین و ترکیه به رقابت می‌پردازند و در گروه دوم، تیم ملی فوتبال ساحلی ایران با تیم‌های لهستان و امارات دیدار می کند. برنامه زمانبندی رقابتها به این شرح است:

بازی های فردا

* بلاروس – ترکیه، ساعت ۱۵
* ایران – امارات، ساعت ۱۶:۴۵

بازی های پس فردا

* ترکیه – اوکراین، ساعت ۱۶
* امارات – لهستان، ساعت ۱۷

بازی های شنبه هفته آینده

* لهستان – ایران، ساعت ۱۵ به وقت تهران
* اوکراین – بلاروس، ساعت ۱۶ به وقت تهران

برای کسب مدال های دو و میدانی قهرمانی آسیا

پرندگان ایرانی، بال گشودند



پنج پرنده تیم ملی دوومیدانی ایران درحالی قدم به میدان رقابت‌های آسیایی در «پونا» هند خواهند گذاشت که به احتمال فراوان با کسب مدال های خوشرنگ، این شهر را ترک خواهند کرد.

تیم ملی دوومیدانی ایران در بیستمین دوره رقابت های دوومیدانی قهرمانی آسیا – ۲۰۱۳ هند، پنج پرنده خواهد داشت. قنبرزاده و رهبر در پرش ارتفاع، ربانی و غفاری در پرش با نیزه و ارزنده در پرش طول.

این پنج قهرمان، با رکوردهای خوبی که دارند، برای کسب مدال‌های آسیایی، خیز برداشته اند. البته وضع رکوردی برخی از آنها، نزدیکتر و کارشان راحت تر و رکوردهای برخی دیگر، دورتر و کارشان سخت‌تر است.

وضع پرندگان ایران در چهار ماده مختلف مردان را در پی بررسی خواهیم کرد. تیم ملی دوومیدانی ایران در بخش بانوان، هیچ پرنده ای را به رقابت های آسیایی هند اعزام نکرده است.

پرش ارتفاع

دوومیدانی ایران در پرش ارتفاع، عملکردی خوب و سابقه ای طولانی دارد، ولی این عملکرد به زمانی باز می گردد که تیمور غیاثی، معروف به «پرنده یک کفش» درعرصه رقابت‌های آسیایی خودنمایی می کرد. غیاثی، در دوره های اول و دوم رقابت‌های آسیایی یعنی در سال های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۵ دو بار قهرمان آسیا شد و تا سال های سال، رکورددار ایران بود.

یک دهه پس از او، جاوید صغادی به مدال برنز آسیا در این ماده رسید تا این آخرین مدال ایران در ماده پرش ارتفاع را کسب کرده باشد. البته این احتمال وجود دارد که امسال، طلسم ۳۰ ساله شکسته شود و ایران در این ماده، صاحب مدال شود.

۲۰ ورزشکار، برای حضور در رقابت های پرش ارتفاع آسیا، اعلام آمادگی کرده اند که سرآمد آنها «موتاز عیس» از قطر است. این پرنده آفریقایی الاصل قطری، چند هفته پیش در جریان لیگ الماس در شهر یوگن آمریکا، دست به کار بزرگی زد و رکورد آسیا را به ۲ متر و ٤۰ سانتی متر ارتقا داد. او با این میزان آمادگی، بخت نخست کسب مدال طلا محسوب می‌شود. سایر ورزشکاران – از قنبرزاده و حسین زاده رهبر، گرفته تا پرندگان ژاپن، چین، سریلانکا، مالزی، هند و عربستان – برای رسیدن به مدال های نقره و برنز خواهند جنگید.

بهترین رکورد پرندگان ایرانی، ۲ متر و ۲٦ سانتی متر و ۲ متر و ۲۵ سانتی متر است که در صورت تکرار این رکوردها، به احتمال فراوان روی سکو خواهند رفت، ولی همه چیز به شرایط رقابت‌ها بستگی دارد. پرندگان آسیا در سال های اخیر، با رکوردهایی بین ۲ متر و ۲۰ سانتی متر تا ۲ متر و ۲۵ سانتی متر، صاحب مدال شده اند. نکته مهم این است که قنبرزاده به عنوان نفر چهارم دور پیشین رقابت ها، اینبار برای کسب مدال، قدم به میدان می گذارد. اگرچه شانس امین حسین زاده رهبر نیز برای رسیدن به مدال آسیایی، کم نیست.

پرش با نیزه

محمد محسن ربانی، بهترین پرنده با نیزه ایران در دهه اخیر است که به نتایج ارزشمندی دست یافته است. او، پس از ایستادن در مکان چهارم بازی های آسیایی در دوحه قطر، در رقابت های قهرمانی آسیا با رکورد ۵ متر و ۳۵ سانتی متر، برای نخستین بار در تاریخ این رشته ورزشی، صاحب مدال شد؛ آنهم مدال طلا.

اگرچه براساس تاریخچه رقابتها، بسیار بعید بود که او بتواند با این رکورد به مدال طلا دست یابد، ولی در رقابت های اردن، همه چیز دست به دست هم داد تا او در حضور ورزشکاران چین، قزاق و کره جنوبی به این عنوان با ارزش دست یابد. متاسفانه پس از آن، ربانی در شرایط ایده آل قرار نگرفت و شرایطی هم پیش نیامد تا او به روند رو به رشد خود ادامه دهد.

در رقابت های امسال نیز ۱٤ ورزشکار از جمله ربانی و اسحاق غفاری در پونا حضور خواهند داشت که همگی از بهترین های آسیا محسوب می شوند. بهترین رکورد ربانی ۵ متر و ۳٦ سانتی متر و بهترین رکورد غفاری ۵ متر و ۲۰ سانتی متر است. پرندگان ایرانی، از رکورد حریفان آگاهند و می دانند که برای رسیدن به سکوی آسیایی باید رکوردهای ملی را درنوردند و اگر به رکورد ۵ متر و ٤۰ سانتی متر نرسند، شانس چندانی برای کسب مدال ندارند. امیدواریم، یکی از پرندگان با نیزه ایران، صاحب دومین مدال آسیایی کشورمان شوند.

پرش طول

دوومیدانی ایران، تاکنون در پرش های افقی (پرش طول و پرش سه گام) موفق به کسب مدال در رقابت های قهرمانی آسیا نشده است، ولی اینبار محمد ارزنده با رکورد کم نظیری که دارد، می تواند با رسیدن به مدال آسیایی، نام خود را در تاریخ دوومیدانی ایران جاودانه کند. البته ارزنده در سال ۲۰۰۵ و در رقابت های جوانان آسیا در ماکائو، برای نخستین بار به مدال آسیایی رسید، ولی هنوز نتوانسته در رده سنی بزرگسالان، این موفقیت ارزشمند را تکرار کند. این پرنده بروجنی – که پدرش نیز در جوانی پرش های بلندی داشته و از فراز چند اسب می پریده – سال گذشته در رقابت های کازانوف قزاقستان به رکورد بی نظیر ۸ متر و ۱۷ سانتی متر رسید و جواز حضور در بازی های المپیک را بدست آورد.

او در فصل جاری تا رکورد ۸متر پریده است و اکنون، یکی از سه پرنده برتر آسیا در ماده پرش طول محسوب می شود.

۲۲ ورزشکار در رقابت های پرش طول قهرمانی آسیا –۲۰۱۳ هند، اعلام آمادگی کرده اند که مهمترین آنها «حسین طاهر السبعی» از عربستان است. او، تاکنون سه بار در این رقابتها به مدال طلا رسیده است و حالا در سن ۳۳ سالگی، از شانس های کسب مدال طلا محسوب می شود.

رکورد شخصی او ۸ متر و ۳۵ سانتی متر است. البته در کنار او، «احمد فیض مرزوق» دیگر پرنده عربستانی قرار دارد که در سال ۲۰۰۵ قهرمان شده و رکوردش ۸ متر و ۳۹ سانتی متر است.

در کنار این دو پرنده عربستانی، ورزشکارانی از کشورهای قزاقستان، هند، چین، کره‌جنوبی و ژاپن قراردارند که همگی می توانند از شانس‌های کسب مدال در آسیا باشند.

اگر ارزنده در این دوره از رقابت‌ها، پرشی بلندتر از ۸ متر و ۵ یا ۱۰ سانتی متر داشته باشد، بی شک یکی از مدال های آسیایی را از آن خود خواهد کرد.

ایران، قهرمان تنیس ۲ نفره تور زیر ۱٤ سال آسیا

با برگزاری دیدار پایانی رقابت های تور زیر ۱٤ آسیا در تهران، نمایندگان کشورمان در بخش پسران عنوان قهرمانی را از آن خود کردند.

هفته نخست رقابت‌های تنیس زیر ۱٤ سال آسیا در تهران با قهرمانی تیم دو نفره ایران و کسب عنوان دومی انفرادی پسران به پایان رسید.

در نخستین دیدار، فینال بخش انفرادی برگزار شد و امیر محمد ادب جو به مصاف «علی دوانی» از بحرین رفت و با نتیجه ۲ بر یک شکست خورد و در جایگاه دوم ایستاد.

در دومین دیدار که در بخش دو نفره برگزار شد، نمایندگان کشورمان متشکل از امیر محمد ادب جو و پارسا یزد خواستی با تیم دو نفره مصطفی عبدالسلام و محمد صابری از عراق، روبرو شدند و با نتیجه ۲ بر صفر، حریف را از پیش رو برداشتند و عنوان قهرمانی هفته نخست را از آن خود کردند.

ایران، نایب قهرمان کشتی های سنتی جهان

مسابقات جام جهانی کشتی های سنتی – ۲۰۱۳ ترکیه با نایب قهرمانی ایران به پایان رسید.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون کشتی پهلوانی و ورزش باستانی ایران، پس از گذشت دو روز از مسابقات جام جهانی کشتی های سنتی در ترکیه، تیم های میزبان با کسب ٤۸ امتیاز مقام اول، ایران با کسب ۳۷امتیاز مقام دوم و روسیه با کسب ۲۷ امتیاز، مقام سوم را از آن خود کردند.

کمیته فنی مسابقات، تیم کشتی پهلوانی ایران را به عنوان خوش رفتار ترین و منظم ترین تیم شرکت کننده در این دوره از مسابقات، انتخاب کرد.

۲٦ بازیکن هندبال در اردوی تیم ملی دختران

سرمربی تیم ملی هندبال نوجوانان ۲٦ بازیکن را برای حضور در اردوی آمادگی مسابقات قهرمانی بانوان آسیا دعوت کرد.

زهرا علوی، سرمربی تیم ملی هندبال نوجوانان ایران، ۲٦ دختر نوجوان به نام های فاطمه خلیلی، مینا صالحی، مهسا قارونی، آرزو محمدی، مرضیه افشاری، زهرا محمدپور، تارا بهرام علی بیگ، زهرا قادری، الناز قاسمی، افسانه بهجت آبادی، مهدیه کرمانی، نیوشا مرادبخش، زهرا شیخی، آتنا سلیمان، افسانه خانی، بهاره مظاهری، سپیده میرزایی محمدی، پریناز سراب، انیس چهاردانگه، حدیث نوروزی، آزاده محسن زاده، فهمیه خسروآبادی، فائزه ژیان، سما فلاح نژاد، شکیبا اصغر و یاسمین احمدی را برای حضور در چهارمین اردوی آمادگی دعوت کرد.

اردوی مذکور، از جمعه این هفته تا پنجشنبه هفته آینده ادامه خواهد داشت. مسابقات هندبال قهرمانی آسیا، از ۱٤ شهریور امسال در تایلند آغاز می‌شود.

تلاش برای قهرمانی و کسب مدال طلا در بازی‌های سالنی آسیا

تیم‌های ملی کبدی مردان و زنان در حساسترین دیدارهای امروز بازی‌های داخل سالن و هنرهای رزمی آسیا در فینال به مصاف هند می‌روند تا دو مدال دیگر، برای کاروان ایران رقم بخورد.

نمایندگان ایران، امروز در چهارمین دوره بازی‌های داخل سالن و هنرهای رزمی آسیا به مصاف حریفانشان می‌روند و در حساسترین مسابقه‌ها، تیم‌های ملی کبدی زنان و مردان کشورمان در ساعت ۱۰ و ۱۱ به وقت محلی با تیم‌های هند در فینال، روبه‌رو می‌شوند.

تیم ملی فوتسال بانوان نیز در مرحله نیمه نهایی با اندونزی مصاف خواهد داد. تیم ملی فوتسال مردان در مرحله یک چهارم نهایی با چین پیکار می‌کند.

ایران، امروز در رقابت‌های شنا، نماینده خواهد داشت. محمد بیداریان و آرشام میرزایی در ماده ۱۰۰ متر کرال سینه به آب می‌زنند. احمدرضا جلالی در ۱۰۰ متر مختلط انفرادی با حریفانش مصاف دارد. تیم ایران در ماده ۱۰۰ در ٤ متر مختلط تیمی با ترکیب جمال چاوشی فر، امیر شجاعی فر، احمدرضا جلالی و محمد بیداریان به آب خواهد زد.

رقابت‌های شطرنج نیز در دور ششم و هفتم برگزار می‌شود تا چهره برترین‌های این رشته، مشخص شود. همچنین حسین وفایی در اسنوکر ۱۵ توپ، رقابت خود را آغاز خواهد کرد. وفایی در این ماده، عناوین قهرمانی جهان و آسیا را در اختیار دارد و یکی از شانس‌های کسب مدال طلای کاروان ایران محسوب می‌شود.

نخستین طلایی کاروان ایران

وحید شهبازی، ملی‌پوش موی‌تای گفت: خوشحالم نخستین مدال طلای ورزشی خود و کاروان ایران را بدست آوردم. این مدال، برایم بسیار خوش‌یمن است.

ملی‌پوش موی‌تای، پس از کسب نخستین مدال طلای کاروان ایران در بازی‌های داخل سالن آسیا، افزود: از همه هموطنانم، تشکر می‌کنم که برایم دعا کردند تا این مدال را به نام خود ثبت کنم. سطح مسابقات بسیار خوب بود، حریفم بسیار قوی و تکنیکی بود. خوشحالم که این بازی را بردم.

وی با بیان اینکه از کسب مدال بسیار خوشحالم، تصریح کرد: مدال طلای من، روحیه کاروان ایران را در بازی‌های داخل سالن آسیا بالا می‌برد. این مسابقات با سطح کیفی خوبی انجام شد. همه تیم‌ها، از بازیکنان خوبشان استفاده کردند تا در این رویداد، مدال بگیرند. مدالم را به خانواده‌ام، تقدیم می کنم، چون خیلی کمکم کردند.

وحید شهبازی، ملی‌پوش موی تای ایران، دو مدال برنز رقابت‌های جهانی ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ را در کارنامه دارد.

دومین مدال نقره

مسعود مینایی، دومین مدال نقره کاروان ایران را در بازی‌های داخل سالن آسیا، برگردن آویخت.

دیروز در ادامه رقابت‌های موی‌تای بازی‌های داخل سالن و هنرهای رزمی آسیا، در وزن منهای ٦۷ کیلوگرم، مسعود مینایی به مصاف حریف قدرتمند خود از کشور تایلند رفت و نتوانست به مدال طلای این دوره از رقابت‌ها، دست یابد.

او با قبول شکست در دیدار فینال، دومین مدال نقره کاروان ایران، اعزامی به بازی‌های داخل سالن و هنرهای رزمی آسیا را از آن خود کرد. مینایی، برای راهیابی به فینال حریفانی از مالزی، فیلیپین و میانمار را از پیش رو برداشته بود.

تیم ملی موی‌تای ایران – که با سه ورزشکار مرد و دو ورزشکار زن در این رقابت‌ها شرکت کرده بود – در بخش مردان با کسب یک مدال طلا، یک نقره و یک برنز به کار خود پایان داد و در بخش بانوان، مدالی به دست نیاورد.

شکست کبدی مردان از هند

تیم ملی کبدی مردان ایران، نتیجه دیدار حساس با تیم کبدی هند را در بازی‌های داخل سالن آسیا، واگذار کرد.

دیروز در ادامه رقابتهای دوره‌ای کبدی بازی های داخل سالن آسیا – ۲۰۱۳ اینچئون کره جنوبی، تیم‌های ملی مردان ایران و هند، یکی از حساسترین مسابقات را برگزار کردند که تیم کشورمان با نتیجه ٤۱ بر ۲۸ شکست خورد.

صعود ایران به رده نهم

کاروان ورزشی ایران، اعزامی به چهارمین دوره بازی‌های داخل سالن آسیا، در پایان رقابت‌های دیروز با کسب یک مدال طلا و یک نقره با یک پله صعود به رده نهم جدول توزیع مدال‌ها صعود کرد.

کاروان ایران در پایان رقابت‌های دیروز با کسب یک مدال طلا و یک نقره توسط وحید شهبازی و مسعود مینایی در رقابت‌های موی‌تای، مجموعا با کسب ٤ مدال، یک پله صعود کرد و به رده نهم جدول توزیع مدال رسید.

۱۲ کشور تا پایان رقابت‌های دیروز، موفق به کسب مدال طلا شدند و ۲۲ کشور، مدال گرفته‌اند و در جدول توزیع مدال‌ها، نام خود را به ثبت رسانده‌اند.

ترحیم

جناب آقای دکتر فرامرز سرابی

با نهایت تأسف و تألم درگذشت مادر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، و از خداوند منان برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم. ضمناً مجلس ترحیم روز پنجشنبه مورخ ۹۲/۴/۱۳ از ساعت ۱۲ در تالار آمیتیس واقع در شهرک قدس ـ بلوار دریا ـ خیابان صرافان ـ پلاک ۳۷ برگزار می‌گردد.

مدیرعامل ـ هیئت مدیره ـ پزشکان و پرسنل بیمارستان لاله

هوالباقی

به اطلاع کلیه همکاران و اعضای محترم جامعه پزشکی می‌رساند مراسم ترحیم مرحومه دکتر ساناز یزدانی، فرزند دلبند جناب آقای دکتر علی یزدانی معاون محترم آموزشی و پژوهشی سازمان نظام پزشکی و عضو هیأت مدیره تهران بزرگ روز پنج‌شنبه ۱۳۹۲/۴/۱۳ از ساعت ۱۶/۳۰ الی ۱۸ در مسجدجامع شهرک‌غرب برگزار می‌گردد. حضور شما باعث تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

رئیس کل و معاونین سازمان نظام پزشکی کشور

بازگشت همه به سوی اوست

با اندوه فراوان، درگذشت شادروان سرکار خانم انسیه قیصری (همسر مرحوم کاظم کورس) را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و آشنایان می‌رساند.

مراسم خاکسپاری آن مرحومه ساعت ۱۰/۳۰ روز پنج‌شنبه مورخ ۹۲/۴/۱۳ در آستان مطهر امامزاده حمیده خاتون و سیدجعفر واقع در (بلوار اشرفی اصفهانی ـ پایین‌تر از همت ـ باغ فیض پونک) برگزار می‌گردد. وسیله ایاب و ذهاب درب منزل آن مرحومه (خیابان شهید لواسانی، سه راه کامرانیه، مجتمع مسکونی نگین) رأس ساعت ۹/۳۰ مهیا می‌باشد.

ضمناً مراسم ترحیم آن بانوی پرهیزگار از ساعت ۱۶/۳۰ لغایت ۱۸ روز جمعه مورخ ۹۲/۴/۱۴ در مسجد جامع شهرک غرب برگزار می‌گردد.

فرزندان: سعید، حمید، وحید

خانواده‌های: قیصری، کورس و سایر اقوام و آشنایان و خانواده‌های وابسته.

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تألم، درگذشت شادروان سرکار خانم انسیه قیصری (همسر مرحوم کاظم کورس) را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و آشنایان می‌رساند.

مراسم ترحیم آن بانوی نیکوکار از ساعت ۱۶/۳۰ لغایت ۱۸ روز جمعه مورخ ۹۲/۴/۱۴ در مسجدجامع شهرک‌غرب برگزار می‌گردد.

شرکت تولیدی مواد شیمیائی ایران

هو الاول و هو الآخر

به مناسبت درگذشت مرحوم مغفور

حاج اسداله طاهری عراقی

مجلس ترحیمی روز جمعه ۹۲/۴/۱۴ از ساعت ۱۶/۳۰ الی ۱۸ در مسجد الجواد(ع) واقع در میدان ۷ تیر برگزار می‌گردد.

خانواده طاهری عراقی و بستگان

اناللّه و انا الیه راجعون

با کمال تأثر و تأسف درگذشت بزرگ‌مردی از تبار نصیرپور و لیقوانی حاج آقامیرهدایت نصیرپور اسکوئی را به استحضار می‌رساند.

مراسم آن فقید از ساعت دست رفته روز پنجشنبه ۱۳ تیر ماه از ساعت ۱۸/۳۰ الی ۲۰ در مسجد جامع شهرک غرب روبروی مرکز تجاری میلاد نور منعقد می‌گردد. حضور جنابان موجب تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده‌های: نصیرپور اسکوئی ـ لیقوانی ـ دهشیری ـ مقدم ـ همایونفرخ.

بازگشت همه به سوی خداست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان مرحوم **مهندس محمد خطیبی طهرانی**، انسانی خیّر، نیکوکار و پدری فداکار را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و آشنایان می‌رساند. مجلس ترحیم آن مرحوم روز جمعه مورخ ۹۲/۴/۱۴ از ساعت ۱۰/۳۰ تا ۱۲ در مسجدجامع شهرک‌غرب (میدان صنعت) برگزار می‌گردد.

خانواده‌های داغدار: خطیبی طهرانی، ادیب، پی‌سپار، تیموری، بنیادی، مشاری، سپنجی، رحمتی‌زاده، پزشکان و پرسنل بیمارستان جم

بازگشت همه به سوی خداست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان مرحوم **مهندس محمدخطیبی طهرانی**، انسانی خیر، نیکوکار و پدری فداکار را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و آشنایان می‌رساند. مجلس ترحیم آن مرحوم روز جمعه مورخ ۹۲/۴/۱۴ از ساعت ۱۰/۳۰ تا ۱۲ در مسجد شهرک غرب(میدان صنعت) برگزار می‌گردد.

بیمارستان جم

اناللّه و انا الیه راجعون

با نهایت تأسف درگذشت عزیزمان بانو انیس سعیدی فیروزآبادی را به اطلاع کلیه اقوام و آشنایان می‌رساند. مجلس ترحیم آن مرحومه از ساعت ۱۶/۳۰ الی ۱۸ بعدازظهر روز جمعه چهاردهم تیرماه در مسجدالجواد(ع) واقع در میدان هفت تیر برگزار می‌گردد.

حضور کلیه سروران موجب شادی روح آنمرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده‌ها: سعیدی فیروزآبادی ـ خاتمی فیروزآبادی و سایر خانواده‌های وابسته

یادبود

چهل غروب غمبار گذشت

کاش باز آیی و ما پای تو بوسیم

در سجده روییم صورت زیبای تو بوسیم

هرجا که گذشتی و دمی جای گرفتی

آنجا روییم و گریه‌کنان جای تو بوسیم

با نهایت غم و اندوه چهلمین روز درگذشت پدری مهربان و همسری دلسوز مرحوم مغفور شادروان **حاج حسین عظیمی (تبریزی)** «بزرگ خاندان»، «پدر گرامی آقایان محمد و حسن عظیمی»، «دامادها (حلوایی، بهبودی مقدم و انصاریان)» را به اطلاع کلیه دوستان و بستگان محترم می‌رساند.

به همین مناسبت مجلس یادبودی روز پنج‌شنبه ۹۲/۴/۱۳ از ساعت ۱۸:۳۰ الی ۱۹:۳۰ بر سر مزار پاک آن مرحوم واقع در بهشت زهرا(س) قطعه ۳۱۶ ردیف ۱۳۱ شماره ۲۶ برگزار می‌گردد.

حضور شما سروران گرامی باعث شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

روحش شاد و یادش گرامی باد

از طرف خانواده‌های: عظیمی، باهر و سایر بستگان، دوستان و آشنایان

بیاد مادر، این اسطوره، عشق، مهربانی، فداکاری و فضیلت دهمین سال هجرت «سیده سادات حاجیه خانم شرافت فیوضی»، مادر آب و آیینه، صاحب سجاده نور، اسوه نجابت، ایمان، مهر، وفا، بزرگ خاندان، چراغ دودمان، پرده‌نشین پارسا، سلطان مقام تسلیم و رضا و اطاعت پروردگار، فرا رسیده است.

نشیمن تو نه این کنج محنت‌آباد است

تو را ز کنگره ارض می‌زنند صفیر

چه سخت است در دل گریستن و هیچ نگفتن و چه دشوار که اشک دیده را در ماتمکده دل جاری ساختن و تکیه‌گاهی مطمئن و مهربان را از دست دادن.

مادرم! افسوس و صد افسوس که جفاکاری، رنگ ریا و نمک‌نشناسی توسط چندی ناسپاس که در حیات خود شاهد بودی همچنان بیشتر و بیشتر ادامه دارد و ظهور می‌کند.

به مناسبت بزرگداشت سالگرد مادر بزرگوار بانو:

«سیده سادات حاجیه خانم شرافت فیوضی»

ساعت ۱۱ جمعه ۹۲/۴/۱۴ با حضور در قطعه ۳۸ بهشت‌زهرا(س) بر تربت پاکش گرد هم می‌آییم و با اشک چشممان خانه پاکش را شستشو می‌دهیم و انشاءالله همنشین ملائک مقرب درگاه الهی (صومعه‌داران ملک) باشند.

بدرستی که هیچ گلی در جهان به طراوت و خوشبویی و قشنگی لبخند «مادر» نیست.

از ما، حدیث زلف و رخ مادر مپرس

طوفان رسیده را ز کنار و میان مپرس

دوری نیازموده، چه داند که هجر چیست

از موج آب، حال جگر تشنگان مپرس

مهندس حسن فیوضی، خانواده‌های کریمی و کمیلی و دیگر سوگواران واقعی

بنام خدا

یکسال از خاموشی استاد دکتر حسن دادبان، استاد فرهیخته دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران می‌گذرد.

عشق او به سرزمینش ایران و مردمان خوب آن انسانیت و ارج نهادن او به اساتید، همکاران، دوستان، بستگان، همسایگان و اعتقاد به پیوند محکم و استوار بین علم و عمل که آن را به مثابه سرمشقی ارزشمند برای دانشجویان شایسته‌اش به میراث گذاشته و آنها نیز به سهم خود در تداوم راه و روش او و آرزوهای بزرگش را محقق ساخته‌اند به ما نیز آموخته است که محبت‌های بی‌منت و بی‌صدای او را که جاودانه در جان زندگیمان سبز است تا ابد بیاد داشته باشیم. خاطره‌هایش نقشی است پایدار در قلب‌هایمان مراسم سالگرد مرحوم روز جمعه مورخ ۹۲/۴/۱۴ از ساعت ۱۷/۳۰ الی ۱۹ بعدازظهر در بهشت زهرا(س) قطعه ۷۰ ردیف ۳۶ شماره ۲۳ برگزار خواهد شد.

حضور شما عزیزان موجب تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

از طرف: الحاجیه دادبان ـ دکتر علی دادبان

در سالگرد بانو عندلیب امیرمظاهری، خاطره آن مادر مهربان گرامی باد.

ارفع‌نیا ـ اسدی ـ واقفی

به یاد مادر و همسر مهربان و فداکار شهین خسروپور و دو سال شد.

برای دومین سال نشستیم و ندیدنت را با بودنت جبران کردیم، بودنی که هر چند کوتاه اما کفاف عمر ما را با خاطراتش خواهد داد. زندگیت گرامی باد.

برای گرامیداشت یاد و خاطرش جمعه مورخ ۹۲/۴/۱۴ ساعت ۱۸ در قطعه ۲۵۶ بهشت زهرا بر سر مزارش گرد هم می‌آئیم.

همسر و فرزندان

تسلیت

همکار ارجمند و گرامی جناب آقای محمدشبیر نجفی سرپرست محترم واحد طراحی آگهی‌ها

باکمال تأسف مصیبت وارده را تسلیت گفته برای آنمرحوم علو درجات و برای جنابعالی و بازماندگان محترم صبر، شکیبایی و سلامتی را از ایزد منان مسئلت دارد.

سرپرستی و کارکنان دفتر یوسف‌آباد

جناب آقای دکتر علی یزدانی و خانواده محترم

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نمائیم.

دکتر محمد ابریشمی و خانواده

دوست و همکار ارجمند خانم دکتر مهری حجازی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر گرامیتان شادروان آقای دکتر نصرت‌ا... حجازی را تسلیت عرض می‌گوییم.

اکرم طاهرپور ـ منصوری ـ صدر ـ میراحمدی ـ رحیم‌زاده ـ عراقی ـ مهشت ـ آزاده ـ مصطفوی ـ پایا

جناب آقای احمد منصوری تهرانی مقدم و سرکار خانم طاهره طلوع کاشف پاکدل

باکمال تأسف و تأثر فراوان درگذشت مادرخانم و مادر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال علو درجات برای آن مرحومه مغفوره و صبر، اجر و سلامتی را برای شما و خانواده محترمتان مسئلت می‌نماییم.

هیأت مدیره و سهامداران و کارکنان شرکت تجیران

جناب آقای دکتر روح‌اللهی

درگذشت خواهر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نماییم.

دکتر اباسهل ـ دکتر وهاب‌زاده ـ دکتر یزدان‌پُد

جناب آقای دکتر میرسعید قاضی

درگذشت برادر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نماییم.

دکتر اباسهل ـ دکتر وهاب‌زاده

جناب آقای مهندس علیرضا مهانی

باکمال تأثر و تأسف درگذشت ابوی گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم طلب مغفرت و علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی و طول عمر از درگاه ایزد منان متعال خواستاریم.

هیئت مدیره و کارکنان

مهندسین مشاور فربر

جناب آقای دکتر طاهری

با کمال تأسف رحلت پدر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نماییم.

رضائیان

جناب آقای دکتر فرید خطیبی

جناب آقای دکتر فرشید خطیبی

درگذشت اندوهبار پدر گرامیتان را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای سایر بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

هیئت مدیره، مدیرعامل و پزشکان بیمارستان جم

همکاران گرامی

جناب آقای دکتر فرید خطیبی

جناب آقای دکتر فرشید خطیبی

با نهایت تأسف مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای سایر بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت دارم.

دکتر احمد نادری مدیرعامل بیمارستان جم

جناب آقای دکتر فرید خطیبی

جناب آقای دکتر فرشید خطیبی

با اندوه فراوان درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نماییم ما را در غم خود شریک بدانید.

مظاهری، توکلی، کاسکی، رنجبر و کریمی

جناب آقای دکتر فرید خطیبی

جناب آقای دکتر فرشید خطیبی

با اندوه فراوان درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نماییم. ما را در غم خود شریک بدانید.

گروه بیهوشی بیمارستان جم

جناب آقای دکتر فرید خطیبی

جناب آقای دکتر فرشید خطیبی

پزشکان عالیقدر بیمارستان جم

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، مرا در غم خود شریک بدانید.

دکتر تدین‌فر

همکاران گرامی

جناب آقای دکتر فرید خطیبی

جناب آقای دکتر فرشید خطیبی

بانهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت دارم.

دکتر آرین فروحی

جناب آقای دکتر فرشید خطیبی

جناب آقای دکتر فرید خطیبی

غم از دست دادن پدر گرامیتان را خدمت شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم.

سرپرست آزمایشگاه بیمارستان جم

کبیری

همکاران محترم

جناب آقایان دکتر فرشید و فرید خطیبی

مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نماییم.

دکتر مهرداد و مژگان بهلولی

دوستان عزیز

جناب آقای دکتر فرشید خطیبی

و جناب آقای دکتر فرید خطیبی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض می‌کنم.

دکتر پرویز معمارزاده

بازگشت همه به سوی اوست

همکار گرامی جناب آقای دکتر یزدانی

معاون محترم سازمان نظام پزشکی

با نهایت تأسف و تألم، درگذشت فرزند دلبندتان، عضو فرهیخته جامعه پزشکی مرحومه خانم دکتر ساناز یزدانی را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از درگاه ایزد منان برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم، ما را در غم خود شریک بدانید.

دکتر سیدشهاب‌الدین صدر، دکتر علیرضا زالی، دکتر سعید پناهی، دکتر آقازاده مسرور، دکتر حسن هویدا، دکتر غلامحسن نیک‌نژاد، دکتر محمدرضا خردمند، دکتر علی‌اصغر پیوندی، دکتر غلامرضا اشراقی، دکتر محمدحسین‌بدخش، دکترعلی‌فتاحی، دکتراحمدشیبانی، دکتر محمدحسین نعیمی، دکتر داریوش طاهرخانی

مدیرعامل محترم بیمارستان کسری

جناب آقای دکتر قاسم روح‌اللهی

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت خواهر بزرگوارتان را خدمت جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال صبر و شکیبایی برای کلیه بازماندگان و علو درجات برای آن مرحومه مسئلت می‌نماییم.

شرکت بی‌ان‌ام

محمد حسن مرادی

نگویم که مردن روا نیست یا رب

ولی کاش مرگ جوانان نبودی

دوست عزیزم جناب آقای دکتر علی یزدانی، دندانپزشک و شاعر ارجمند معاصر

خبر غم‌انگیز مرگ ناگهانی دختر نازدانه تحصیلکرده جوان شما موجب تأثر و تألم عمیق اینجانب و اعضای ادبی و پژوهشی آفتاب حقیقت گردید. بدینوسیله ضمن همدردی عمیق با شما در این مصیبت جانکاه و تسلیت همگانی از خداوند قادر متعال برای آن مرحومه رحمت و برای حضرتعالی شکیبایی مسئلت دارم.

عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

همکار ارجمند

جناب آقای دکتر علی یزدانی

باکمال تأسف و تأثر درگذشت جگرگوشه‌تان فرزند دلبندتان سرکار خانم دکتر ساناز یزدانی را از صمیم قلب تسلیت عرض نموده و برای جنابعالی آرزوی صبر جمیل و برای آن مرحومه رحمت واسعه الهی از درگاه ایزد منان مسئلت می‌نماییم.

دکتر علیرضا زالی

همکار گرامی

مدیرعامل محترم بیمارستان کسری

جناب آقای دکتر روح‌اللهی

فقدان خواهر بزرگوارتان ما را نیز اندوهگین ساخت آمرزش و رحمت الهی برای آن عزیز از دست رفته و سلامتی و طول عمر با عزت برای جنابعالی از پروردگار متعال خواهانیم.

(دکتر سیدمهدی شریف‌زاده)

جناب آقای عبدالرحیم دولت‌آبادی

رئیس محترم هیئت مدیره شرکت میخ پرچ البرز

با نهایت تأسف مصیبت وارده را خدمت شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای بازماندگان صبر و سلامتی خواستاریم.

هیئت مدیره، مدیرعامل و کلیه کارکنان

شرکت میخ پرچ البرز

آگهی تغییرات شرکت سامان الکتریک راه سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۴۲۲۲۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۹۳۰۵۳۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ آقای حمیدرضا آریا به شماره ملی ۲۰۹۲۰۶۹۵۲۷ به عنوان بازرس اصلی، آقای حسین جدیدیان کریمی به شماره ملی ۰۷۹۳۲۰۵۸۹۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
۲ـ روزنامه کثیرالانتشار «اطلاعات» جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
۳ـ اعضاء هیئت‌مدیره تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۷/۱۶ به قرار ذیل انتخاب گردیدند:
آقای یاسر صدیقی به شماره ملی ۰۰۶۹۹۲۳۳۲۹ و خانم طاهره نیکخواه مشائی به شماره ملی ۲۱۴۱۸۸۶۲۲۸ تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۷/۱۶.
۴ـ ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ به تصویب رسید.
در تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۱۸ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضا قرار گرفت.
کد: ۱۸۰۷۲۲۴ **اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران**

آگهی تغییرات شرکت عمران غدیر پارس سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۹۴۸۵۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۵۰۸۳۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس شهر تهران ـ خ دکتر فاطمی روبروی وزارت کشور پ ۴۸ واحد ۱ کدپستی ۱۵۶۵۷۶۴۴۶۵ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید.
در تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۱۸ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضا قرار گرفت.
کد: ۱۸۰۷۷۷۰ **اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران**

آگهی تأسیس شرکت طرح و توسعه راهبردی آرنا سهامی خاص

شرکت فوق در تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۱۲ تحت شماره ۴۳۱۹۸۱ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۳۴۶۵۷ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۱۲ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه اظهارنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه‌های رسمی و کثیرالانتشار اطلاعات آگهی می‌شود.
۱ـ موضوع شرکت:
الف) ارائه کلیه خدمات مشاوره فنی، مهندسی و طراحی در تخصص‌های مهندسی آب (سدسازی، شبکه‌های آبیاری و زهکشی، تأسیسات آب و فاضلاب و مهندسی رودخانه، مقاوم‌سازی)، کشاورزی، انرژی، نفت و گاز، صنعت، معدن، نقشه‌برداری زمینی، فتوگرامتری، هیدروگرافی، سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی (جی‌آی‌اس)، شهرسازی و معماری، راه و راهسازی، خدمات مدیریت، خدمات برنامه‌ریزی و اقتصاد، سازه، تأسیسات برق و مکانیک، ژئوتکنیک، بازرسی فنی، ایمنی و کاهش خطرات و پدافند غیرعامل، زمین‌شناسی، و خدمات کامپیوتری. سخت افزاری
ب) تأمین، تدارک، ساخت، نصب و راه‌اندازی و بهره‌برداری تأسیسات، تجهیزات و ماشین‌آلات و انجام عملیات اجرایی مربوط به پروژه‌های موضوع شرکت
ج) طراحی، تدارک و ساخت همزمان (ای‌پی‌سی، طرح و ساخت)
د) انجام مطالعات اقتصادی و توجیهی طرح‌ها
هـ) ارائه خدمات مدیریتی در زمینه کارهای درج شده در بند الف و ب فوق
و) مشارکت با اشخاص حقیقی یا حقوقی در سرمایه‌گذاری برای اجرای هر نوع طرح و پروژه اقتصادی.
ز) صادرات و واردات، ماشین‌آلات و تجهیزات و کلیه مصالح صنعتی، ساختمانی و بهداشتی؛ انجام هرگونه امور بازرگانی مجاز طبق قوانین و مقررات جاری.
۲ـ مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.
۳ـ مرکز اصلی شرکت:
استان تهران ـ شهر تهران: میدان توحید، ابتدای خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، طبقه اول ـ کدپستی ۱۴۵۷۷۹۶۳۸۴
۴ـ سرمایه شرکت: مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به یک هزار سهم ۱۰/۰۰۰ ریالی که تعداد یک هزار سهم بانام می‌باشد که مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۳۳/۳۳۹/۷۶۴ مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۰۶ نزد بانک تجارت شعبه ستارخان پرداخت گردیده است.
۵ـ اولین مدیران شرکت:
۱ـ۵ـ آقای سیدعلی طباطبائی حسینی به شماره ملی ۳۶۷۰۲۰۵۸۲۹ به سمت رئیس هیئت مدیره.
۲ـ۵ـ خانم سوسن کریمی به شماره ملی ۱۹۱۱۳۵۰۷۸۱ به سمت نائب‌رئیس هیئت‌مدیره.
۳ـ۵ـ خانم سمیه دشتگرد به شماره ملی ۰۰۶۹۴۹۶۵۵۲ به سمت عضو هیئت‌مدیره.
۴ـ۵ـ آقای علیرضا پورملاجمال به شماره ملی ۰۰۵۵۳۳۵۹۳۴ به سمت عضو هیئت‌مدیره.
۵ـ۵ـ آقای هومن رحیمی به شماره ملی ۰۰۶۸۸۳۸۶۹۷ به سمت عضو هیئت‌مدیره.
۶ـ۵ـ خانم سمیه دشتگرد به شماره ملی ۰۰۶۹۴۹۶۵۵۲ به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.
۶ـ دارندگان حق امضاء: کلیه اسناد، اوراق بهادار و بانکی با امضاء رئیس هیئت‌مدیره به همراه مدیرعامل یا نایب‌رئیس هیئت مدیره و با مهر شرکت معتبر خواهد بود و سایر نامه‌های اداری نیز با امضاء مدیرعامل یا رئیس هیئت‌مدیره و مهر شرکت معتبر می‌باشد.
۷ـ اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه
۸ـ بازرس اصلی و علی‌البدل:
۱ـ۸ـ آقای امیر سه‌کنجی به شماره ملی ۱۲۶۱۹۲۳۴۲۱ به عنوان بازرس اصلی
۲ـ۸ـ آقای سعید نخستین شکوری به شماره ملی ۰۰۷۶۶۷۴۶۳۰ به عنوان بازرس علی‌البدل
کد: ۱۸۰۵۲۹۵ **اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران**

آگهی تغییرات شرکت خانه‌سازی عمران شمال سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۱۴۲۸۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۴۴۳۳۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ ـ آقای خسرو خمجانی به شماره ملی ۰۰۴۶۰۱۹۱۰۳ به عنوان بازرس اصلی، آقای سید صدرالدین عرفانی به شماره ملی ۲۱۲۱۲۵۶۸۰۶ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
۲ ـ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
۳ ـ ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ به تصویب رسید.
در تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۲ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تایید و امضاء قرار گرفت.
کد: ۱۷۵۵۷۹۱ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران**

آگهی تغییرات شرکت ماشین‌آلات آفتاب شرق سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۹۴۱۹۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۰۷۵۱۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ ـ موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت آزموده کاران به عنوان بازرس اصلی، موسسه حسابرسی و خدمات مالی و مدیریت ایران مشهود به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
۲ ـ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
۳ ـ ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ به تصویب رسید.
در تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۲ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تایید و امضاء قرار گرفت.
کد: ۱۷۸۲۹۹۸ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران**

آگهی تغییرات شرکت مبنا کارت آریا سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۱۵۰۷۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۵۰۱۴۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ ـ آقای سید محمد حسینی به شماره ملی ۰۰۷۰۶۵۲۹۳۷ به عنوان بازرس اصلی، خانم مریم برادران به شماره ملی ۰۰۶۱۴۷۳۶۷۷ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
در تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۱۸ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تایید و امضاء قرار گرفت.
کد: ۱۸۰۷۱۱۶ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران**

آگهی تغییرات شرکت آبادگران صنعت و معدن فریدن سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۲۶۲۵۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۲۸۳۲۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ ـ سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند:
آقای محمد حسن موسوی مدنی به شماره ملی ۱۲۸۵۷۱۶۰۴۳ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای علی بیات به شماره ملی ۴۱۷۰۸۸۷۴۸۴ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و آقای بهروز سلطانی به شماره ملی ۱۲۸۹۳۴۵۶۳۵ به سمت عضو هیئت مدیره و آقای بهروز سلطانی به شماره ملی ۱۲۸۹۳۴۵۶۳۵ به سمت مدیرعامل.
۲ ـ کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت و اوراق عادی با امضای مدیرعامل یا هریک از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد.
در تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۱۸ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تایید و امضاء قرار گرفت.
کد: ۱۸۰۲۰۷۹ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران**

آگهی تغییرات شرکت پاوان ساخت پارس سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۷۹۵۳۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۵۱۰۸۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ ـ اعضاء هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۸/۰۱ به قرار ذیل انتخاب گردیدند:
آقای محمدرضا قائدی و آقای پرویز رضائی و آقای حمیدرضا سلطانی مهاجر و آقای محمدعلی روشن‌فر و آقای حمیدرضا مصطفی حاتمی به شماره ملی ۳۲۵۵۷۰۰۰۰۰ تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۸/۰۱.
در تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۱۸ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تایید و امضاء قرار گرفت.
کد: ۱۷۹۸۱۸۳ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران**

آگهی تغییرات شرکت بازرگانی نواندیشان اطلس ایرانیان سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۰۳۹۷۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۱۱۸۷۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۱/۰۸/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ ـ ماده ۶۵ اساسنامه بشرح صورتجلسه اصلاح گردید.
در تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۲ ذیل دفتر ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تایید و امضاء قرار گرفت.
کد: ۱۸۰۷۰۹۸ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران**

آگهی تاسیس شرکت توسعه تجارت غرب ایرانیان سهامی‌خاص

شرکت فوق در تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۱ تحت شماره ۴۳۲۳۸۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۳۶۳۵۷ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۱ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه اظهارنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم در روزنامه‌های رسمی و کثیرالانتشار اطلاعات آگهی می‌شود.
۱ـ موضوع شرکت: تولید و خرید و فروش واردات و صادرات کلیه کالاهای مجاز بازرگانی، انجام کلیه فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی و بازرگانی مجاز و شرکت در مناقصات و مزایدات دولتی و خصوصی، اخذ وام و اعتبار از کلیه بانکهای دولتی و خصوصی برای شرکت اخذ و اعطای نمایندگی در داخل و خارج از کشور تاسیس شرکتهای جدید تابعه یا مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی و مشارکت در ایجاد شرکتها و موسسات تابعه دیگر و مبادرت به انواع عقود اسلامی در زمینه ایجاد طرح‌ها و فعالیت‌های مذکور.
۲ـ مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.
۳ـ مرکز اصلی شرکت:
۱-۳ ـ استان تهران ـ شهر تهران بلوار آفریقا خ پایدار پ۵۶ ـ کد پستی ۱۵۱۸۸۳۳۹۱۱
۴ـ سرمایه شرکت: مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ده هزار سهم ۱/۰۰۰ ریالی که تعداد ده هزار سهم بانام می‌باشد که مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۶۵۷ مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۱۸ نزد بانک پاسارگاد شعبه میرداماد پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می‌باشد.
۵ـ اولین مدیران شرکت:
۱-۵ ـ آقای عباس بابوته به شماره ملی ۶۳۱۹۳۶۰۹۹۲ به سمت رئیس هیئت مدیره.
۲-۵ ـ آقای بهروز اخوان رویندزق به شماره ملی ۱۴۶۱۱۳۷۳۲۲ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره.
۳-۵ ـ آقای ساسان بهمنیار به شماره ملی ۰۰۶۲۳۱۷۵۵۵ به سمت عضو هیئت مدیره.
۴-۵ ـ آقای ساسان بهمنیار به شماره ملی ۰۰۶۲۳۱۷۵۵۵ به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.
۶ـ دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت با امضا مدیرعامل و یکی از اعضا هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضا مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر است.
۷ـ اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه
۸ـ بازرس اصلی و علی‌البدل:
۱-۸ ـ موسسه ایران مشهود به عنوان بازرس اصلی
۲-۸ ـ آقای محمدرضا گلچین پور به شماره ملی ۰۰۴۲۳۳۳۸۱۴ به عنوان بازرس علی‌البدل
کد: ۱۸۱۰۹۸۵ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران**

آگهی تاسیس شرکت سامان تجارت پیشگامان البرز سهامی خاص

شرکت فوق در تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۰ تحت شماره ۴۳۲۳۶۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۳۵۹۷۹ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۱ از لحاظ امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده و خلاصه اظهارنامه آن به شرح زیر جهت اطلاع عمومی در روزنامه‌های رسمی و کثیرالانتشار اطلاعات آگهی می‌شود.
۱ـ موضوع شرکت: تولید و خرید و فروش واردات و صادرات کلیه کالاهای مجاز بازرگانی، انجام کلیه فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی و بازرگانی مجاز و شرکت در مناقصات و مزایدات دولتی و خصوصی، اخذ وام و اعتبار از کلیه بانکهای دولتی و خصوصی براس شرکت اخذ و اعطای نمایندگی در داخل و خارج از کشور تاسیس شرکتهای جدید تابعه یا مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی و مشارکت در ایجاد شرکتها و موسسات تابعه دیگر و مبادرت به انواع عقود اسلامی در زمینه ایجاد طرح‌ها و فعالیت‌های مذکور.
۲ـ مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.
۳ـ مرکز اصلی شرکت:
۱-۳ ـ استان تهران ـ شهر تهران خیابان شهید مطهری پلاک۹۴ ـ کدپستی ۱۵۷۸۷۷۵۵۱۱
۴ـ سرمایه شرکت: مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ده هزار سهم ۱/۰۰۰ ریالی که تعداد ده هزار سهم با نام می‌باشد که مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۳۵۲۹۱۶۵۴ مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۱۸ نزد بانک پاسارگاد شعبه میرداماد پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می‌باشد.
۵ـ اولین مدیران شرکت:
۱-۵ ـ آقای بهروز اخوان رویندزق به شماره ملی ۱۴۶۱۳۷۳۲۲ به سمت رئیس هیئت مدیره.
۲-۵ ـ آقای مراد امیر سهامی به شماره ملی ۰۰۳۹۴۳۰۱۰۳ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره.
۳-۵ ـ آقای رضا مترجمی به شماره ملی ۰۰۷۴۳۳۰۹۴۲ به سمت عضو هیئت مدیره.
۴-۵ ـ آقای رضا مترجمی به شماره ملی ۰۰۷۴۳۳۰۹۴۲ به سمت مدیرعامل به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.
۶ـ دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت با امضا مدیرعامل و یکی از اعضا هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضا مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر است.
۷ـ اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه
۸ـ بازرس اصلی و علی‌البدل:
۱-۸ ـ موسسه ایران مشهود به عنوان بازرس اصلی
۲-۸ ـ آقای محمدرضا گلچین پور به شماره ملی ۰۰۴۲۳۳۳۸۱۴ به عنوان بازرس علی‌البدل
کد: ۱۸۱۰۹۸۹ **اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ـ واحد ثبتی تهران**

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد و هفتم

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۱۲ تیر ۱۳۹۲
۲۴ شعبان ۱۴۳۴ ـ ۳ جولای ۲۰۱۳

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۹ دقیقه
غروب آفتاب	۲۰ و ۲۴ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۴۵ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۱۶ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۰۸ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۵ و ۵۳ دقیقه

دبیر کل حزب‌الله: انتخابات ایران بهترین نمونه دموکراسی زیر سایه ولایت فقیه بود

سرویس خارجی: دبیر کل حزب‌الله لبنان گفت انتخابات ریاست جمهوری ایران بهترین نمونه دموکراسی در جمهوری اسلامی را در سایه حاکمیت ولایت فقیه نشان داد. سید حسن نصرالله تاکید کرد اتفاقات جمهوری اسلامی ایران در زمینه انتخابات ریاست جمهوری درستی رویکرد ایران را نشان داد. وی نتایج این انتخابات را به نفع ایران و ملت آن خواند و گفت سید علی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب همواره بی طرف است. وی در ادامه افزود: هجمه‌ای که متوجه شخص وی یا حزب الله لبنان است، هیچ تاثیری بر روش این حزب نخواهد گذاشت. نصرالله با ابراز خرسندی از روند تحولات لبنان و منطقه تاکید کرد با وجود فضای تحریک آمیز، نتایج اتفاقات موجود به نفع نیروهای مقاومت است. وی گفت روزهای آینده درستی گزینه‌های حزب‌الله در دو سال اخیر را چه در عرصه لبنان و چه در عرصه تحولات سوریه نشان خواهد داد. نصرالله بر روابط مستحکم حزب الله با جنبش حماس و کذب شایعات مطرح شده در زمینه مشارکت عناصر این جنبش در درگیری‌های سوریه تاکید کرد و گفت همگرایی بین حماس و حزب‌الله لبنان ادامه دارد و همکاری و هماهنگی خوبی برای مقابله با فضای مذهبی و فتنه منطقه‌ای بین این دو وجود دارد. خبر دیگر اینکه شهر طرابلس در شمال لبنان بار دیگر شاهد جوی از نا آرامی و تنش میان گروه های سلفی و نیروهای ارتش لبنان بود. گروه های مسلح از انواع سلاح از جمله تیربار، خمپاره و بمب های دست ساز استفاده کردند. دراین حال رئیس جمهوری لبنان در اظهاراتی شدید اللحن خطاب به معاون وزیر خارجه آمریکا جامعه جهانی را مسئول اتفاقات کنونی در لبنان دانست. میشل سلیمان در دیدار با ویلیام برنز در بیروت از وی خواست جامعه جهانی شبکه‌ای برای حمایت واقعی از لبنان ترتیب دهد، نه اینکه تنها به این کشور نصیحت کند، چرا که در این اوضاع امنیتی و حضور یک میلیون آواره فلسطینی و سوری در این کشور نصیحت برای لبنان فایده‌ای ندارد و اظهارات سیاسی نیز سودمند نیست.

۱۴ کشته در حمله انتحاری بعقوبه عراق

سرویس خارجی: کشته و زخمی شدن ۳۶ نفر در انفجار شرق بعقوبه و بازداشت ۷۹ فرد تحت تعقیب در تکریت از جمله خبرهای امنیتی عراق به شمار می رود. منابع امنیتی عراق اعلام کردند یک فرد انتحاری خود را در مجلس ترحیم یکی از شیوخ قبیله بنی تمیم در منطقه الشاخه در شرق بعقوبه منفجر کرد. بر اثر این انفجار ۱۴ نفر کشته و ۲۲ تن دیگر زخمی شدند. سومریه نیوز نیز به نقل از فرماندهی عملیات استان صلاح الدین امروز اعلام کرد که در یک عملیات امنیتی در جنوب غرب تکریت ۴ فرد مسلح کشته شدند و ۷۹ فرد تحت تعقیب بازداشت شدند.

این عملیات با همکاری نیروهای پلیس و ارتش عراق انجام شد. استان صلاح الدین به ویژه شهر تکریت در ۱۷۰ کیلومتری شمال بغداد از جمله مناطق ناامن عراق به شمار می رود که افراد مسلح و عناصر القاعده در این شهرها بیش از مناطق دیگر عراق فعال هستند. در این حال، نخست‌وزیر عراق اتهام‌زنی فرمانده اسبق نیروهای آمریکایی در عراق مبنی بر نقش ایران در انفجار حرمین عسکریین در سال ۲۰۰۶ را تکذیب کرد. «نوری المالکی» نخست‌وزیر عراق، ادعای «جرج کیسی» فرمانده اسبق نیروهای آمریکایی در عراق، مبنی بر دخالت ایران در جنایت انفجار حرمین عسکریین «سامرا» در سال ۲۰۰۶ را تکذیب و اعلام کرد که تحقیقات رسمی انجام شده ثابت کرد که القاعده این جنایت را مرتکب شده است ضمن اینکه این شبکه تروریستی، در همان زمان نیز با صدور بیانیه‌ای، مسئولیت این انفجار تروریستی را برعهده گرفته بود. جمعه گذشته نیز، «مقتدا صدر» رهبر جریان صدر، در واکنش به این اظهارات کیسی علیه ایران اظهار داشت: آمریکا، از ایران هراسی به مثابه یک چوب‌لباسی برای خود در نظر می گیرد و تمام اقدامات شرم‌آور خود را به این چوب لباسی آویزان می کند. رهبر جریان صدر تاکید کرد که این ادعا بیانگر ناکامی آمریکا در اداره کشور عراق در طول اشغال این کشور است. خبر دیگر اینکه، وزیر خارجه عراق با درخواست از آژانس بین المللی انرژی اتمی جهت کمک به بغداد در زمینه استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای، خواهان عاری شدن خاورمیانه از سلاح‌های اتمی شد.

تلاش اعراب برای توقف پیشروی ارتش سوریه از طریق شورای امنیت

سرویس خارجی: با ادامه پیشروی‌های ارتش سوریه در برخی استان ها از جمله حمص و محاصره مخالفان در مناطق مختلف این استان، شورای همکاری خلیج فارس از شورای امنیت خواست برای ممانعت از پیشروی‌های ارتش سوریه، نشستی فوری برگزار کند. در بیانیه صادر شده از سوی شورای همکاری خلیج فارس که پس از نشست این شورا در ریاض صادر شد، آمده است: کشورهای عضو شورای همکاری با نگرانی زیاد حوادث سوریه را دنبال می کنند و خواهان پایان محاصره‌ای هستند که ارتش سوریه با همکاری حزب الله لبنان علیه مخالفان وضع کرده است.

در این بیانیه آمده است: ما از شورای امنیت می خواهیم هر چه سریعتر نشستی را برای لغو محاصره حمص برگزار کند و مانع از ادامه پیشروی ارتش سوریه شود. این اقدام شورای همکاری خلیج فارس پس از آن انجام شد که ارتش سوریه نزدیک به یک هفته است عملیات گسترده‌ای را در استان حمص آغاز کرده تا شبه نظامیان مخالف را از مرکز این استان بیرون براند. شهر حمص که سومین شهر بزرگ سوریه محسوب می‌شود هم اکنون در محاصره کامل ارتش است. پیش از این ارتش سوریه شهر القصیر را که بطور کامل به دست تروریست ها افتاده بود آزاد کرد. ازسویی یگان‌های ارتش سوریه به پیشروی خود در مناطق «الزبدیه» و «سیف الدوله» حلب در شمال سوریه ادامه دادند. این درحالی است که روز گذشته ارتش سوریه موفق شد بر محورها و نقاط مسکونی استراتژیک در حلب تسلط پیدا کند و کنترل آنها را به دست گیرد. دراین حال نیروهای ارتش سوریه با نصب کمین برای یک گروه مسلح که تلاش داشتند از مسیر «دیر الزغب» در ریف ادلب به داخل شهر «الفوعه» نفوذ کنند، مانع نفوذ آنها به این شهر شدند و شمار زیادی از آنها را کشتند. همچنین ارتش سوریه شمار زیادی از عناصر مسلح را در حومه دمشق، دیرالزور و حسکه به قتل رساند. از سوی دیگر یک منبع محلی از دستگیری «احمد عفش» سرکرده گروه تروریستی «آزادگان سوریه» در منطقه «کفر حمرا» از توابع ریف حلب خبر داد. درتحولی دیگر افراد مسلح، منطقه مسکونی علوی نشین «التضامن» در اطراف دمشق را با خمپاره گلوله‌باران کردند که بر اثر آن ۱۰ شهروند سوری مجروح شدند. خبر دیگر اینکه واتیکان خبر قتل یک کشیش کاتولیک به دست معارضان سوری را تائید کرد. معارضان سوری، «فرانسوا موارد» از اعضای فرقه فرانسیس را سر بریدند. این افراد که وابسته به جبهه النصره بودند، بیست و سوم ژوئن در منطقه «قصانیه» در شمال سوریه، پدر موارد را سر بریدند. ازسویی تروریست‌ها و افراد مسلح در شهر حلب، فتوایی جدید علیه زنان صادر کردند که بر اساس آن، زنان را از آرایش کردن و پوشیدن لباس های نیمه عریان منع می کنند. این فتوا توسط شورای حقوق اسلامی منطقه فردوس شهر حلب صادر شده و در صفحه فیس بوک این گروه قرار گرفته است. در بخشی از این فتوا آمده است: زنان مسلمان حق ندارند بالباس های نیمه‌عریان و تنگ که بدن آنان را نمایش می دهد و با صورت آرایش شده از خانه خارج شوند. بر همه خواهران ما واجب است از دستورات خدا اطاعت کرده و به شریعت اسلامی پایبند باشند. این گروه اعلام کرده زنانی را که به این فتوا عمل نکنند، هدف قرار داده و طبق مجازات اسلامی با آنها برخورد می کند.

این درحالی است که تمیم بن حمد آل ثانی، امیر جدید قطر با جورج صبرا، رئیس شورای ملی مخالفان سوریه دیدار و گفتگو کرد. امیر جدید قطر در دیدار با هیات سوری تاکید کرد به حمایت از مردم سوریه ادامه می دهد و مساله سوریه را در اولویت‌های خود قرار می دهد. تمیم بن حمد زمانی که ولیعهد قطر بود در ۲۰ فوریه گذشته کمک مالی به ارزش ۱۰۰ میلیون دلار به ائتلاف ملی مخالفان سوریه اعطا کرد. درتحولی دیگر سند به دست آمده از دستگاه اطلاعاتی اردن نشان می دهد هیاتی از گروهک منافقین به این کشور رفته‌اند و برای مشارکت در درگیری‌های سوریه علیه نظام بشار اسد با برخی معارضان سوری دیدار کرده‌اند.

در این سند که به امضای سرتیپ «فواز الشهوان» رئیس اداره اطلاعات اردن رسیده و خطاب به سپهبد «فیصل الشوبکی» رئیس دستگاه اطلاعات عمومی اردن نوشته شده، آمده است شمار زیادی از اعضای گروهک منافقین وارد اراضی اردن شده‌اند و برای نفوذ به سوریه با برخی شخصیت‌های معارض سوری دیدار و رایزنی کرده‌اند. درچنین شرایطی وزیر اسبق خارجه فرانسه گفت اسرائیل در تحولات سوریه دست دارد. رولان دوما همچنین از طرح کشورهای غربی و در رأس آن انگلیس و فرانسه برای براندازی نظام سوریه پرده برداشت.

خبر دیگر اینکه جان کری وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد واشنگتن و مسکو متعهد به برگزاری کنفرانس «ژنو ۲» درباره سوریه هستند اما احتمالا این کنفرانس پس از ماه اوت برگزار خواهد شد. وی پس از گفتگو با سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه در نشست امنیتی برونئی خاطر نشان کرد: ما هر دو بر این موضوع توافق داریم که این کنفرانس باید زودتر از آن که دیر شود، برگزار شده تا راه حل مسالمت آمیز برای درگیری های سوریه یافت شود. دبیرکل سازمان ملل نیز ابراز امیدواری کرد نمایندگان دولت و مخالفان سوری در این مذاکرات صلح شرکت کنند. بان کی مون گفت اختلاف نظر میان برخی کشورها در زمینه دعوت از ایران و عربستان سعودی به «ژنو۲» وجود دارد که مانع از تصمیم گیری نهایی در این زمینه شده است.

ارتش برای تصرف رقه آماده می شود

نیروهای ارتش سوریه به سمت شرق این کشور حرکت کردند و در ۱۵ کیلومتری شهر رقه که در کنترل تروریست هاست مستقر شدند. نیروهای ارتش سوریه در قالب دو کاروان نظامی تلاش دارند بار دیگر کنترل این شهر را به طور کامل در دست بگیرند. همزمان با پیشروی ارتش به سمت رقه، صدها تروریست مسلح احساس خطر کرده و با درک اینکه هر لحظه ممکن است ارتش این شهر را در اختیار بگیرد، از آن گریختند. تروریست‌های مسلح این شهر را به امارت اسلامی تبدیل و تمامی مخالفان را سرکوب کرده و تعدادی از اهالی این شهر را نیز اعدام کردند.

حمله خونین طالبان به یک شرکت خارجی در کابل

سرویس خارجی: درگیری مسلحانه و حمله به شرکت خارجی تدارکاتی «سوپریوم» پس از چند ساعت، با کشته شدن عوامل انتحاری پایان یافت. «ایوب سالنگی»، فرمانده پلیس کابل در این خصوص گفت که ابتدا یک عامل انتحاری، خودروی مملو از مواد منفجره را در نزدیکی در شرکت «سوپریوم» منفجر کرد و پس از آن، سه مهاجم دیگر با نگهبانان این شرکت و نیروهای افغان درگیر شدند. وی افزود که تاکنون در این رویداد، کشته شدن چهار نگهبان نپالی، یک نگهبان افغان و دو راننده این شرکت تأیید شده است.

سالنگی خاطر نشان کرد که این انفجار به اندازه‌ای بزرگ بود که تا فاصله ۱۵ متری، خسارات زیادی وارد کرده است. در همین حال، «صدیق صدیقی»، سخنگوی وزارت کشور افغانستان، زخمی شدن ۵ غیرنظامی را در این رویداد تأیید کرد و از مهار فوری این حمله نیز تقدیر کرد. شاهدان عینی می گویند که این رویداد، خسارت زیادی را به دفتر پلیس واکنش سریع در منطقه «جاده نو» کابل وارد کرده است. «ذبیح الله مجاهد» سخنگوی طالبان در تماس با رسانه‌ها با تأیید این حمله گفت: هدف آنان نیروهای خارجی حاضر در این منطقه و همچنین ایستگاه خودروهای نظامی آنان بوده است. طالبان مدعی شدند که در این حمله، تلفات سنگینی به نیروهای افغان و خارجی وارد شده است. این حمله چندمین حمله انتحاری در کابل ظرف یک ماه اخیر است، هفته گذشته نیز کابل شاهد حمله مشابهی بود.

همچنین نیروهای طالبان که شمار آنها حدود ۳۰۰ نفر اعلام شده به سه پایگاه پلیس در شهرستان «بالامرغاب» ولایت بادغیس در شمال افغانستان حمله کردند. برخی رسانه‌ها گزارش داده‌اند که یکصد پلیس افغان در محاصره طالبان قرار دارند.

اشتون: رژیم بحرین باید زندانیان سیاسی را آزاد کند

سرویس خارجی: مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا از رژیم بحرین خواست تا به منظور برقراری آشتی ملی در این کشور اعتماد سازی کرده و زندانیان سیاسی را آزاد کند. کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به مناسب سفر اخیرش به بحرین برای حضور در نشست مشترک وزیران امور خارجه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا در بیانیه ای اعلام کرد: من از نزدیک وضعیت بحرین را از زمان آغاز دوباره ناآرامی ها در فوریه سال ۲۰۱۱ میلادی دنبال می کنم. شخصا با مسئولان بحرینی در بالاترین سطوح و همچنین نمایندگان جامعه مدنی بحرین صحبت کردم. وی افزود: این هفته براساس درخواست من، استاویرس لامبرینیدس نماینده ویژه اتحادیه اروپا در امر حقوق بشر سفری به بحرین داشت و با نمایندگان دولت و مخالفان و جامعه مدنی ملاقات کرد و همچنین فرصتی برایش فراهم شد تا با زندانیان بازداشت شده به علت فعالیت های سیاسی آنها ملاقاتی داشته باشد. اشتون بدون توجه به تداوم سرکوبگری رژیم آل خلیفه با همدستی رژیم آل سعود علیه معترضان گفت: من از گام های مثبت مسئولان بحرینی برای اجرای توصیه های کمیته حقیقت یاب بسیونی (کمیته انتصابی شاه بحرین) و در نتیجه بهبود وضعیت حقوق بشر استقبال می کنم. اشتون از همه طرف ها خواست تا از خشونت خودداری کرده و با یکدیگر برای برقراری آشتی ملی تلاش کنند. وی افزود: روند آشتی پایدار نیازمند آمیخته ای از میانه روی و اعتماد سازی از طریق گام های محسوس همگان است که از جمله این گام ها، آزادی زندانیان درچارچوب فعالیت های مسالمت آمیز سیاسی برای غلبه بر جبهه بندی عمیق در جامعه بحرین است. خبر دیگر اینکه، نیروهای یگان ضد شورش بحرین از برگزاری نماز جماعت در محل مسجد ویران شده ابوذر در منطقه نویدرات در نزدیک شهر منامه پایتخت این کشور جلوگیری کرد.

ضرب‌الاجل ارتش مصر برای مصالحه گروههای سیاسی

سرویس خارجی: ارتش مصر در پی حوادث خشونت‌بار اخیر که به کشته شدن ۱۶ نفر و زخمی شدن بیش از ۹۰۰ نفر منجر شد، با صدور بیانیه‌ای، ۴۸ ساعت به گروه‌های سیاسی برای دستیابی به توافق مهلت داد. شبکه المیادین گزارش داد که نیروهای مسلح مصر در بیانیه‌ای با تعیین ضرب‌الاجل ۴۸ ساعته برای گروه‌های سیاسی به منظور دستیابی به توافق و حل بحران کنونی اعلام کرد که در غیر این صورت نیروهای مسلح وارد عمل خواهند شد. ارتش مصر اعلام کرد که هر چه زمان بیشتر بگذرد، تفرقه و دودستگی نیز بیشتر خواهد شد و بنابراین در صورتی که راه حلی مطرح نشود ارتش نقشه راه آینده را مشخص خواهد کرد. در این بیانیه همچنین تاکید شد که ارتش در عرصه سیاست و قدرت بی طرف است و به خروج از رویکرد دموکراتیک تن نخواهد داد. در بیانیه ارتش آمده است: با توجه به تحولات کشور، امنیت ملی دولت در معرض خطر شدید است و هر کس بر حسب جایگاه خود در برابر این خطر مسئول است و باید برای رفع خطرات تلاش نماید. ارتش مصر با اشاره به رنج ملت مصر تاکید کرد که نیروهای مسلح به عنوان آخرین فرصت به گروه‌های سیاسی ۴۸ ساعت مهلت می دهد تا مطالبات ملت را محقق سازند و در غیر این صورت با پایان یافتن مهلت تعیین شده، نیروهای مسلح با استناد به مسئولیت ملی و تاریخی خود و احترام به خواسته‌های ملت بزرگ مصر، نقشه آینده و طرح‌هایی را اعلام خواهد کرد که با نظارت این نیروها و مشارکت تمامی طیف‌ها و جریان‌های ملی وفادار از جمله جوانان که آغازگر انقلاب بودند، اجرا خواهد شد. در پی بیانیه ارتش مصر و ضرب‌الاجل ۴۸ ساعته برای تحقق مطالبات مردم، حالت فوق العاده در کشور اعلام خواهد شد و خودروهای زرهی برای تأمین امنیت کشور و مردم در خیابان‌ها مستقر خواهند شد. ارتش در حال حاضر در حالت آماده‌باش کامل برای برخورد با هر گونه خشونت است که ممکن است در تقابل با خواسته مردم مصر صورت گیرد. بالگردهای ارتش مصر نیز برای حمایت از تظاهرات کنندگان بر فراز میدان «التحریر» پرواز کردند. در همین رابطه، یک منبع نظامی مصر از آمادگی یگان‌های ویژه «صاعقه» و چتربازان به منظور حمایت از تظاهرکنندگان در میادین مختلف مصر خبر داد. منبع نظامی مصر گفت که یگان‌های ویژه صاعقه و چتربازان خود را آماده می کنند تا به محض نیاز به منظور حمایت از تظاهرات‌کنندگان در میادین مختلف مصر فرود آیند.

در چنین شرایطی، منابع امنیتی مصر فاش کردند، دفتر ریاست جمهوری این کشور تهدید کرده است که اگر وزیر کشور مصر موفق به تامین امنیت مقرهای اخوان المسلمین نشود وی را زندانی خواهد کرد. منابع امنیتی مصر اعلام کردند: دفتر ریاست جمهوری مصر محمد ابراهیم، وزیر کشور مصر را تهدید کرده که اگر نتواند امنیت مقرهای اخوان المسلمین را در استان‌های مختلف این کشور تامین کند وی را برکنار یا زندانی خواهد کرد. دفتر ریاست جمهوری مصر همچنین وزیر کشور را به کوتاهی و اقدام علیه منافع نظام متهم کرده و خواهان تحقیق درباره افسرانی شد که در تظاهرات ۳۰ ژوئن برای برکناری محمد مرسی، رئیس جمهوری مصر شرکت داشتند. از سوی دیگر، وزارت کشور مصر در بیانیه‌ای اعلام کرد که هرگز علیه ملت بزرگ مصر که برای بیان خواسته‌هایشان به شیوه‌ای که جهانیان را به شگفت آورد تظاهرات کردند اقدامی نخواهد کرد. از سوی دیگر، سایت اینترنتی بوابه الاهرام لیستی از ۹۱ دیپلمات مصری را منتشر کرد که خواهان کناره گیری مرسی از قدرت شده‌اند. حزب سلفی النور مصر نیز در واکنش به بیانیه ارتش این کشور مبنی بر اعطای مهلت ۴۸ ساعته به گروه‌های سیاسی برای تحقق خواسته‌های ملت، این بیانیه را مبهم خواند. در این حال، عمرو موسی، رئیس حزب کنگره و از رهبران جبهه نجات ملی معارض مصر از بیانیه نیروهای مسلح در خصوص ضرب‌الاجل ۴۸ ساعته به گروه‌های سیاسی برای دستیابی به توافق، استقبال کرد. عمرو موسی با استقبال از بیانیه نیروهای مسلح و جانبداری آن از خواسته‌های ملت تاکید کرد که این همان نقشی است که ملت برای حفاظت از وحدت و سلامت کشور به آن امیدوار هستند. حزب مصر قوی به ریاست «عبدالمنعم ابوالفتوح» نیز دولت مصر را مسئول تاخیر در پاسخگویی به خواسته‌های ملت برشمرد. از سوی دیگر برخی شبکه‌ها گزارش دادند که رهبران جبهه نجات ملی معارض مصر به منظور بررسی بیانیه نیروهای مسلح و اعلام موضع گیری درباره آن، نشست برگزار می کنند. برخی رهبران اخوان المسلمین نیز در پی تشدید بحران سیاسی در مصر بر لزوم کناره گیری این گروه از قدرت تاکید کردند. روزنامه الحیات در گزارشی اعلام کرد: برخی رهبران اخوان المسلمین در پی تشدید بحران سیاسی در مصر بر لزوم کناره گیری از قدرت تاکید کرده‌اند. یک مقام ارشد اخوان که نامش فاش نشده در این باره اظهار داشت: هم اکنون برخی از رهبران بر لزوم کناره گیری از قدرت در راستای حفظ جایگاه اخوان، پاسخ دادن به مطالبات مردمی و برقراری آرامش سیاسی در کشور تاکید دارند. همچنین خبرگزاری رویترز به نقل از یک منبع نظامی گزارش داد که هدف ارتش مصر وادار کردن گروه‌های سیاسی به دستیابی به توافق است. این در حالی است که، معاون سابق وزیر خارجه مصر تاکید کرد: در صورتی که مسئولان مصری ظرف ۴۸ ساعت به درخواست‌های مردم پاسخ ندهند، ارتش قدرت را در دست خواهد گرفت و طرح و برنامه این اقدام نیز آماده است. «عبدالله الأشعل» معاون سابق وزیر خارجه مصر با اشاره به اینکه نیروهای مسلح خودداری مسئولان از پاسخگویی به این درخواست‌ها را محکوم می کنند، افزود: در صورتی که مسئولان به درخواست های مردم پاسخ ندهند نیروهای مسلح در دفاع از مردم واکنش دیگری نشان خواهند داد.

واکنش دولت

به دنبال اینکه فرماندهی نیروهای مسلح مصر با صدور بیانیه‌ای ضرب الاجل ۴۸ ساعته را برای سیاستمداران مصر به منظور تحقق خواسته‌های مردم تعیین کرد، ریاست جمهوری مصر اعلام کرد که این بیانیه کشور را آشفته می‌سازد. سخنگوی ریاست جمهوری مصر در بیانیه‌ای در صفحه شخصی خود در فیس بوک اعلام کرد که محمد مرسی، رئیس جمهوری مصر بیانیه فرماندهی نیروهای مسلح را که در آن ضرب الاجلی را برای دستیابی به راه حلی جهت برون رفت از بحران سیاسی کشور تعیین کرده بود، مورد بررسی قرار نداده است و این بیانیه بدون ابلاغ به مرسی صادر شده است و این بیانیه شامل اظهاراتی است که باعث آشفته کردن عرصه ملی کشور می‌شود. بر اساس این بیانیه، ریاست جمهوری مصر تاکید کرد که با قدم‌های استوار به مسیر خود ادامه می‌دهد تا آشتی ملی گسترده‌ای در کشور محقق شود آشتی که تمامی گروه‌های ملی و سیاسی و گروه‌های جوانان در آن حضور داشته باشند. در همین حال، معارضین مصر تاکید کردند که از کودتای نظامی حمایت نمی کنند و مهلت تعیین شده از سوی ارتش برای تحقق خواسته‌های ملت نیز به معنای تمایل ارتش برای ایفای نقش سیاسی نیست. جبهه نجات ملی معارض مصر اعلام کرد که ما از هیچ کودتای نظامی حمایت نمی کنیم و اطمینان داریم که بیانیه ارتش تاکیدی بر تمایل ارتش برای دخالت در امور سیاسی نیست. در این بیانیه آمده است که جبهه نجات ملی از زمان تشکیل آن در تاریخ ۲۲ نوامبر ۲۰۱۲ به ایجاد یک دولت مدنی مدرن و دموکراتیک که همه طیف‌های سیاسی از جمله جریان اسلامی در آن مشارکت داشته باشند، پایبند است و ما اطمینان داریم که بیانیه ارتش به معنای تمایل آن برای دخالت در امر سیاست و یا ایفای نقش سیاسی نیست. جبهه نجات ملی همچنین اظهار داشت که درخواست این جبهه از مرسی برای برکناری، مغایرتی با اصول دموکراسی ندارد زیرا هیچ یک از خواسته‌های انقلاب محقق نشده است بلکه بر عکس مرسی و اخوان المسلمین کشور را به سمت دیگری بر اساس تمایلات خود برای سلطه بر ارکان دولت رهبری کردند و دموکراسی محقق نشد و شرایط زندگی مصری‌ها نیز در سایه تداوم اوضاع نابسامان اقتصادی، بهبود نیافت. جبهه نجات ملی همچنین خشونت‌ها و تجاوزات علیه مقرهای جماعت اخوان المسلمین و حزب آزادی و عدالت شاخه سیاسی این جماعت را محکوم کرد. از طرفی، در واکنش به بیانیه ارتش، مخالفان و معترضانی که در میدان التحریر و دیگر میادین عمومی این کشور بودند از بیانیه ارتش استقبال کردند و آن را اقدامی در راستای حمایت از خواست و اراده ملی توصیف کردند. مردم در میدان التحریر شعار «ما نخواهیم رفت او خواهد رفت» و «زنده باد مصر» را سر دادند و تأکید کردند که با برپایی تظاهرات میلیونی، نافرمانی مدنی کاملی اجرا خواهند کرد. سران معارض مصری نیز از بیانیه ارتش مصر استقبال کردند و آن را در راستای تحقق خواسته های مردم این کشور ارزیابی کردند. از سوی دیگر حامیان محمد مرسی که در اطراف مسجد «الرابعه العدویه» گردهم آمدند در حالتی از بهت و حیرت فرو رفتند و سکوت سراسر تجمعات آنها را فرا گرفت.

تکذیب خبر

یک منبع نظامی مصر اخبار برخی رسانه‌ها در خصوص دیدار رئیس جمهوری مصر با نخست‌وزیر و وزیر دفاع را رد کرد. برخی منابع خبری از دیدار مرسی با السیسی و «هشام قندیل» نخست‌وزیر مصر خبر داده بودند. در همین رابطه پایگاه اليوم السابع نوشت که سایت رسمی ریاست جمهوری عکس قدیمی مربوط به نشست مرسی با قندیل و السیسی را منتشر کرد. از سوی دیگر یک منبع نظامی گفت که نیروهای گارد ریاست جمهوری تامین امنیت ساختمان اتحادیه رادیو و تلویزیون مصر «ماسبیرو» را بر عهده گرفتند.

بررسی برگزاری همه‌پرسی

منابع خبری گزارش دادند که «محمد مرسی» رئیس جمهور مصر در حال بررسی موضوع برگزاری همه‌پرسی ظرف ۶ ماه آینده در مورد ابقای وی در ریاست جمهوری، است. شبکه المیادین گزارش داد که مرسی مسئله برگزاری همه‌پرسی ظرف ۶ ماه آینده، درباره ابقای وی در منصب ریاست جمهوری را بررسی می کند. در چنین شرایطی، جبهه نجات ملی مصر با صدور بیانیه‌ای ضمن دعوت از مردم مصر برای ادامه تظاهرات مسالمت آمیز علیه مرسی اعلام کرد: ضرب الاجل تعیین شده توسط ارتش احترام به ارزش‌های دموکراتیک، اراده ملی و مردمی است. جبهه نجات ملی که از بزرگترین احزاب مخالف مصر به شمار می رود همچنین از مردم مصر خواست که به تظاهرات مسالمت آمیز خود علیه محمد مرسی، رئیس جمهوری مصر ادامه دهند. همچنین خالد داوود، سخنگوی جبهه نجات ملی مصر اعلام کرد: حاضر نیستیم با مرسی مذاکره کنیم چرا که ما از حالا به بعد مرسی را رئیس جمهور قانونی مصر نمی دانیم و برای او مشروعیتی قائل نیستیم. در همین حال احمد شفیق، نامزد سابق ریاست جمهوری مصر به خبرگزاری رویترز اعلام کرد که به عقیده وی نظام کنونی باید ظرف هفته جاری به روابط کاملش با مصر و منطقه پایان دهد.

موضع واشنگتن

رئیس جمهوری آمریکا در اظهاراتی تاکید کرد: بحران فعلی مصر تنها از طریق روند سیاسی قابل حل است. شبکه اسکای نیوز عربی در خبری فوری اعلام کرد: باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا بر لزوم گفتگوی دولت مصر با مخالفان تاکید کرد. رئیس جمهوری آمریکا همچنین تاکید کرد: ما به تحول دموکراتیک در مصر پایبند هستیم و از هیچ حزب و گروهی حمایت نمی کنیم. از طرفی، رئیس جمهوری آمریکا از رئیس جمهوری مصر درخواست کرد که به درخواست‌های معترضان این کشور پاسخ دهد و گام‌هایی را در این زمینه بردارد. از سویی، با شدت گرفتن تنش‌ها در مصر، رئیس جمهوری این کشور با همتای آمریکایی خود تماس گرفت و بر ادامه روند دموکراسی در این کشور تاکید کرد. در همین راستا روسای ستاد مشترک ارتش دو کشور نیز در تماسی تلفنی تازه‌ترین تحولات مصر را بررسی کردند. دفتر ریاست جمهوری مصر با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: محمد مرسی، رئیس جمهوری مصر در تماسی تلفنی با باراک اوباما، همتای آمریکایی‌اش تازه‌ترین تحولات جاری در مصر را مورد بحث و بررسی قرار داد و در این تماس به اوباما اطمینان داد که قاهره در جهت تحقق کامل دموکراسی گام برخواهد داشت. براساس بیانیه صادر شده از سوی دفتر ریاست جمهوری مصر اوباما از مرسی به خاطر حمایت از تظاهرکنندگان و تظاهرات مسالمت آمیز آنها تشکر کرد. مرسی نیز تاکید کرد که دولت و نهادهای حکومتی کاملا به قانون اساسی پایبند خواهند بود و برای گذار کامل مصر به دموکراسی تمام تلاش خود را خواهد کرد. در همین راستا ژنرال مارتین دمپسی، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا با سرلشکر صدقی صبحی، فرمانده ستاد مشترک ارتش مصر تماس گرفت و دو طرف درباره تحولات مصر و بیانیه صادر شده از سوی نیروهای نظامی این کشور بحث و تبادل نظر کردند. براساس اعلام وزارت دفاع آمریکا، دو طرف با تاکید بر ضرورت حفظ جان شرکت کنندگان در تظاهرات مسالمت آمیز مصر بر نقش قانون برای پایان دادن به اختلافات تاکید کردند. جورج لیتل، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا نیز اعلام کرد که پنتاگون بیانیه صادر شده از سوی نیروهای مسلح مصر را که در آن به گروه‌های سیاسی این کشور ۴۸ ساعت فرصت داده شده است تا اختلافات را پایان دهند، بررسی می کند.

آغاز نافرمانی مدنی

شماری از تحصن کنندگان در میدان التحریر در ادامه اعتراضات خود و درخواست برکناری مرسی و برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری، مجمع التحریر را بستند. استان اسماعیلیه نیز شاهد آغاز نافرمانی مدنی در داخل ادارات دولتی بود و تحصن کنندگان در ساختمان استانداری و شورای شهر را با زنجیر بستند. در اسیوط نیز پس از دفن جوانانی که در حوادث اخیر کشته شدند، تحصن کنندگان در مقابل ساختمان استانداری اسیوط مستقر و مانع ورود استاندار و کارکنان آن به ساختمان شدند.

درگیری‌های مخالفان و هواداران مرسی همزمان با آماده باش کامل ارتش مصر

درگیری‌های مخالفان و موافقان مرسی

برای سومین روز متوالی طرفداران محمد مرسی با برگزاری تظاهرات در برابر دانشگاه قاهره حمایت‌شان را از رئیس جمهوری مصر اعلام کردند. طرفداران محمد مرسی برای سومین با تجمع در مقابل دانشگاه قاهره حمایت‌شان را از وی اعلام کردند. شرکت کنندگان در این تظاهرات همچنین شعارهایی از جمله «مردم خواهان پاکسازی رسانه‌ها و وزارت کشور از اراذل و اوباش هستند» را سر دادند. در میدان النهضه نیز جمعی از مخالفان محمد مرسی باسر دادن شعارهایی خواهان برکناری محمد مرسی از سمتش شدند. همچنین درگیری‌های امروز میان مخالفان و طرفداران مرسی در اطراف مقر حزب آزادی و عدالت در منطقه فیوم ۳۷ زخمی بر جای گذاشت. قائم مقام وزارت بهداشت مصر در استان الغربیه نیز اعلام کرد که تعداد زخمی‌ها در نتیجه درگیری بین موافقان و مخالفان مرسی در این استان به ۱۷ نفر رسید. همچنین معترضان مصری در ادامه اعتراضات ضد دولتی، مقر جماعت اخوان‌المسلمین در شهر بلبیس در استان الشرقیه زادگاه «محمد مرسی» را به آتش کشیدند.

ابراز نگرانی الازهر

الازهر مصر با صدور بیانیه‌ای نسبت به نفوذ برخی افراد مسلح به میان تظاهرات کنندگان مسالمت آمیز هشدار داد. به دنبال حوادث خشونت‌بار مصر که به کشته شدن ۱۶ نفر و زخمی شدن بیش از ۹۰۰ نفر منجر شد، الازهر بیانیه‌ای صادر و طی آن نسبت به نفوذ برخی افراد مسلح به میان تظاهرکنندگان مسالمت‌آمیز ابراز نگرانی کرد. مؤسس جریان مردمی مصر و از رهبران جبهه نجات ملی معارض این کشور با استقبال از بیانیه ارتش مبنی بر تعیین ضرب الاجل ۴۸ ساعته برای حل سیاسی بحران مصر، تاکید کرد که مرسی باید فوراً استعفا کند. «حمدین صباحی» در گفت‌وگو با اسکای نیوز از بیانیه ارتش استقبال و تاکید کرد که ارتش در کنار ملت ایستاده است. وی از مرسی خواست سریعا استعفا کند و افزود: بیانیه ارتش نشان می دهد که ارتش در کنار ملت است و به همین دلیل ۴۸ ساعت مهلت برای پاسخگوئی به خواسته‌های ملت تعیین کرده است. جانشین سابق دستگاه اطلاعات نظامی مصر نیز تاکید کرد که رئیس جمهوری مصر فقط ۲ گزینه تن دادن به همه پرسی عمومی یا برگزاری انتخابات پیش از موعد را پیش رو دارد. سرلشکر «نبیل صادق»، جانشین سابق دستگاه اطلاعات نظامی مصر تاکید کرد که بیانیه «عبدالفتاح السیسی»، وزیر دفاع مصر درباره حوادث جاری در این کشور به این معناست که رئیس جمهوری مصر در برابر دو گزینه بیشتر قرار ندارد.

تظاهرات حامیان مرسی

پایگاه اینترنتی حزب آزادی و عدالت شاخه سیاسی جماعت اخوان المسلمین گزارش داد که هواداران رئیس جمهور مصر تظاهرات برگزار کردند. همزمان با تظاهرات مخالفان رئیس جمهوری مصر در سراسر این کشور، هزاران تن از طرفداران محمد مرسی برای اعلام حمایتشان از وی به خیابان‌ها آمدند. شرکت کنندگان در این تظاهرات‌ها که در پی صدور بیانیه نیروهای مسلح مصر برگزار شد با سر دادن شعارهایی اعلام کردند که از مرسی حمایت همه جانبه می کنند. مخالفان از بیانیه ارتش به عنوان تهدیدی علیه قانون یاد می کنند. یاسر حمزه، یکی از رهبران حزب آزادی و عدالت، شاخه سیاسی اخوان المسلمین مصر در پی این بیانیه اعلام کرد: همه ما مخالف موضع ارتش هستیم چرا که عصر کودتاهای نظامی در مصر به پایان رسیده است و هیچ قدرتی نمی تواند درباره آینده کشور ماجراجویی کند. طرفداران ترک و مصری محمد مرسی در ترکیه نیز در حمایت از رئیس جمهور مصر در بخش اروپایی استانبول تظاهرات کردند.

موج استعفا

منابع خبری گزارش دادند که وزیر خارجه مصر نیز به کاروان استعفاکنندگان از کابینه و پارلمان مصر پیوست تا دیگر وزیری باشد که در بحبوحه بحران سیاسی این کشور بزرگ عربی از منصبش استعفا کرده است. خبرگزاری رسمی الشرق الاوسط مصر منابع این خبر را اعلام نکرده است و این امکان به وجود نیامده تا با مسئولان وزارت خارجه مصر تماسی گرفته شود تا در خصوص صحت استعفای محمد کامل عمرو، وزیر خارجه مصر اطلاع کسب شود. این استعفا بعد از این انجام شد که ۱۱ وزیر از پست‌های دولتی در راستای حمایت از درخواست‌های تظاهرکنندگان استعفا کردند. در حالی که سامی عنان، مشاور نظامی رئیس جمهوری مصر نیز از سمت خود استعفا کرده است. خبرنگار العربیه اعلام کرد که مرسی و نخست وزیر مصر استعفاها را رد کرده‌اند. شبکه تلویزیونی الحیات مصر نیز گزارش داد که نخست وزیر این کشور استعفای خود را به رئیس جمهوری تقدیم کرده است. در همین رابطه، منابع مصری گزارش دادند که دو سخنگوی ریاست جمهوری مصر نیز از سمت خود استعفا کردند. المصری الیوم گزارش داد که «عمر عامر» و «ایهاب فهمی» از سمت خود به عنوان سخنگویان ریاست جمهوری استعفا کردند. این در حالی است که تعداد استعفا کنندگان از مجلس شورای مصر به هشت تن رسیده است. این استعفاها در راستای حمایت از خواسته‌های مردم مصر بوده است. شبکه ماهواره‌ای «دریم» نیز گزارش داد که مهندس «حسن رفاعی» استانداری اسماعیلیه از منصب خود استعفا داد. در همین رابطه «هشام زعزوع» وزیر گردشگری نیز بر اصرار خود برای استعفا تاکید کرد. پایگاه اليوم السابع نیز به نقل از برخی منابع آگاه گزارش داد که رایزنی بین نمایندگان الازهر در مجلس شورا به منظور استعفای آنها به نشانه همبستگی با خواسته‌های ملت در جریان است. این در حالی است که مرسی امروز در مقر گارد ریاست جمهوری با «هشام قندیل» نخست‌وزیر دیدار و تاکید کرد که با استعفای وزرا موافقت نکند. یک منبع آگاه گفت که مرسی در این دیدار به قندیل اطمینان داد که همچنان نخست‌وزیر باقی خواهد ماند. این در حالی است که، رئیس حزب سوسیالیست مردمی مصر گفت: دیگر نه کسی می تواند مردم را به تحرک واداشته و نه آنان را کنترل کند زیرا آنان به خواست و اراده خود و برای تغییرات واقعی به خیابان‌ها آمده‌اند.

واکنش‌های بین‌المللی

در پی تجمع میلیونی مردم مصر برای برکناری محمد مرسی و درگیری میان طرفداران و مخالفان وی، جمعی از رهبران کشورهای جهان با ابراز نگرانی نسبت به اوضاع این کشور، احزاب سیاسی مصر را به خویشتنداری فراخواندند. «ادواردو دیل پوی»، معاون سخنگوی دبیرکل سازمان ملل با ابراز نگرانی نسبت به ناآرامی‌های اخیر در مصر گفت: تحولات مصر تاثیرات فراوانی را بر کشورهای دیگر منطقه به دنبال خواهد داشت. وی همچنین خشونت‌های اخیر در روزهای گذشته را به شدت محکوم کرد و اظهار داشت: جهان امروز اوضاع مصر را با نگرانی و از نزدیک دنبال می کند. سرنوشت روند انتقالی در مصر بر کشورهای دیگر منطقه که شاهد گذار سیاسی هستند، تاثیر فراوانی خواهد گذاشت. در بیانیه سازمان ملل آمده است، بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل مکرر بر لزوم پایبندی همه شرکت‌کنندگان در تظاهرات مصر به قوانین و احترام به حق برگزاری تظاهرات مسالمت‌آمیز تاکید کرد. وزارت خارجه چین نیز احزاب و گروه‌های سیاسی مصر را به مذاکره برای حل اختلافات موجود و ممانعت از خشونت فراخواند. سخنگوی این وزارتخانه در کنفرانسی مطبوعاتی در پکن گفت: اعتراضات گسترده در مصر نگرانی چین را در خصوص وضعیت مصر افزایش داده است. ما از تمامی گروه‌های ذیربط دعوت می کنیم تا از طریق مذاکرات سیاسی به اختلافاتشان پایان داده و بار دیگر ثبات را به مصر بازگردانند. فیلیپ لالیو، سخنگوی وزارت خارجه فرانسه نیز در کنفرانسی مطبوعاتی تاکید کرد: مقامات مصری که به شیوه‌ای دموکراتیک انتخاب شده‌اند باید به خواسته‌های مردم گوش فرادهند. وی در پاسخ به سوالی درباره دیدگاه فرانسه در خصوص اوضاع کنونی مصر گفت: مقامات مصر مسئول شنیدن خواسته‌های قانونی ملت مصر و اتخاذ تدابیری قوی برای آرام‌تر کردن شرایط این کشور و رسیدن به توافق با مخالفان هستند.

وزارت خارجه روسیه نیز در بیانیه‌ای که توسط شبکه خبری روسیا الیوم منتشر شد، احزاب سیاسی مصر را به عدم توسل به زور فراخواند و اعلام کرد، این مساله وضعیت مصر را پیچیده‌تر می کند. جورج لیتل، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا نیز اعلام کرد، کشورش هنوز معتقد است که محمد مرسی، رئیس جمهوری منتخب مصر است. در این حال و در پی تشدید تنش‌ها در مصر و ناآرامی‌های چند روز گذشته در این کشور، رژیم صهیونیستی از بازگشت سفیر خود به قاهره ممانعت کرد. در چنین شرایطی، به دنبال ناآرامی‌های اخیر در مصر و تظاهرات میلیونی مخالفان مرسی در استان‌های مختلف این کشور روزنامه مصری الیوم به نقل از مبارک نوشت: مخالفان من بسیار کمتر از مخالفان مرسی بودند.

اظهارات دادستان

«طلعت عبدالله» به دنبال اعلام حکم دادگاه استیناف مصر مبنی بر ابطال تعیین وی به عنوان دادستان کل و تاکید بر بازگشت «عبدالمجید محمود» به سمت خود، تاکید کرد که به رأی دادگاه احترام می گذارد. مرسی سال گذشته پس از عهده‌داری منصب ریاست جمهوری طی حکمی عبدالمجید را که دادستان دوره مبارک بود از سمت خود عزل و طلعت عبدالله را به جای وی منصوب کرد که همین امر جنجال زیادی را در داخل مصر به پا کرد و اعتراض قضات را به دنبال داشت.

حکم دادگاه امارات

دادگاه عالی امارات احکام متعلق به بیش از ۹۰ متهم پرونده تشکیلات سری اخوان المسلمین در این کشور را صادر کرد و ۲۵ نفر را نیز تبرئه کرد. دادگاه عالی امارات احکام متعلق به پرونده «تشکیلات سری» اخوان المسلمین در امارات را برای بیش از ۹۰ متهم صادر کرد. این دادگاه ۲۵ تن از متهمان را بیگناه دانست و ۵۶ متهم را به ۳ تا ۱۰ سال زندان محکوم کرد. این دادگاه همچنین ۱۰ نفر از متهمانی که فراری شده‌اند را به ۱۵ سال زندان محکوم کرد.

زاویه

شیخ «الاسیر» و ارتباطاتش

گزارش های متناقض بسیاری وجود دارد که از رابطه «شیخ احمد الاسیر» در لبنان با «القاعده» و تلاش گروه «جبهه النصره» سوریه برای هماهنگی با گروه شیخ الاسیر خبر می دهد. روایت‌ها و گزارش های امنیتی متفاوت و گاها متناقضی درباره رابطه شیخ احمد الأسیر با سازمان تروریستی «القاعده» و دیگر سازمان‌های سلفی تکفیری وجود دارد. همان‌گونه که اطلاعات ارائه شده و مورد استفاده برای این گزارش ها از منابع امنیتی به ویژه در خصوص نشست اخیری که میان احمد الاسیر و نماینده «ابو محمد الجولانی»، امیر گروه «جبهه النصره» در سوریه نیز متفاوت است. اطلاعات به دست آمده به این نکته اشاره می کند که الجولانی فردی به نام «ع.خ» که دارای تابعیت لبنانی است را ۲۳ آوریل گذشته به صیدا فرستاد تا نشستی با الاسیر داشته باشد و در این نشست نماینده الجولانی به شیخ الاسیر پیشنهاد هماهنگی وی با «جبهه النصره» را داده و تاکید کرده که این هماهنگی ها و ابراز وفاداری‌ها به سازمان «القاعده» خواهد بود. اما شیخ الاسیر نپذیرفته که اعلام وفاداریش به سازمان «القاعده» به صورت علنی باشد و خواستار حمایت نظامی محرمانه می شود. همچنین این منبع امنیتی در گفتگو با روزنامه لبنانی «السفیر» تاکید کرده که شیخ الاسیر دو هفته پیش هفت قبضه سلاح ساخت استرالیا از فردی لبنانی دریافت کرده که دارای دوربین های دید در شب و بسیار پیشرفته هستند. گزارش های امنیتی موثق بیان می کنند که فردی به نام «م. د» از اعضای سازمان «فتح الإسلام» که شاخه سازمان تروریستی القاعده در لبنان به شمار می آید، یک ماه و نیم قبل اعلام کرد که سازمان «فتح الإسلام» تصمیم حمایت از شیخ الاسیر را در صورت وقوع هرگونه رویارویی‌های امنیتی با وی و گروهش که منظور ارتش لبنان و «حزب الله» است، را گرفته است. این منبع امنیتی به این نکته اشاره می کند که تجاوز اخیر به ارتش لبنان اولین مورد در نوع خود نبوده، بلکه تاکنون تلاش های بسیاری صورت گرفته تا دستگاه نظامی لبنان به موج جدیدی از درگیری‌ها کشانده شود. منبع مذکور در ادامه می‌افزاید: گروه مسلح وابسته به شیخ الاسیر مجهز به دستگاه‌های ارتباطی پیشرفته‌ای هستند و این گروه اقدام به نصب و راه اندازی دوربین های مدرن و پیشرفته‌ای بر بام شماری از ساختمان‌های موجود در بزرگراه صیدا ـ جزین کرده است. نصب این دوربین‌ها از منطقه «القیاعه» یا همان «کوع الخروبی» آغاز شده تا پس از گذر از تقاطع «طلعة المحافظ» تا «مدرسة راهبات عبرا» ادامه یابد. همچنین گفته شده که این دوربین‌ها توان گرفتن تصاویری دقیق در محور ۳۶۰ درجه و کنترل و رصد تمام تحرکات در این بزرگراه را دارند. در مقابل این منبع موثق امنیتی که با پرونده تروریسم در ارتباط است، توضیح داد که شیخ الأسیر «ارتباطی با سازمان القاعده» ندارد و به این نکته اشاره کرد که حتی «فتح الإسلام» نیز برخلاف آنچه گفته می‌شود، سازمانی وابسته به سازمان القاعده نیست. این منبع در ادامه می‌افزاید: شیخ الأسیر زاییده رفتار و تعامل سیاسی ـ مذهبی لبنان است که افراد عادی از تابعیت‌های سوری، لبنانی و فلسطینی را جذب خود می کند و در این راه حمایت‌های مالی که از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به این گروه‌ها و افراد می‌رسد، نقش بسزایی در فراهم کردن امکان خرید سلاح برای آنها دارد.

* خبرگزاری فارس

کوتاه از سراسر جهان

دولت ترکیه: لابی یهودی پشت پرده اعتراض‌ها بود

فارس: «بشیر اتالای» معاون نخست‌وزیر ترکیه، اقلیت‌های یهودی را عامل تظاهرات‌های ضد دولتی علیه «رجب طیب اردوغان»، دانست. اتالای گفت: حوادث پارک «گیزی» در استانبول از سوی گروه‌های یهودی فعال در این زمینه برنامه‌ریزی شده بود. وی همچنین بدون اشاره به نامی مشخص، رسانه‌های بین‌المللی و طرف‌های خارجی را عامل بی ثباتی در ترکیه و درگیری‌ها و اعتراض های چندهفته‌ای کشورش دانست. معاون نخست‌وزیر ترکیه تاکید کرد که کشورش دیگر مانند گذشته نیست و همه مردم به آنچه که روی داده است، واقف هستند. این درحالی است که منابع آگاه می گویند رئیس موساد در سفر به آنکارا و در دیدار با مقامات ترکیه‌ای، برای کمک به آن‌ها جهت سرکوب اعتراض‌ها اعلام آمادگی کرده است.

مسکو: «اسنودن» را به آمریکا نمی دهیم

فارس: «دمیتری پسکوف»، سخنگوی رئیس جمهوری روسیه اعلام کرد که استرداد «ادوارد اسنودن»، مامور سابق سازمان سیا به دولت آمریکا غیرممکن است. پسکوف توضیح داد: استرداد اسنودن به کشوری نظیر آمریکا که در آن مجازات اعدام همچنان مورد اجرا گذاشته می‌شود، اصلا مطرح نبوده و غیرممکن است. پوتین و اوباما از رؤسای دستگاه‌های اطلاعاتی خواسته‌اند که برای حل موضوع «اسنودن» چاره‌جویی کنند. درچنین شرایطی رئیس جمهوری اکوادور اعلام کرد که کشورش به هیچ عنوان تازمانیکه افشاگر برنامه جاسوسی آمریکا وارد قلمرو «کیتو» نشود، درخواست پناهندگی او را بررسی نمی کند. اسنودن از آلمان نیز درخواست پناهندگی کرده است.

لیتوانی رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا شد

فارس: لیتوانی رسما ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را از ایرلند تحویل گرفت. این نخستین بار است که یکی از جمهوری‌های پیشین شوروی سابق به مدت ۶ ماه ریاست اتحادیه اروپا را بر عهده می گیرد. این جمهوری حوزه بالکان قصد دارد در نخستین باری که از زمان ورود به اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۴ عهده‌دار این سمت شده است برای اروپایی معتبر با فضایی باز و رو به رشد تلاش کند. پیش بینی می شود که مسئولیت لیتوانی با توجه به پذیرش کرواسی در اتحادیه اروپا بیشتر از کشورهای قبلی باشد.

درخواست کره شمالی برای مذاکره مستقیم با آمریکا

فارس: «پاک اوی چون»، وزیر خارجه کره شمالی از آمریکا خواست بدون تعیین پیش شرط با این کشور مذاکره مستقیم انجام دهد. این اظهارات وزیر خارجه کره شمالی در نشست ۲۷ عضو انجمن همکاری‌های منطقه‌ای «آ.سه. آن» که جان کری، وزیر خارجه آمریکا و «یون بیونگ سه» وزیر خارجه کره جنوبی نیز حضور داشتند مطرح شد. کره شمالی پیش از این نیز به آمریکا پیشنهاد مذاکره مستقیم ارائه کرده بود اما سئول و واشنگتن از پیونگ یانگ خواستند ابتدا به تعهدات بین المللی خود مبنی بر خلع سلاح هسته‌ای پایبند باشد.

ارسال بسته اصلاحات سیاسی «روسف» به کنگره برزیل

فارس: «دیلما روسف»، رئیس جمهوری برزیل به منظور پایان دادن به روزهای اعتراضات ضد دولتی و آشوب‌های اجتماعی در سراسر این کشور، بسته‌ای از اصلاحات سیاسی را به کنگره فرستاد. روسف در این باره گفت: قصد داریم پیشنهادات خود را برای رای گیری به کنگره بفرستیم تا جزئیات خطوط کلی این پیشنهادات که از دیدگاه ما از اهمیت بیشتری برخوردار است، به طور کامل تبیین شود.

اتریش سفیر آمریکا را فراخواند

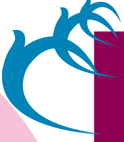
فارس: «میشائیل اشپیندلگر»، وزیر خارجه اتریش در مصاحبه‌ای اعلام کرد که «ویلیام اکو» سفیر آمریکا در اتریش به وی درباره رسوایی جاسوسی از نمایندگی‌های اروپا توضیحاتی داده است. اشپیندلگر گفت که وی انتظار دارد تا هر چه سریعتر پاسخ روشنی درباره جاسوسی آمریکا از اتریش داده شود و اتهامات مبنی بر اینکه آمریکا به صورت هدفمند از دفاتر اروپا در بروکسل و واشنگتن جاسوسی کرده است، باید روشن شود. وزیر خارجه ایتالیا نیز در انتقاد از جاسوسی سازمان امنیت ملی آمریکا از نمایندگی های اتحادیه اروپا در این کشور، خواستار توضیح ایالات متحده در این زمینه شد.

«اولاند» آمریکا را تهدید کرد

فارس: «فرانسوا اولاند»، رئیس جمهوری فرانسه آمریکا را تهدید کرد که گفتگوهای تجاری که قرار است هشت جولای برگزار شود را با این کشور به دلیل افشای جاسوسی از دفاتر اروپایی در آمریکا متوقف خواهد کرد. اولاند گفت: بدون اینکه تضمینی درباره توقف هر چه سریع تر جاسوسی ها داده شود، گفتگوها برگزار نخواهد شد. وی همچنین خواستار پایان دادن به برنامه جاسوسی آمریکا از کشورهای اروپایی شد.

استعفای وزیر دارایی پرتغال به دنبال بحران مالی

فارس: «ویکتور گاسپار»، وزیر دارایی پرتغال از سمت خود کناره گیری کرد. گاسپار از سال ۲۰۱۱ وزیر دارایی پرتغال بود و مسئولیت اصلی تعیین سیاست های اقتصادی این کشور بر عهده وی بود. مبارزه با معضل بیکاری و کاهش میزان کسری بودجه دولت از جمله چالشهای بزرگ گاسپار در مهار مشکلات اقتصادی به شمار می رفت. «ماریالوئیس آلبوکرک» از مسئولان خزانه داری و تنظیم برنامه بودجه پرتغال به جانشینی گاسپار تعیین شد.



ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان

فرهنگی ۱۳۴

چهارشنبه ۱۲ تیر ۱۳۹۲ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / شماره ۲۵۶۳۰

آموزه



ویکتور هوگو:

پرنده روی شاخه سست و ضعیف می‌نشیند، آواز می‌خواند؛ احساس می‌کند شاخه می لرزد، اما به آواز خواندن خود ادامه می دهد زیرا مطمئن است بال و پر دارد.مانند پرنده باش!

سر سخن

کریم فیضی

در حاشیه دیجیتالیسم

ذهن، معما و باز ذهن

ذهن در داخلی ترین و بدیهی ترین هویت و حیثیت خودش، موجودی است بالفعل که راهها را به خوبی می شناسد و در شرایط ضروری و حتی اضطراری ـ یعنی در مواقعی که خود را در برابر زنجیرهای بن‌بست مضطر می بیند ـ حیرت‌آورترین راهها را انتخاب می کند و حالتی به خود می گیرد که بالکل بی‌سابقه است و تطبیق آن با سابق ولاحق تصاویر و عملکرد همان ذهن و حتی دیگر اذهان، اگر محال نباشد، دشوار محض است. کارهای خارق‌العادهٔ جهان و تاریخ و تصاویر عجیب و غریب انسان متمدن حاصل این بخش از ذهن است که با وصف‌هایی مانند: خوب، بد، وحشتناک، شاهکار و حیرت‌آور و اعجازآمیز در حافظهٔ زندگی و فرهنگ بشری بایگانی و ذخیره شده است. بدون درنظر گرفتن این بُعد ذهن که از دریچه‌هایی مانند انتقام‌های بزرگ، نبردهای بزرگ، قیام‌ها و رهبری‌های بزرگ آفرینش‌های بزرگ و ابداع و ابتکارهای بزرگ قابل مشاهده است، راه ما برای مشاهدهٔ واقعیت ذهن مسدود خواهد بود و تا ابد نخواهیم توانست دربارهٔ ذهن یک گزارهٔ درست و صحیح بر زبان جاری کنیم. این موضوع را می‌توان به این صورت تشریح و تفسیر کرد که ذهن آن نیست که کارهای معمولی و روزمرهٔ زندگی و اجتماع را تمهید می‌کند و به صورت روزانه و ماهانه و سالانه عرضه می‌کند و از این دهه به آن دهه حرکت می‌کند، با کارنامه‌هایی که می‌توان با عدد و رقم و منحنی‌هایی با خط و خطوطی رو به بالا یا رو به پایین، کاملاً به ارزیابی آن پرداخت. ذهن به معنای واقعی کلمه، آن است که این کارها را نمی‌کند!

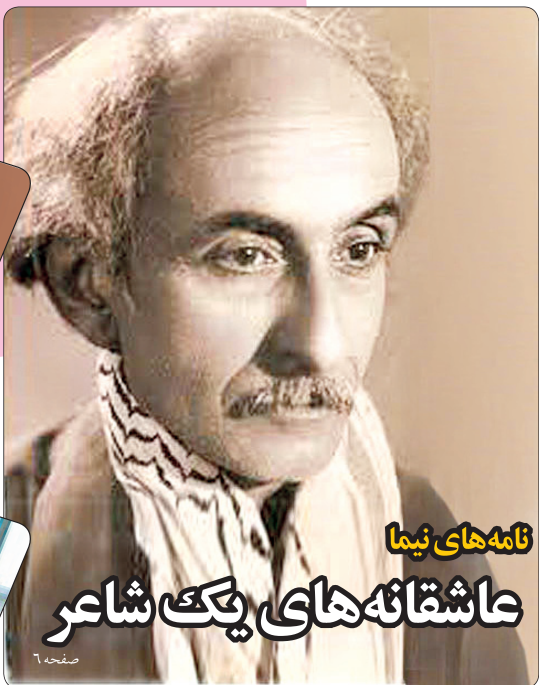
بنابراین، ذهن را نباید در کارهایی که انجام داده و می‌دهد و خواهد داد، جست بلکه ذهن را باید در کارهایی که انجام نداده است، جستجو کرد. به عبارت دیگر: ذهن را در آنچه بروز می‌دهد و به ظهور می‌رساند جستجو نکنید، بلکه به طور مشخص در چیزهایی جستجو کنید که بروز نمی‌دهد و ظاهر نمی‌کند و با گذشت زمان و با فرا رسیدن موقعیتی – که خود ذهن با ضرباهنگی مدون و منطق فهم مخصوص خودش تعیین می‌کند ـ به عرصهٔ عمل و واقعیت می‌رساند.

پس، ذهن در حرف‌هایی که زده می‌شود و تصاویری که کشیده می‌شود و شعرهایی که سروده می‌شود و کتابهایی که نوشته می‌شود و خوانده می‌شود و نطق‌هایی که ایراد می‌شود و این سو و آن سو منتشر می‌شود، قابل بازیابی نیست؛ ذهن در حرف‌های نزده و تصاویر غیرمصور و کارهایی که به بروز و ظهور نرسیده، جولان می‌دهد و مستتر است. شاهد بر این موضوع، تاریخی است که بشریت پشت سر نهاده است. از همین جا می‌توانید این فرضیه را جدی بگیرید که آنچه امروز به بروز و ظهور رسیده است، الزاماً تمام واقعیت نیست و مهمتر از آن، آنچه فردا به ظهور و بروز خواهد رسید یا می‌تواند برسد، الزاماً در ادامهٔ حرکت‌های شناخته شده و متعارف امروز و دیروز نیست. از این منظر، ذهن موجودی است ناشناخته که حتی وصف ناشناختگی خودش را نیز از محدودهٔ دید و عرصهٔ فهم پنهان می‌کند.

در واقع، ذهن، بنابر مختصات ذاتی خودش، اجازه نمی‌دهد شناخته شود. برای این منظور، پیوسته گوشه‌هایی از خود را ظاهر می‌کند و سوداگران شناخت ذهن یا کسانی را که گمان می‌کنند مشاهدهٔ عملکرد ذهن مساوی است با علم یافتن به آن، عملاً گمراه می‌کند و چشم‌شان را در دایره‌هایی محسوس به نظاره مشغول می‌کند، غافل از اینکه: صورتی در زیر دارد، آنچه در بالاستی.

اگر از ذهن به عنوان سرچشمهٔ فهم آدمی و سرمنشأ تداوم جهان و زیربنای علوم و فنون و نظریه‌ها و تئوریها و علم و آگاهی‌ها، تصویری غیر از این داشته باشید، به راحتی می‌توان ادعا کرد که هیچ شناختی از ذهن در اختیار ندارید و از ماهیت و جوهر و گوهر آن هیچ چیزی نمی‌دانید. هر نوع احساس علم و آگاهی و احاطه به ذهن ـ که حکمش لاجرم توسط خود ذهن امضاء می‌شود ـ مقدمه‌ای است غیرقابل انکار بر به بیراهه رفتن ذهن و دور شدن از منطقه و منطق واقعی ذهن. با همهٔ تحقیقاتی که دربارهٔ ذهن شده و با وجود همهٔ آگاهی‌ها و داشته‌ها و دانسته‌هایی که دربارهٔ ذهن در اختیار داریم و عشری از آن موجب پدید آمدن هزارها جلد کتاب در زمینهٔ بیولوژی و فلسفه و روانشناسی و زیست‌شناسی و ذهن‌شناسی و شناخت‌شناسی شده، ذهن هنوز یک معمّاست و در جایی که نمی‌دانیم کجاست و نمی‌توانیم بدانیم، به نظاره ایستاده و به خرسندی‌های ما دربارهٔ علم و آگاهی و حتی ایمان به ذهن لبخند و پوزخند می‌زند.

آنچه تا اینجا گفتیم، مطالبی است مقدماتی که از فرط روشنایی و وضوح، دربارهٔ عملکرد ذهن تا صد سال پیش و میراثی که ذهن در اقلیم‌های مختلف خوب و بد و قابل قبول و غیرقابل قبول، راست می‌آید و صحت صدق دارد. همین موضوع را پایه قرار می‌دهیم و مدعای اصلی این نوشته را بیان می‌کنم و آن این است که: ذهن امروز، بالنسبه به ذهن دیروز به توان n است و در این موضوع شکی نیست ولی ذهن فردا، در قیاس با ذهن توان n خوردهٔ امروزی حالتی شدیدتر و عجیب‌تر خواهد داشت، به این معنا که...



دکتر صدیقی

فرهیخته نا شناخته

نامه‌های نیما

عاشقانه‌های یک شاعر

صفحه ٦

محمد مهدی فتوره چی: سخن از مردی دانشمند، آگاه، وطن دوست و مزین به زیور اخلاق است؛ فرهیخته‌ای گمنام در این زمان که در گذشته همرزمان و وابستگانش وی را مرد خدا، مرد روزهای سخت و فرهیخته‌ای صادق و بی ادعا می‌دانستند؛ اندیشمندی که لحظه‌ای از خدمت صادقانه به وطن سرپیچی نکرد و در این راه، سرزنش و محنت‌های فراوانی را از جمله حبس و حصر در زندان‌های استبدادی شاه را بارها به جان خرید تا شرف و عزت ایرانیان به حراج نرود؛ وی در مقاطعی از حیات سراسر پندآموزش آن چنان بر اعتقادات و تفکراتش پای می‌فشرد که شاه مستبد وی را با تعبیر «مرد یکدنده و سرسخت» یاد می‌کرد.غلامحسین صدیقی در دوازدهم آذرماه ۱۲۸٤ شمسی در محله سرچشمه تهران متولد شد. وی ابتدا به وزارت پست و تلگراف و تلفن منصوب گردید و پس از قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ وزیر کشور (و پس از مدتی نایب نخست وزیر) شد و تا آخرین دقایق کودتای بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ در کنار همرزم خود مصدق باقی ماند. دکتر صدیقی از آغازین روزهای همکاری با دکتر مصدق، در بحرانی‌ترین شرایط، فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد و در تشکیل جبهه ملی نقش اساسی داشت. ازدیدگاه برخی از نزدیکان وی از جمله پرویز ورجاوند مراتب شیفتگی او به مصدق به سان ارتباط معنوی و عاشقانه مولانا و شمس تبریزی بود. شاید از همین رو بود که وی در جایی ابراز داشت که «صداقت را از پدر و سیاست را از مصدق آموختم». دکتر صدیقی عضویت در دولت مصدق را از مهم‌ترین افتخارات زندگی خود می‌دانست. همکاری و هم فکری نزدیک با مصدق موجب شد که وی متعاقب کودتای آمریکایی – انگلیسی ۱۹۵۳ همراه مصدق به زندان افتد. علی رغم همه این گونه شکنجه‌ها و فشارهای سیاسی، دکترصدیقی در سال ۱۹٦۰ متعاقب جلساتی که پیش درآمد آغاز فعالیت‌های مبارزاتی‌اش بر علیه رژیم به شمار می‌آمد، جبهه ملی دوم را پایه‌گذاری کرد. کمتر مبارز فرهیخته دانشگاهی را می‌توان در دوران خفقان نظام شاهنشاهی نام برد که همچون او، سخنرانی‌های متهورانه‌ای را در محافل سیاسی (از جمله در متینگ جبهه ملی در جلالیه در ۲۸ مرداد ۱۳٤۰) ایراد کرده باشد و یا حتی در دیدار با شاه با عباراتی، وی را به طور بی سابقه‌ای مورد شماتت و بازخواست قرار داده باشد. شجاعت توام با قدرت کلامش به گونه‌ای بود که همه گروه‌های سیاسی و حتی شاه مستبد را تحت تاثیر قرار می‌داد؛ تا جایی که در دادگاه محاکمه دکتر مصدق با استواری مثال زدنی شعار خدا، شاه، میهن را به باد استهزاء گرفت. وی در هیچ زمان و مکانی از بیان حقیقت ابایی نداشت و حتی علی رغم مخالفت اعضای جبهه ملی، از مبارزات حضرت امام (ره) در برابر شاه خائن با صدور اعلامیه‌ای با استفاده از تعبیر «مقاله لعنتی» خطاب به شاه، حمایت خود را از اقدامات و مواضع آن امام نستوه اعلان کرد.

جوابیه کتابخانه مجلس به نوشته دکتر امید سالار

شکری با شکایت

در آن دیار دور که پیران جفا کنند

از کودکان خرد چه جای شکایت است

در ضمیمه فرهنگی روزنامه مورخ ۹۲/٤/۵ اطلاعات مطلبی ارسالی از آمریکا به‌عنوان «کتابخانه مجلس شورای اسلامی و نسخه‌های خطی آن، خوش ولی مستعجل» به قلم آقای دکتر محمود امید سالار، درخصوص خدمات اینترنتی این کتابخانه درج شده بود که متأسفانه آکنده از گزارش سراسر کذب در مورد کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و نیز اهانت به رئیس آن بود بدینوسیله مقتضی است مراتب را برابر قانون مطبوعات به نحو شایسته درج فرمائید:

الف) تحولاتی که در چند سال اخیر در کتابخانه مجلس روی داده است، همچنان تداوم یافته و کافی است اشاره شود در دو هفته اخیر ۳٦۰۰ فایل دیجیتال به منابع دیجیتال کتابخانه افزوده شده است.تلاش همکاران ما همواره بر این است که کلیهٔ اطلاعات را به روز کرده و به محض اینکه تصویر نسخه‌ای تهیه شود بلافاصله در اختیار همگان قرار گیرد.

ب) در کتابخانه دیجیتال مجلس دسترسی به آخرین منابع دیجیتال اعم از خطی – سنگی و سربی – عکس‌های نمایندگان و نشریات همواره امکان‌پذیر است.

ج) شایان ذکر است اطلاعات کتابشناختی تفصیلی کل نسخ خطی در حال به روز رسانی و ویرایش بوده و در حال اتمام است. احیاناً اگر منبعی فایل دیجیتال ندارد، یا به تازگی اطلاعات آن وارد شده و یا جدیداً فهرست شده است که در اسرع وقت فایل پیوست اضافه خواهد شد. ولی حذف و یا عدم مشاهده این منابع هرگز در دستور کار نبوده و نیست.

د) حذف کامل دهها هزار نسخه خطی مورد ادعای نویسنده، افترا و کذب محض است و شاهد آن انبوه محققان مراجعه‌کننده به وبسایت کتابخانه هستند که از گذشته تا حال همچنان از خدمات بخش دیجیتال نسخه‌های خطی بهره‌مند می‌شوند و هیچ کدام مؤید ادعای کذب ایشان نیستند.

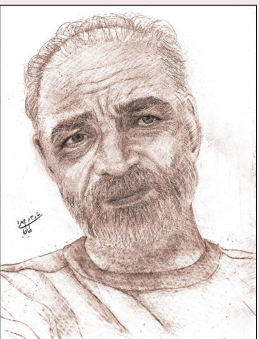
هـ) خصومت ایشان با شخص رئیس کتابخانه که با عباراتی ناپسند آشکار شده است – در حالی که هیچ سابقهٔ آشنایی بین آنها وجود ندارد – واجد اهمیتی نیست که قابل توضیح باشد؛ جز آنکه محتملاً به قطع سوء استفاده برخی افراد فرصت طلب از کتابخانه مربوط گردد. و الله اعلم.

روابط عمومی و امور بین‌الملل کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

آغداشلو و «خاطرات انهدام»

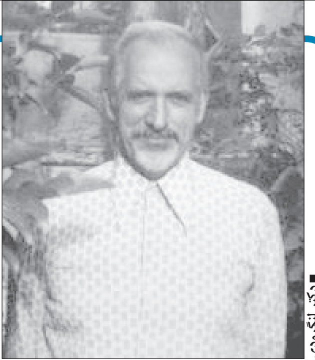
آیدین آغداشلو، فرزند محمد بیک آغداشلو (حاجی اوف)، در سال ۱۳۱۹ در رشت، به دنیا آمد

۱۱ ساله بود که پدرش را از دست داد. پس از آن به همراه مادرش به تهران آمد و در سال ۱۳۳۲ وارد دبیرستان جم در محله قلهک شد. اولین اثر نقاشی اش زمانی که او ۱٤ ساله بود به فروش رسید. ۲ سال بعد، طراحی گرافیک را در موسسه تبلیغاتی آشنا آغاز کرد و چندی بعد در بخش تبلیغاتی روزنامه اطلاعات مشغول به کار شد. در ۱۹ سالگی به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۳٤٦، از ادامه تحصیل منصرف شد. اولین مقاله‌اش را در زمینه نقد هنری در مجله اندیشه و هنر انتشار داد و از آن پس نگارش نقد هنری و ادبی را ادامه داد.وی از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ در هنرستان هنرهای زیبای پسران و دانشکده هنرهای تزئینی به تدریس مشغول بود و در طی همین سال‌ها در انجمن ایران و آمریکا در تهران یک نمایشگاه انفرادی نقاشی برگزار کرد.آغداشلو در تأسیس موزه رضا عباسی در سال ۱۳۵٦ نقش مؤثری داشت و به سرپرستی آن منصوب شد. مشارکت در تاسیس و برنامه‌ریزی موزه هنرهای معاصر تهران، موزه کرمان و موزه خرم آباد از دیگر فعالیت‌های او در این زمینه است. وی یک سال پس از انقلاب اسلامی کار گرافیک را از سر گرفت و از سال ۱۳۵۹ در دانشکده هنر دانشگاه الزهرا، دانشگاه آزاد و دانشگاه کرمان به تدریس روی آورد و در ضمن به ایراد بیش از ۲۰۰ سخنرانی در ایران و خارج از کشور پرداخت. آغداشلو از سال ۱۳۵۹ نقاشی را در سطح وسیعی ادامه داده و از آن پس دربیش‌از ۳۰ نمایشگاه گروهی شرکت کرده است. او تا امروز چندین کتاب منتشر کرده که از آن جمله می‌توان به «تک چهره ها»، «آقا لطفعلی صورتگر شیرازی» و «سال‌های آتش و برف» اشاره کرد. سری آثار او با عنوان «خاطرات انهدام» شهرت بین المللی دارد.



گفت

با دکتر جعفری لنگرودی
آثار و تألیفات


■ دکتر لنگرودی

اگر آقای دکتر لنگرودی موافق باشند دربارهٔ همین مسأله صحبت کنند، یعنی دربارهٔ تلاشی که شاید بیش از ۳۰ سال از عمر آن می‌گذرد و اگر کسی تمامی آثار ایشان را مطالعه کند شروع این خط را از همان ابتدا و ادامهٔ آن را تا آخرین اثر ایشان خواهد دید و آن به اصطلاح عبارت است از طراحی و مهندسی مدون حقوقی را به هم مرتبط می‌سازد، به جهت اهمیت این نکته توضیح بفرمایید!

دکتر جعفری لنگرودی: این سؤال جوابش برمی‌گردد به سال ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ که بنده از خراسان به تهران منتقل شدم و علاقمند بودم که تحصیلات جدیدم را که در دانشسرای مقدماتی رشت رها کرده بودم دوباره به پایان برسانم. بخصوص که دورهٔ تحصیلات مذهبی و سنتی را در خراسان بودیم و وقت و فراغتی هم بود که این یکی را هم مثل آن یکی به پایان برسانیم که کار ناتمام از نظر علمی سخت ناراحت‌کننده و طاقت‌فرسا بود. به هر حال در دانشگاه تهران ـ‌که باید آن را مایه امید ۷۰ میلیون جمعیت ایران دانست ـ‌مشغول شدیم. همین جا این نکته را بگویم که در اعتلا و ارتقای دانشگاه تهران همه مردم ایران باید سهم داشته باشند و آن را به عالی‌ترین سطح جهانی‌اش برسانند تا بتواند نیازمندی‌های جامعه را برطرف سازد و حقاً هم دولت و هم ملت به این مسأله توجه داشته‌اند ولی توقعی که ما داریم این است که این عنایت را صدچندان کنند برای اینکه چهل میلیون جمعیت بخصوص نسل جوان که حق به گردن دانشگاه دارد و خانه اصلی‌شان است چشم امید به آن دارند. وقتی که به دانشگاه تهران آمدیم در اولین برخورد، یک جرقه مقایسه‌ای مابین دو حوزه و دو قطب فرهنگی که هر دو قابل ملاحظه بودند و هر دو ارزش مقایسه داشتند در ذهن ما به وجود آمد، چون در همین مقایسه‌ها است که برکت پیدا می‌شود و این مقایسه‌ها مثل دو سنگ آتشزنه است که به محض اینکه به هم می‌خورند از آن آتش درمی‌آید. اگر کسی می‌خواهد از سنگ‌های آتشزنه علمی استفاده کند، باید هر دو قطب علمی را طی کند. هم حوزه را ببیند و هم دانشگاه را و اگر این دو تا را ببیند وحدت حوزه و دانشگاه جنبه رسمی و واقعی پیدا می‌کند، یک چند درصدی ممکن است موفقیت داشته باشد که البته بنده را قانع نمی‌کند و البته قناعت به همت مربوط می‌شود، یک کسی همتش والاست و به چیز بالایی علاقه دارد و یک کسی هم همتش پایین‌تر است به چیز پایین‌تری علاقه دارد. این بحث را با این شعر کلیم خاتمه دهیم، شعر بسیار نفیسی که مشابه آن را به عربی و فارسی ندیده‌ام که می‌گوید:

طبعی بهم رسان که بسازد به عالمی
یا همتی که از سر عالم توان گذشت

مقایسه دو فرهنگ و دو قطب فرهنگی برای بنده از سرگرم‌کننده‌ترین کارهای آموزشی و علمی بوده یک طرف فرهنگ اسلامی با ابعاد گسترده‌اش که ما یک کوله‌باری از آن بسته بودیم و با خود آورده بودیم و از طرفی هم اساتید محترم دانشگاه تهران هر کدام از یک کشور دنیا فارغ‌التحصیل شده بودند و هر گلی بوئی برای خودش داشت، من می‌توانستم در نشست و برخاست و مجالست با اساتید دانشگاه از آن بُعدهای مثبت قضایا استفاده بکنم ولو از راه مباحثه و تبادل‌نظر و راهنمایی‌های خارج از درس، متون درسی آن موقع مرا زیاد جلب نمی‌کرد لکن مذاکره با اساتید خیلی مفید، آموزنده و سازنده بود، به همین جهت کسانی که می‌خواهند دانشگاه تهران را ارزیابی کنند بر روی نشست و برخاست با دانشمندان که توصیه هم شده است که خذوالعلم من افواه الرجال. با مکالمه خیلی چیزها را می‌شود یاد گرفت البته پاره‌ای از اساتید تهران هم همان‌طور که اشاره فرمودند از همان موقع به منزل بنده که یک اتاق کوچک دانشجویی بود رفت و آمد می‌کردند. می‌آمدند، می‌نشستند و بحث می‌کردند. از جمله مرحوم دکتر عیسی سپه‌رودی ـ‌چون فوت کرده اسمشان را می‌بریم که یاد خیری از ایشان باشد ـ‌علاقه زیادی به این کار داشتند و به همان اتاق ۳×۳ بنده که خیلی هم آشفته بود می‌آمدند و ساعت‌ها می‌نشستند و بحث و سؤال و جواب می‌کردیم و از این جور نمونه‌ها زیاد بود.

جناب دکتر موسی عمید که خودشان از خانوادهٔ روحانیت بودند و پدرشان از علمای بسیار بزرگ تبریز بود و برادرشان شاگرد مرحوم آشیخ هادی معروف بود و شاید مراتب علمی‌اش از پدرشان هم بالاتر بود در تبریز بودند ایشان هم تحصیلاتشان را پیش آن بزرگوار کرده بودند، بعد هم که در تهران آمدند عازم اروپا شدند و آنجا هم تحصیلات سنگینی کرده بودند و وقتی که برگشته بودند جامعیت دو قطب فرهنگی را داشتند به همین جهت از این زاویه مورد توجه شاگردانشان بودند، ایشان تدریجاً متوجه شده بودند که ما هم چند کلمه‌ای بلدیم و بعد مصر شده بودند که شما حتماً باید به منزل من بیایید تا بنشینیم و با هم بحث علمی بکنیم. غالب اوقات بنده به منزلشان در خیابان هدایت می‌رفتم و ایشان در کارهای تعلیماتی سؤالاتشان را با بنده مطرح می‌کردند و ما چون جوان‌تر بودیم و حضور ذهنمان زیادتر بود معمولاً موارد سؤال و نیاز ایشان را قبلاً آماده می‌کردیم و حتی بعضی از تألیفاتشان مثل کتاب هبه و وصیت‌شان را بنده کار کردم، لکن با وجود اینکه خودش در زمان حیاتش اصرار داشت که اسم بنده در آنجا باشد چون در پایان چاپ کتاب ایشان فوت کردند بنده هم حاضر نشدم که اسمم را پشت کتاب ایشان بگذارم برای اینکه فکر می‌کردم باید خودشان می‌بودند و این حق ایشان است و آن‌که در مقدمه بعضی از دوستانشان نوشتند بعضی حاضر نشدند اسمشان را بگذارند بنده بودم که اسمم را حاضر نشدم پشت کتابشان بگذارند. مطلب اساسی این بود که دانشگاه تهران یک آتشزنه و یک جرقه‌ای بود که ما را کشاند به مقایسه‌های فرهنگی در زمینه حقوق بین سیستم‌های حقوقی که موجود بودند. سیستمی که الان کشورهای متعددی وابسته به این سیستم حقوقی هستند و سردمدارشان فرانسه، بلژیک، هلند، ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، لوکزامبورگ و تا اندازه‌ای کشورهای اروپای شرقی مثل یوگسلاوی و کشورهای فرانسوی‌زبان یا اسپانیایی‌زبان آمریکای جنوبی و آفریقا هستند. این‌ها هم سیستم حقوق رم هستند که طبقات عظیمی را تشکیل می‌دهند و حتی در ژاپن و شوروی هم نفوذ دارد. یعنی آن حقوق با همان جنگ‌های ناپلئون در دنیا نفوذ زیادی پیدا کرد. در مملکت ما هم بازگشت فارغ‌التحصیلان اعزامی که در سری اول به اروپا رفته بودند این فرهنگ همراه آن فارغ‌التحصیلان و فارغ‌التحصیل‌های دیگر بعدی آمد و به زبان فارسی و حتی متون قوانین الان هم هست.

زبان تجربهٔ دکارت دربارهٔ خود



این نکته جالب است که خود دکارت هم در این زمینه موضع مسئله آفرین مشابهی دارد. هابز با بیان این مطلب که از آنجا ما هیچ دریافت (ادراک) درونی متناظر با ایدهٔ خود یا نفس نداریم، این ایده تنها می‌تواند یک محصول صرف استنباط و دریافت نتیجه‌گیری ما باشد، به دکارت اعتراض کرده است دکارت این مطلب را که «هیچ صورت ثابت مقطعی از نفس در مخیله وجود ندارد» پذیرفته بود.

اما با این حال تأکید داشت که «چیزی وجود دارد که من آن را ایده می‌خوانم» چیزی که او «مستقیماً از آن بی‌خبر» بود و «با عقل استنباط» نمی‌شد. «زیرا هنگامی که ما مشاهده می‌کنیم موجودات آگاه (res cogitantes) هستیم، این یک نوع مفهوم ابتدایی است که نتیجهٔ هیچ قیاسی نیست؛ و علاوه بر این هنگامی که کسی می‌گوید: من تجربه می‌کنم (cogito)، بنابراین هستم یا وجود دارم، او به نحو قیاسی وجودش را از تجربه (cogitatione) استنتاج نمی‌کند، بلکه آن را به عنوان چیزی بدیهی بالذات، در یک شهود ذهنی ساده تشخیص می‌دهد.» من تجربه می‌کنم (cogito) پس هستم... این معرفت، محصولی از عقلانیت شما نیست، درسی نیست که استادان شما به شما تعلیم داده باشند؛ بلکه این چیزی است که ذهن شما می‌بیند، احساس می‌کند و به آن می‌پردازد.

لذا زبان تجربی دکارت و انکار صریح تکیه بر استدلال در این جا هر دو غیرقابل تولیداست– حتی اگر، چنان که او تأکید می‌کند، تجربه هیچ چیزی از تحلیل را در خود نداشته باشد، زیرا هر مفهومی از این دست صرفاً «وضوح این معرفت را کاهش خواهد داد.» سهل است که ببینیم چرا دعوی‌های تجربی دکارت، عموماً در این جا اثر چندانی نداشته است. زیرا در غیبت معرفت تجارب مربوط، این ادعاها اگر نه کاملاً نامعقول، مسئله‌آفرین (مشکل‌ساز) به نظر می‌رسد. اما، تجربهٔ عارفانه به ما اجازه می‌دهد که ببینیم چگونه جنبه‌های تجربی تأملات دکارت می‌تواند عیناً (جزء به جزء) و به نحو معقولی خوانده شود.

یاد

خاطرات ابوالحسن ابتهاج/ ۱۱
سفر شاه به آمریکا

در مصاحبه مطبوعاتی که شاه در واشنگتن داشت از او بیست و سه سئوال شد. سئوال سوم این بود که ابتهاج را به چه علت زندانی کرده‌اید؟ شاه در جواب گفته بود هیچ کس ابتهاج را به نادرستی متهم نکرده است اما میگویند در زمانی که او رئیس سازمان برنامه بود قوانین و نظامنامه‌ها به درستی رعایت نشده و تخلفاتی از قانون صورت گرفته است که مشغول رسیدگی به این تخلفات هستند و اطمینان می‌دهم که اگر معلوم شود ابتهاج تقصیری ندارد او را آزاد خواهند کرد. شاه اضافه کرد که بدبختانه قوانین دادگستری ما ناقص است، اول متهم بازداشت می‌شود و بعد رسیدگی می‌کنند.

بعدها اطلاع یافتم موقعی که در زندان بودم عده‌ای در آمریکا که آنها را نمی‌شناختم به وزارت خارجه آمریکا نامه نوشته و در مورد زندانی شدن من تحقیق کرده بودند از آن جمله «داگ هامر شولد» دبیر کل سازمان ملل و «ادلای استیونسن» سفیر آمریکا در سازمان ملل نامه‌هائی به وزارت خارجه آمریکا نوشته بودند و نسبت به بازداشت شدن من اعتراض کرده بودند. بعد از مراجعت شاه از سفر آمریکا هر چند وقت یک‌بار اشخاصی را به دیدن من در زندان می‌فرستادند و آنها می‌گفتند ما میل داریم ضامن شما بشویم تا شما را آزاد کنند. یک روز صبح دو نفر از مقاطعه‌کاران، که از افراد متنفذ و هیأت حاکمه بودند و مورد اعتماد دستگاه و از نزدیکترین افراد به شاه بودند، به زندان آمدند و گفتند ما می‌خواهیم همین الساعه به دادگستری برویم و ضامن شما بشویم. پرسیدم چه کسی چنین چیزی از شما خواسته؟ جواب دادند هیچکس. این تصمیم


■ ابتهاج

خود ماست. گفتم من ضامن لازم ندارم و اگر چنین کاری بکنید قبول نخواهم کرد. من به شرطی از زندان بیرون خواهم رفت که از شخص خودم تعهدنامه بگیرند.

بعدازظهر همان روز عباس مسعودی و علی دشتی به اتفاق به ملاقات من آمدند و وقتی از موضوع مطلع شدند دشتی طبق عادتی به شدت به من پرخاش کرد و گفت در یک چنین وضعی لجاجت به هیچ وجه صلاح نیست ولی پس از اینکه استدلال مرا شنید متقاعد شد. در این بین آذر هم رسید و گفت اگر تا آخر عمر هم در زندان بمانی نباید با قید ضامن آزاد شوی.

موقعی که در بیمارستان شهربانی زندانی بودم یک روز دکتر ایادی، طبیب مخصوص شاه، به دیدنم آمد. سابقاً او را در دربار خیلی دیده بودم ولی هیچ وقت رابطه دوستی با یکدیگر نداشتیم. آن روز صحبتی در اطراف بازداشت من پیش نیامد ولی با نزدیکی که ایادی به شاه داشت احتمال دارد مقصود از این ملاقات این بود که چون در آن ایام شاه و دولت امینی در موضوع بازداشت من مورد انتقاد جرائد خارجی قرار گرفته بودند سعی کنند راه حلی برای آزادی من پیدا کنند و در ضمن آبروی دولت هم که در این امر کاملاً ناشیانه عمل کرده بود تا اندازه‌ای حفظ شود.

هنگامی که هنوز در زندان بودم یک روز آذر به من اطلاع داد که سپهبد تیمور بختیار رئیس سابق سازمان امنیت که در زمان نخست وزیری امینی از کار برکنار شده بود آذر را به ضیافتی (به مناسبت گشایش منزل جدیدش در خیابان سعدآباد) دعوت کرده است. آذر پرسید مناسب هست که به این مهمانی بروم؟ جواب دادم مانعی ندارد، ولی بهیچوجه حرفی نزن و از اوضاع اظهار نارضایتی نکن.

چون آذر هر شب شام مرا شخصاً به زندان می‌آورد وقتی به مهمانی رسید دیر بود و همه سر شام بودند. بختیار آذر را به نارنجستان که مشرف به اتاق پذیرائی بود هدایت می‌کند و پس از استفسار از وضع مزاجی من، به اعتماد این که من در زندان هستم و طبیعتاً آذر از این جریان ناراضی است می‌پرسد می‌دانی چه کسی باعث گرفتاری شوهرت شده؟ آذر مکث می‌کند و او بدون اینکه منتظر جواب بشود می‌گوید شاه باعث بدبختی ابتهاج شده و مطمئنم که نوبت من هم بزودی خواهد رسید.

همین‌طور هم شد، پس از مدت کوتاهی بختیار به ژنو و بعداً به لبنان رفت و چندین‌ماه در آنجا بود و دولت ایران فشار می‌آورد که او را تحویل بدهند تا اینکه از آنجا عازم بغداد شد و از عراق علیه حکومت شاه فعالیت می‌کرد. چند وقت بعد گفته شد بختیار به دست مأمورین امنیتی ایران که به این منظور به عراق فرستاده شده بودند درحین شکار به قتل رسیده است.

همانطور که گفته شد به علت کسالتی که داشتم ماههای آخر زندان را در بیمارستان شهربانی گذراندم. یک شب بازپرس پرونده من، عبدالله نصیری، به دیدنم آمد و یک صفحه کاغذ جلوی من گذاشت و گفت قرار آزادی شما صادر شده است و درخواست کرد آنرا امضاء کنم. دیدم در چند سطر نوشته‌اند که ابتهاج با التزام شخصی خودش آزاد می‌شود به شرط اینکه بدون اجازه از حوزه قضائی تهران خارج نشود و اگر خارج شد مبلغی در حدود یازده هزار میلیون ریال بپردازد چون به خاطر داشتم مبلغی که علیه من ادعا می‌کردند در حدود سیزده هزار میلیون ریال بود به نصیری گفتم این مبلغ درست نیست. دستپاچه شد و گفت کجای آن درست نیست؟ گفتم این رقم باید سیزده هزار میلیون ریال باشد. نصیری گفت برای شما چه اهمیتی دارد که این رقم چقدر باشد؟ گفتم برای من اهمیت دارد که بدانم این تفاوت بابت چیست؟

در این ضمن شریعت‌زاده هم وارد شد. وقتی از موضوع اطلاع پیدا کرد گفت شما چرا اصرار می‌کنید؟ این آقا آمده و می‌گوید شما این ورقه را امضاء کنید و از زندان بیرون بروید. شما هم که همیشه می‌خواستید با امضاء شخص خودتان آزاد شوید این چه اشکالی دارد؟ گفتم من باید بدانم که این تفاوت مربوط به چیست. وقتی نصیری دید من امضاء نمی‌کنم گفت اضافه بر یازده هزار میلیون ریال ما از شخص دیگری هم ضمانتی به مبلغ دو هزار میلیون ریال گرفته‌ایم.

روایت

حسن جوادی

ادوارد براون؛ خائن یا خادم؟
تاریخ‌نگار ادبیات ایران


■ ادوارد براون

به سال ۱۸۸۸ در بازگشت از ایران براون به عنوان دانشیار فارسی دانشگاه کیمبریج انتخاب می‌شود و تا آخر عمر (یعنی تا ۱۹۲۶) در این شهر اقامت می‌گزیند و در ۱۹۰۲ استاد کرسی عربی این دانشگاه می‌شود. اندکی پیش از مسافرت به ایران، براون به نوشته‌های کنت‌دوگوبینو درباره فرقه بابیه برمی‌خورد ...و تصمیم می‌گیرد دنباله شرح کنت‌دوگوبینو را از ۱۸۲۵ به بعد به تفصیل بنویسد. طی مسافرت خود، براون با بابیان و بهائیان متعددی آشنا می‌شود و پس از مراجعت مقالات محققانه زیادی در این باره برای مجله «انجمن شاهی آسیایی» می‌نویسد و نتیجه این مطالعات را به صورت کتاب‌هایی چون «مقاله شخصی سیاح که در قضیه باب نوشته شده است» در دو جلد، ترجمه «تاریخ جدید میرزا علی‌محمد باب به قلم میرزا حسین همدانی»، طبع «کتاب نقطهٔ‌الکاف» حاجی میرزا جانی، و «موادی برای مطالعه مذهب بابی» به ترتیب در ۱۸۹۱، ۱۸۹۳، ۱۹۱۰ و ۱۹۱۸ به چاپ می‌رساند. عده‌ای اظهار تأسف کرده‌اند که چرا براون اینقدر وقت خود را صرف مطالعه باب و بهاء، کرده است، و از طرف دیگر به عقیده برخی دیگر کاملاً حق مطلب را ادا نکرده است و آثارش از انتقاد نسبت به این دین خالی نیست ولی باید توجه داشت که براون نه مسلمان بوده است و نه بهایی و هیچگونه تعصبی نسبت به این دو مذهب نداشته است. قصد او فقط تحقیق در دینی بوده است که تازه در آن زمان پیدا شده و طرفدارانی پیدا کرده بود، براون می‌کوشد، تا موقع از دست داده نشده است و مدارک از میان نرفته، شرحی از تمام جزئیات این واقعه به دست آورد...

برای این منظور مجموعهٔ بی‌نظیری هم از نسخ خطی شیخی و بابی فراهم می‌آورد که بیش از یک پنجم مجموعهٔ نفیس کتب خطی او را تشکیل می‌دهد.

بزرگترین اثر علمی براون تاریخ ادبیات مشهور اوست که قسمت اعظم مطالعات و تحقیقات حیات ادبی او را دربردارد. در حدود سال ۱۹۰۰ فکر نوشتن تاریخ ادبی ایران که براون مدت‌ها در فکر آن بود، شکل نهایی به خود می‌گیرد و مطابق قراردادی که با انتشارات دانشگاه کیمبریج می‌بندد متعهد می‌شود که کتابی در پانصد صفحه راجع به تاریخ ادبیات ایران بنویسد، و در آن «تجلی نبوغ ملی ایرانی را در زمینه‌های مذهب، فلسفه و علوم» نشان دهد. بدین ترتیب این کتاب تنها تاریخ ادبیات نبود، بلکه بیشتر به سیر عقاید و نهضت‌ها مربوط می‌شد و تنها به بحث کتب ادبی قناعت نمی‌کرد. براون اولین جلد آن را به عنوان «تاریخ ادبی ایران ـ‌از قدیم‌ترین ادوار تا فردوسی» در ۱۹۰۲ منتشر ساخت و سه جلد دیگر «از فردوسی تا سعدی» در ۱۹۰۶، «تاریخ ادبیات ایران در دورهٔ تسلط تاتار» در ۱۹۲۰ و «تاریخ ادبیات ایران در دورهٔ معاصر» را در ۱۹۲۴ منتشر کرد. بدین ترتیب براون در چهار جلد، تاریخ ادبیات و نهضت‌های فکری و شمه‌ای از تاریخ ایران را تا سال ۱۹۲۴ نوشت. این اثر به راستی نقطهٔ عطفی است در مطالعات ایرانشناسی و هنوز هم ارزش علمی خود را از دست نداده است. چون از طرفی هنوز یکی از مراجع عمدهٔ تحقیق برای دانشمندان ایرانی و ایران‌شناسان به شمار می‌رود؛ و از سوی دیگر، با وجود انتشار کتب مختلف به زبان‌های دیگر اروپایی در این زمینه، به علت احتوای تمام ادوار ادبی ایران و داشتن ترجمه‌های متعدد و خوب از آثار منظوم و منثور فارسی، بهترین معرف ادبیات فارسی برای خارجیان شمرده می‌شود. و نیز براون منتخبی از بهترین ترجمه‌های خود را از اشعار فارسی به نام «ایرانی ـ‌مجموعهٔ شعر» در سال ۱۹۲۷ منتشر کرد.

در مدتی که براون مشغول تألیف تاریخ ادبی ایران بود مقدار معتنابهی مقاله و کتاب در زمینه‌های مختلف منتشر کرد که از آن جمله می‌توان سه جلد فهرست نسخ خطی اسلامی کتابخانهٔ دانشگاه کیمبریج، چاپ لباب‌الالباب عوفی (با همکاری علامهٔ قزوینی)، تذکرهٔ الشعراء دولتشاه و ترجمه‌های چهار مقاله، تاریخ طبرستان و تاریخ گزیده را نام برد. در ضمن تحصیلات طبی‌اش نیز بی‌فایده نماند و نتیجهٔ مشترک مطالعات طبی و شرق‌شناسی خود را به صورت یک رشته سخنرانی در ۲۰ ـ ۱۹۱۹ در کالج سلطنتی پزشکان لندن عرضه داشت که در ۱۹۲۱ به صورت «طب عربی» به طبع رسید. یکی از کارهای مهم براون به چاپ رسانیدن پنج جلد باقیماندهٔ «تاریخ شعر عثمانی» دوستش جان ویلکینسن گیب بود که هنگام مرگش در ۱۹۰۱ فقط جلد اولش به چاپ رسیده بود. مقابلهٔ ترجمهٔ اشعار با اصل آنها، و به پایان رسانیدن بعضی از ترجمه‌ها و قسمت‌های دیگر، خود کاری بزرگ و مشکل بود. تا جلد سوم «تاریخ شعر عثمانی» را گیب تا حدی تمام کرده بود ولی جلد چهارم را خود براون از روی طرح کوتاهی که باقیمانده بود نوشته است و دو جلد آخر را نیز که یکی متن اشعار و دیگری سه فصل آن از گیب می‌باشد، براون کامل ساخته است.



◆ نوشتاری از دکتر شرف‌الدین خراسانی ◆

آتن، زادگاه دموکراسی

آغاز تاریخ آتن که بزرگترین شهر و مرکز ناحیهٔ آتیکا در یونان بوده است، پس از انحطاط و زوال تمدن موکنی به هیچ روی روشن نیست. آنچه به روشنی می توان گفت، در آغاز، در ناحیهٔ آتیکا مردمان وابسته به قبایل ایونی مسکن داشته‌اند. قرن‌ها فرمانروایی و حکومت در دست زمینداران بزرگی بوده است که می توان آنان را شهریارانی به شمار آورد که با گذشت زمان بیشتر و بیشتر نیروی سیاسی جامعه را به دست می گرفتند. سرانجام قدرت سیاسی در دست یک شهریار متمرکز شده بود که در رأس اشراف زمیندار جای داشت و اشراف دیگر به وی در کار کشورداری یاری می کردند. تقسیم سازمان اجتماعی بدین‌سان بود که همهٔ مردمان ساکن آتیکا در چهار گروه گرد ظاهراً آمده بودند که هریک را فوله Phulè یا «عشیره» می نامیدند و پیوند میان ایشان خویشاوندی بوده است که آن را به چهار فرزند افسانه‌ای ایون Ion باز می گرداندند. این چهار عشیره گلئونتس Gleontès هوپلتس، Hoplètes، آیگیکورس Aigikorès و آرگادس Argadès نام داشته‌اند. این نامگذاری‌ها ظاهراً بنابر شکل و ویژگی نقش فعالیت و وضعیت اجتماعی هریک از این چهار گروه‌بندی محلی بوده است. زیرا هوپلتس جنگاوران، آیگیکورس دارندگان گله‌های بز و آرگادس کشاورزان معنی داشته‌اند. هر فوله دارای رئیسی به نام فولوباسیلیوس Phulobasileus یا «سلطان‌فوله» بوده است. هر فوله همچنین خودش به سه فراتریا Phratria یا «گروه برادری» تقسیم می‌شد، و هر فراتر یا سی خاندان یا دودمان را در برمی گرفته است و هر دودمان نیز سی خانوار را شامل می‌شده است که هریک از این خانوارها، خود را از نژاد یکی از پیشینیان می‌دانسته و آیین‌های ستایش و نیایش ویژه خود داشته است. از لحاظ سازمان اداری نیز، در هر شهر چهل و هشت ناوکراریا Naukraria یا ناحیه‌هایی برای انجام کارهای اداری و مالی وجود داشته است، بدین‌سان که از هر فوله دوازده ناوکراریا انتخاب می‌شده‌اند. هر یک این نواحی بایستی دو سواره و یک کشتی به اختیار ارتش و نیروی دریایی می‌نهاد.

در سراسر دوران تسلط شهریاران، آتیکا دارای یک نوع وحدت سیاسی شده بود. سلطنت در دودمان شهر یاران موروثی بود و چنانکه اشاره شد، سازمان سیاسی کشور به دست ایشان و با همکاری اشراف دیگر که وی را به سروری پذیرفته بودند اداره می‌شد. این سنت تا هزارهٔ اول و حتی سدهٔ نهم پیش از میلاد در آتیکا ادامه داشت. واپسین سلسلهٔ پادشاهان آتیکا دودمان مدونتیدها Medontid بود. چنانکه گفته شد، از همان آغاز، نمایندگان گروه‌های اشرافی دیگر نیز با شهریار در ادارهٔ کارهای سیاسی کشور همکاری می کردند. با گذشت زمان دامنهٔ این همکاری تنگتر می‌شد. سرکردگان گروه‌های اشراف که خود را یوپاتریدس Eupatridès یعنی «نیک‌نیا» و فرزندان دودمان اصیل و شریف می‌نامیدند، به نگهداشت و افزایش منافع و خواسته‌های شخصی خود در برابر شهریاران دلبستگی بیشتر نشان می‌دادند و به دیگر سخن وجود شهریاران را مانعی در راه گسترش و افزایش منافع خود می دانستند و بدین‌سان اندک‌اندک توانستند نفوذ خود را در کاخ شهریاران بیشتر کنند و خودشان در ادارهٔ سیاست و کارهای اجتماعی نقش اساسیتری برعهده گیرند. سرانجام در پایان سدهٔ نهم و آغاز سدهٔ هشتم پیش از میلاد بیشتر و بیشتر به هدف خود که استقلال سیاسی بود نزدیک می‌شدند. ایشان توانستند نخست موروثی بودن سلطنت را لغو کنند و پس از مرگ هر شهریار شخصی را که خودشان می خواستند به سروری برگزینند و سپس مدت فرمانروایی وی را نیز معین کنند. در سال ۷۵۲ پیش از میلاد مدت سلطنت را به ده سال محدود ساختند. در سال ۷۱۴ امتیاز و حق انحصاری پادشاهی را نیز از میان برداشتند و بدین‌سان فرمانروایی به شکل حقی درآمد که همهٔ بستگان به طبقهٔ اشراف می توانستند از آن برخوردار شوند و مدت حکومت هر کسی تنها به یک سال کاهش یافت. اکنون فرمانروایان تنها آرخون Arkhõn یا فرمانده نامیده می‌شدند. تا اینکه به سال ۶۸۳ پ. م زمام حکومت در آتن در دست نه نفر آرخون نهاده شد و بدین‌سان شکل سنتی شهریاری از میان رفت و حکومت به صورت فرمانروایی چند نفری درآمد که یونانیان آنرا اولیگارخیا Oligarkhia می‌نامیدند. هریک از آرخون‌ها عنوانی ویژه و مناسب با وظایف خود داشتند که توضیح آنها در اینجا لازم نیست.

اما اجتماع آتیکا و مرکز آن آتن از دیرباز در زیر نفوذ و در دوران فرمانروایی شهریاران یا اشراف بزرگ زمیندار به سه طبقهٔ مشخص اجتماعی تقسیم شده بود: نخست، چنانکه اشاره شد طبقهٔ اصیلزادگان یا یوپاتریدای، بودند. طبقهٔ دوم گئورموی Geõrmoi یا کشاورزان و طبقهٔ سوم دمیورگوی Dèmiourgoi یا صنعتگران بودند. آشکار است که قدرت اساسی حکومت در دست طبقهٔ اشراف بود که دارندگان بیشترین بخش زمین‌های کشاورزی و بدین‌سان گردانندگان اقتصاد جامعه به شمار می‌رفتند و آرخون‌ها همیشه و بی‌استثنا از میان ایشان برگزیده می‌شدند. مرکز گردآمدن آرخون‌ها را، به علت آنکه ساختمان آن بر سرتپهٔ آرس Arès بر سرراه آکروپولیس قرار داشت آرئوپاگوس یا آرایوس پاگوس Areiospagos می‌نامیدند. وظیفهٔ کلی آرخون‌ها نه تنها نگهداشت سنت‌ها و قانون‌های استوار دیرین، بلکه همچنین گذاردن قانون‌های تازه و نظارت و سرپرستی در اجرای آنها بوده است.





گزارشی از اسپانیا
خانه ثریا

اسپانیا ـ ماربیا: در شهر ساحلی ماربیا (Marbeiia) در جنوب اسپانیا، بسیاری از خانه‌های ویلایی به سبب بحران مالی اخیر که در بسیاری از کشورهای اروپایی و اسپانیا به وقوع پیوسته، در معرض فروش گذاشته شده است که از جمله آن‌ها ویلای در بسته ثریا اسفندیاری، همسر دوم محمدرضا، شاه سابق ایران است که چندی پیش درگذشته است. ثریا، همراه با دو خدمتکار و ندیمه خود، خانم گلوریا مسعودی که از دربار تهران تا دم مرگ همدم و یار او بود، هر تابستان را در این ویلا می گذراند. ثریا، از این یار وفادار حتی در خاطرات خود در مطبوعات آلمان و اسپانیا و کتاب‌هایش بسیار نام می‌برد. گلوریا مسعودی در مراسم دفن ثریا در کلیسائی واقع در مونیخ آلمان که با حضور معدودی دوستان و فامیل، از جمله غلامرضا پهلوی و همسرش منیژه برگزار شد، حضور داشت. غلامرضا به پاس قدردانی از ثریا که تلاش داشت او را ولیعهد کند در این مراسم شرکت کرد.

ثریا که نمی توانست مادر شود، از شاه خواسته بود که تاج و تخت را رها کند و پس از جانشین کردن غلامرضا، در پی زندگی عادی خود برود. ولی شاه سابق بهانه می‌آورد و آخر هم قانون اساسی را بهانه قرار داد، در صورتی که می توانست آن را در مجلس اصلاح و قانون خانواده قاجار را که مادر غلامرضا وابسته به آن بود، عوض کند. حتی چندی پیش غلامرضا در پاسخ به یکی از رسانه‌های خارجی که در مورد علاقه‌اش به اقتصاد، پول و تجارت پرسیده بود، گفت: که برادرش هرگز اجازه دخالت در کارهای عادی سیاسی را نیز به او و دیگر اعضای مذکر خانواده پهلوی نمی‌داد، لذا او به طرف تجارت کشیده شد. محمدرضا همیشه از مردان دور و برش وحشت داشت که مبادا علیه او توطئه کنند و کارش را از وی بگیرند. حالا که مدتی است ثریا فوت شده، هنوز مطبوعات گاهگاهی به خاطر سال مرگش و اینکه هرگز نتوانست از بار اندوه جدایی از محمدرضا رها شود مطلب می‌نویسند. باید گفت ثریا گرچه مادرش آلمانی بود ولی تا ۱۴ سالگی در اصفهان تحت تربیت ایلاتی خانواده پدرش که بختیاری بودند قرار داشت.

مطبوعات دنیا، مرتب از وی گزارش و عکس تهیه می کردند و بسیاری از مادران اروپایی تا چند سال پیش نام دخترانشان را ثریا می گذاشتند، ولی فرح هیچ‌وقت نتوانست محبوبیت ثریا را در بین عوام اروپا و رسانه‌های خارجی پیدا کند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ریخت و پاش‌ها و میهمانی‌های فرعونی درباریان زیاد شد. ولی علیرغم همهٔ نازکشی‌های دربار رسانه‌های اروپایی از حکومت در ایران و زندگی سیاسی مردم انتقاد می کردند. در این دوران، سفرهای خارجی شروع شد. ثریا احساس می کرد که عمری خوشبخت و همهٔ دنیا را صاحب است، ولی هنگامی که معالجات برای داشتن فرزند نومیدکننده شد شاه به فکر جدایی از او افتاد.

بعد از طلاق، اشک‌ها و شب‌زنده‌داری‌های غم‌انگیز ثریا آنقدر بود که حتی تصاویر او در زیر روسری و پالتوپوست سنگین‌اش در کنار برادرش بیژن به هنگام راه رفتن در دور و بر سفارت ایران در شهر کلن آلمان توسط عکاسان ضبط و پخش می‌شد و همهٔ رسانه‌ها او را ثریای غمگین لقب داده بودند. ثریا درد دوری از ایران، درد دوری از همسر و زندگی در تهران را داشت. ثریا بعد از طلاق تنها و با پدر، مادر و برادرش بیژن زندگی و سفر می کرد. حال‌که حدود ٦ ماه از مرگ او می گذرد، مطبوعات می نویسند که او علاوه بر برخی کارهای دون شأن قاچاقچی عتیقه هم بوده است! یک کارگردان ایتالیائی به نام دینودلورنتس از ثریا فیلمی ساخت به نام زن دو چهره که هرگز موفقیتی به دست نیاورد و فروش خوب نداشت.

من ١٤ ساله بودم که در فرودگاه مهرآباد ثریا را دیدم. او زنی مؤدب، خوش‌لباس و خندان به نظر می‌رسید. محمدرضا بعد از جدائی از ثریا چنان وی را در بی خبری گذاشت که برای ثریای تنها شوک آور بود. ثریا بنا به زندگی‌نامه‌اش که در مجله‌های لوئیک و نیوپُست آلمان چاپ می‌شد، تنها مرد زندگی‌اش محمدرضا بود که به خاطر جاه‌طلبی و علاقه به تداوم سلطنت از همسر و یار وفادارش بریده بود. بعد از جدایی، محمدرضا مرتب به سفر می‌رفت، به‌خصوص به دربارهای اروپا. اکثر دربارهایی که محمدرضا غیررسمی به آن‌ها سفر کرده بود، یک یا چند نفر داشتند. نظیر دربار هلند که سه دختر داشت، دربار دانمارک که دو دختر دم‌بخت و یک دختر زیر ١٦ سال داشت که بعدها زن پادشاه یونان شد و با همسرش مرتب به ایران می‌آمد. در سوئیس هم خانواده پادشاه سابق ایتالیا ساکن بودند که دو دختر دم بخت داشتند، یکی قدبلند و زیبا که مورد توجه محمدرضا قرار گرفت و خانواده وی مرتب به ایران دعوت می شدند. ماریا گابرئیلا در آن زمان خیلی جوان‌تر از محمدرضا بود. مادر گابرئیلا ماری ژوزه، ملکه سابق ایتالیا، دختر پادشاه سابق بلژیک بود. او، بعد از ٤٨ سال چندی پیش راز خواستگاری محمدرضا از دخترش، گابرئیلا را فاش کرد و گفت: که به دلیل اختلاف سن و ازدواج‌های متعدد محمدرضا با این وصلت موافقت نکرده بود. هنوز هم رسانه‌های غربی از این خواستگاری نامناسب مطلب چاپ می کنند. ثریا در نوشته‌های خود در مطبوعات آلمان و اسپانیا بیش از همه زن‌هایی که محمدرضا به آنها توجه داشت به گابرئیلا حسادت می کرد. گابرئیلا اکنون در سوئیس زندگی می کند او با یک بانکدار سوئیسی ازدواج کرد و طلاق گرفت و حالا دختری ۲۸ ساله دارد. آنچه که جدا از عشق و ازدواج و طلاق از نوشته‌های ثریا دربارهٔ محمدرضا برمی‌آید، ناآگاهی شاه به مسائل تغذیه و زندگی بشر، به‌خصوص مردم فقیر است که به بسیاری از آنها ثریا هم واقف نبود. مثلاً یک بار ثریا و محمدرضا تصادفی به بازدید یک مدرسه در تهران می‌روند که در آن دبستان پسرانه جنوب شهر دیدند که اغلب بچه‌ها سردشان است، چون نه غذای کافی خورده‌اند و نه لباس گرم دارند. محمدرضا که خود لباس گرم‌کن ورزشی شبیه مارک‌های آدیداس فعلی پوشیده است چنان از زندگی و تغذیه مردم بی‌خبر است که به دانش‌آموز پسری که سردش است می گوید: «اگر بدوی و خودت را تکان بدهی گرم می‌شوی!» فارغ از این موضوع که بدن انسان اگر تغذیه کافی نداشته باشد، مانند ماشینی است که بنزین ندارد و نمی‌تواند حرارت تولید کند.

در راه

نکته‌ای از لطایف تاریخ
شاعری به‌نام کفاش خراسانی

اشاره: مطلبی که می‌خوانید، در بردارندهٔ قصیده‌ای طنزآمیز است که ۵۰ سال قبل سروده شده است و در آن کفاش خراسانی، باطنزی اغراق‌آمیز، با امام هشتم درددل کرده است. این کلیت ماجراست، بدون اینکه درباب آن، نگاهی غیرطنزآمیز داشته باشیم. روشن است که در آن روزگار نیز بعضی درستکار و بعضی خلافکاربوده اند و بکار بردن واژه « همه » از سر اغراق شاعرانه بوده است .ضمیمه فرهنگی

حسین خدیوجم: مرحوم کفاش خراسانی از شاعران مردمی معاصر است که هنوز برخی بیت‌هایش بر زبان همین مردم جاری است. می گویند استاد رمضان کفاش خراسانی روزی تماشگر کتک خوردن زائرانی می‌شود که برای غذای رایگان بر در آشپزخانه‌ی همیشه دایر آستان قدس رضوی ازدحام کرده‌اند. نیازمندی زائران و گستاخی فراشان بی‌رحم تولیتی، شاعر تهی دست و آزاده‌ی ما را آن چنان خشمگین می کند که با تیغ زبان و قلم، این چنین به مقابله می‌پردازد. معروف است که پس از انتشار این شعر در میان طبقات مختلف مشهد آن روزگار، یکی از اشخاص گردن کلفت، موضوع را به ریش می گیرد و در پی آزار این سخنور بی‌پناه برمی‌آید، به سراغش می‌رود و مشتی بد و بیراه نثارش می کند. کفاش برای رهایی از چنگ این قلتشن دیوان می گوید، از کلمه «بلانسبت» که در بیتی از آن آمده، مقصودم تو بوده‌ای، و در نتیجه، از شر او و امثال او در امان می‌ماند.

ز بی حسابی او باش، یا امام رضا!
شد آنچه بود نهان، فاش یا امام رضا!
چه صحن و بارگه ست این، مگر که نقشه‌ی او
کشیده مانی نقاش یا امام رضا!
چراغ برق تو و نور مه بوَد به مثل
حکایت خور و خفاش یا امام رضا!
شبی برو در مطبخ، ببین چه سان زوار
کُتک خورند عوض آش یا امام رضا!
یساول دم مطبخ که بدتر ازهمه است
یکی دگر بنشان جاش یا امام رضا!
به دیگ، یک دو منی ماش و یک منی شلتوک
پزند جای پلو ماش یا امام رضا!
بسی به دیگ رود استخوان که گوشت ازو
سترده گشته به منقاش یا امام رضا!
میان قرمه‌ی سبزی کنند گوشت، ولیک
به قدر دانه‌ی خشخاش یا امام رضا!
به وقت صرف غذا، حرف «عده‌ای» این است
که جوجه نیست چرا لاش یا امام رضا!
به گرد روضه‌ی خلد آشیان تو جمع‌اند
نه روضه خوان، همه «کرباس» یا امام رضا!
بسی شده ست که هر کس شده زیارت خوان
برای زر شده قارداش یا امام رضا!
به جای آن که به پای پیاده، کفش کنند
کَنند آن چه بود پاش یا امام رضا!
جماعتی شده دربان، تو را، بلا نسبت
همه چو قوم قزلباش یا امام رضا!
ز دوستداران فراوان که گرد تو جمع آند
به فکر گنبد خود باش یا امام رضا!
به روز حشر زکس وا مگیر سایه‌ی لطف
خصوص از سر «کفاش» یا امام رضا

یادی از دکتر حسین فاطمی
مرد پر دشمن

دکتر حسین فاطمی تا زمانی که فقط روزنامه‌نویس بود دشمنان زیادی نداشت. دشمنان او روزنامه‌ها و احزاب مخالف بودند. اما از زمانی که در جبهه ملی ایران موقعیت ممتازی پیدا کرد و دکتر مصدق او را به عنوان معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت و وزیر خارجه معرفی کرد، یک لشکر دشمن جرار کمر به نابودی او بستند. از این زمان است که شایعات فراوانی در اطراف او و زندگانی خصوصی او ساخته شد. دکتر مصدق همکاران زیادی داشت، مانند دکتر شایگان، مهندس رضوی و نریمان؛ ولی از آنها یک دهم فاطمی انتقاد نمی‌شد. گویی مخالفان دکتر مصدق کمر به قتل فاطمی بسته بودند. شاید تصور می کردند اگر فاطمی را از میان بردارند، از بین بردن دکتر مصدق آسان خواهد شد. شاید هم حق با آنها بود. فاطمی یکی از صمیمی ترین و فعالترین یاران مصدق بود. او در تصمیمات مصدق بیش از سایرین تأثیر داشت.

اولین تهمتی که به فاطمی زدند، ماجرای دکتری‌اش بود که حقیقتش را نوشتم. بعد گفتند مأمور خارجی‌ها در جبهه ملی و دولت مصدق است (در آن زمان خارجی صاحب نفوذ در ایران انگلستان بود). دکتر مصدق بارها گفت و بعدها به خط خود نوشت که ملی کردن صنعت نفت پیشنهاد دکتر فاطمی است، اما دشمنان ادعا کردند همهٔ آن کارها صحنه‌سازی بود. هر قدر دکتر فاطمی سخت‌تر در این راه کوشید و شدیدتر به امپراتوری فخیمه بریتانیا حمله کرد، بیشتر او را متهم می کردند که نعل وارونه می‌زند تا مردم را گمراه کند. فاطمی چندین بار زندانی شد، ترور شد، تمام بدنش در اثر اصابت گلوله و چاقو ریش شد. دشمنانش می گفتند معالجه را بهانه قرار می‌دهد تا در خارج با مأموران دولت انگلستان و نمایندگان شرکت نفت انگلیس ارتباط برقرار کند. به محض آنکه اقامت او برای مداوا در خارج کمی طول می کشید، فریاد برمی‌آوردند که مشغول زد و بند با خارجی‌هاست و هرچند یک بار از ملاقات‌های مرموز او با افراد مرموز خبر می‌دادند.

وقتی که دکتر فاطمی ازدواج کرد، با آنکه او زندگی ساده را دوست داشت، چون به خاطر دل عروس جوان مراسم عروسی را با همهٔ تشریفات سنتی آن برپا کرد، روزنامه‌های مخالف از خرجهای هنگفت عروسی صحبت کردند. دربارهٔ انگشتری چندین قیراطی برلیان و از پیراهن تورگیپور متری هفت‌هزار تومانی دستباف بروکسل ـ هفت هزار تومان در آن زمان مبلغ هنگفتی بود ـ داستانها ساختند که دروغ بود. می گفتند مخفیانه با سران حزب توده ملاقات می کند، که درست نبود، چون فاطمی همیشه یک ضدکمونیست بود. ادعا می کردند شبها با فرستاده‌های مخصوص شرکت نفت ایران و انگلیس گفتگو دارد که کذب محض بود. ادعا می کردند برنامه دارد که به دست مصدق شاه را از میان بردارد و به دست شاه، مصدق را نابود کند و خود در این میانه رئیس جمهور شود، که واقعیت نداشت. او صمیمانه به دکتر مصدق خدمت می کرد. روزی که شاه به او نشان درجه یک همایون داد، چنان غوغایی برپا شد که نظیر نداشت. این عنایت را که شاه برای جلب رضایت او کرد، دلیل بندوبستهای سیاسی دانستند. حتی دکتر نورالدین کیانوری در کتاب خاطرات خود نتوانست از این شایعات برکنار بماند و از وابستگی‌های خاص فاطمی در آغاز کار صحبت کرد. او هر قدر تندتر به انگلیسی‌ها حمله می کرد، مخالفان بیشتر او را به همدستی با انگلیسی‌ها متهم می کردند. شهرت دادند که فاطمی با سیدضیاءالدین طباطبائی دشمن دیرپای دکتر مصدق رابطه دارد؛ دروغ بود. او فقط در سال ۱۳۲۲ در حالی که بیست و سه چهار سال بیشتر نداشت مدتی کوتاه به عنوان یک روزنامه‌نویس حرفه‌ای سردبیر «رعد امروز» شد. به جز آن هیچ مدرکی در دست نیست که او عضو حزب اراده ملی شده باشد یا با سیدضیاءالدین طباطبائی رابطه‌ای جز این داشته باشد. این همکاری کوتاه مدت دلیل هم داشت. در آن زمان سیدضیاء در دو جبهه مبارزه می کرد که در هر دو مورد فاطمی با او همفکری داشت؛ یکی مبارزه با حزب توده، دوم مخالفت با دیکتاتوری شاه. دکتر فاطمی که در آغاز فعالیت‌های روزنامه‌نگاری در زمان رضاشاه به دفعات چوب سانسور را خورده بود، نمی خواست آن وضع تکرار شود. با این همه همکاری مطبوعاتی او با رعد امروز که بسیار هم کوتاه‌مدت بود، به عنوان یک روزنامه‌نویس حرفه‌ای قابل توجیه است.

در آن زمان تهمت، بهتان و شایعه سکهٔ رایج روز بود. به دکتر بقائی و حسین مکی هم خیلی تهمت زدند، ولی در مورد دکتر فاطمی همهٔ مرزها شکسته شده بود. اگر به آنها در دو سه مورد اتهام وارد می کردند، فاطمی را در همهٔ زمینه‌ها متهم می‌ساختند.

بعد از ۲۸ مرداد، فاطمی توانست خود را ۱۸۸ روز مخفی کند. این اختفای طولانی همه را دچار تردید ساخت. شایعات بار دیگر رواج پیدا کرد. اگر کسی روزنامه‌های روز را ورق بزند یا گزیدهٔ آنها را در مجلهٔ «خواندنیها»ی آن زمان بخواند، می‌بیند که چه چیزها دربارهٔ فاطمی نوشتند. گفتند او در سفارت شوروی پنهان است. بعد ادعا کردند در خود شوروی زندگی می کند. نوشتند به هندوستان رفته. بعد ادعا کردند او را در پاکستان دیده‌اند. ترکیه، بغداد و قبرس از نقاطی بود که هر روز فاطمی را به آنجا می‌بردند. اما ناگهان یک خبرنگار ادعا می کرد او را در خیابان اسلامبول تهران دیده است. در مورد همهٔ اینها نتیجه می گرفتند که انگلیسی‌ها از فاطمی نگهداری می کنند. گاهی می گفتند فاطمی به عنوان آنکه مخفی شده، با کسانی که هنوز مخفی هستند تماس می گیرد و کارش لو دادن آنهاست. ولی وقتی خودش لو رفت و گرفتار شد، گفتند او را گرفته‌اند تا از او محافظت کنند و یا به علت آنکه به عمل جراحی احتیاج داشته ظاهراً او را توقیف کردند تا باطناً به معالجه‌اش بپردازند؛ او را به زندان انداخته‌اند تا از زندانیان دیگر حرف بشنود و به مأموران امنیتی اطلاع بدهد. آشکارا می گویم که حتی ما هم به عنوان روزنامه‌نگار با وجود آشنایی با دکتر فاطمی تحت تأثیر این شایعه‌ها قرار گرفته بودیم. گفتم روزنامه‌نگاران، ولی دوستان ما در کانون مطبوعات که سابقهٔ زیادتری داشتند و بعضی مانند دکتر مصطفوی که سالها با فاطمی دوستی و آشنایی نزدیک داشتند و دیگران که او را از سالها قبل می‌شناختند، در آن روزها جز این نمی اندیشیدند.

هنر

اینگمار برگمن در ترجمه خسرو سینایی/۷

در مورد تئاتر

ممکن است دربارهٔ شباهت‌ها و اختلاف‌های کار در تئاتر و سینما صحبت کنید؟

اوه، آن‌ها کاملاً با هم فرق دارند، چون فیلمسازی یک حرفهٔ پر از اضطراب و فشارهای عصبی است. در مقایسه با کارهای خلاقهٔ دیگری که می‌شناسم غیرعادی‌ترین است. شبیه کارهایی است که به قدرت بدنی نیاز دارند. برای ساختن یک فیلم باید نیروی بدنی زیادی داشته باشید. برای ساختن یک فیلم شاید بتوانیم روزی سه دقیقهٔ آن را فیلمبرداری کنیم؛ اما در تئاتر وقت کافی برای تمرین هست!، در سوئد ما حدود ده تا دوازده هفته وقت تمرین داریم. خیلی سر فرصت، ساعت ده و نیم صبح، شروع به کار می‌کنیم؛ و اگر خوب پیش نرود می‌توان نشست و استراحت کرد. «امروز وضع خوب نیست، شاید دوشنبهٔ آینده، یا اواسط ماه بعد راه‌حلی پیدا شود.» فرایند خلاقه به طور طبیعی و بدون اضطراب پیش می‌رود. در تئاتر ما یک گروه هنرمند هستیم که در ساختمانی جمع می‌شویم که برای ما ساخته شده تا بتوانیم کار کنیم. خیلی عالی است. ما مثل بچه‌های خیلی درس خوان با کتاب‌هایمان در آن‌جا جمع می‌شویم. ساعت ده و نیم زنگ زده می‌شود، و ما به اتاق تمرین می‌رویم و در آنجا با همه احساسات و افکارمان با استریندبرگ، ایبسن، مولیر، شکسپیر، یا هر فرد دیگری از آن آقایان پیر و معرکه هستیم. این فرصت را داریم که به عمق نمایشنامه برویم و با آن زندگی کنیم و سعی کنیم تا خرد موجود در نمایشنامه‌ای را که تمرین می‌کنیم، بفهمیم. فکر می‌کنم که این یک موقعیت عالی است. فیلمسازی همیشه یک فرایند غیرعادیست. کاملاً شرایط متفاوتیست. اگر شما کارگردانی باشی که فیلمنامه را هم خودت نوشته‌ای، باید به نوعی شبیه ـ دکتر جکیل و آقای هاید ـ شوی. چون اگر نویسندهٔ فیلمنامه دکتر جکیل است، آقای ـ هاید ـ باید ـ آن را کارگردانی کند. باید بگویم که آن‌ها زیاد از هم خوششان نمی‌آید. فکر می‌کنم موقعیت بسیار سکیزوفرن و روان‌پریشی است. اگر ناچار بودم انتخاب کنم ـ که خدا نکند ناچار شوم ـ اگر کسی می‌آمد و به من می‌گفت: «خب، اینگمار، تو به اندازهٔ کافی فیلم و تئاتر کار کرده‌ای، حالا باید تصمیم بگیری.» مطمئن هستم که تئاتر را انتخاب می‌کردم. با تئاتر آدم پیر می‌شود و عرق می‌ریزد، خاک صحنه می‌خورد و تجربه‌های بسیار کسب می‌کند. اگر فقط بتوانی تجربه‌ات را با چند جملهٔ پیش پا افتاده بیان کنی؛ آن‌ها که هنرمندند تو را درک می‌کنند، با آن‌ها لحظات لذت‌بخشی را خواهی گذراند، معلم من در تئاتر کارگردانی بود که هشتاد و پنج سال داشت و به سختی قادر به صحبت کردن بود، با این وصف نمایش‌های عالی، عظیم و شگفت‌انگیزی را روی صحنه می‌آورد، چون روحش جوان بود، گرچه بدنش کاملاً بیمار و رنجور بود؛ ولی شما نمی‌توانید با یک بدن بیمار و رنجور در کار فیلمسازی باشید.

■ برگمن

آیا کار کردن در فیلم بر کارگردانی شما در صحنهٔ تئاتر هم تأثیر گذاشته است؟، یادم هست که نمایش ـ هداگابلر ـ را از شما دیدم، و خیلی تحت تأثیر پرداخت‌های سینمایی شما روی صحنهٔ تئاتر قرار گرفتم ـ ازدواج ـ این دو هنر خیلی بر من تأثیر گذاشت.

نه؛ این یک ازدواج نیست. فقط یک ارتباط است. وقتی که من در مدرسه هنرهای دراماتیک سوئد تدریس می‌کردم؛ همیشه اولین کلاس با این بحث شروع می‌شد که برای بروی صحنه آوردن یک نمایش به چه چیز نیاز است. روی تختهٔ سیاه حدود صد چیز را می‌نوشتیم؛ صحنه، بازیگران، بلیت‌ها، لباس‌ها، پول، نورهای صحنه، لوازم گریم، ساختمان تئاتر؛ بیش از صد چیز مختلف که فکر می‌کردیم موردنیاز است. بعد من به شاگردان می‌گفتم: «حالا همه چیزهایی را که فکر می‌کنید ضروری نیستند حذف می‌کنیم.»؛ ما به کار ادامه می‌دادیم و ادامه می‌دادیم و ادامه می‌دادیم؛ ما حتی کارگردان را هم حذف می‌کردیم. سه چیز باقی می‌ماند. فکر می‌کنید آن سه چیز کدام‌ها بودند؟

بازیگران؟

بازیگران، درست است.

یک جای خالی ـ یک صحنه؟

خیلی ضروری نیست.

یک نمایشنامه؟

یک نمایشنامه، بله. می‌توانیم اسمش را یک پیام بگذاریم. موافقید؟! و حالا سومی؟!

تماشاگران؟

بله، تماشاگران. شاگردان مطمئن نبودند که تماشاگران ضروری هستند، ولی من فکر می‌کردم که حضور تماشاگران مطلقاً ضروری است. در مورد تئاتر این اعتقاد، دین و ایمان من است.

آیینه

دکتر محمدکاظم حسینیان

ادیب به روایت آذر/۲

ادیب و قوام‌السلطنه



■ دکتر آذر

ادیب، با این که در کنج انزوا به سر می‌برد، به اصلاح اجتماع علاقهٔ بسیاری داشت و آرزوهای ترقی‌خواهانه‌ای در سر می‌پروراند. آرزو می‌کرد ایران راه‌آهن و کارخانه‌های گوناگون داشته باشد و علاقه داشت مردم با پیشرفت‌های عصر جدید آشنا شوند. افکار متجددانهٔ ادیب در نتیجهٔ معاشرت او با مرتضی میرزا قهرمان (شکسته) و سیدحسن مشکان طبسی و پیش از آنها با حاج میرزا حبیب برای او حاصل شده بود و بسیار تحت تاثیر افکار این گونه دوستان خود بود. به ایران دلبستگی شدیدی داشت و آرزوی ایران مترقی و سربلند را در سر می‌پروراند و شاگردان خود را به این گونه افکار آشنا می‌کرد. از ملانماها و عوام فریبان سخت متنفر بود.

صفات بارز ادیب، قناعت، مناعت نفس، انزوا و وارستگی از قیود ناپسند، صراحت لهجه و پرهیزکاری بود.

سی سال متوالی تدریس کرد و به جز حق مدرس ناچیزی که به او می‌پرداختند، دیناری توقع از کسی نداشت و در این گونه امور به حدی متعصب بود که، اگر شاگردی برای وی هدیه‌ای می‌برد، او را از اتاقش می‌راند. تدریس در برابر پول را ناروا می‌شمرد و برای خدمت به علم تدریس می‌کرد.

مشرب صوفی منشی را از معاشرت حاج میرزا حبیب مجتهد، صفای اصفهانی و سیدعلی خان درگزی کسب کرده بود.

روزی احمد سعیدی، که در آن وقت رئیس فرهنگ خراسان بود و بسیار نزد ادیب می‌آمد، به مدرسهٔ نواب آمد و از ادیب درخواست کرد وقتی تعیین نماید تا امیراعلم، رئیس بیمارستان شاهرضا، با او ملاقات کند. ادیب روزی را معین کرد و به من دستور داد برای چای آماده کردن به وسیلهٔ سماور حاضر شوم که اطاعت کردم.

امیراعلم در ابتدای ورود با باد و بروت رفتار کرد! ولی پس از آن که ادیب دربارهٔ برامکه به صورتی تاریخی و مفصل سخن گفت، که برای امیراعلم تازگی داشت، امیر موضع خود را عوض کرد و رفتاری بسیار مودبانه در پیش گرفت. به قراری که اطلاع پیدا کردم، امیراعلم به قوام‌السلطنه گفته بود: هر طور شده باید ادیب را ملاقات کنید، زیرا انصافاً دیدنی است. قوام‌السلطنه شاهزاده حاج مرتضی میرزا را احضار کرد و به او گفت ادیب را به دارالایاله بیاورد که او را نزدیک ببیند.

شاهزاده نیز یک روز عصر به مدرسهٔ نواب آمد و پس از تمهید مقدماتی، نظر خود را به ادیب اظهار کرد. ادیب با سادگی پاسخ داد: من حال خارج شدن از این اتاق را در این روزها ندارم و معذرت می‌خواهم. این نرمی و سادگی جواب موجب شد که حاج مرتضی میرزا بر اصرار و بیان اهمیت موضوع بیفزاید. ادیب مجدداً به همان سادگی و بدون اظهار دل‌تنگی جواب داد: عرض کردم حال درستی ندارم. چرا بیهوده اصرار می‌کنید؟ شاهزاده در این موقع قدری عصبانی شد و گفت: این مرد فرمانروای خراسان است که میل دارد شما را ملاقات کند. چرا عذر می‌آورید؟ به عقیدهٔ من، باید قبول کنید و علاوه بر این طوری با او ملاقات کنید که برای دوستانتان سودمند باشد. در این موقع، دیگر طاقت ادیب تاق شد و با نهایت خشونت و تغیر گفت: شاهزاده چه می‌گویی؟ من خیال می‌کردم تو که سال‌ها نزد من درس خوانده‌ای و سال‌ها در خلوت و جلوت با من معاشرت کرده‌ای، بیش از هرکس با روحیه و اخلاق من آشنا هستی، ولی اکنون خلاف آن را مشاهده می‌کنم. اگر تو می‌خواهی حاکم تربت بشوی، من چرا باید به قوام‌السلطنه تملق بگویم؟ قوام‌السلطنه کیست و دیدار او چه ارزشی برای من دارد؟ نه به او کاری دارم و نه از او چیزی می‌خواهم. اگر خیلی میل دارد مرا ملاقات کند، مانند همهٔ مردم باید به همین اتاق بیاید و روی همین نمد بنشیند. قوام‌السلطنه هر قدر بزرگ باشد از امیر تیمور بزرگ‌تر نیست. امیرتیمور، به سبب احترام به علم و ادب، به خانقاه حافظ رفت. ایشان هم به اتاق مدرسه تشریف آورند. اگر من دارای مقام و مرتبهٔ حافظ نیستم، ایشان هم بسیار از امیر تیمور کوچک‌ترند. شاهزاده پس از شنیدن بیانات متغیرانهٔ ادیب سکوت کرد و دیگر چیزی نگفت و پس از چند دقیقه اجازهٔ مرخصی خواست و رفت. پس از رفتن شاهزاده، ادیب شرح مبسوطی دربارهٔ اهمیت علم و ادب و لزوم مناعت طبع و عزت نفس بیان کرد و به ماها که چند نفر بودیم فرمود: هرگز خودتان را در مقابل زر و زور خوار و پست نکنید که روح من بر شما لعنت خواهد فرستاد...

قوام‌السلطنه از این اندیشه، که باید این مرد تاریخی را ملاقات و از سخنان گرم و استادانه‌اش استفاده کند و شعر خواندن او را، که حقیقتاً بسیارعالی و ممتاز بود، بشنود، دست‌بردار نبود و عاقبت به کمک شاهزاده ایرج‌میرزا، که از دوستان بسیار نزدیک ادیب بود، به ملاقات ادیب نایل شد. به این ترتیب که ایرج با قوام‌السلطنه این طور قرار می‌گذارد که روزی باغ ملی را قُرُق کنند و ایرج عصر آن روز ادیب را به باغ بیاورد تا ضمن گردش با یکدیگر ملاقات کنند.

قوام‌السلطنه مردی پلنگ صفت بود و هرگز حاضر نمی‌شداز آن مقام جبروتی و قدرتی که برای خود در خراسان فراهم کرده بود قدم فرو گذارد، غافل از این که در مقابل او شیرمردی وارسته و بی‌اعتنا به دنیا و مافیها قرار دارد و رفتار با دیگران را نمی‌تواند با او اعمال کند.

ایرج، مانند اغلب روزها، آن روز ادیب را برای ناهار به خانه‌اش دعوت می‌کند و مطابق معمول، طرف عصر برای گردش در باغ ملی از خانه بیرون می‌آیند. به محض این که ادیب وارد باغ ملی می‌شود و می‌بیند در آنجا کسی نیست به ایرج می‌گوید: آقا گویا امروز باغ قرق باشد، بهتر است ما برگردیم. ایرج می‌گوید: بر فرض قرق باشد، برای ما قرق نیست. ادیب، با کمال هوشیاری، وقتی می‌بیند از طرف مقابل عده‌ای نمایان شدند، فوراً راه خود را به طرف دیگر باغ کج می‌کند که با آن عده مواجه نشود. قوام‌السلطنه با آن باد و بروت خاص خود ناچار می‌شود طوری حرکت که خواهی نخواهی راه‌بر ادیب تنگ‌شود و نتواند باز هم به کوچهٔ علی‌چپ بزند و بالاخره پس از حرکت به سرعت و گذشتن از چند پیچ و خم خود را به جلوی ادیب می‌رساند و سلام می‌کند. در این موقع، ایرج مراسم معارفه را انجام می‌دهد و قوام‌السلطنه پس از ادای احترام و ادب بسیار تکلیف می‌کند برای صحبت درجایی بنشینند و به این ترتیب یکی دو ساعت وقت آنان به صحبت‌های ادبی و شعرخوانی می‌گذرد. سپس از یکدیگر خداحافظی می‌کنند و هر یک به سویی می‌روند.

ادیب ایرج را مورد عتاب قرار می‌دهد و گله می‌کند که چرا بدون اطلاع او این نقشه را طرح کرده‌اند؟ ایرج هم با آن اخلاق مخصوص و زبان چرب و نرم خود از ادیب عذرخواهی می‌کند و می‌گوید هر چه باشد قوام‌السلطنه مردی است طالب علم و ادب و جناب عالی نباید این قدر از او گریزان باشید. ادیب می‌گوید: حالا هر چه بود گذشت، اما بار دیگر در این فکر نباشید که من خسته و ناراحت می‌شوم و مطلقاً تمایل به ملاقات این گونه اشخاص ندارم... بعدها قوام‌السلطنه به خدمت ادیب می‌آمد و این لابد چیزی بود که مناعت طبع آمیخته به غرور ادیب را تسکین می‌داد. قوام‌السلطنه شعرهای خود را به منظور نقد و نظر برای او می‌خواند. یک بار غزلی را که تازه سروده بود خواند تا رسید به این بیت که ظاهراً خودش از آن خیلی خوشش می‌آمد:

من و پروین همه شب دوش نخفتیم ولی
چشم از گریه نیاسوده علامت دارد

ادیب گفت: لفظ «نیاسوده» خوب نیست آقا! آن کس که گفته است:

همه آرام گرفتند و شب از نیمه گذشت
آن که بیدار بود چشم من و پروین است

خوب گفته است.

از ادیب نیشابوری، به واسطهٔ عدم مساعدت چشم، آثار زیادی به یادگار نمانده، جز جزوی از ابتدای شرح معلقات سبع، چند جزو هم در «تلخیص شرح خطیب تبریزی بر حماسهٔ ابی‌تمام» و «یک رساله در جمع ما بین عروض فارسی و عربی». از این‌ها هم، اکنون جز نامی باقی نمانده است و هیچ معلوم نیست که سر این نوشته‌ها و شاید هم تقریرات ادیب چه آمده است.»

از اشعار ادیب هم دفتری جامع و کامل بر جای نمانده است، اما عبدالحمید اشراق خاوری ـ از شاگردان ادیب ـ می‌نویسد: «به اشارهٔ ادیب، اشعار پارسی را جمع نموده دیوانی مرتب بساختم که قریب به شش هزار شعر است و اکنون در خراسان در میان ترکهٔ آن مرحوم است و جز آن یک نسخه، به طورکامل نسخهٔ دیگری بدان گونه یافت نگردد» و بنا به گفتهٔ محمدتقی ادیب نیشابوری: «ظاهراً همین نسخه بوده است که به تصرف حاج شیخ احمد بهارافتاد و معلوم نشد که چه کردند». گویا نسخه‌ای دیگر هم از دیوان ادیب در همان زمان موجود بوده است با سه هزار بیت که بنا به گفتهٔ سید حسن مشکان طبسی: «قریب سه هزار بیت از اشعار آن مرحوم فعلاً در دست است، قسمتی هم به طور متفرقه در دست شاگردان و مسافرانی که به خراسان آمده ـ صحبت او را درک کرده و چیزی از شعرش نوشته با خود برده‌اند ـ پراکنده است. مقداری که موجود است قریباً به نفقهٔ ورثهٔ ادیب و برحسب قراری که حاج شریعتمدار نیشابوری با آنها گذاشته‌اند، به طبع خواهد رسید». سال‌ها گذشت و این چنین‌ها نشد، لیکن در همان زمان‌ها، که عبرت نایینی مشغول نوشتن دو تذکرهٔ مدینةالادب و نامهٔ فرهنگیان بود، بسیاری از اشعار ادیب را با خط نسخ خوشی در این دو تذکره نگاشت و بدین ترتیب آنها را از تندباد زمانه در امان داشت. چندین سال بعد، در ۱۳۳۳ ش، زرین قلم خراسانی قسمتی از اشعار پراکندهٔ ادیب را گردآورد و به خط خود نوشت و با نام لئالی مکنون آنها را منتشر کرد.

به حق می‌توان گفت که، اگر دو تذکرهٔ عبرت نایینی و لئالی مکنون در دست نبود، اکنون از اشعار ادیب جز چند بیتی باقی نمانده بود، لیکن زرین قلم در لئالی مکنون جانب خط را حفظ کرده و در بسیاری موارد عنایتی به ربط نداشته است و چنین است که در سرتاسر لئالی مکنون غلط‌های بی‌شمار کتابتی راه یافته است. علاوه بر آن، لئالی مکنون در دشواری قرائت دست کمی از یک نسخهٔ خطی قدیمی ندارد.

لئالی مکنون حاوی نهصد و نود و هشت بیت شعر است که سی و دو بیت آن الحاقی و از دیگران است. بنابراین، در مجموع، نهصد و شصت و شش بیت از ادیب را در بردارد که یک ششم آن اشعاری از ادیب است که اشراق خاوری گرد آورده بود و اکنون از آن نشانی و اثری نیست.

بعدها مجموعهٔ اشعار ادیب نیشابوری به کوشش یدالله جلالی پندری با نام دیوان اشعار ادیب نیشابوری در ۱۳۶۷ انتشار یافت و نیز تجدید چاپ شد.

جلالی پندری دربارهٔ این دیوان می‌نویسد: «دیوان حاضر برگرفته از اشعار ادیب مندرج در دو تذکرهٔ عبرت نایینی است. در این دو تذکره، سه چهار قصیدهٔ بلند از ادیب ثبت شده است که در منابع دیگر نیست. علاوه بر آن، تعداد ابیات، قصیده‌ها و غزل‌های دیگر، که در این دو تذکره آمده، نسبت به لئالی مکنون افزونی‌هایی دارد و مهم‌تر از همه آن که، به خلاف زرین قلم خراسانی، عبرت نایینی کم‌تر در کتابت مرتکب اشتباه شده، چرا که خودش هم شاعر بوده و دست کم وزن شعر را احساس می‌کرده است. یکی دو قصیده و غزل هم، که در منابع دیگر نبود، اجباراً از لئالی مکنون نقل شد.

علاوه بر اینها، مقداری از اشعار ادیب هم که در هیچ کدام از این سه مأخذ نبود از نشریات، جُنگ‌ها و یادداشت‌های خطی فراهم گشت و در نتیجه تعداد ابیات این دیوان به هزار و صد و هشتاد و نه بیت رسید که، نسبت به لئالی مکنون، دویست و بیست و سه بیت افزونی دارد. با همهٔ این‌ها، دیوان حاضر هم دفتر جامع و کاملی از اشعار ادیب نیست و امید است که در زمان‌های دیگر اشعار باقی ماندهٔ ادیب در گوشه و کنار کتاب‌خانه‌های شخصی و حواشی کتاب‌ها یا دوردست ذهن و ضمیرها به دست آید و منتشر گردد.

در زمرهٔ نسخه‌های خطی کتاب خانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، نسخه‌ای خطی حاوی قسمتی از قیصرنامهٔ سیداحمد پیشاوری وجود دارد که در فهرست و دفترهای راهنمای آن کتاب‌خانه به اشتباه به نام دیوان ادیب نیشابوری ثبت شده است؛ حال آن که در داخل جلد این نسخهٔ خطی با خط جلی نوشته شده است: اشعار ادیب پیشاوری. این اشتباه از فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانهٔ مرکزی دانشگاه تهران به فهرست نسخه‌های خطی فارسی هم سرایت کرده است و در زمرهٔ دیوان‌ها، ذکری هم از نسخهٔ خطی دیوان ادیب نیشابوری رفته است! که چنین نیست و نسخه‌ای خطی از دیوان ادیب، اگر هم زمانی وجود داشته، اکنون در دست نیست.» در سخنوران دوران پهلوی از ادیب و شعرش یاد شده است.

گذشته

روزنامه‌نگاران ـ ۵

شاه و جمال عبدالناصر

ناصر ساکت شد، پاکت را باز کرد و مشغول خواندن شد. از آن همه جمعیت صدایی بیرون نمی‌آمد، اما همه می‌دانستند موضوع باید بسیار مهم باشد ـ و بسیار هم مهم بود. تلگرام را «محمود محرم حماد» سفیر مصر در ایران مخابره کرده بود. جناب سفیر در آن تلگرام جریان کنفرانس مطبوعاتی تهران، سؤال عبدالرحمن فرامرزی و پاسخ شاه را به تفصیل شرح داده بود.

«رئیس» پس از خواندن تلگرام لحظاتی ساکت ماند، گویی در جستجوی سخت‌ترین کلمات بود که چون پتک بر سر حریف بکوبد. سرانجام آنچه می‌خواست پیدا کرد؛ پس از مقداری ناسزاگویی، حضار را مخاطب قرار داد. گفت: «چون شاه ایران عامل استعمار است و اسرائیل را به رسمیت شناخته، از این جهت مصر از این لحظه با ایران قطع رابطه می‌کند».

ناصر سخنران ماهری بود. می‌دانست چه چیزهایی بگوید که در دل اعراب بنشیند. از اینها گذشته، اندام ورزیده و قیافهٔ مردانهٔ او در مردم ایجاد اعتماد می‌کرد. به این سبب بود که آن روز وقتی سخنان ناصر تمام شد، فریاد شادمانی جمعیت به هوا برخاست. جمعی هم شعار می‌دادند که همگی از همانجا برای فتح ایران حرکت کنند! اما هیچکس ندانست، و اگر دانست نپرسید ـ زیرا رسم نیست کسی از رئیس‌ها چیزی بپرسد ـ چگونه است اتفاقی به آن اهمیت که در روز اول مرداد روی داده، آقای سفیر در سوم مرداد ـ یعنی بعد از ۷۲ ساعت ـ به اطلاع رئیس رسانده، آنهم در وسط یک میتینگ مهم؟!

از آن روز حملات ناصر و رادیوها و مطبوعات مصر ـ مصر در آن زمان دارای مطبوعات پیشرفته‌ای بود ـ به شاه شروع شد. به دنبال ناصر سران سایر کشورهای عربی نیز حمله به ایران را شروع کردند؛ احتمالاً به این امید که کمی از محبوبیت ناصر به آنها ترشح کند. این وضع، ناصر را دچار غرور کرد و باعث شد مرتکب اشتباه بزرگی شود، اشتباهی که برای سالها مصر و بیشتر کشورهای عربی را در بن‌بست قرار داد.

ناصر که تا آن زمان شاه، دولت شاه و سیاست شاه را مورد حمله قرار می‌داد، با تغییر دادن نام خلیج‌فارس خود را با ملت ایران طرف کرد. او دریای مدیترانه، ترعهٔ سوئز، شبه جزیرهٔ سینا، اسکندریه، بحرالمیت (دریای مرده، چه اسم نازنینی!) را در حول و حوش مصر به حال خودشان گذاشت و به چند هزار کیلومتر دورتر چشم دوخت و نام چندین هزارسالهٔ خلیج‌فارس را به خلیج عربی تغییر داد، نامی که حتی سازمان ملل آن را نپذیرفت و به موجب یک اعلامیهٔ رسمی بر نام خلیج فارس مهر تأیید زد. روز پنجم مرداد، عباس آرام وزیر خارجهٔ ایران طی اعلامیه‌ای رسماً داشتن هرگونه رابطهٔ سیاسی با اسرائیل را تکذیب کرد. این یک عقب‌نشینی از سوی شاه بود، اما اشتباه جمال‌عبدالناصر باعث شد که به زودی شاه از موضع دفاعی خارج شده و دست به ضد حمله بزند. او در مصاحبه‌های مختلف از جمله مصاحبه‌ای که بعدها بااحمد جارالله مدیر و سردبیر مجلهٔ «السیاسه» کویت انجام داد، گفت: اگر قرار شود هرکس به دلخواه اسامی جغرافیایی را تغییر بدهد دنیا دچار هرج و مرج خواهد شد. کشورهای آفریقایی ممکن است اقیانوس هند را که مجاور آنها قرار دارد اقیانوس آفریقا بنامند و اقیانوس اطلس که در مجاورت برخی از کشورهای عربی است اقیانوس عربی نامیده شود!

بعد گفت: تا آنجا که می‌دانم، اصطلاح خلیج‌عربی اولین بار اواخر جنگ جهانی دوم توسط روزنامهٔ «تایمز» لندن مطرح شد و بعضی از کشورهای عربی دنبال آن را گرفتند.

در جای دیگر، شاه گفت: ما از جمال‌عبدالناصر فقط می‌خواهیم خلیج‌فارس را به همان اسمی بنامد که در هنگام تحصیل در دبستان و دبیرستان و دانشکده آموخته است. چون اگر در آن زمان آن را خلیج‌عربی می‌نامید، حتماً استادش او را رفوزه می‌کرد. از آن گذشته، جمال‌عبدالناصر در گذشته بارها در سخنرانی‌های خود اینجا را خلیج فارس نامیده. دلیلی ندارد که حالا اسم دیگری روی آن بگذارد!

از نظر داخلی، گناه این جنجال به گردن فرامرزی انداخته شد. آنها که دستشان به ناصر نمی‌رسید، تلافی او را سر فرامرزی درآوردند. روزنامه‌های دولتی شدیداً به او حمله کردند. یک‌بار دیگر فرامرزی ممنوع‌القلم شد. تا مدتی طولانی او را به مراسم و مجالس رسمی دعوت نکردند. اما عبدالرحمن فرامرزی اهل تسلیم و عقب‌نشینی نبود. او چند سال بعد با نوشتن مقاله‌ای دربارهٔ فلسطین در مجلهٔ ادبی «یغما» غوغای تازه‌ای برپا کرد.

حبیب یغمایی مدیر مجلهٔ یغما در خاطرات خود که به وسیلهٔ محقق دانشمند ایرج افشار چاپ شده، دراین‌باره چنین نوشت: «یک روز فرامرزی به من گفت مقاله‌ای برایت نوشته‌ام که در یغما چاپ کنی. گفتم خودت مدیر بزرگترین روزنامهٔ کشور هستی. اگر نیم‌کاسه‌ای زیر کاسه‌ات نیست چرا در کیهان چاپ نمی‌کنی؟

این مقاله در پاسخ نامه‌ای بود که یک یهودی ایرانی به نام «دکتر جمشید» برای فرامرزی نوشته بود. او در آن نامه از اسرائیل دفاع کرده بود. فرامرزی ضمن چاپ نامه به اسرائیل حمله کرده بود. دکتر مصباح‌زاده با چاپ مقاله در کیهان موافقت نکرد. مقاله در یغما چاپ شد و غوغا برانگیخت. چند روز بعد مشاهده کردم مقالهٔ فرامرزی را که عنوانش «من از تکرار تاریخ می‌ترسم» بود با اسم مجله گراور کرده‌اند. به شهربانی شکایت کردم که مجلهٔ مرا بی‌اجازه چاپ کرده‌اند. جواب دادند مباشر چاپ را معرفی کن. بعد از تحقیق فهمیدم بازاری‌های مسلمان بیش از یک میلیون نسخه از آن را چاپ کرده‌اند».

فقط عبدالرحمن فرامرزی می‌توانست مقاله‌ای بنویسد که یک میلیون نسخه خریدار و خواننده داشته باشد.

ادامه دارد

عکس‌های تاریخی/ ۲۵

■ استاد ملک الشعرای بهار / عکس: آرشیو اطلاعات

من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید
قفسم برده به باغی و دلم شاد کنید

فصل گل می‌گذرد هم‌نفسان بهر خدا
بنشینید به باغی و مرا یاد کنید

یاد از این مرغ گرفتار کنید ای مرغان
چو تماشای گل و لاله و شمشاد کنید

هر که دارد ز شما مرغ اسیری به قفس
برده در باغ و به یاد منش آزاد کنید

آشیان من بیچاره اگر سوخت چه باک
فکر ویران شدن خانهٔ صیاد کنید

جور و بیداد کند عمر جوانان کوتاه
ای بزرگان وطن بهر خدا داد کنید

گر شد از جور شما خانهٔ موری ویران
خانهٔ خویش محال است که آباد کنید

کنج ویرانهٔ زندان شد اگر سهم بهار
شکر آزادی و آن گنج خدا داد کنید

گذشته

مینو صمیمی ۶

دیپلماسی به روش ایرانی

شاق و فرساینده

یکی از وظایف بسیار دشوارم دوندگی برای تأمین خواسته‌های عجیب و غریب شاه و ملکه بود

در آن موقع هیچیک از اعضای سفارتخانه نمی‌دانست که چرا وقتی هر دو یک مقصد دارند، جدا از یکدیگر به طرف هتل «دولدر» رفتند. و من هم به عنوان مسئول تنظیم برنامه از این قضیه سر در نیاوردم تا سرانجام همان شب محرمانه از سفیر ایران شنیدم که: شاه از فرودگاه مستقیماً عازم محل اقامت یکی از ستارگان معروف سینما شد و تمام ساعات بعدازظهر را در جوار او گذراند.

گرچه دولت سوئیس در سفر تفریحی شاه و ملکه از آنها استقبال رسمی به عمل آورد، ولی این اقدام به معنای آن نبود که مردم سوئیس هم خواهان استقبال از شاه در سفر به کشورشان هستند.

تظاهرات عظیم دانشجویان سوئیسی علیه شاه در فردای روز ورود او به سوئیس ـ که قبلاً درباره‌اش توضیح داده‌ام ـ رویدادی غیرمترقبه بود، که گرچه همهٔ اعضای سفارتخانه را به حیرت واداشت، ولی روی هم رفته چه همکارانم و چه مأموران امنیتی ایران آن را زیاد جدی تلقی نکردند؛ و با اطمینان به حمایت همه جانبهٔ مقامات رسمی سوئیس از شاه، تصور اینکه تظاهرات مذکور مسأله نامطلوبی برای شاه پدید آورد، به ذهن راه ندادند. لیکن من نتوانستم بسادگی از این واقعه بگذرم، و چنین احساس می‌کردم که در آینده واقعه شومی برای شاه رخ خواهد داد.

موقعی که به اتفاق اعضای سفارتخانه به شهر برن بازگشتیم، بارش برف شروع شد؛ و همکارانم با مشاهدهٔ این وضع ـ بی‌آنکه اصولاً مسائل مربوط به سفر شاه نگرانشان کرده باشد ـ همگی خوشحال و امیدوار بودند که شاه به خاطر بارش برف بتواند از برنامه اسکی‌بازی خود لذت بیشتری ببرد. ولی برخلاف آنها، من به چیزهای دیگری می‌اندیشیدم و برخورد با مسائلی که در بدو ورود شاه به چشم دیده بودم، افکار جدیدی را در ذهنم به جریان انداخته بود.

قبلاً شنیدن سخنانی که شاه در ایران راجع به ضرورت پیشرفت کشور و ساختن جامعه‌ای بهتر بیان می‌کرد، مرا نیز مانند بسیاری از هموطنانم به این نتیجه رسانده بود که: شاه به عنوان یک رهبر نمونه در پیشاپیش ملتش قصد دارد جامعه‌ای مرفه و پیشرفته پدید آورد. ولی اینک در سوئیس مواجه با مسائلی شده بودم که اصلاً با آنچه قبلاً راجع به شاه و حکومتش می‌اندیشیدم انطباق نداشت: سفر تفریحی شاه به سوئیس با ۴۰ نفر همراه؛ حمل بار و اثاثه این سفر تفریحی با دو هواپیمای اختصاصی؛ عزیمت ۵۰ سفیر ایران از نقاط مختلف به سوئیس فقط برای خوشامدگویی چاپلوسانه و بی‌اعتنایی شاه به آنها؛ ملاقات با ستارهٔ سینما و عیاشی شاه؛ مشاهدهٔ خیل عناصر نالایق و متملق در سطوح بالای کشور، و... همه و همه از مواردی بود که عقیدهٔ قبلی مرا دربارهٔ شاه دگرگون می‌ساخت. ولی در عین حال باید اعتراف کنم که چون حجم کار و دشواری وظایفم در سفارتخانه کمتر فرصت تفکر راجع به این مسائل را پیش می‌آورد، لذا نمی‌توانستم آنطور که باید نسبت به اعمال شاه و آنچه در حاکمیت ایران جریان داشت، از خود واکنش نشان دهم.

البته من ظاهراً در سفارتخانه وظیفه‌ای جز تصدی منشی‌گری سفیر نداشتم. ولی بزودی آنقدر کار به سرم ریخت و حل و فصل امور مختلف به عهده‌ام واگذار شد، که از حد توانم خارج بود و واقعاً نمی‌دانستم چگونه امکان دارد قادر به اجرای همهٔ امور محوله باشم.

رجوع آن همه کار به من البته دلیلی هم جز این نداشت که به خاطر گذراندن دورهٔ کودکی و نوجوانی خود در سوئیس، با زبان و فرهنگ مردم کاملاً آشنا بودم و می‌توانستم در تنظیم و پیشبرد امور مربوط به روابط سفارتخانه با سازمان‌های اداری سوئیس نقش فعال و کارآمدی ایفاء کنم. به همین جهت نیز پس از مدتی تقریباً کلیه کارهای خارج از سفارتخانه وابسته به وجود من شد و ناگزیر به صورت کارمندی درآمدم که هرکس مشکلی در سوئیس پیدا می‌کرد حل آن را از من انتظار داشت.

یکی از وظایف بسیار دشوارم در مواقع سفر شاه به سوئیس ـ که در موارد عدیده حالت مسخره نیز به خود می‌گرفت ـ دوندگی برای تأمین خواسته‌های عجیب و غریب شاه و ملکه بود. و این امر البته به وسواس بیمارگونهٔ شخص سفیر نیز ارتباط پیدا می‌کرد، که دائم در هول و هراس بود تا مبادا کمترین تعللی در اجرای دستورات «شاهانه» صورت گیرد.

گاه که ملکه فرح شخصاً یادداشت می‌فرستاد و یا تلفن می‌کرد، سفیر سراز پا نمی‌شناخت تا آنچه مورد نیاز ملکه بود به سرعت تأمین کند. و هربار از سوی وزیر دربار یا طبیب مخصوص شاه به وسیلهٔ تلفن یا ارسال یادداشت چیزی از سفیر خواسته می‌شد، او همهٔ اعضای سفارتخانه را بسیج می‌کرد تا هرطور شده فوراً هرچه خواسته‌اند برایشان تهیه کنیم.

سفیر از همان روز اول به من هشدار داده بود که هیچ تعللی را در راه اجرای دستورات شاه و ملکه و همراهانشان نمی‌بخشد، و باید کاملاً چشم و گوشم باز باشد تا تمام نیازهایشان را در اسرع وقت تأمین کنم.

او به قدری از شاه و درباریان می‌ترسید که گاه واقعاً دلم به حالش می‌سوخت. ولی این حالت نه فقط منحصر به شخص سفیر، که دیگر اعضای سفارتخانه را هم شامل می‌شد؛ و آنها نیز با احساس عجز توأم با وحشت در مقابل شاه و درباریان، به گونه‌ای رفتار می‌کردند که گویی شاه چون خداوندگار است و باید هم از او ترسید و هم به فرامینش بی‌چون و چرا گردن نهاد.

فعالیت‌های ما در سفارتخانه به گونه‌ای جریان داشت که اغلب برایم تردید برانگیز بود و نمی‌دانستم آیا واقعاً وظیفهٔ کارمندان یک سفارتخانه همانست که ما انجام می‌دهیم، یا مسأله به طور کلی صورت دیگری دارد؟

وظایفی که به عهدهٔ من محول شده بود، در بسیاری موارد چنان با روحیات و افکارم تضاد داشت که حالت یک کار شاق و فرساینده را به خود می‌گرفت و ناچار با اکراه در صدد اجرایش برمی‌آمدم.

اقدامات سفارتخانه حتی با آنچه در مطبوعات ایران راجع به سیستم حاکم و روند سیاست خارجی کشور انتشار می‌یافت نیز کاملاً مغایر بود: مطالب مندرج در مطبوعات چاپ ایران این‌طور نشان می‌داد که مأموران سیاسی ایران در خارج، نمایندگان کشوری پیشرفته هستند که رهبری «داهیانه» شاه آن را تا پایان قرن حاضر به سطح کشورهایی مثل فرانسه و سوئد خواهد رساند؛ و نیز روزی نبود که ضمن طرح مسأله سرسپردگی مردم ایران به شاه در روزنامه‌ها، سخن از دیدگاههای بدیع شاه و مشاورانش در باب انقلاب اجتماعی به میان نیاید. ولی آنچه ما در سفارتخانه انجام می‌دادیم، نه تنها ارتباطی به وظایف مأموران دیپلماتیک یک کشور «پیشرفته» نداشت، که برعکس جز تلف کردن پول و هدر دادن نیروی کار انسانی ثمر دیگری به بار نمی‌آورد. (نمونه بارز آن نیز همان فعالیت همه‌جانبهٔ سفارت ایران در سوئیس برای یافتن پماد ضد خارش برای شاه بود).

ادامه دارد

نگارستان

سعید نفیسی

پدرم، علی‌اکبر ناظم‌الاطباء نفیسی

پزشک مخصوص

تا ناصرالدین شاه زنده بود در همه سفرهایی که می‌کرد با او همراه بود چنانکه در ۱۳۱۲ که در بهار با وی به گردش رفته در دره جاجرود چادر زده بودند باران سختی بارید و سیلاب جان‌اوباری به راه افتاد و چادری را که به زیر آن پناه برده بود درگرفت و سیل نزدیک یک فرسنگ او را برد و شاه با شور و دلسوزی خاص عده کثیری را مامور نجات او کرد بدین گونه به زحمتی از دهان سیلش رهانیدند و زندگی دوباره یافت. در ۱۳۱۷ که مظفرالدین شاه نخستین بار به اروپا می‌رفت و حرمخانه خویش را با خود می‌برد وی نیز در آن سفر همراه شد چون حرمخانه در تبریز ماند وی نیز تا بازگشت مظفرالدین شاه در تبریز مامور پاسبانی از اندرون شاه بود.

در ۱۳۲۴ که مقدمات مشروطیت فراهم شد و مظفرالدین شاه از دو سال پیش بستری و رنجور بود وی بیش از همه پزشکان دیگر بیشتر طرف اعتماد شاه و دربار بود چنانکه شب نیز بر بالین شاه می‌خفت و با وجود عده کثیر اطبای ایرانی که گرد او را فراگرفته بودند او طبیب معالج هر روز و هر شب بود.

در این میان واقعه بسیار شگفتی روی داد که یکی از عجایب حوادث تاریخ آن زمان است. شبی که اتفاقا حال بیمار را اطمینان‌بخش دیده و به خانه بازگشته بود در نیمه شب ناگهان او را بیدار کردند و به بالین شاه خواندند. همین که به آنجا رسید دید در پشت خوابگاه شاه جمعی از درباریان جوانی را که از آن زمان جزو پیشخدمتان دربار بود و پس از آن در سیاست ایران تا سال گذشته همواره بیش و کم وارد بوده است و پیش از این مقدمات طب را در فرانسه فراگرفته و به آنجا نرسیده بود که فارغ‌التحصیل شود، در میان گرفته و می‌خواهند با کارد و چاقو کارش را بسازند و می‌گویند شاه را زهر داده است. به زحمتی وی را از دست ایشان نجات داد و به خوابگاه شاه رفت و دید وی نیز خود را باخته و در دم مرگ است و چون نسخه دارویی را که آن جوان تازه‌کار نوشته و به شاه خورانده بود نگریست متوجه شد که دوای سمی را به جای آنکه چند قطره بنویسد چندگرم نوشته و بدین‌گونه او را مسموم کرده‌است. چاره جز این ندید که شاه را دل دهد و آن بدبخت را از کشته شدن رهایی بخشد و بهترین تدبیری که می‌توانست این بود که گفت دارو سمیتی ندارد و برای آنکه شاه و اطرافیان را قانع کند بازماندهٔ دارو را که در بالین بیمار بود خود سر کشید و وفوراً پادزهری تهیه دید و در ضمن اینکه به شاه می‌خورانید، خود نیز خورد و غائله‌ای که آن جوان هنگامی که میدان را از پزشکان تهی دیده فراهم کرده بود بدین‌گونه خوابید و شگفت‌تر اینکه این واقعه در حساس‌ترین موقع یعنی در زمانی روی داد که مظفرالدّین شاه فرمان مشروطیت را امضا کرده اما هنوز اجرا نشده بود و پیداست که اگر وی شاه را از آن خطر نرهانیده بود فرمان مشروطیت به کجا می‌رسید.

پاداشی که وی از این خدمت از دورهٔ اول مجلس شورای ملّی گرفت این بود که چون مجلس خواست بودجهٔ دربار را تعدیل کند و از مخارج بکاهد و حقوق کسانی را که بیهوده چیزی را از خزانهٔ کشور می‌گرفتند قطع کند، حقوق وی را نیز که در برابر خدمات ملّی در حضر و سفر و کار شبانه‌روزی برقرار کرده بودند برید و این واقعه مدتهای مدید روح او را در پایان زندگی رنجور و نفور کرده بود و چندین سال زندگی وی در تنگنا بود تا اینکه توانست دوباره مرجعیتی به دست آورد.

با این همه باز وی از خدمات به مشروطیت ایران خودداری نداشت چنانکه چون محمّد علی میرزا به پادشاهی نشست و با مشروطه خواهان از در عناد درآمد خواست چنین وانمود کند که فرمان مشروطیتی که پدرش امضا کرده است اعتبار ندارد و در پایان زندگی در دورهٔ بیماری و در موقعی آن را امضا کرده است که مشاعرش درست نبوده و از وی بیش از پزشکان دیگر در این کار امیدوار بود به همین جهت یکی از برادران خود را نزد او فرستاد و وعدهٔ مبالغ خطیر کرد که وی گواهی دهد که شاه در زمانی که این فرمان را امضا کرده مشاعرش درست نبوده‌است چون وی طبیب معالج و شب و روز پرستار او بوده‌است از روی گواهی کامل این شهادت را می‌دهد ولی وی تن به این گواهی در نداد و هر چه کردند راضی نشد که چنین سندی را امضا کند و بدین جهت پزشکان دیگری هم که دست اندرکار بودند و شاید آماده شده بودند جرأت نکردند در این کار گواهی دهند.

در هر صورت از سال ۱۳۲۸ به بعد تا آخرین روزی که زنده بود همهٔ اوقات شبانه‌روزی خود را صرف معالجهٔ بیماران و تألیف کتابهای سودمند و خدمتهای فرهنگی می‌کرد و از مشاهیر پزشکان زمان خود به شمار می‌رفت چنانکه در همان اول شرح حالهایی دربارهٔ او نوشته و چاپ کرده‌اند از آن جمله است شرحی که مرحوم حاج میرزا معصوم نایب‌الصدر شیرازی معصوم‌علی شاه در مجلد سوم کتاب طرایق الحقایق چاپ طهران در صفحه۱۰۶ دربارهٔ وی و خاندان مادریش انتشار داده و نیز ترجمهٔ حالی که مرحوم میرزا محمّد ناظم‌الاسلام کرمانی در مجلد اول تاریخ بیداری ایرانیان در صفحات ۱۰۱ تا۱۲۳ منتشر کرده است. سرانجام در روزنامه دوشنبهٔ۲۶ ذی‌القعدهٔ ۱۳۴۲ مطابق با ۹ خرداد ماه ۱۳۰۳ شمسی چهار ساعت بعدازظهر پس از چند روز بستری بودن در سن ۷۹ سالگی به بیماری ذوسنطاریا درگذشت و تا دم واپسین هوش و حواسش کاملاً بجا بود و با فرزندان خود سخن می‌گفت. از وی پنج پسر و دو دختر ماند، پسر مهترش برادر دانشمند من جناب آقای دکتر علی اصغر مؤدب نفیسی است که از مادر دیگری به جز مادر ماست و پس از رحلت مادر وی از مادر ما چهار پسر و دو دختر به جهان آمده‌اند که نخست محرّر این سطور سپس به ترتیب دکتر حسن مشرف نفیسی و حسین و توران دخت و همدم و فتح الله باشند.

■ سعید نفیسی

انجمن معارف و کتابخانهٔ ملّی

مرحوم دکتر علی اکبر نفیسی از پزشکان پرکارمحیط زمان خود بود و نه تنها در فن خود تألیف کرده بلکه در رشته‌های دیگر نیز آثاری گذاشته است یکی از جنبه‌های مهم زندگی علمی او توجهی است که در انتشار معارف جدید داشته چنانکه در ۱۳۱۶ قمری که مرحوم حاج میرزاعلی خان امین‌الدّوله وزیراعظم شده و جنبشی در طهران برای ترویج معارف جدید پیش آمده و جمعی از دانش پژوهان و معارف پروران در این کار شرکت کرده و انجمن معارف و کتابخانه ملّی را تأسیس نموده‌اند وی از دستیاران بسیار پرکار و مؤثر این جمعیت بوده و باهم اندیشگان دیگر که معروف‌ترین آنها حاج میرزا حسن رشدیه و حاج مهدی قلی‌خان هدایت مخبر السلطنه و میرزا سید محمّد طباطبایی معروف به سنگلجی و میرزا سیدحسین خان نظام الحکماء و میرزا کریم خان منتظم الدّوله فیروزکوهی سردار مکرم و سردار فیروز رئیس قورخانه و حاج حسین آقا مهدوی امین‌الضرب و میرزااسمعیل‌خان آجودان باشی توپخانه و دکتر عطاءالله بخشایش و حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی و میرزا محمودخان مفتاح‌الملک و شیخ مهدی کاشانی معروف به مظفری و دکتر محمدخان کرمانشاهی معروف به کفری و حاج میرزا محمودخان علامیر احتشام‌السلطنه و میرزا ابراهیم شمسی سعیدالعلماء بودند، اساس معارف جدید را در طهران ریخته‌اند. چنانکه در شعبان ۱۳۱۶ چند تن از ایشان از آن جمله مرحوم دکتر نفیسی جمعیتی به نام «انجمن تأسیس مکاتب ملیهٔ ایران» به ریاست جعفرقلی‌خان نیرالملک وزیر علوم تشکیل دادند ...

هنر

اینگمار برگمن در ترجمه خسرو سینایی/۷

در مورد تئاتر

برگمن

ممکن است دربارهٔ شباهت‌ها و اختلاف‌های کار در تئاتر و سینما صحبت کنید؟

اوه، آن‌ها کاملاً با هم فرق دارند، چون فیلمسازی یک حرفهٔ پر از اضطراب و فشارهای عصبی است. در مقایسه با کارهای خلاقهٔ دیگری که می‌شناسم غیرعادی‌ترین است. شبیه کارهایی است که به قدرت بدنی نیاز دارند. برای ساختن یک فیلم باید نیروی بدنی زیادی داشته باشید. برای ساختن یک فیلم شاید بتوانیم روزی سه دقیقهٔ آن را فیلمبرداری کنیم؛ اما در تئاتر وقت کافی برای تمرین هست!، در سوئد ما حدود ده تا دوازده هفته وقت تمرین داریم. خیلی سر فرصت، ساعت ده و نیم صبح، شروع به کار می‌کنیم؛ و اگر خوب پیش نرود می‌توان نشست و استراحت کرد. «امروز وضع خوب نیست، شاید دوشنبهٔ آینده، یا اواسط ماه بعد راه‌حلی پیدا شود.» فرایند خلاقه به طور طبیعی و بدون اضطراب پیش می‌رود. در تئاتر ما یک گروه هنرمند هستیم که در ساختمانی جمع می‌شویم که برای ما ساخته شده تا بتوانیم کار کنیم. خیلی عالی است. ما مثل بچه‌های خیلی درس خوان با کتاب‌هایمان در آن‌جا جمع می‌شویم. ساعت ده و نیم زنگ زده می‌شود، و ما به اتاق تمرین می‌رویم و در آنجا با همه احساسات و افکارمان با استریندبرگ، ایبسن، مولیر، شکسپیر، یا هر فرد دیگری از آن آقایان پیر و معرکه هستیم. این فرصت را داریم که به عمق نمایشنامه برویم و با آن زندگی کنیم و سعی کنیم تا خرد موجود در نمایشنامه‌ای را که تمرین می‌کنیم، بفهمیم. فکر می‌کنم که این یک موقعیت عالی است. فیلمسازی همیشه یک فرایند غیرعادیست. کاملاً شرایط متفاوتیست. اگر شما کارگردانی باشی که فیلمنامه را هم خودت نوشته‌ای، باید به نوعی شبیه ـ دکتر جکیل و آقای هاید ـ شوی. چون اگر نویسندهٔ فیلمنامه دکتر جکیل است، آقای ـ هاید ـ باید آن را کارگردانی کند. باید بگویم که آنها زیاد از هم خوششان نمی‌آید. فکر می‌کنم موقعیت بسیار سکیزوفرن و روان‌پریشی است. اگر ناچار بودم انتخاب کنم ـ که خدا نکند ناچار شوم ـ اگر کسی می‌آمد و به من می‌گفت: «خب، اینگمار، تو به اندازهٔ کافی فیلم و تئاتر کار کرده‌ای، حالا باید تصمیم بگیری.» مطمئن هستم که تئاتر را انتخاب می‌کردم. با تئاتر آدم پیر می‌شود و عرق می‌ریزد، خاک صحنه می‌خورد و تجربه‌های بسیار کسب می‌کند. اگر فقط بتوانی تجربه‌ات را با چند جملهٔ پیش پا افتاده بیان کنی؛ آن‌ها که هنرمندند تو را درک می‌کنند، با آن‌ها لحظات لذت‌بخشی را خواهی گذراند، معلم من در تئاتر کارگردانی بود که هشتاد و پنج سال داشت و به سختی قادر به صحبت کردن بود، با این وصف نمایش‌های عالی، عظیم و شگفت‌انگیزی را روی صحنه می‌آورد، چون روحش جوان بود، گرچه بدنش کاملاً بیمار و رنجور بود؛ ولی شما نمی‌توانید با یک بدن بیمار و رنجور در کار فیلمسازی باشید.

آیا کار کردن در فیلم بر کارگردانی شما در صحنهٔ تئاتر هم تأثیر گذاشته است؟، یادم هست که نمایش ـ هداگابلر ـ را از شما دیدم، و خیلی تحت تأثیر پرداخت‌های سینمایی شما روی صحنهٔ تئاتر قرار گرفتم ـ ازدواج ـ این دو هنر خیلی بر من تأثیر گذاشت.

نه؛ این یک ازدواج نیست. فقط یک ارتباط است. وقتی که من در مدرسه هنرهای دراماتیک سوئد تدریس می‌کردم؛ همیشه اولین کلاس با این بحث شروع می‌شد که برای بروی صحنه آوردن یک نمایش به چه چیز نیاز است. روی تختهٔ سیاه حدود صد چیز را می‌نوشتیم؛ صحنه، بازیگران، بلیت‌ها، لباس‌ها، پول، نورهای صحنه، لوازم گریم، ساختمان تئاتر؛ بیش از صد چیز مختلف که فکر می‌کردیم موردنیاز است. بعد من به شاگردان می‌گفتم: «حالا همه چیزهایی را که فکر می‌کنید ضروری نیستند حذف می‌کنیم.»؛ ما به کار ادامه می‌دادیم و ادامه می‌دادیم و ادامه می‌دادیم؛ ما حتی کارگردان را هم حذف می‌کردیم. سه چیز باقی می‌ماند. فکر می‌کنید آن سه چیز کدام‌ها بودند؟

بازیگران؟

بازیگران، درست است.

یک جای خالی ـ یک صحنه؟

خیلی ضروری نیست.

یک نمایشنامه؟

یک نمایشنامه، بله. می توانیم اسمش را یک پیام بگذاریم. موافقید؟! و حالا سومی؟!

تماشاگران؟

بله، تماشاگران. شاگردان مطمئن نبودند که تماشاگران ضروری هستند، ولی من فکر می‌کردم که حضور تماشاگران مطلقاً ضروری است. در مورد تئاتر این اعتقاد، دین و ایمان من است.

آیینه

دکتر محمدکاظم حسینیان

ادیب به روایت آذر/۲

ادیب و قوام السلطنه

دکتر آذر

ادیب، با این که در کنج انزوا به سر می‌برد، به اصلاح اجتماع علاقهٔ بسیاری داشت و آرزوهای ترقی‌خواهانه‌ای در سر می‌پروراند. آرزو می‌کرد ایران راه‌آهن و کارخانه‌های گوناگون داشته باشد و علاقه داشت مردم با پیشرفت‌های عصر جدید آشنا شوند. افکار متجددانهٔ ادیب در نتیجهٔ معاشرت او با مرتضی میرزا قهرمان (شکسته) و سیدحسن مشکان طبسی و پیش از آنها با حاج میرزا حبیب برای او حاصل شده بود و بسیار تحت تاثیر افکار این گونه دوستان خود بود. به ایران دلبستگی شدیدی داشت و آرزوی ایران مترقی و سربلند را در سر می‌پروراند و شاگردان خود را به این گونه افکار آشنا می‌کرد. از ملانماها و عوام فریبان سخت متنفر بود.

صفات بارز ادیب، قناعت، مناعت نفس، انزوا و وارستگی از قیود ناپسند، صراحت لهجه و پرهیزکاری بود.

سی سال متوالی تدریس کرد و به جز حق مدرس ناچیزی که به او می‌پرداختند، دیناری توقع از کسی نداشت و در این گونه امور به حدی متعصب بود که، اگر شاگردی برای وی هدیه‌ای می‌برد، او را از اتاقش می‌راند. تدریس در برابر پول را ناروا می‌شمرد و برای خدمت به علم تدریس می‌کرد.

مشرب صوفی منشی را از معاشرت حاج میرزا حبیب مجتهد، صفای اصفهانی و سیدعلی خان درگزی کسب کرده بود.

روزی احمد سعیدی، که در آن وقت رئیس فرهنگ خراسان بود و بسیار نزد ادیب می‌آمد، به مدرسهٔ نواب آمد و از ادیب درخواست کرد وقتی تعیین نماید تا امیراعلم، رئیس بیمارستان شاهرضا، با او ملاقات کند. ادیب روزی را معین کرد و به من دستور داد برای چای آماده کردن به وسیلهٔ سماور حاضر شوم که اطاعت کردم.

امیراعلم در ابتدای ورود با باد و بروت رفتار کرد! ولی پس از آن که ادیب دربارهٔ برامکه به صورتی تاریخی و مفصل سخن گفت، که برای امیراعلم تازگی داشت، امیر موضع خود را عوض کرد و رفتاری بسیار مودبانه در پیش گرفت. به قراری که اطلاع پیدا کردم، امیراعلم به قوام‌السلطنه گفته بود: هر طور شده باید ادیب را ملاقات کنید، زیرا انصافاً دیدنی است. قوام‌السلطنه شاهزاده حاج مرتضی میرزا را احضار کرد و به او گفت ادیب را به دارالایاله بیاورد که او را نزدیک ببیند.

شاهزاده نیز یک روز عصر به مدرسهٔ نواب آمد و پس از تمهید مقدماتی، نظر خود را به ادیب اظهار کرد. ادیب با سادگی پاسخ داد: من حال خارج شدن از این اتاق را در این روزها ندارم و معذرت می‌خواهم. این نرمی و سادگی جواب موجب شد که حاج مرتضی میرزا بر اصرار و بیان اهمیت موضوع بیفزاید. ادیب مجددا به همان سادگی و بدون اظهار دل‌تنگی جواب داد: عرض کردم حال درستی ندارم. چرا بیهوده اصرار می‌کنید؟ شاهزاده در این موقع قدری عصبانی شد و گفت: این مرد فرمانروای خراسان است که میل دارد شما را ملاقات کند. چرا عذر می‌آورید؟ به عقیدهٔ من، باید قبول کنید و علاوه بر این طوری با او ملاقات کنید که برای دوستانتان سودمند باشد. در این موقع، دیگر طاقت ادیب تاق شد و با نهایت خشونت و تغیر گفت: شاهزاده چه می‌گویی؟ من خیال می‌کردم تو که سال‌ها نزد من درس خوانده‌ای و سال‌ها در خلوت و جلوت با من معاشرت کرده‌ای، بیش از هرکس با روحیه و اخلاق من آشنا هستی، ولی اکنون خلاف آن را مشاهده می‌کنم. اگر تو می‌خواهی حاکم تربت بشوی، من چرا باید به قوام‌السلطنه تملق بگویم؟ قوام‌السلطنه کیست و دیدار او چه ارزشی برای من دارد؟ نه به او کاری دارم و نه از او چیزی می‌خواهم. اگر خیلی میل دارد مرا ملاقات کند، مانند همهٔ مردم باید به همین اتاق بیاید و روی همین نمد بنشیند. قوام‌السلطنه هر قدر بزرگ باشد از امیر تیمور بزرگ‌تر نیست. امیرتیمور، به سبب احترام به علم و ادب، به خانقاه حافظ رفت. ایشان هم به اتاق مدرسه تشریف آورند. اگر من دارای مقام و مرتبهٔ حافظ نیستم، ایشان هم بسیار از امیر تیمور کوچک‌ترند. شاهزاده پس از شنیدن بیانات متغیرانهٔ ادیب سکوت کرد و دیگر چیزی نگفت و پس از چند دقیقه اجازهٔ مرخصی خواست و رفت. پس از رفتن شاهزاده، ادیب شرح مبسوطی دربارهٔ اهمیت علم و ادب و لزوم مناعت طبع و عزت نفس بیان کرد و به ماها که چند نفر بودیم فرمود: هرگز خودتان را در مقابل زر و زور خوار و پست نکنید که روح من بر شما لعنت خواهد فرستاد...

قوام‌السلطنه از این اندیشه، که باید این مرد تاریخی را ملاقات و از سخنان گرم و استادانه‌اش استفاده کند و شعر خواندن او را، که حقیقتاً بسیارعالی و ممتاز بود، بشنود، دست‌بردار نبود و عاقبت به کمک شاهزاده ایرج‌میرزا، که از دوستان بسیار نزدیک ادیب بود، به ملاقات ادیب نایل شد. به این ترتیب که ایرج با قوام‌السلطنه این طور قرار می‌گذارد که روزی باغ ملی را قُرُق کنند و ایرج عصر آن روز ادیب را به باغ بیاورد تا ضمن گردش با یکدیگر ملاقات کنند.

قوام‌السلطنه مردی پلنگ صفت بود و هرگز حاضر نمی‌شد از آن مقام جبروتی و قدرتی که برای خود در خراسان فراهم کرده بود قدم فرو گذارد، غافل از این که در مقابل او شیرمردی وارسته و بی‌اعتنا به دنیا و مافیها قرار دارد و رفتار با دیگران را نمی‌تواند با او اعمال کند.

ایرج، مانند اغلب روزها، آن روز ادیب را برای ناهار به خانه‌اش دعوت می‌کند و مطابق معمول، طرف عصر برای گردش در باغ ملی از خانه بیرون می‌آیند. به محض این که ادیب وارد باغ ملی می‌شود و می‌بیند در آنجا کسی نیست به ایرج می‌گوید: آقا گویا امروز باغ قرق باشد، بهتر است ما برگردیم. ایرج می‌گوید: بر فرض قرق باشد، برای ما قرق نیست. ادیب، با کمال هوشیاری، وقتی می‌بیند از طرف مقابل عده‌ای نمایان شدند، فوراً راه خود را به طرف دیگر باغ کج می‌کند که با آن عده مواجه نشود. قوام‌السلطنه با آن باد و بروت خاص خود ناچار می‌شود طوری حرکت که خواهی نخواهی راه بر ادیب تنگ شود و نتواند باز هم به کوچهٔ علی چپ بزند و بالاخره پس از حرکت به سرعت و گذشتن از چند پیچ و خم خود را به جلوی ادیب می‌رساند و سلام می‌کند. در این موقع، ایرج مراسم معارفه را انجام می‌دهد و قوام‌السلطنه پس از ادای احترام و ادب بسیار تکلیف می‌کند برای صحبت درجایی بنشینند و به این ترتیب یکی دو ساعت وقت آنان به صحبت‌های ادبی و شعرخوانی می‌گذرد. سپس از یکدیگر خداحافظی می‌کنند و هر یک به سویی می‌روند.

ادیب ایرج را مورد عتاب قرار می‌دهد و گله می‌کند که چرا بدون اطلاع او این نقشه را طرح کرده‌اند؟ ایرج هم با آن اخلاق مخصوص و زبان چرب و نرم خود از ادیب عذرخواهی می‌کند و می‌گوید هر چه باشد قوام‌السلطنه مردی است طالب علم و ادب و جناب عالی نباید این قدر از او گریزان باشید. ادیب می‌گوید: حالا هر چه بود گذشت، اما بار دیگر در این فکر نباشید که من خسته و ناراحت می‌شوم و مطلقاً تمایل به ملاقات این گونه اشخاص ندارم... بعدها قوام‌السلطنه به خدمت ادیب می‌آمد و این لابد چیزی بود که مناعت طبع آمیخته به غرور ادیب را تسکین می‌داد. قوام‌السلطنه شعرهای خود را به منظور نقد و نظر برای او می‌خواند. یک بار غزلی را که تازه سروده بود خواند تا رسید به این بیت که ظاهراً خودش از آن خیلی خوشش می‌آمد:

من و پروین همه شب دوش نخفتیم ولی
چشم از گریه نیاسوده علامت دارد

ادیب گفت: لفظ «نیاسوده» خوب نیست آقا!
آن کس که گفته است:

همه آرام گرفتند و شب از نیمه گذشت
آن که بیدار بود چشم من و پروین است

خوب گفته است.

از ادیب نیشابوری، به واسطهٔ عدم مساعدت چشم، آثار زیادی به یادگار نمانده، جز جزوی از ابتدای شرح معلقات سبع، چند جزو هم در «تلخیص شرح خطیب تبریزی بر حماسهٔ ابی‌تمام» و «یک رساله در جمع ما بین عروض فارسی و عربی». از این‌ها هم، اکنون جز نامی باقی نمانده است و هیچ معلوم نیست که سر این نوشته‌ها و شاید هم تقریرات ادیب چه آمده است.»

از اشعار ادیب هم دفتری جامع و کامل بر جای نمانده است، اما عبدالحمید اشراق خاوری ـ از شاگردان ادیب ـ می‌نویسد: «به اشارهٔ ادیب، اشعار پارسی را جمع نموده دیوانی مرتب بساختم که قریب به شش هزار شعر است و اکنون در خراسان در میان ترکهٔ آن مرحوم است و جز آن یک نسخه، به طور کامل نسخهٔ دیگری بدان گونه یافت نگردد» و بنا به گفتهٔ محمدتقی ادیب نیشابوری: «ظاهراً همین نسخه بوده است که به تصرف حاج شیخ احمد بهار افتاد و معلوم نشد که چه کردند». گویا نسخه‌ای دیگر هم از دیوان ادیب در همان زمان موجود بوده است با سه هزار بیت که بنا به گفتهٔ سید حسن مشکان طبسی: «قریب سه هزار بیت از اشعار آن مرحوم فعلاً در دست است، قسمتی هم به طور متفرقه در دست شاگردان و مسافرانی که به خراسان آمده ـ صحبت او را درک کرده و چیزی از شعرش نوشته با خود برده‌اند ـ پراکنده است. مقداری که موجود است قریباً به نفقهٔ ورثهٔ ادیب و برحسب قراری که حاج شریعتمدار نیشابوری با آنها گذاشته‌اند، به طبع خواهد رسید». سال‌ها گذشت و این چنین‌ها نشد، لیکن در همان زمان‌ها، که عبرت نایینی مشغول نوشتن دو تذکرهٔ مدینهٔ‌الادب و نامهٔ فرهنگیان بود، بسیاری از اشعار ادیب را با خط نسخ خوشی در این دو تذکره نگاشت و بدین ترتیب آنها را از تندباد زمانه در امان داشت. چندین سال بعد، در ۱۳۳۳ ش، زرین قلم خراسانی قسمتی از اشعار پراکندهٔ ادیب را گردآورد و به خط خود نوشت و با نام لئالی مکنون آنها را منتشر کرد.

به حق می‌توان گفت که، اگر دو تذکرهٔ عبرت نایینی و لئالی مکنون در دست نبود، اکنون از اشعار ادیب جز چند بیتی باقی نمانده بود، لیکن زرین قلم در لئالی مکنون جانب خط را حفظ کرده و در بسیاری موارد عنایتی به ربط نداشته است و چنین است که در سرتاسر لئالی مکنون غلط‌های بی‌شمار کتابتی راه یافته است. علاوه بر آن، لئالی مکنون در دشواری قرائت دست کمی از یک نسخهٔ خطی قدیمی ندارد.

لئالی مکنون حاوی نهصد و نود و هشت بیت شعر است که سی و دو بیت آن الحاقی و از دیگران است. بنابراین، در مجموع، نهصد و شصت و شش بیت از ادیب را در بردارد که یک ششم آن اشعاری از ادیب است که اشراق خاوری گرد آورده بود و اکنون از آن نشانی و اثری نیست.

بعدها مجموعهٔ اشعار ادیب نیشابوری به کوشش یدالله جلالی پندری با نام دیوان اشعار ادیب نیشابوری در ۱۳۶۷ انتشار یافت و نیز تجدید چاپ شد.

جلالی پندری دربارهٔ این دیوان می‌نویسد: «دیوان حاضر برگرفته از اشعار ادیب مندرج در دو تذکرهٔ عبرت نایینی است. در این دو تذکره، سه چهار قصیدهٔ بلند از ادیب ثبت شده است که در منابع دیگر نیست. علاوه بر آن، تعداد ابیات، قصیده‌ها و غزل‌های دیگر، که در این دو تذکره آمده، نسبت به لئالی مکنون افزونی‌هایی دارد و مهم‌تر از همه آن که، به خلاف زرین قلم خراسانی، عبرت نایینی کم‌تر در کتابت مرتکب اشتباه شده، چرا که خودش هم شاعر بوده و دست کم وزن شعر را احساس می‌کرده است. یکی دو قصیده و غزل هم، که در منابع دیگر نبود، اجباراً از لئالی مکنون نقل شد.

علاوه بر اینها، مقداری از اشعار ادیب هم که در هیچ کدام از این سه مأخذ نبود از نشریات، جُنگ‌ها و یادداشت‌های خطی فراهم گشت و در نتیجه تعداد ابیات این دیوان به هزار و صد و هشتاد و نه بیت رسید که، نسبت به لئالی مکنون، دویست و بیست و سه بیت افزونی دارد. با همهٔ این‌ها، دیوان حاضر هم دفتر جامع و کاملی از اشعار ادیب نیست و امید است که در زمان‌های دیگر اشعار باقی ماندهٔ ادیب در گوشه و کنار کتاب‌خانه‌های شخصی و حواشی کتاب‌ها یا دوردست ذهن و ضمیرها به دست آید و منتشر گردد.

در زمرهٔ نسخه‌های خطی کتاب خانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، نسخه‌ای خطی حاوی قسمتی از قیصرنامهٔ سیداحمد پیشاوری وجود دارد که در فهرست و دفترهای راهنمای آن کتاب‌خانه به اشتباه به نام دیوان ادیب نیشابوری ثبت شده است؛ حال آن که در داخل جلد این نسخهٔ خطی با خط جلی نوشته شده است: اشعار ادیب پیشاوری. این اشتباه از فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانهٔ مرکزی دانشگاه تهران به فهرست نسخه‌های خطی فارسی هم سرایت کرده است و در زمرهٔ دیوان‌ها، ذکری هم از نسخهٔ خطی دیوان ادیب نیشابوری رفته است! که چنین نیست و نسخه‌ای خطی از دیوان ادیب، اگر هم زمانی وجود داشته، اکنون در دست نیست.» در سخنوران دوران پهلوی از ادیب و شعرش یاد شده است.

روزنامه‌نگاران ـ ۵

شاه و جمال عبدالناصر

ناصر ساکت شد، پاکت را باز کرد و مشغول خواندن شد. از آن همه جمعیت صدایی بیرون نمی‌آمد، اما همه می‌دانستند موضوع باید بسیار مهم باشد ـ و بسیار هم مهم بود. تلگرام را «محمود محرم حماد» سفیر مصر در ایران مخابره کرده بود. جناب سفیر در آن تلگرام جریان کنفرانس مطبوعاتی تهران، سؤال عبدالرحمن فرامرزی و پاسخ شاه را به تفصیل شرح داده بود.

«رئیس» پس از خواندن تلگرام لحظاتی ساکت ماند، گویی در جستجوی سخت‌ترین کلمات بود که چون پتک بر سر حریف بکوبد. سرانجام آنچه می‌خواست پیدا کرد؛ پس از مقداری ناسزاگویی، حضار را مخاطب قرار داد. گفت: «چون شاه ایران عامل استعمار است و اسرائیل را به رسمیت شناخته، از این جهت مصر از این لحظه با ایران قطع رابطه می‌کند».

ناصر سخنران ماهری بود. می‌دانست چه چیزهایی بگوید که در دل اعراب بنشیند. از اینها گذشته، اندام ورزیده و قیافهٔ مردانهٔ او در مردم ایجاد اعتماد می‌کرد. به این سبب بود که آن روز وقتی سخنان ناصر تمام شد، فریاد شادمانی جمعیت به هوا برخاست. جمعی هم شعار می‌دادند که همگی از همانجا برای فتح ایران حرکت کنند! اما هیچکس ندانست، و اگر دانست نپرسید ـ زیرا رسم نیست کسی از رئیس‌ها چیزی بپرسد ـ چگونه است اتفاقی به آن اهمیت که در روز اول مرداد روی داده، آقای سفیر در سوم مرداد ـ یعنی بعد از ۷۲ ساعت ـ به اطلاع رئیس رسانده، آنهم در وسط یک میتینگ مهم؟!

از آن روز حملات ناصر و رادیوها و مطبوعات مصر ـ مصر در آن زمان دارای مطبوعات پیشرفته‌ای بود ـ به شاه شروع شد. به دنبال ناصر سران سایر کشورهای عربی نیز حمله به ایران را شروع کردند؛ احتمالاً به این امید که کمی از محبوبیت ناصر به آنها ترشح کند. این وضع، ناصر را دچار غرور کرد و باعث شد مرتکب اشتباه بزرگی شود، اشتباهی که برای سالها مصر و بیشتر کشورهای عربی را در بن‌بست قرار داد.

ناصر که تا آن زمان شاه، دولت شاه و سیاست شاه را مورد حمله قرار می‌داد، با تغییر دادن نام خلیج‌فارس خود را با ملت ایران طرف کرد. او دریای مدیترانه، ترعهٔ سوئز، شبه جزیرهٔ سینا، اسکندریه، بحرالمیت (دریای مرده، چه اسم نازنینی!) را در حول و حوش مصر به حال خودشان گذاشت و به چند هزار کیلومتر دورتر چشم دوخت و نام چندین هزارسالهٔ خلیج‌فارس را به خلیج عربی تغییر داد، نامی که حتی سازمان ملل آن را نپذیرفت و به موجب یک اعلامیهٔ رسمی بر نام خلیج فارس مهر تأیید زد. روز پنجم مرداد، عباس آرام وزیر خارجهٔ ایران طی اعلامیه‌ای رسماً داشتن هرگونه رابطهٔ سیاسی با اسرائیل را تکذیب کرد. این یک عقب‌نشینی از سوی شاه بود، اما اشتباه جمال‌عبدالناصر باعث شد که به زودی شاه از موضع دفاعی خارج شده و دست به ضد حمله بزند. او در مصاحبه‌های مختلف از جمله مصاحبه‌ای که بعدها با احمد جارالله مدیر و سردبیر مجلهٔ «السیاسه» کویت انجام داد، گفت: اگر قرار شود هرکس به دلخواه اسامی جغرافیایی را تغییر بدهد دنیا دچار هرج و مرج خواهد شد. کشورهای آفریقایی ممکن است اقیانوس هند را که مجاور آنها قرار دارد اقیانوس آفریقا بنامند و اقیانوس اطلس که در مجاورت برخی از کشورهای عربی است اقیانوس عربی نامیده شود!

بعد گفت: تا آنجا که می‌دانم، اصطلاح خلیج‌عربی اولین بار اواخر جنگ جهانی دوم توسط روزنامهٔ «تایمز» لندن مطرح شد و بعضی از کشورهای عربی دنبال آن را گرفتند.

در جای دیگر، شاه گفت: ما از جمال‌عبدالناصر فقط می‌خواهیم خلیج‌فارس را به همان اسمی بنامد که در هنگام تحصیل در دبستان و دبیرستان و دانشکده آموخته است. چون اگر در آن زمان آن را خلیج‌عربی می‌نامید، حتماً استادش او را رفوزه می‌کرد. از آن گذشته، جمال‌عبدالناصر در گذشته بارها در سخنرانی‌های خود اینجا را خلیج فارس نامیده. دلیلی ندارد که حالا اسم دیگری روی آن بگذارد!

از نظر داخلی، گناه این جنجال به گردن فرامرزی انداخته شد. آنها که دستشان به ناصر نمی‌رسید، تلافی او را سر فرامرزی درآوردند. روزنامه‌های دولتی شدیداً به او حمله کردند. یک‌بار دیگر فرامرزی ممنوع‌القلم شد. تا مدتی طولانی او را به مراسم و مجالس رسمی دعوت نکردند. اما عبدالرحمن فرامرزی اهل تسلیم و عقب‌نشینی نبود. او چند سال بعد با نوشتن مقاله‌ای دربارهٔ فلسطین در مجلهٔ ادبی «یغما» غوغای تازه‌ای برپا کرد.

حبیب یغمایی مدیر مجلهٔ یغما در خاطرات خود که به وسیلهٔ محقق دانشمند ایرج افشار چاپ شده، در این‌باره چنین نوشت:

«یک روز فرامرزی به من گفت مقاله‌ای برایت نوشته‌ام که در یغما چاپ کنی. گفتم خودت مدیر بزرگترین روزنامهٔ کشور هستی. اگر نیم‌کاسه‌ای زیر کاسه‌ات نیست چرا در کیهان چاپ نمی‌کنی؟

این مقاله در پاسخ نامه‌ای بود که یک یهودی ایرانی به نام «دکتر جمشید» برای فرامرزی نوشته بود. او در آن نامه از اسرائیل دفاع کرده بود. فرامرزی ضمن چاپ نامه به اسرائیل حمله کرده بود. دکتر مصباح‌زاده با چاپ مقاله در کیهان موافقت نکرد. مقاله در یغما چاپ شد و غوغا برانگیخت. چند روز بعد مشاهده کردم مقالهٔ فرامرزی را که عنوانش «من از تکرار تاریخ می‌ترسم» بود با اسم مجله گراور کرده‌اند. به شهربانی شکایت کردم که مجلهٔ مرا بی‌اجازه چاپ کرده‌اند. جواب دادند مباشر چاپ را معرفی کن. بعد از تحقیق فهمیدم بازاری‌های مسلمان بیش از یک میلیون نسخه از آن را چاپ کرده‌اند».

فقط عبدالرحمن فرامرزی می‌توانست مقاله‌ای بنویسد که یک میلیون نسخه خریدار و خواننده داشته باشد.

ادامه دارد

گذشته

مینو صمیمی

۶

دیپلماسی به روش ایرانی

شاق و فرساینده

در آن موقع هیچیک از اعضای سفارتخانه نمی‌دانست که چرا وقتی هر دو یک مقصد دارند، جدا از یکدیگر به طرف هتل «دولدر» رفتند. و من هم به عنوان مسئول تنظیم برنامه از این قضیه سر در نیاوردم تا سرانجام همان شب محرمانه از سفیر ایران شنیدم که: شاه از فرودگاه مستقیماً عازم محل اقامت یکی از ستارگان معروف سینما شد و تمام ساعات بعدازظهر را در جوار او گذراند.

گرچه دولت سوئیس در سفر تفریحی شاه و ملکه از آنها استقبال رسمی به عمل آورد، ولی این اقدام به معنای آن نبود که مردم سوئیس هم خواهان استقبال از شاه در سفر به کشورشان هستند.

تظاهرات عظیم دانشجویان سوئیسی علیه شاه در فردای روز ورود او به سوئیس ـ که قبلاً درباره‌اش توضیح داده‌ام ـ رویدادی غیرمترقبه بود، که گرچه همهٔ اعضای سفارتخانه را به حیرت واداشت، ولی روی هم رفته چه همکارانم و چه مأموران امنیتی ایران آن را زیاد جدی تلقی نکردند؛ و با اطمینان به حمایت همه جانبهٔ مقامات رسمی سوئیس از شاه، تصور اینکه تظاهرات مذکور مسأله نامطلوبی برای شاه پدید آورد، به ذهن راه ندادند. لیکن من نتوانستم بسادگی از این واقعه بگذرم، و چنین احساس می‌کردم که در آینده واقعه شومی برای شاه رخ خواهد داد.

موقعی که به اتفاق اعضای سفارتخانه به شهر برن بازگشتیم، بارش برف شروع شد؛ و همکارانم با مشاهدهٔ این وضع ـ بی‌آنکه اصولاً مسائل مربوط به سفر شاه نگرانشان کرده باشد ـ همگی خوشحال و امیدوار بودند که شاه به خاطر بارش برف بتواند از برنامه اسکی‌بازی خود لذت بیشتری ببرد. ولی برخلاف آنها، من به چیزهای دیگری می‌اندیشیدم و برخورد با مسائلی که در بدو ورود شاه به چشم دیده بودم، افکار جدیدی را در ذهنم به جریان انداخته بود.

قبلاً شنیدن سخنانی که شاه در ایران راجع به ضرورت پیشرفت کشور و ساختن جامعه‌ای بهتر بیان می‌کرد، مرا نیز مانند بسیاری از هموطنانم به این نتیجه رسانده بود که: شاه به عنوان یک رهبر نمونه در پیشاپیش ملتش قصد دارد جامعه‌ای مرفه و پیشرفته پدید آورد. ولی اینک در سوئیس مواجه با مسائلی شده بودم که اصلاً با آنچه قبلاً راجع به شاه و حکومتش می‌اندیشیدم انطباق نداشت: سفر تفریحی شاه به سوئیس با ۴۰ نفر همراه؛ حمل بار و اثاثه این سفر تفریحی با دو هواپیمای اختصاصی؛ عزیمت ۵۰ سفیر ایران از نقاط مختلف به سوئیس فقط برای خوشامدگویی چاپلوسانه و بی‌اعتنایی شاه به آنها؛ ملاقات با ستارهٔ سینما و عیاشی شاه؛ مشاهدهٔ خیل عناصر نالایق و متملق در سطوح بالای کشور، و... همه و همه از مواردی بود که عقیدهٔ قبلی مرا دربارهٔ شاه دگرگون می‌ساخت. ولی در عین حال باید اعتراف کنم که چون حجم کار و دشواری وظایفم در سفارتخانه کمتر فرصت تفکر راجع به این مسائل را پیش می‌آورد، لذا نمی‌توانستم آنطور که باید نسبت به اعمال شاه و آنچه در حاکمیت ایران جریان داشت، از خود واکنش نشان دهم.

البته من ظاهراً در سفارتخانه وظیفه‌ای جز تصدی منشی‌گری سفیر نداشتم. ولی بزودی آنقدر کار به سرم ریخت و حل و فصل امور مختلف به عهده‌ام واگذار شد، که از حد توانم خارج بود و واقعاً نمی‌دانستم چگونه امکان دارد قادر به اجرای همهٔ امور محوله باشم.

رجوع آن همه کار به من البته دلیلی هم جز این نداشت که به خاطر گذراندن دورهٔ کودکی و نوجوانی خود در سوئیس، با زبان و فرهنگ مردم کاملاً آشنا بودم و می‌توانستم در تنظیم و پیشبرد امور مربوط به روابط سفارتخانه با سازمان‌های اداری سوئیس نقش فعال و کارآمدی ایفاء کنم. به همین جهت نیز پس از مدتی تقریباً کلیه کارهای خارج از سفارتخانه وابسته به وجود من شد و ناگزیر به صورت کارمندی درآمدم که هرکس مشکلی در سوئیس پیدا می‌کرد حل آن را از من انتظار داشت.

یکی از وظایف بسیار دشوارم دوندگی برای تأمین خواسته‌های عجیب و غریب شاه و ملکه بود

یکی از وظایف بسیار دشوارم در مواقع سفر شاه به سوئیس ـ که در موارد عدیده حالت مسخره نیز به خود می‌گرفت ـ دوندگی برای تأمین خواسته‌های عجیب و غریب شاه و ملکه بود. و این امر البته به وسواس بیمارگونهٔ شخص سفیر نیز ارتباط پیدا می‌کرد، که دائم در هول و هراس بود تا مبادا کمترین تعللی در اجرای دستورات «شاهانه» صورت گیرد.

گاه که ملکه فرح شخصاً یادداشت می‌فرستاد و یا تلفن می‌کرد، سفیر سراز پا نمی‌شناخت تا آنچه مورد نیاز ملکه بود به سرعت تأمین کند. و هربار از سوی وزیر دربار یا طبیب مخصوص شاه به وسیلهٔ تلفن یا ارسال یادداشت چیزی از سفیر خواسته می‌شد، او همهٔ اعضای سفارتخانه را بسیج می‌کرد تا هرطور شده فوراً هرچه خواسته‌اند برایشان تهیه کنیم.

سفیر از همان روز اول به من هشدار داده بود که هیچ تعللی را در راه اجرای دستورات شاه و ملکه و همراهانشان نمی‌بخشد، و باید کاملاً چشم و گوشم باز باشد تا تمام نیازهایشان را در اسرع وقت تأمین کنم.

او به قدری از شاه و درباریان می‌ترسید که گاه واقعاً دلم به حالش می‌سوخت. ولی این حالت نه فقط منحصر به شخص سفیر، که دیگر اعضای سفارتخانه را هم شامل می‌شد؛ و آنها نیز با احساس عجز توأم با وحشت در مقابل شاه و درباریان، به گونه‌ای رفتار می‌کردند که گویی شاه چون خداوندگار است و باید هم از او ترسید و هم به فرامینش بی‌چون و چرا گردن نهاد.

فعالیت‌های ما در سفارتخانه به گونه‌ای جریان داشت که اغلب برایم تردید برانگیز بود و نمی‌دانستم آیا واقعاً وظیفهٔ کارمندان یک سفارتخانه همانست که ما انجام می‌دهیم، یا مسأله به طور کلی صورت دیگری دارد؟

وظایفی که به عهدهٔ من محول شده بود، در بسیاری موارد چنان با روحیات و افکارم تضاد داشت که حالت یک کار شاق و فرساینده را به خود می‌گرفت و ناچار با اکراه در صدد اجرایش برمی‌آمدم.

اقدامات سفارتخانه حتی با آنچه در مطبوعات ایران راجع به سیستم حاکم و روند سیاست خارجی کشور انتشار می‌یافت نیز کاملاً مغایر بود: مطالب مندرج در مطبوعات چاپ ایران این‌طور نشان می‌داد که مأموران سیاسی ایران در خارج، نمایندگان کشوری پیشرفته هستند که رهبری «داهیانه» شاه آن را تا پایان قرن حاضر به سطح کشورهایی مثل فرانسه و سوئد خواهد رساند؛ و نیز روزی نبود که ضمن طرح مسأله سرسپردگی مردم ایران به شاه در روزنامه‌ها، سخن از دیدگاههای بدیع شاه و مشاورانش در باب انقلاب اجتماعی به میان نیاید. ولی آنچه ما در سفارتخانه انجام می‌دادیم، نه تنها ارتباطی به وظایف مأموران دیپلماتیک یک کشور «پیشرفته» و نمایندگان یک شاه «روشنفکر» نداشت، که برعکس جز تلف کردن پول و هدر دادن نیروی کار انسانی ثمر دیگری به بار نمی‌آورد. (نمونه بارز آن نیز همان فعالیت همه‌جانبهٔ سفارت ایران در سوئیس برای یافتن پماد ضد خارش برای شاه بود).

ادامه دارد

نگارستان

سعید نفیسی

پدرم، علی‌اکبر ناظم‌الاطباء نفیسی

پزشک مخصوص

تا ناصرالدین شاه زنده بود در همه سفرهایی که می‌کرد با او همراه بود چنانکه در ۱۳۱۲ که در بهار با وی به گردش رفته در درهٔ جاجرود چادر زده بودند باران سختی بارید و سیلاب جان‌اوباری به راه افتاد و چادری را که به زیر آن پناه برده بود درگرفت و سیل نزدیک یک فرسنگ او را برد و شاه با شور و دلسوزی خاص عده کثیری را مامور نجات او کرد بدین گونه به زحمتی از دهان سیلش رهانیدند و زندگی دوباره یافت. در ۱۳۱۷ که مظفرالدین شاه نخستین بار به اروپا می‌رفت و حرمخانه خویش را با خود می‌برد وی نیز در آن سفر همراه شد چون حرمخانه در تبریز ماند وی نیز تا بازگشت مظفرالدین شاه در تبریز مامور پاسبانی از اندرون شاه بود.

در ۱۳۲۴ که مقدمات مشروطیت فراهم شد و مظفرالدین شاه از دو سال پیش بستری و رنجور بود وی بیش از همه پزشکان دیگر بیشتر طرف اعتماد شاه و دربار بود چنانکه شب نیز بر بالین شاه می‌خفت و با وجود عده کثیر اطبای ایرانی که گرد او را فراگرفته بودند او طبیب معالج هر روز و هر شب بود.

در این میان واقعه بسیار شگفتی روی داد که یکی از عجایب حوادث تاریخ آن زمان است. شبی که اتفاقا حال بیمار را اطمینان‌بخش دیده و به خانه بازگشته بود در نیمه شب ناگهان او را بیدار کردند و به بالین شاه خواندند. همین که به آنجا رسید دید در پشت خوابگاه شاه جمعی از درباریان جوانی را که از آن زمان جزو پیشخدمتان دربار بود و پس از آن در سیاست ایران تا سال گذشته همواره بیش و کم وارد بوده است و پیش از این مقدمات طب را در فرانسه فراگرفته و به آنجا نرسیده بود که فارغ‌التحصیل شود، در میان گرفته و می‌خواهند با کارد و چاقو کارش را بسازند و می‌گویند شاه را زهر داده است. به زحمتی وی را از دست ایشان نجات داد و به خوابگاه شاه رفت و دید وی نیز خود را باخته و در دم مرگ است و چون نسخه دارویی را که آن جوان تازه‌کار نوشته و به شاه خورانده بود نگریست متوجه شد که دوای سمی را به جای آنکه چند قطره بنویسد چندگرم نوشته و بدین گونه او را مسموم کرده‌است. چاره جز این ندید که شاه را دل دهد و آن بدبخت را از کشته شدن رهایی بخشد و بهترین تدبیری که می‌توانست این بود که گفت دارو سمیتی ندارد و برای آنکه شاه و اطرافیان را قانع کند بازماندهٔ دارو را که در بالین بیمار بود خود سرکشید و وفوراً پادزهری تهیه دید و در ضمن اینکه به شاه می‌خورانید، خود نیز خورد و غائله‌ای که آن جوان هنگامی که میدان را از پزشکان تهی دیده فراهم کرده بود بدین‌گونه خوابید و شگفت‌تر اینکه این واقعه در حساس‌ترین موقع یعنی در زمانی روی داد که مظفرالدّین شاه فرمان مشروطیت را امضا کرده اما هنوز اجرا نشده بود و پیداست که اگر وی شاه را از آن خطر نرهانیده بود فرمان مشروطیت به کجا می‌رسید.

پاداشی که وی از این خدمت از دورهٔ اول مجلس شورای ملی گرفت این بود که چون مجلس خواست بودجهٔ دربار را تعدیل کند و از مخارج بکاهد و حقوق کسانی را که بیهوده چیزی را از خزانهٔ کشور می‌گرفتند قطع کند، حقوق وی را نیز که در برابر خدمات ملّی در حضر و سفر و کار شبانه‌روزی برقرار کرده بودند برید و این واقعه مدتهای مدید روح او را در پایان زندگی رنجور و نفور کرده بود و چندین سال زندگی وی در تنگنا بود تا اینکه توانست دوباره مرجعیتی به دست آورد.

با این همه باز وی از خدمات به مشروطیت ایران خودداری نداشت چنانکه چون محمّد علی میرزا به پادشاهی نشست و با مشروطه خواهان از در عناد درآمد خواست چنین وانمود کند که فرمان مشروطیتی که پدرش امضا کرده است اعتبار ندارد و در پایان زندگی در دورهٔ بیماری و در موقعی آن را امضا کرده است که مشاعرش درست نبوده و از وی بیش از پزشکان دیگر در این کار امیدوار بود به همین جهت یکی از برادران خود را نزد او فرستاد و وعدهٔ مبالغ خطیر کرد که وی گواهی دهد که شاه در زمانی که این فرمان را امضا کرده مشاعرش درست نبوده‌است چون وی طبیب معالج و شب و روز پرستار او بوده‌است از روی گواهی کامل این شهادت را می‌دهد ولی وی تن به این گواهی در نداد و هر چه کردند راضی نشد که چنین سندی را امضا کند و بدین جهت پزشکان دیگری هم که دست اندرکار بودند و شاید آماده شده بودند جرأت نکردند در این کار گواهی دهند.

در هر صورت از سال ۱۳۲۸ به بعد تا آخرین روزی که زنده بود همهٔ اوقات شبانه‌روزی خود را صرف معالجهٔ بیماران و تألیف کتابهای سودمند و خدمتهای فرهنگی می‌کرد و از مشاهیر پزشکان زمان خود به شمار می‌رفت چنانکه در همان اول شرح حالهایی دربارهٔ او نوشته و چاپ کرده‌اند از آن جمله است شرحی که مرحوم حاج میرزا معصوم نایب‌الصدر شیرازی معصومعلی شاه در مجلد سوم کتاب طرایق الحقایق چاپ طهران در صفحه ۱۰۶ دربارهٔ وی و خاندان مادریش انتشار داده و نیز ترجمهٔ حالی که مرحوم میرزا محمّد ناظم‌الاسلام کرمانی در مجلد اول تاریخ بیداری ایرانیان در صفحات ۱۰۱ تا ۱۲۳ منتشر کرده است. سرانجام در روزنامه دوشنبهٔ ۲۶ ذی‌القعدهٔ ۱۳۴۲ مطابق با ۹ خرداد ماه ۱۳۰۳ شمسی چهار ساعت بعدازظهر پس از چند روز بستری بودن در سن ۷۹ سالگی به بیماری ذوسنطاریا درگذشت و تا دم واپسین هوش و حواسش کاملاً بجا بود و با فرزندان خود سخن می‌گفت. از وی پنج پسرو دو دختر ماند، پسرمهترش برادر دانشمند من جناب آقای دکتر علی اصغر مؤدب نفیسی است که از مادر دیگری به جز مادر ماست و پس از رحلت مادر وی از مادر ما چهار پسر و دو دختر به جهان آمده‌اند که نخست محرّر این سطور سپس به ترتیب دکتر حسن مشرف نفیسی و حسین و توران دخت و همدم و فتح الله باشند.

سعید نفیسی

انجمن معارف و کتابخانهٔ ملّی

مرحوم دکتر علی اکبر نفیسی از پزشکان پرکارمحیط زمان خود بود و نه تنها در فن خود تألیف کرده بلکه در رشته‌های دیگر نیز آثاری گذاشته است یکی از جنبه‌های مهم زندگی علمی او توجهی است که در انتشار معارف جدید داشته چنانکه در ۱۳۱۶ قمری که مرحوم حاج میرزاعلی خان امین‌الدّوله وزیراعظم شده و جنبشی در طهران برای ترویج معارف جدید پیش آمده و جمعی از دانش پژوهان و معارف پروران در این کار شرکت کرده و انجمن معارف و کتابخانه ملّی را تأسیس نموده‌اند وی از دستیاران بسیار پرکار و مؤثر این جمعیت بوده و باهم اندیشگان دیگر که معروف‌ترین آنهـا حاج میرزا حسن رشدیه و حاج مهدی قلی خان هدایت مخبر السلطنه و میرزا سید محمّد طباطبایی معروف به سنگلجی و میرزاسیدحسین خان نظام الحکماء و میرزا کریم خان منتظم الدّوله فیروزکوهی سردار مکرم و سردار فیروز رئیس قورخانه و حاج حسین آقا مهدوی امین‌الضرب و میرزااسمعیل خان آجودان باشی توپخانه و دکتر عطاءالله بخشایش و حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی و میرزا محمودخان مفتاح‌الملک و شیخ مهدی کاشانی معروف به مظفری و دکتر محمدخان کرمانشاهی معروف به کفری و حاج میرزا محمودخان علامیر احتشام‌السلطنه و میرزا ابراهیم شمسی سعیدالعلماء بودند، اساس معارف جدید را در طهران ریخته‌اند. چنانکه در شعبان ۱۳۱۶ چند تن از ایشان از آن جمله مرحوم دکتر نفیسی جمعیتی به نام «انجمن تأسیس مکاتب ملیهٔ ایران» به ریاست جعفرقلی خان نیرالملک وزیر علوم تشکیل دادند ...

عکس‌های تاریخی/ ۲۵

استاد ملک الشعرای بهار / عکس: آرشیو اطلاعات

من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید
قفسم برده به باغی و دلم شاد کنید

آشیان من بیچاره اگر سوخت چه باک
فکر ویران شدن خانه صیاد کنید

فصل گل می گذرد هم نفسان بهر خدا
بنشینید به باغی و مرا یاد کنید

جور و بیداد کند عمر جوانان کوتاه
ای بزرگان وطن بهر خدا داد کنید

یاد از این مرغ گرفتار کنید ای مرغان
چو تماشای گل و لاله و شمشاد کنید

گر شد از جور شما خانه موری ویران
خانه خویش محال است که آباد کنید

هر که دارد ز شما مرغ اسیری به قفس
برده در باغ و به یاد منش آزاد کنید

کنج ویرانه زندان شد اگر سهم بهار
شکر آزادی و آن گنج خدا داد کنید

نما

ایرج آدیگوزلی

بهار به روایت دخترش/۱۰

برادرم مهرداد



مسافران یک به یک از در پشت طیاره پیاده شدند. من بعد از رفتن همه، به طرف صندلی پدرم رفتم. آقاجان هنوز نشسته بود و منتظر من بود: خوب آقاجان بلند شوید که پیاده شویم. پالتو و کیف داروهایش را به دست گرفتم. آقاجان کلاهش را به سر گذاشت، عصایش را به دست گرفت. پدرم به جلو و من پشت سر او به در خروجی طیاره رسیدیم.

بالای پلکان طیاره که رسیدیم یک مرتبه دیدم، تمام فامیل و عده‌ای از دوستانش پایین طیاره ایستاده‌اند. آنها تا ما را دیدند همه شروع به کف زدن کردند. آقای آشتیانی و عصار را شناختم. هوای تهران ابری بود، کم‌کم باران می‌بارید. پدر اول به طرف مادرم و بعد خواهرها و شوهرشان و بعد دوستانش رفت و همه با هم به طرف در خروجی فرودگاه رفتیم. همهٔ فامیل آن موقع در تهران بودند. فقط هوشنگ بود که به امریکا رفته بود. پدرم هوشنگ را قبل از آگاهی به کسالت سل‌اش به امریکا برای تحصیل فرستاده بود، ولی چند ماهی بیشتر نگذشت که فامیل دریافتند، مخارج هوشنگ از عهده ما خارج است. به خصوص کسالت شدید پدر و فرستادن او برای معالجه به سوئیس، ما را به کلی از لحاظ مالی تهی کرده بود. پدرم به هوشنگ وضع فامیل را نوشت، و موضوع بیماری‌اش را شرح داد و بعد از او خواست برگردد یا خودش با کار کردن در امریکا مخارج تحصیلش را بدهد. هوشنگ جواب داد که می‌ماند و کار پیدا می‌کند تا تحصیلاتش را تمام کند.

البته چند سال بعد که من در امریکا برای دیدن او به مونتانا رفتم، هنوز محصل بود و فوق‌لیسانس می‌خواند. شب‌ها تا ساعت دو صبح کار می‌کرد و روزها دانشگاه می‌رفت. برایم تعریف کرد که چقدر شب‌ها کار کردن و صبح‌ها به دانشگاه رفتن برایش مشکل بود. هوشنگ فوق‌لیسانسش را گرفت و بعد برای گرفتن دکترایش به دانشگاه میشیگان رفت.

برادرم مهرداد در موقع برگشت ما از سوئیس دانشگاه می‌رفت. ماه ملک و شوهرش یزدان بخش قهرمان و پسرشان رامین جدا زندگی می‌کردند. ملک دخت و شوهرش امیر جلیل مژدهی و دخترشان غزاله هم خانهٔ خودشان را داشتند. چهرزاد خواهرم که از همه کوچکتر بود، یازده سال بیشتر نداشت و مدرسه می‌رفت. فقط فرزندی که تنها بود و بچه هم نبود، من بودم. این فرصتی بود که به من داده شد. برایم در تمام زندگی خاطرهٔ بسیار عمیقی باقی گذارد. من تمام مدت همراه پدرم به محافل سخنرانی، جشن‌های سفارتخانه‌های خاورمیانه یا هند و پاکستان می‌رفتم. مستشرقین که به ایران می‌آمدند تقریباً همه مرا می‌شناختند، با پدرم به دیدن آنها می‌رفتیم یا اگر آنها به نزد پدر می‌آمدند من همیشه حاضر بودم.

در سال اول ورود ما از سوئیس، حال پدرم نسبتاً خوب بود. چندین بار برای تدریس به دانشگاه رفت. شاگردان دورهٔ دکترای ادبیات را در منزل برای امتحانات نهایی می‌پذیرفت. یادم هست که اغلب نزدیکی‌های ظهر، مشهدی اصغر دو صندلی و یک میز زیر درختان توت پشت باغ می‌گذارد و پدرم یک یک شاگردانش را امتحان می‌کرد.

پدرم در سال اول ورود ما از سوئیس به خواست سفیر پاکستان ریاست مراسم بزرگداشت شاعر معروف پاکستان علامه اقبال را قبول کرد. علامه اقبال نه تنها در سرودن اشعار اردو مقام ارجمندی داشت بلکه در انشا و شعر فارسی شهرت بسزایی داشت. در ماه آوریل ۱۹۵۰ به مناسبت روز اقبال، مراسم باشکوهی به ریاست پدرم در سفارت پاکستان برگزار شد و چند تن از سخنوران و دانشمندان در آن روز سخنرانی‌هایی پیرامون شخصیت سیاسی و ادبی علامه اقبال ایراد کردند. چکامه‌هایی که سروده بودند، قرائت شد. پدرم قصیده‌ای را که به مناسبت آن روز نوشته بود با صدای بلند خواند. من در ردیف جلو سالن سخنرانی نشسته بودم و غرق زیبایی قصیدهٔ پدرم شده بودم.

اولین تابستان بعد از بازگشت ما از سوئیس حال پدرم زیاد بد نبود، با وجود این یکی از دوستانش برای نجات او از گرمای تهران در باغی که در نیاوران داشت از پدر و مادرم درخواست کرد که تابستان را در آن باغ بگذرانند. باغ بزرگی بود که عمارت صاحبخانه بالای تپه قرار داشت ولی پایین تپه نزدیک استخر دو چادر برای پدر و مادرم و یک چادر دیگر برای ننه و چهرزاد زده بودند. من اغلب روزها در نیاوران بودم ولی شب‌ها به منزل بازمی‌گشتم.

سال دوم، حال پدر روز به روز بدتر می‌شد. سرفه‌های شدید که اغلب آمیخته به خون بود، به خوبی پیشرفت مرض سل را نشان می‌داد.

تمدن

تاریخ اقتصادی خاورمیانه

نوشتاری از چارلز عیساوی

چارلز عیساوی: بیش از ۲۰ سال، اغلب پژوهشهای من و بسیاری از درسهایم دربارهٔ تاریخ اقتصادی خاورمیانه در دو قرن اخیر بوده است. با توجه به وضع پژوهش در این زمینه، چنین دریافتم که سودمندترین کار فراهم آوردن مجموعه‌ای از تاریخ مستند بخشهای عمدهٔ این منطقه است. پس، تاریخ اقتصادی خاورمیانه (شیکاگو ۱۹۶۶)، تاریخ اقتصادی ایران (شیکاگو ۱۹۷۱)، تاریخ اقتصادی ترکیه (۱۹۸۰) و تاریخ اقتصادی هلال خصیب را نوشتم. هرچندکه این مبحث هنوز چندان آماده نیست که بتوان بررسی جامعی از ترکیب این پژوهشها به دست داد، شاید مناسب باشد که الگوها و روندهای اساسی تحول خاورمیانه را در دو قرن اخیر، که دورهٔ دگرگونی بنیادی در اقتصاد و جامعهٔ منطقه بوده است، ترسیم کنیم. من خود از محدودیتهای چنین بررسی‌ای نیک آگاهم. نخست اینکه پژوهشهای دست اول من، دربارهٔ آفریقای شمالی اندک است، اما تطور این منطقه به خودی خود چندان جالب توجه است و چندان برای دنیای انگلیسی زبان (و در واقع برای دنیای عرب زبان) نا آشناست و چندان با تطور خاورمیانه – که بیش از پیش با آن در آمیخته می‌شود – پیوسته است که من کوشیده‌ام در هرکجا که میسر بوده به آن اشاره کنم. دیگر اینکه فقدان تک‌نگاری دربارهٔ بسیاری از بخشهای این منطقه سبب می‌شود که نقشه‌های سردستی که در این کتاب به دست می‌دهیم به ناچار دارای مناطق ناشناختهٔ بسیار باشد و از مناطق مشخص شده نیز تنها خطوط اصلی ترسیم شود.

چند دهه لازم است تا تک‌نگاری‌ها نوشته شود، مناطق ناشناخته شناخته گردد، و تردیدها جای خود را به یقین بسپارد. این کاری است برعهدهٔ مردم منطقه، درست به همان گونه که شالودهٔ نگارش تاریخ اقتصادی خاور دور را پژوهندگان ژاپنی و چینی نهاده‌اند. اما منابع عظیم آرشیوهای مربوط به امپراتوری عثمانی، و مدارک بسیار کمتر، اما به هر حال با ارزش، در برخی کشورهای عربی و ایران، و نیز کوشش درخشانی که در چند مرکز واقع در منطقه صورت می‌پذیرد، نوید آن است که این کار در آینده‌ای نزدیک به انجام خواهد رسید.

تاریخ اقتصادی خاورمیانه در ۲۰۰ سال اخیر مضمونی عمده دارد: تأثیر و واکنش یا چالش و پاسخ تأثیر یا چالش از سوی اروپای سرمایه‌دار در حال صنعتی شدن بود که درجستجوی خوراک، موادخام، بازار، روزنه‌های خروجی برای نیرو، سرمایه و جمعیت خود بر تمامی کرهٔ خاک دست می‌گشود و سخت مصمم بود که رعایت قوانین نظامی را که درچارچوب آن عمل می‌کرد، در بقیهٔ جهان تضمین کند و بدین منظور، درصورت لزوم به تصرف مناطق دیگر نیز دست یابد. واکنش یا پاسخ از سوی خاورمیانه، کند بود و تنها در قرن بیستم شتاب گرفت. این منطقه صدها سال درحالت رکود یا پسروی بوده است و چندین دهه به درازا کشید تا چشم گشودن بر واقعیت‌های امروزی، نیرویی فزاینده و مجموعه‌ای از شرایط خارجی مساعد، آن را با پاسخگویی به تهدید غرب و سلطهٔ سیاسی توانا ساخت.

تأثیر غرب نخست با تجارت احساس شدکه تا جنگ جهانی اول شتابان و پیوسته گسترش می‌یافت. حمل و نقل به شیوهٔ جدید که با کشتی‌های بخاری در دههٔ ۱۸۳۰ آغاز شده بود رفته‌رفته در منطقه راه بازکرد. نیمهٔ دوم قرن دوران ساخته شدن تلگراف، راه آهن و بندرها بود. در همین دوره سرمایهٔ اروپایی به میزانی چشمگیر به منطقه سرازیر شد و در شمال آفریقا، مصر و فلسطین، ماندگاه‌های وسیع مهاجران اروپایی ایجاد شد.

یک نظام مالی ابتدایی پی نهاده شد که پیوندی مستقیم با تجارت خارجی داشت و اغلب مستلزم آن بود که (مثلاً در مصر) مقادیری هنگفتی سکه به منظور تأمین وجوه لازم برای انتقال محصولات کشاورزی وارد شود. درطول این قرن محصول ناخالص داخلی در اغلب بخشهای منطقه چند برابر شد و هرچند که جمعیت نیز افزایش یافت، محتمل می‌نماید که درآمد سرانه بالا رفته باشد، اما این الزاماً به معنای بهبود چشمگیر در سطح زندگی نیست. منطقه بیش از پیش در شبکهٔ تجاری و مالی جهان ادغام شد.

گسترش تولید بیشتر در بخش کشاورزی بود. صنایع دستی در آغاز قرن نوزدهم و حتی پیش از آن به علت رقابت کالاهای کارخانه‌ای اروپا رفته‌رفته روی به زوال نهاد و کارخانه‌های جدید پس از آغازی بی سرانجام در دهه‌های ۱۸۳۰ و ۱۸۴۰، تنها دو یا سه دهه پیش از جنگ جهانی اول ساخته شد.

توسعهٔ معادن نیز به همین اندازه‌کند بود و معدن تنها درچند ناحیه از خاک ترکیه، تونس، و مراکش اهمیت داشت، نفت در ۱۹۰۸ درمصر و ایران کشف شد، اما توسعهٔ آن در دوره‌های بعد فرا رسید. خدماتی که ارز خارجی را به منطقه جذب می‌کرد جز در نواحی کوچکی از مصر و لبنان، ناچیز بود. توسعهٔ کشاورزی بیش از هر چیز در چند محصول صادراتی نمایان بود: پنبه، توتون، ابریشم، تریاک، شراب، خشکبار و دانه‌های خوراکی، تولید این محصولات چند برابر شد. به استثنای شراب در آفریقای شمالی، مرکبات در فلسطین و بعد از جنگ جهانی اول، پنبه در جزیرهٔ سودان، این محصولات، برخلاف آنچه در آمریکای لاتین، آسیای جنوب‌شرقی و آفریقا رواج داشت، درکشتزارهای وسیع متعلق به خارجیان یا تحت مدیریت آنان کشت نمی‌شد. کشت این محصولات به دست زمینداران یا دهقانان بومی بود که علاوه برکشت سنتی محصولات معیشتی منطقه، یا به‌جای آن، این‌گونه محصولات را تولید می‌کردند. در اینجا همچون دیگر مناطق جهان که توسعه‌ای مشابه داشتند (برای مثال، برنج در آسیای جنوب‌شرقی، کاکائو و دانه‌های روغنی در غرب آفریقا) زمینداران و دهقانان از آن روی قادر به گسترش تولید بودند که همهٔ عوامل لازم به آسانی در دسترس بود.

ادامه دارد

نامه‌های نیما/ عاشقانه‌های یک شاعر

۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۴ تهران.

به عالیه نجیب و عزیز! می‌پرسی با کسالت و بی‌خوابی شب چطور به سر می‌برم؟ مثل شمع: همین که صبح می‌رسد خاموش می‌شوم و با وجود این، استعداد روشن شدن دوباره در من مهیا است. بالعکس دیشب را خوب خوابیده‌ام. ولی خواب را برای بی‌خوابی دوست می‌دارم. دوباره حاضرم. من هرگز این راحت را به آنچه در ظاهر ناراحتی به نظر می‌آید ترجیح نخواهم داد. در آن راحتی دست تو در دست من است و در این راحتی... آه! شیطان هم به شاعر دست نمی‌دهد، مگر این که در این تاریکی شب، خیالات هراسناک و زمان‌های ممتد ناامیدی را به او تلقین کند!

بارها تلقین کرده است. تصدیق می‌کنم سال‌های مدید به اغتشاش‌طلبی و شرارت در بسیط زمین پرواز کرده‌ام. مثل عقاب، بالای کوه‌ها متواری گشته‌ام. مثل دریا، عریان و منقلب بوده‌ام. بدی طینت مخلوق، خون قلبم را روی دستم می‌ریخت. پس با خوب به بدی و با بد به خوبی رفتار کرده‌ام. کم‌کم صفات حسنه در من تبدیل یافتند: زودباوری، صفا و معصومیت بچگی به بدگمانی، خفگی و گناه‌های عجیب عوض شدند.

آه! اگر عذاب‌های الهی و شراره‌های دوزخ دروغ نباشد، خدا با شاعرش چطور معامله می‌کند!؟

آیا نسبت به او بیشتر کینه‌ورزی می‌داشت؟ آیا حرص و غضب الهی خاموش می‌شد یا سال‌های دراز برای تسلی دادن به وجود خود، یک جسد حقیر را می‌سوزانید؟

حال، من یک بسته اسرار مرموزم. مثل یک بنای کهنه‌ام که دستبردهای روزگار مرا سیاه کرده است. یک دوران عجیب خیالی در من مشاهده می‌شود. سرم به شدت می‌چرخد. برای این که از پا نیفتم، عالیه، تو مرا مرمت کن.

راست است: من از بیابان‌های هولناک و راه‌های پرخطر و از چنگال سباع گریخته‌ام. هنوز از اثر آن منظره‌های هولناک هراسانم.

چرا؟ برای این که دختر بی‌وفایی را دوست می‌داشتم. قوه مقتدره او بی‌تو، وجه مشابهت را از جاهای خوب پیدا می‌کند. پس محتاجم به من دلجویی بدهی. اندام مجروح مرا دارو بگذاری و من رفته رفته به حالت اولیه بازگشت کنم.

گفته بودم قلبم را به دست گرفته با ترس و لرز آن را به پیشگاه تو آورده‌ام. عالیه عزیزم! آنچه نوشته‌ای، باور می‌کنم. یک مکان مطمئن به قلب من خواهی داد. ولی برای نقل مکان دادن یک گل سرمازده وحشی، برای این که به مرور زمان اهلی و درست شود، فکر و ملایمت لازم است. چقدر قشنگ است تبسم‌های تو! چقدر گرم است صدای تو وقتی که میان دهانت می‌غلتد! کسی که به یاد تبسم‌ها و صدا و سایر محسنات تو همیشه مفتون است. نیما

سفرنامه بن‌تان

ترجمهٔ منصوره اتحادیه :

اول ژوئن ۱۸۰۷: دوست عزیزم! من اکنون به سر حد ایران و ترکیه رسیده‌ام و میل دارم شما را از راهی که پیموده‌ام آگاه سازم. البته این اطلاعات ناقص خواهد بود چون خود من هم استفاده کامل از این سفر نکرده‌ام. در مدت بیست روز ششصد فرسنگ راه پیموده‌ام و برای مطالعه اوضاع در طی راه وقت کافی نداشتم به خصوص چون با خود شرط کرده بودم حس کنجکاوی خود را مهار کرده از اسب پیاده نشوم تا با سرعت هر چه تمامتر خود را به مقصد برسانم و این امر مستلزم این بود که با تنبلی و بی‌علاقگی ترکها مبارزه نمایم و با کوشش و پشت‌کار از توقف آنها جلوگیری کنم. بخصوص چون حاضر نبودم برای خوردن و خوابیدن وقت خود را صرف کنم چگونه می‌توانستم به تماشای ستون‌ها و خواندن کتیبه‌ها و یا جمع‌آوری سنگ و صخره بپردازم بدون آنکه همراهان مرا دیوانه نپندارند و از اطاعتم سر نپیچند.

همراهان بن‌تان در سفر وی به ایران: ده مه ۱۸۰۷ از قسطنطنیه راه افتادم. یک مستخدم یونانی که با پنج یا شش زبان به طور ناقص آشنائی داشت به عنوان مترجم همراه من بود. به علاوه باب عالی یک نفر تاتار به نام علی آقا همراه من کرده بود و او برادرش را که مسلمان متعصبی بود و به ارزروم میرفت به بهانه اینکه وجودش در راه بسیار مفید خواهد بود همراه خود آورده بود. خواهید دید این موضوع بعداً باعث پشیمانی من شد. یک ایرانی هم که قاصد سفیر ایران بود و از ورشو می‌آمد به دسته ما محلق شد.

وی نیز باعث اشکالاتی می‌شد، دائم از من تقاضا می‌کرد که کمی استراحت کنیم و به نظرش می‌رسید که من زیاده از حد عجله می‌کنم. فرمان‌های لازم را از سلطان در دست داشتم تا در طول راه همه جا به ما اسب بدهند و خرج سفر ما را متحمل شوند. از بسفور گذشته به اسکوتاری که شهر بزرگ آسیائی ترکیه است و در مقابل قسطنطنیه قرار دارد رفتم تا از چاپارخانه آنجا اسب بگیرم، اول حکم سلطان را ندیده گرفتند و بالاخره مجبور شدم به آنها پول بپردازم تا به ما اسب بدهند. این برخورد اولیه نشان می‌داد که بعداً نیز از این گونه اشکالات بسیار خواهم داشت. به جز در سرزمین چوپان اوغلو شاهزاده جوزگات و انگورا د رهمه راه از من پول مطالبه کردند و صاحبان چاپارخانه‌ها به فرمان سلطان احترامی نگذاردند.

از دشت اسکوتاری که می‌گذشتم به قبرستان مسلمانان رسیدم که مشجر و بسیار تماشائی بود.

ادامه دارد

شرح

حسن طبایی

بازیهای چرچیل با ترومن-۲

چرچیل می‌گفت...





آچسن و ایدن اغلب نظریات متفاوتی داشتند و بین آنها تصادمات بسیاری روی داده بود. فرانکز، سفیر انگلیس بین آن دو نقش میانجی‌بازی کرد و کوشش داشت روابط طرفین را تا حد امکان هموار سازد.

اقدام بعدی ایدن آن بود که به میدلتون دستور دهد از مصدق سؤال کند پیشنهادهای او چیست؟ و مصدق در پاسخ، یک پیشنهاد چهار ماده‌ای به شرح زیر مطرح کرد: اول آنکه دو کشور از دادگاه جهانی بخواهند مسئله غرامت را حل کند. دوم دولت انگلیس بلافاصله بابت مبالغی که (AIOC) به ایران بدهکار است، بخشی را علی‌الحساب پرداخت کند. سوم ایران حاضر است که نفت خود را به (AIOC) بفروشد، به شرط آنکه بر سر قیمت آن به توافقی برسند که از نظر هر دو طرف رضایت‌بخش باشد. و بالاخره هر میزان غرامتی که توسط دادگاه جهانی تعیین شد، ایران یا از طریق صدور جهانی نفت و یا در نظر گرفتن تخفیف در قیمت فروش، مستهلک خواهد کرد.

وقتی پیشنهادها، که به نظر دولت آمریکا نیز معقول و منصفانه رسیده بود، از طرف انگلیس رد شد، آمریکا ناگزیر گردید بار دیگر در صدد یافتن راه‌حلی به ابتکار خود برآید. این فرصت در نیمه ماه اوت سال ۱۹۵۲ پیش آمد، به این ترتیب که آلتون جونز رئیس سیتیز سرویس که یک کمپانی مستقل نفتی آمریکایی بود، به ترومن اطلاع داد دعوتی را که مصدق از او به تهران کرده، تا به اداره عملیات مربوط به نفت ایران کمک کند، بپذیرد. رئیس جمهوری با نظر جونز موافقت کرد و این امر وزارت خارجه انگلیس را بشدت مضطرب ساخت. در آن زمان، ایدن بیمار بود و از این رو چرچیل شخصاً مداخله کرد و پیامی به شرح زیر برای ترومن فرستاد:

«من از ملاقات آلتون جونز با مصدق نگران هستم... اگر این مسئله معلوم شود که آمریکا تلاش می‌کند در میدانهای نفت خلیج‌فارس جانشین انگلیس شود... این امر معارضات جدی را در کشور من به وجود خواهد آورد. ما آنچه از دستمان برآید، برای کشیدن این بار سنگین بر دوش خود انجام می‌دهیم... همان طور که در جنگ کره نیز آنچه را از دستمان برآید انجام می‌دهیم. با توجه به این مسئله که روسیه شوروی ممکن است این جنگ را تبدیل به راه‌اندازی یک جنگ اتمی کند، هیچ کشور دیگری داوطلبانه دست به چنین ریسکی نمی‌زند که ما زده‌ایم. من امیدوارم شما بهترین مساعی خود را به کار بندید تا جلوی نزدیکی آمریکا به مصدق گرفته شود... و حرفهایی ـ که مستند به استدلالات قوی باشد ـ بر دهانهایی جاری نشود که به مسئله مهم گامهایی که برای تحکیم هرچه بیشتر اتحاد انگلیس و آمریکا برداشته می‌شود، با بی‌اعتنایی می‌نگرند و توجه چندانی به آن ندارند.»

چرچیل می‌گفت، در برابر کمکی که انگلیس به آمریکا در جنگ کره می‌کند، ترومن هم باید کمک کند تا بریتانیا دوباره منافع از دست رفته نفت خود را در ایران به دست آورد.

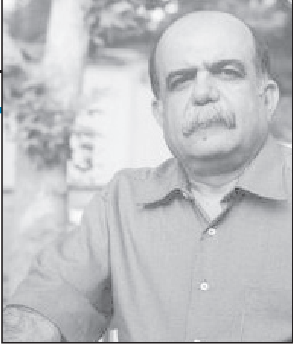
ترومن که احساس می‌کرد در مسئله مابه‌الاختلاف طرف ظالم انگلیس است، از چرچیل خواست که به راه‌حل منصفانه‌ای تسلیم شود و اظهارنظر کرد که این راه‌حل فقط شامل دو موضوع است. اول آنکه مبلغ غرامت معین شود، و دوم آنکه ترتیب وصول آن طوری باشد که ایران بتواند از محل عواید فروش نفت خود آنرا بپردازد. ترومن می‌گفت جونز می‌تواند به ایران برای تجدید تولید و تصفیه نفت کمک کند و به این ترتیب هم (AIOC) به نفت دلخواهش می‌رسد و هم ایران پول بدست می‌آورد تا بدهی خود را بپردازد.

در پایان ترومن اضافه کرده بود که «آمریکایی‌ها کوچک‌ترین تمایلی ندارند که از مشکلات کنونی شما بنفع خویش بهره‌برداری کنند.»

بعلاوه ترومن از چرچیل خواسته بود قانون ملی شدن نفت ایران را بپذیرد.

سفر

احمد یاوری


■ دکتر کزازی

هنر آشپزان اسپانیایی تنها آن است که خوراکی یگانه را به شیوه‌هایی گونه‌گون می‌آرایند و نام‌هایی گونه‌گون بر آن می‌نهند و بدین‌سان گونه‌گونی و رنگارنگی‌ای برساخته و بی‌پایه پدید می‌آورند که تنها دامی است آنان را که با چگونگی این آشپزی آشنایی ندارند و فریفته فهرستی بلندبالا از نام‌هایی بسیار می‌شوند که در خورشخانه‌ها فراپیش مشتریان نهاده می‌آید.

پس از شانزده ساعتی سفر، کوفته و مانده، به سویل رسیدیم و در مهمانسرایی به نام دروازه نیمروز کاشانه گزیدیم. سویل شهری است از آبخوسته (=شبه جزیره) ایبریا که یونانیان آن را هیسپالیس می‌نامیده‌اند و بنیادش را به هرکول، پهلوان افسانه‌ای، باز می‌خوانده‌اند. تازیان به سال ۷۱۲ بر این شهر که در روزگاران پیشین فنقیان، یونانیان، کارتاژیان و رومیان آن را فراچنگ آورده بودند، دست یافتند و آن را اشبیلیه نامیدند. آنگاه که پادشاهان ترسا دیگر بار این شهر را فروستاندند و از چنگ تازیان مسلمان به در آوردند، آن را به نام پیشینش نامیدند. سویل که در اسپانیایی سویا خوانده می‌شد، ریخت فرنگیانه اشبیلیه است. در این شهر کهن و تاریخی، از دوران‌ها و فرهنگ‌های گونه‌گون نمونه‌ها و نشانه‌هایی بر جای مانده است و آن را زیبایی و نژادگی و ارزشی ویژه بخشیده است. از آن است که نویسنده نامدار اسپانیایی در سده شانزدهم و هفدهم، لوپه دوگاکارپیو، سویل را با بابل باستانی سنجیده است و آن را بابل نو نامیده است.

یکشنبه ۲۳ خرداد: امروز بامدادان، پس از خوردن ناشتایی که به شیوه پذیرایی آزاد عرضه می‌شد، به دیدار یکی از دیدنی‌های سویل رفتیم که میدان اسپانیا نام دارد و کانون و دل شهر شمرده می‌آید. این میدان میدانی است فراخ که پیرامون آن را بنایی گرد و بزرگ که آمیزه‌ای از معماری خاورانه و باخترانه را در برابر چشم می‌نهد فرو گرفته است. در فرود دیوارهای این بنا، با کاشی‌کاری، به گونه‌ای دلاویز پنجاه و هشت نقش، به نشانه پنجاه و هشت بوم اسپانیا، نگاشته شده است. این میدان جایی است که نمایشگاه بزرگ ایبریا ـ آمریکایی به سال ۱۹۲۹ در آن برگزار گردیده است.

در گوشه‌ای از این میدان درشکه‌چیانی با اسبانی بی‌تاب و خروشان

سفرنوشت دکتر کزّازی از روزهای بارسلون

در برج خیرالدا

به رده ایستاده‌اند؛ تا جهانگردان گذشته‌گرا و سودایی روزگاران سپری شده را، با درشکه‌هایشان در شهر بگردانند. از دیگر ویژگی‌های میدان اسپانیان زنان کولی است که با سرسختی و پافشاری‌ای که گاه نشان از بی‌آزرمی و گستاخی نیز دارد، می‌خواهند پهنه دست مردمان را ببینند و آینده‌شان را راز بگشایند و بازنمایند.

پسینگاه امروز، به دیدار از کلیسای کاتدرال سویل و برج پرآوازه آن خیرالدا رفتیم. این کلیسای پرشکوه که پس از کاتدرال واتیکان و لندن بزرگ‌ترین کلیسا در جهان ترسایی است، در آغاز مَزگتی بوده است ساخته شده در فرمانروایی الموحدون، جانشینان المرابطون که از سال ۱۱۴۷ تا ۱۲۶۹ بر آفریقای شمالی و نیمی از اسپانیا فرمان می‌راندند. پس از چیرگی ترسایان بر اسپانیای اسلامی، مزگت را ویران کرده‌اند و در جای آن کلیسا را ساخته و برافراخته‌اند. از مزگت کهن، تنها برجی بلند بر جای مانده است که همچون گلدسته مزگت بوده است و از آن چونان برج رصد ستارگان بهره می‌برده‌اند؛ آن را نیز به برج ناقوس کلیسا دیگر کرده‌اند. بر این برج که صد متر بلندا دارد و خیرالدا نام گرفته است با پیمودن پله‌هایی بسیار و مارپیچی و کوتاه می‌توان بررفت و به فرازنایش راه برد؛ چنان می‌نماید که این پله‌ها به گونه‌ای ساخته شده است که بتوان آن‌ها را سوار بر اسب درنوشت و فرا رفت. از آن فرازنا، چشم‌اندازی فراخ و دامن‌گستر از شهر را فراپیش می‌توان داشت. در فرود برج، نوشته‌ای به زبان تازی از امیر موحدی ابویوسف المنصور پیشینه آن را فرایاد می‌آورد و آشکار می‌دارد.

پس از دیدار از برج خیرالدا، در کلیسای بزرگ به گشت و گذار پرداختیم. کلیسا با شکوهی چشمگیر ساخته شده است و بخش‌هایی از آن با زر و گوهر زیب و زیور یافته است. این گوهرها و زرها همان‌هاست که دریانوردان پرتقالی و اسپانیایی که بیش‌تر می‌زیبد که راهزنان دریایی‌شان نامید، از کشورهایی در سرزمین نو ربوده‌اند؛ سرزمینی که کریستف کلمب راه آن را بر آنان گشوده بود. این راهزنان تاراجگر به نام خدا و مسیح و در پناه و راهنمونی کلیسا، فرهنگ‌های درخشان بومی را در آن سرزمین‌ها از میان بردند و مردمان آن‌ها را بی‌دریغ توشه تیغ گردانیدند و خرمن خرمن سیم و زر و گوهر، به بهای خون و آتش و ویرانی و مرگ، به اسپانیا آوردند؛ تا در آراستن کلیسایی چون کلیسای بزرگ سویل از آن بهره برده شود. پاره‌ای از این زرها، در ساختن مهراب مهین به کار رفته است که زیورینه بس سترگ آن با دویست و بیست متر مساحت، به یکبارگی از زر ساخته شده است. بیهوده نیست که به هنگام به درآمدن از کلیسا به اثری شگرف باز می‌خوریم که نگاه دیدارگر را، به ناچار، به خود در می‌کشد و او را در شگفتی فرو می‌برد. این اثر آرامگاه کریستف کلمب است. بر فراز پیکر وی، سکویی برآورده‌اند. بر فراز سکو، تندیسه چهارپادشاه اسپانیایی برافراخته شده است که جامه‌هایی زربفت بر تن دارند و تاج‌ها و گرزن‌هایی گوهرنشان بر سر و تابوت آن دریانورد ماجراجوی را، فروپوشیده در پرنیان‌های نگارین، بر دوش می‌برند. این اثر زیبا را که آرتورو ملیدا، نگارگر اسپانیایی، آن را طراحی کرده است به سال ۱۸۹۹ از کلیسای کاتدرال هاوانا به سویل آورده‌اند.

گذشته از برج خیرالدا، آنچه از مزگت کهن به یادگار مانده است، صحنی است که اینک صومعه کلیسا شمرده می‌شود و به صحن درختان پرتقال آوازه یافته است. آبگیری سنگی از آن گونه که هنوز در مزگت‌های ایران نیز دیده می‌شود، در میانه صحن، یادآور روزگارانی است که نمازگزاران مسلمان پیش از درآمدن به مزگت و گزاردن نماز در آن وضو می‌ساخته‌اند.

از دیگر دیدنی‌های سویل قصرهای شاهانه است که از روزگار فرمانروایی تازیان به یادگار مانده است. نام این بنا، «الکسر» ، ریخت اسپانیایی شده القصر است و در دیگر شهرهای نیمروزین اسپانیا نیز، بناهایی با این نام از روزگاران کهن به یادگار مانده‌اند. بخش‌های نژاده و بنیادین این بنا باروها و دروازه‌ها و دالان‌های آنهاست. از دروازه‌ای که دروازه لئون نامیده می‌شود، به قصرها در می‌آیند. برج‌هایی چند که برج عبدالعزیز، برج سیم و برج زر نامیده می‌شوند از بنای کهن بر جای مانده‌اند. از آن میان، برج زر که اینک دیرینکده (=موزه) دریانوردی شده است، آوازه‌ای بلندتر دارد.

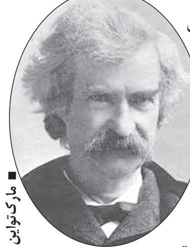
ما، از آن روی که روزی بیش در سویل نمی‌ماندیم نیز از آن روی که معماری این بناها کمابیش همانند الحمراست که دیدار از آن در برنامه گردش‌هایمان گنجانیده شده بود، از قصرهای شاهانه دیدن نکردیم، نیز از بنایی دیگر که سرای پیلاتان نامیده می‌شد و در سده پانزدهم میلادی با شیوه‌ای ویژه در معماری که آمیزه‌ای است از شیوه مسلمانان اسپانیا، گوتی و نوزایی، ساخته شده است.

قلم

حمید مجتهدی

تواین؛ نویسنده‌ای از آمریکا

خرس ناموفق


■ مارک تواین

خیلی جاه‌طلب بودم. تصمیم داشتم آن شب میخم را بکوبم. حرارتی داشتم که به عنوان یک خرس شهرتی به دست آورم و کارهای بیشتری به من رجوع کنند. بدین‌جهت همه چیز خودم را به کار انداختم، آن هم با یک سهل‌انگاری که اتفاقات بزرگی را وعده می‌داد. در چهارگوشه اتاق از یک طرف به طرف دیگر جست و خیز می‌کردم و سندی هم با حرارت تحسینم می‌کرد. روی دو پا راه می‌رفتم و غرغر و خرخر می‌کردم و دندان می‌زدم، روی سرم می‌ایستادم، روی دست معلق می‌زدم و خیلی شل و ول می‌رقصیدم. در حالی که پنجه‌های خود را روی پوزه خیالی گذاشته بودم و این طرف و آن طرف بو می‌کشیدم، تمام حرکاتی را که یک خرس می‌تواند بکند از خود درآوردم، به علاوه بسیاری از کارها که هیچ خرسی نمی‌تواند انجام دهد و هیچ خرس شریفی به هیچ صورتی راضی به انجام دادنش نمی‌شود؛ و البته من هرگز گمان نمی‌بردم هیچ تماشاچی‌ای غیر از ساندی در آنجا باشد. بالاخره وقتی که روی سرم ایستادم و در همان حال مکث کردم تا یک دقیقه استراحت کرده باشم، لحظه‌ای سکوت برقرار شد. بعد ساندی با علاقه هیجان‌زده‌ای به حرف آمد و گفت: سام، تا به حال هرینگ خشک کرده دیده‌ای؟ـ نه، این چه جور چیزی است؟

ـ یک نوع ماهی است.

ـ می‌دانم. ولی منظورت چیست؟ به چیز مخصوصی در این باره برخورده‌ای؟

ـ بله، حتماً اونها اونجا هستن! اونجا دارن از این چیزها می‌خورن!

ناگهان صدای خفه شده خنده زنانه‌ای از پشت پرده به گوش رسید. تمام نیرو از بدنم خارج شد و مثل مناره‌ای که زیرش را کنده باشند از طرف جلو به زمین افتادم و با سنگینی خودم پرده را هم پایین کشیدم، به طوری که خانم‌های جوان در زیر پرده ماندند و از وحشتی که به آنان دست داده بود، یک جفت جیغ گوشخراش کشیدند ـ شاید هم بیشتر؛ من صبر نکردم که آن‌ها را بشمارم. لباس‌های خود را بغل زدم و به طرف دالان تاریکی که در پایین قرار داشت گریختم؛ ساندی هم به دنبالم بود. نیم ساعته لباس پوشیدم و از راه عقب بیرون رفتم. ساندی را قسم دادم که ابداً صدایش را در نیاورد. بعد رفتیم و مخفی شدیم تا وقتی که مهمانی به پایان رسید. غرور و بلندپروازی به کلی از سر من بیرون رفت. بعد از ماجرایی که برایم اتفاق افتاد، دیگر نمی‌توانستم با گروه بازیکنان روبه‌رو شوم، زیرا دو نفر از آنان راز مرا می‌دانستند و در تمام مدت مخفیانه به ریشم می‌خندیدند. دنبالم گشته ولی پیدایم نکرده بودند. رل خرس را آقای جوانی با لباس‌های معمولی بازی کرده بود. بالاخره هنگامی جرئت کردم و به خانه قدم گذاشتم که خانه تاریک بود و همه در خواب بودند. خیلی غمگین بودم و احساس تلخ رسوایی وجودم را فرا گرفته بود. یک تکه کاغذ پیدا کردم که به بالشم سنجاق شده و حامل خطی بود که قلبم را روشن نکرد، بلکه صورتم را سوزاند. خطی بود که آن را بزحمت طوری نوشته بودند که صاحب اصلی‌اش شناخته نشود و آن، این عبارت تمسخرآمیز بود: تو شاید نمی‌توانستی رل خرس را بازی کنی، اما رل آدم برهنه را خیلی خوب بازی کردی؛ اوه خیلی خیلی خوب!

ما فکر می‌کنیم پسرها حیوانات گستاخ و غیرحساسی هستند، اما در همهٔ موارد این طور نیست. من بر اثر آن واقعه، رنجی توأم با بیچارگی تحمل کردم. انتظار داشتم که صبح تمام حقایق مربوط به آن شب، در سراسر دهکده منتشر شود، اما این طور نشد. آن راز بین آن دو دختر و سندی و من محصور ماند. این برای من یک نوع تسکین بود، ولی تا کافی بودن خیلی فاصله داشت ـ رنج اصلی باقی ماند.

اختراع، مادر احتیاج

گرهاردلنسکی: گرهاردلنسکی: فراوانی و رونق جوامع صنعتی این فرصت و امکان را به مردم می‌دهد که آراء و عقاید خود را بی‌پرده بازگو کنند. سیاست‌های آزادمنشانه چنین فرصت‌هایی را تضمین می‌کند.

در نتیجه مسائل اجتماعی در جامعه‌های صنعتی دموکراتیک بسیار بیشتر از هر نوع جامعهٔ دیگر در کانون توجه مردمان قرار می‌گیرد. روشن است که در جامعه‌های صنعتی، زمینه‌های مادی مناسبی نیز برای پاسخگویی به انتظارات مردم وجود دارد. ذخیره اطلاعاتی بسیار نیرومند این جوامع و همچنین تکنولوژیهای پرزورشان، از بسیاری لحاظ نماینده پربارترین تلاشهایی است که بشریت در مبارزه برای زندگی بهتر به عمل آورده است.

هیچ‌گاه در طول تاریخ، گروهی از جامعه‌های بشری تا به این حد، در برابر خطر گرسنگی و قحطی مصون نبوده‌اند.

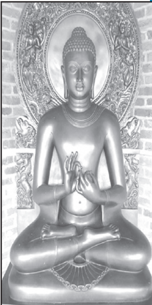
با این همه، جامعه‌های صنعتی امروزین، نه تنها فارغ از مسئله و مشکل نیستند، بلکه با خطر نابودی و فروپاشی مطلق نیز مواجهند اما باید دانست که این مسائل دست کم از یک نظر با دشواریهای گذشته ما تفاوت دارند: مشکلات کنونی ما، بیش از پیش زاییده همین پیشرفت‌هایی است که بدان می‌بالیم. امروزه بیش از هر زمان دیگر، می‌توان این حکمت کهن را که: «احتیاج ما در اختراع است» به طرزی واژگونه مصطلح ساخت و گفت: اختراع ما در احتیاج است! نمونه‌های این نکته را همه جا می‌توان یافت.

موتورهای احتراق داخلی بسیاری از مسائل حمل و نقل را حل کردند، اما خود مسائل آلودگی محیط‌زیست را به بار آوردند. حشره‌کش‌هایی مانند د.د.ت هجوم آفت‌های فاجعه‌انگیز کشتزارها را متوقف ساختند، اما به ورود یک عنصر سرطان‌زا به زنجیرهٔ غذایی انجامیدند. نیروی هسته‌ای امکانات ارزشمندی در برابر خطر پایان یافتن سوخت‌های فسیلی (نفت و گاز و زغال‌سنگ) به بشریت عرضه می‌دارد، اما خود حاوی خطراتی مرگبار است. و تنها تکنولوژی جدید نیست که مسئله می‌آفریند.

گسترش و مصرف بی‌سابقه موادمخدر، سست شدن پیوندهای خانوادگی، دست یازیدن به تاکتیک‌های تروریستی به قصد تحقق اهداف سیاسی یا سازمان بندی‌های دیوان سالارانه نظام‌های اجتماعی که با طرز کار ماشین‌وار و عاری از تفکر خود به مسخ هویت انفرادی و شخصیت‌های اجتماعی اعضای خود می‌انجامند، همه و همه از جمله مسائل جدیدی هستند که در برابر جوامع صنعتی کنونی، قد علم کرده‌اند.

بودیسم و اسلام

ریچارد فولتز: احیای ادبیات زردشتی در قرن نهم، که به شکل واکنشی به گروش‌های همگانی زردشتیان به اسلام در ایران پدید آمد، احتمالاً ارتباط شکل نهادی این دین را با دین‌های ساکنان آسیای مرکزی که هنوز اسلام نیاورده بودند بهبود بخشید. زردشتیان را در آسیای مرکزی، مثل ایران، معمولاً به صورت اجتماع «ذمی» طبقه‌بندی می‌کردند، و در سمرقند اجتماع زردشتی را به جای پرداخت جزیه مسئول حفظ قنات‌ها کرده بودند. از قرن هفتم در منابع چینی اشارات فزاینده‌ای به اجتماعات زردشتی آنجا شده است. ظاهراً خیلی از زردشتی‌ها پس از فتح ایران به دست مسلمانان به‌دنبال پیروز، پسر یَزدگرد سوم، آخرین شاه ساسانی، به شرق جاده‌ی ابریشم گریخته بودند. دربار تانگ در چانگ آن پیروز را به‌عنوان «شاه ایران» خوشامد گفت و او را یکی از سرداران نگهبان شاه کرد. پناهندگان بسیاری همراه با پیروز بودند که به آنان اجازه داده شد آتشکده‌هایی بسازند و در آن‌ها نیایش کنند.



نوشته‌اند که اجتماعات جلای وطن کرده‌ی زردشتی تا دوره مغول در چین شکوفا بودند. آیین زردشت دین دعوت و تبلیغ نیست، و به‌نظر نمی‌رسد که این اجتماعات شامل نوکیشان محلی هم شده باشد، اما به احتمال قوی زردشتیانی را که خاستگاه‌شان آسیای مرکزی بود و نیز پناهندگان و بازرگانان خود ایران را دربرمی‌گیرد. ظاهراً معابد بی‌شمار دوره تانگ در چانگ آن، لویانگ، کای فِنگ، و جاهای دیگر آتشکده زردشتی بوده‌اند. داستان‌های عامیانه چینی از دروه تانگ دلالت به آشنایی جمعیت چینی با چهره بازرگان زردشتی دارد.

به این ترتیب، اگر چه می‌توانیم در باب حضور یک آیین زردشتِ «قانونی» مشخص در شرق ایران در دوره‌های پس از ساسانی چند فرض محدود داشته باشیم، اما تلاش‌هایی که در طبقه‌بندی سرزمین‌های ایرانی نشین سغد و قلمروهای مجاور آن در آسیای مرکزی می‌شود که آن نقاط را خصوصاً در هر دوره‌یی «زردشتی» بدانند توجیه پذیر نیست.

از سوی دیگر، همیشه اعتقاد و عمل دینی ایرانیان آسیای مرکزی در عناصر بسیاری با اعتقاد و عمل ایرانیان اقصای غرب مشترک بوده و این حقیقتی است که تا به امروز معتبر بوده است.

به‌رغم بیزاری خاص مسلمانان از آیین بودا به‌عنوان دین «بت پرستی»، و پست‌تر از دین‌های «صاحب کتاب»، شواهدی دال بربقای این آیین در دوره اسلامی وجود دارد.

زبانزد

«د»

دشمنی بی‌جهت نمی‌شود



* دوزخ به جهان صحبت نااهل بوَد.
* دوزخی هرگز نبیند روی و موی حور عین.
* دوست آن به که بی‌وفا نبوَد.
* دوست آن است که با تو راست گوید نه آن که دروغ تو را راست انگارد.
* دوست آن است که بگریاند و دشمن آن است که بخنداند.
* دوست آن است کو معایب دوست/همچو آیینه روبرو گوید
* دوستان در زندان بکار آیند که بر سر سفره دشمنان همه دوست نمایند.
* دوستان را به گاه سود و زیان/بتوان دید و آزمود و شناخت
* دوستان را دلنوازی کن که جانبازی کنند.
* دوستان وفادار بهتر از خویشند.
* دوست باید چو آینه باشد چو اندرو نگری.
* دوست به دنیا و آخرت نتوان داد.
* دوست خوب بهتر از برادر است.
* دوست دارم که دوست عیب مرا/ همچو آیینه روبرو گوید.
* دوست در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم.
* دوست را از دریچهٔ دل باید دید.
* دوست را چیست بهْ ز دیدن دوست.
* دوست را زود دشمن توان کرد، اما دشمن را دوست گردانیدن دشوار بوَد.
* دوست گو یار شو و هر دو جهان دشمن باش.
* دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را.
* دوست مرا یاد کند با یک هل پوچ!
* دوست نادان بَتَر ز صد دشمن.
* دوست نباید ز دوست در گله باشد.
* دوست و سکّه هر دو کهنه‌اش خوب است.
* دوست همه کس دوست هیچ کس نیست.
* دوستی ابله بَتَر از دشمنی است.
* دوستی اهل صفا، چه در روی چه در قفا.
* دوستی با مردم دانا نکوست.
* دوستی با هر که کردم خصم مادر زاد شد.
* دوستی به جا، بُزغاله یکی هفتصد دینار.
* دوستی به دوستی، جو بیار زردآلو ببر!
* دوستی به زور و مهمانی به تکلّف نمی‌شود.
* دوستی بی‌جهت می‌شود، دشمنی بی‌جهت نمی‌شود.
* دوستی جاهل به دوستی خرس مانَد.
* دوستی جاهل دوستی خاله خرسه است.
* دوستی خدا را در بی‌آزاری شناس.
* دوستی دوستان کیسه و کاسه را بقایی نباشد.
* دوستی دوستی از سرت می‌کَنَند پوستی!
* دوستی دوستی آرَد.
* دوستی را که به عمری فرا چنگ آرند، نشاید که به یک دم بیازارند.
* دوستی را هزار شخص کم است
دشمنی را یکی بوَد بسیار
* دوستی کن که محبت ز محبت خیزد.
* دوشمشیر در نیامی نگنجد.
* دوشیزه جفت جوان بایدش.
* دو صاحب را پرستش کردن نتوان.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۱۲ تیر ۱۳۵۲، (برابر با ۲ جمادی‌الثانی ۱۳۹۳، ۳ ژوئیه ۱۹۷۳) نقل شده است.

تغییر نرخ خدمات درمانی برای کارمندان دولت

در نــرخ اتاق‌های بیمارســتانها و تعرفــه خدمات درمانی بیمارستان‌های خصوصی برای کارمندان دولت و کسانیکه از دفترچه تأمین درمان استفاده می کنند تجدیدنظر بعمل خواهد آمد.

دکتر نیلی آرام مدیرعامل ســازمان بیمــه کارمندان دولت ضمن اعلام این مطلب افزود پس از تشــکیل ســازمان تأمین درمان کشور که اساسنامه آن هم‌اکنون در سو کمیسیون بهداری مجلس شورایملی مطرح میباشد ضوابط جدیدی برای تعیین ارزش خدمات درمانی و نرخ تخت اتاق بیمارســتانها و اتاق عمــل و دیگر خدمات از طرف شــورایعالی فنی بیمه درمانی تعیین خواهد شد.

بطوریکه خبرنگار ما گــزارش میدهد در حال حاضر نرخ فعلی تخت بیمارســتانی برای کارکنان و آموزش و پرورش و آن دســته از کارمندان دولت که از دفترچه تأمین بیمه درمانی استفاده میکنند در بیمارســتانهای مختلف خصوصی از ۵۰۰ ریال تا ۷۰۰ ریال میباشــد که از این مبلغ ۸۰ درصد را سازمان بیمه کارمندان دولت و ۲۰ درصد بقیه را بیمه شده میپردازد.

برای خرید سهام کارخانه‌ها به مردم وام داده میشود

بموجب پیشــنهادی که دیروز به تصویب مجمع عمومی بانک اعتبارات صنعتی رســید مــردم میتواننــد در این بانک حساب پس‌انداز باز کنند و پس از مدتی معین و پس‌اندازیکه حداقل آن تعیین خواهد شد با اخذ وام از بانک به خرید سهام کارخانه‌های صنعتی اقدام کنند.

این اولین بانکی است که در ایران برای خرید سهام به کمک مردم میشــتابد و در حقیقت سیســتمی نظیر پس‌انداز مسکن بانک رهنی ایران و یا بانک رفاه کارگران را در مورد خرید سهام واحدهای صنعتی پیاده خواهد کرد. نحوه و شرایط اجرای این طرح براســاس آئین‌نامه خاصی خواهد بود که توســط بانک اعتبارات صنعتی تهیه خواهد شــد و پس از تصویب باطلاع عموم خواهد رسید.

مجمع عمومی دیروز بانک اعتبارات صنعتی اولین مجمعی بود که پس از تغییرات سازمانی، سازمان برنامه و طبیعتاً اثراتی که این تغییرات در وضع بانک داشت تشکیل میشد.

در این جلســه اساسنامه جدید بانک و ترازنامه سال ۱۳۵۱ بتصویب رسید. براســاس ارقام ترازنامه، بانک مذکور در سال گذشته حدود ۳۸ میلیون تومان سود ویژه نشان داد که این رقم از نظر اعضاء مجمع، چشمگیر بود.

کارگران خیاطی در سود کارگاه سهیم شدند

ســخنگوی وزارت کار و امــور اجتماعــی گفت بمنظور سهیم‌کردن کارگران صنف خیاط در منافع کارگاه‌ها جلسه‌ای با شــرکت اعضای اتحادیه صنف دوزنده تهران، مسئولان و کارشناسان اداره کل سهیم کردن وزارت کار و امور اجتماعی تشکیل شد.

در این جلســه پس از بحث و تبادل‌نظر پیمان دسته‌جمعی منعقد گردید که ۲۰۰۰۰ نفر از کارگران خیاط را شامل می‌شود بر طبق پیمان مزبور کارگران دوزنده باتوجه به اجرت دریافتی بابت دوخت یک دســت کت و شــلوار حداقل ۳۰ و حداکثر ۲۰۰ ریال به تناسب دستمزد دریافتی به عنوان حق‌السهم سود کارگاه دریافت خواهند داشت.

خط اتوبوسرانی تندرو و کمربندی در شمال و جنوب تهران دائر میشود

ســاختمان گذرگاه، خریــد اتوبوس‌های جدیــد و ایجاد توقفگاه برای اتوبوس‌ها در داخــل تهران از طرح‌های بزرگ شــهرداری است و این ســازمان از محل وام دریافتی درصدد اجرای این طرح برخواهد آمد.

پیش از آغاز عملیات ســاختمان متــرو در تهران آزادکردن خط حرکت برای اتوبــوس در خیابان‌ها یکبــار دیگر مطرح گردیده و کارشناسان نظر داده‌اند که در صورت ایجاد خطوط اتوبوســرانی تندرو و کمربندی و اختصاص خطی در خیابان برای اتوبوس‌ها، اتوبوسرانی تهران از حالت درجا زدن خارج شده و تحرک پیدا خواهد کرد.

شــهرداری در نظــر دارد بجای توقفگاه‌های خارج شــهر اتوبوس‌هــا را در توقفگاه‌های داخل تهران که در ابتدا و انتهای خطوط دایر خواهد شد متوقف نمایند.

شــهرداری همچنین درنظــر دارد با احداث گــذرگاه در چهارراه‌ها و اختصاص یکی از خطوط حرکت در معابر برای اتوبوس، خطوط کمربندی منحنی و تندرو در شمال و جنوب تهران تأسیس کرده و مســافران این خطوط را با سرویس‌های متقاطع به داخل و مرکز شهر منتقل نماید.

قاب امروز

جزیره ای دور افتاده در جورجیای آمریکا/ منبع: Msnbc

داستان کوتاه

حسادت

زن و شوهری به هنگام گذراندن تعطیلات خود در ایالت <مین> آمریکا برای تماشای قایق هایی که از صید ماهی و خرچنگ باز می گشتند، به بندرگاه رفتند.

یکی از قایق ها در نزدیکی آنها پهلو گرفت و قایقرانان سطل های پر از خرچنگ را که تازه به دام انداخته بودند، از قایق تخلیه کردند. زن با مشاهده خیل خرچنگ هایی که در داخل سطل به این طرف و آن طرف می دویدند به وجد آمد.

او متوجه شد به محض اینکه یکی از خرچنگ ها شروع به بالا رفتن از دیواره سطل می کند، خرچنگ های دیگر بی درنگ آن را پایین می کشند و خرچنگ دوباره می تواند خود را از سطل بیرون بکشد به شرطی که خرچنگ های دیگر آن را مجددا پایین نکشند. شــکی نیست که از این حرکت خرچــنگ ها می توان به اثرات نیرومند حسادت و طبیعت انسان ها نیز پی برد برخی از ما انسان ها به محض مشاهده این که کسی با عزم راسخ درصدد بالا کشیدن خود است، بی درنگ دست به کار می شویم و با نیروی بازدارنده خود او را در یک چشم به هم زدن پایین می کشیم. این در حالی است که باید در جهت ارتقاء و پشتیبانی همدیگر کوشا باشیم. این گونه نیست؟

از وبلاگ داستان های کوتاه

سُرایه

نه ســیب نــه گندم اســت بین مــن و تو
بین مــن و تو گم اســت بیــن من و تو
این عشــق کــه دیگــران از او می گویند
یک ســوء تفاهم اســت بین مــن و تو

جلیل صفربیگی

پند بزرگان

● اندیشــه و تفکر پشــتوانه‌ای بزرگ در سراسر حیات بشر است و انسان بی اندیشه و تفکر به ماده‌ای بی روح می ماند.
پاسکال

● تمام پیشــرفت های عالمگیر خــود را مدیــون تــفکر منظم و یادداشت برداری دقیق هستم.
ادیسون

● فکر کردن، سخت ترین کار بشر است.
اینشتین

● الماس را جز در قعر زمین نمی توان یافت و حقایق را جز در اعماق فکر نمی توان کشف کرد.
ویکتورهوگو

امروز در تاریخ

توطئه آتنی ها بر ضد ایران در مصر

سوم ژوئیه سال ٤٦٠ پیش از میلاد، آتنی ها که چشم طمع به ثروت مصر دوخته بودند ناوگانی را روانه این کشــور کردند تا مصریان را بر ضد ایرانیان بشورانند. ایران نیروی قابل ملاحظه‌ای در مصر مستقر کرده بود و همین نیروی عظیم مانع پیروز شدن توطئه آتنی ها شد.

آتنی ها چهار سال بعد (٤٥٤ پیش از میلاد) و سپس در سال ٤٢٥ پیش از میلاد دو بار دیگر با همان هدف به مصر رخنه کردند و هر دوبار به دلیل احضار برخی نیروهای ایرانی به خاک اصلی وطن تا حدی موفق به تحریک مصریان و شورش آنان شدند که هر دوبار این شورش ها سرکوب شــد و بار آخر آتنی از سوی ایران به مصر ممنوع الورود شدند. در دوران هخامنشیان، مصر ١٢٠ سال و چند ماه یکی از استان های ایران بشمار می رفت.

ناسیونالیسم ایرانی عامل اقتدار ساسانیان

سوم ژوئیه سال ٣٢٤ میلادی، کنستانتین امپراتور روم که برای سرکوبی رقیبان رومی خود به بیزانتیوم لشکر کشیده بود تصمیم گرفت در اینجا و نه چندان دور از محل شهر «تروا» شهری به نام خود بسازد تا به امپراتوری ایران نزدیک باشد و اخبار مربوط به تحرکات ساسانیان را سریعتر دریافت کند و تصمیمات مربوط به خنثی کردن این تحرکات در شهر تازه ساز که یکی از دو پایتخت روم [پایتخت شرقی] خواهد بود گرفته شود.

وی پــس از نابود ســاختن «لی ســینیوس» رقیب خود و هوادارانش، ٢٥ ژوئیه ســال بعد (٣٢٥ میلادی) دستور ساختن قسطنطنیه (شهر کنستانتین - اســتانبول امروز) را صادر کرد که پــس از تجزیه امپراتوری روم به صورت پایتخت روم شــرقی باقی ماند. اقدام کنســتانتین به ساختن این شهر باعث تشدید معارضــات دو ابر قدرت زمان - ایران و روم - شــد که تا ســال ٦٢٨ میلادی ادامه یافت و سرانجام هر دو امپراتوری را تضعیف و به عمر شــان پایان داد. «نورویــچ» در تالیف خود «بیزانتیوم» در این زمینه نوشته است: در طول هشت قرن (دوران اشکانیان و ساســانیان)، امپراتوری غول آســای ایران تهدید عمده برای امپراتوری روم بود. ایران از گرجستان تا غرب فرات و شرق رود سند تا فلات پامیر (مرز شرقی تاجیکستان) وسعت داشت و این دو امپراتوری بدون وقفه بر سر سوریه و فلسطین و شمال غربی آسیای صغیر و گهگاه ارمنســتان در حال جنگ و جدال بودند و در این جنگها که تا ســال ٦٢٨ میلادی ادامه داشــت پیروزی با ایرانیان بود که ناسیونالیسم ایرانی به دولت ساسانیان اقتدار ویژه داده بود. رومیان در آغاز ظهور این ناسیونالیسم، آن را دست کم گرفته بودند که شکست های نظامی شــان از اردشیر پاپکان و پسرش شاپور آنان را متوجه «واقعیت امر» کرد.

بنای شهر کوبک در کانادا

سوم ژوئیه ســال ١٦٠٨، ساموئل دو شــامپلین جغرافیدان فرانســوی در چهل و یکمین زادروز خود بنای شهر «کبک» را در کانادا آغاز کرد که این منطقه بعداً به «فرانسه نو» معروف شد. این شــهر اینک مرکز ایالت فرانسوی زبان کوبک کنفدراسیون کانادا است. ساکنان این ایالت از زمانی که شارل دوگل خطاب به آنان فریاد کشید «زنده باد کوبک مستقل» تاکنون دو بار به طریق دمکراتیک (رای گیری) تلاش کرده اند تا از کنفدراسیون کانادا جدا شوند.

www.iranianshistoryonthisday.com

سـودوکـو ۸۱۷

		۹					۸	
				۷		۲	۱	۴
		۴	۳					
۹		۷			۲		۳	۸
۱			۹		۸			۷
۴	۶		۷			۹		۲
					۷	۶		
۷	۳	۲		۹				
	۴					۷		

حل جدول ۸۱۶

۵	۹	۳	۱	۶	۷	۴	۲	۸
۴	۲	۸	۵	۹	۳	۱	۶	۷
۱	۶	۷	۴	۲	۸	۵	۹	۳
۳	۵	۹	۷	۸	۱	۶	۴	۲
۶	۱	۴	۳	۵	۲	۷	۸	۹
۷	۸	۲	۹	۴	۶	۳	۵	۱
۲	۳	۵	۶	۷	۹	۸	۱	۴
۹	۴	۱	۸	۳	۵	۲	۷	۶
۸	۷	۶	۲	۱	۴	۹	۳	۵

جـدول شـرح در مـتـن ۳۳۳۰

غلامحسین باغبان

	چیز / داخل شدن	ب	اثر الکساندر دوما / محکم و مطمئن	و	پیوند		میوه نکو / بوی کهنگی		اصطکاک / شایع شدن	بی‌پرده و صریح	وراج و پرحرف
					از رنگها / مجهز و منظم						پ
						جوینده بدبختی / جنگ و پیکار					پسوند نوشابه‌ای / آرام خودمانی
نوعی نجات بیمار							مقابل قاعده / جواب سربالا				
				نصیب / کرجی و قایق				صدای آهنگین			ورم خودمانی / کویر مرکزی
			ذات و فطرت / آسودگی					تنگه جنوبی / نابود			
		پسوند اسامی بلغاری / سلام ادبی					قاضی ورزشی / جانشینان				بازدید سپاه / دیندار
س	عامل سلامتی					نردباز ماهر / فهرست					
					رود مرکز ایران / جاده						نماینده سیاسی / همسر مرد
				سورهٔ رایزنی / درنوردیدن					لاستیک ماشین / شیره انگور یا خرما		
			سارق					گستردنی، فرش			
		سنگریزه					فراهم				گام / مهمانخانه

حل جدول ۳۳۲۹

د	عبرت و پند / شهر زعفران	پ	ستون بدن / گاز	ب	جانشین / طرز رفتار	یار دشت	د	ح	کار افتخار آفرین / کنایه از تعلل	بازیگر سریال / پایتخت	پیشوای پنجم
ر	ق	ا	ب	د	م	ح	م	م	أ	م	ا
س	ا	سنگ آسیاب / مردم قرآنی	خ	ی	ش	مرشد / خط سیر سیارات	ن	ا	م	ح	ر
اصطلاح جامعه شناسی	ی	ن	ا	ل	ی	م	کارگردان سوپر استار	س	ا	س	از صفات خدا / حشره خونخوار
ت	ن	ا	ر	امتیاز ویژه	کیف سفری	د	ی	ه	ا	ن	سیاره زهره / جامه صاف کن
ق	ا	س	قسمتی از پا / معطر و خوشبو	ن	س	ا	ر	زنجبیل شامی / خدا به زبان عبری	و	ت	ا
س	ت	ترس توخالی / پدر از دست داده	ب	ه	ا	ر	پارسای دیرنشین / آغاز شده	ی	ر	ن	ه
ی	همراه عروس	ی	و	ر	ک	شکل سیاره زمین / ورزش چوبدستی	م	ه	د	ا	منسوب به هنر / اسب سیاه
م	ی	ت	ی	و	رودی در روسیه / نوعی پخت برنج	ه	ب	و	ن	ب	ت
ک	ن	ی	ا	اکنون / طریق کوتاه	ک	ا	ت	ه	حرف انگلیسی	ن	مالاریا
ا	گ	م	پیشوندی معادل یک میلیون	ز	ت	ک	د	پزشک	أ	د	ج
ر	ه	شامل همه	ا	ه	ه	ی	ا	س	م	ه	سوا / کتاب احمد محمود